



پرویش نامه سید مرتضی ۱۸۱

تجلی دیدگاه های سید مرتضی در پایان نامه ها

جلد دوم

محمد قنبری

نگارنده: محمد قنبری، دانشیار و مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی



تجلی دیدگاه های سید مرتضیٰ در پایان نامه ها



جلد دوم

محمد قنبری

پروپوزیشن نامه سید مرتضیٰ / ۱۸



سرشناسه:	قبري، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	تجلی دیدگاه‌های سید مرتضی در پایان‌نامه‌ها/ محمد قبری، مرکز همایش‌های علمی و پژوهش‌های آزاد دارالحدیث، ویراسته محمد مهدی خوش‌قلب.
مشخصات نشر:	مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	ج.
فروست:	پژوهش‌نامه سید مرتضی، ۱۸۰.
شابک:	ج ۲، ۶-۰۵۰۵-۰۶-۰۴۶۷-۷، دوره: ۹۷۸-۶۰۰۰۶-۰۴۶۷-۷، ۹۷۸-۶۰۰۰۶-۰۴۶۷-۷.
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
موضوع:	سید مرتضی، علی بن حسین، ۳۵۵ - ۴۳۶ ق. -- نقد و تفسیر -- پایان‌نامه‌ها.
موضوع:	مجنه‌دان و علما -- عراق -- پایان‌نامه‌ها.
موضوع:	مجنه‌دان و علما -- عراق -- نقد و تفسیر.
موضوع:	مجنه‌دان و علما -- عراق -- تحقیق.
موضوع:	سیمه -- عقاید -- قرن ۴-۵ ق. -- تحقیق.
شناسه افزوده:	بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
رده‌بندی دی‌وجی:	۲۹۷/۹۹۸.
رده‌بندی کنگره:	HP ۵۵/۳.
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۷۲۷۳۱۸۸.



کنگره بین‌المللی بزرگداشت هزاره سید مرتضی - پژوهش‌نامه سید مرتضی/ ۱۸

تجلی دیدگاه‌های سید مرتضی در پایان‌نامه‌ها (جلد دوم)

محمد قبری

بازبینی و ویرایش: محمد مهدی خوش‌قلب

نمونه خوانی: محمد صادق خوش‌قلب

خطاطی عنوان: حسن فرزندگان

حروف نگاری: زهرا مفید

صفحه‌آرایی: سید علی موسوی‌کیا

طراحی جلد: نیما نقوی

چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۴۰۰ نسخه، وزیری / بها: ۶۱۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهش‌های اسلامی: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۸۰۳

مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، قم: صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۸۱۶

تلفن مرکز فروش مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۴۵

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

ادامه بخش سوم
پایان نامه های کلامی

(۱۰۱)

مبانی هدایت و ضلالت از دیدگاه سید مرتضی علم الهدی علیه السلام
و فخر الدین رازی، امام المشککین

تقی ایزدجو

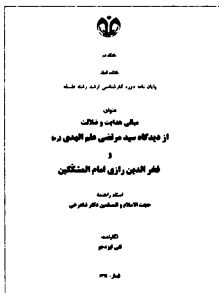
پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشکده
الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم
استاد راهنما: دکتر سید احمد رضا شاهرخ،

سال ۱۳۹۴

دسته‌ای از آیات قرآن، هدایت و ضلالت را به
طور مستقیم به خدا نسبت می‌دهند، به گونه‌ای که
گویا انسان هیچ نقشی در هدایت و گمراهی
خویش ندارد. دسته دیگری از آیات، انسان را
مسئول اعمال خویش می‌شناسند و در برابر اعمال

نیک، به او وعده پاداش می‌دهند، و در برابر اعمال زشت، از مجازات او خبر می‌دهند. آنچه
بر دشواری محل بحث می‌افزاید، این است که دو واژه «هدایت» و «ضلالت» با مباحث
مهم دیگری از قبیل «جبر» و «اختیار»، در ارتباط هستند و همین امر سبب به وجود آمدن
دیدگاه‌های متفاوت در بین دانشمندان مسلمان شده است. از جمله این دانشمندان، سید
مرتضی علم الهدی، از دانشمندان امامیه و صاحب نظر در تفسیر و کلام اسلامی، و فخر
رازی از عالمان و مفسران اهل سنت است.

بررسی مبانی هدایت و ضلالت از دیدگاه این دو دانشمند مسلمان که به دو حوزه



فکری متفاوت تعلق دارند، از اهمیت خاصی برخوردار است. فخر رازی به عنوان مفسری مشهور و صاحب‌نظر در حوزه کلام اسلامی، دیدگاه خود درباره هدایت و ضلالت را بر توحید افعالی مبتنی می‌کند. در مقابل، سید مرتضی علم الهدی از توحید افعالی، معنایی اراده می‌کند که متفاوت با معنای مورد نظر فخر رازی است. او پاسخ‌های مفصلی در رد معنای مورد نظر فخر رازی از توحید افعالی داده است.

در تعریف هدایت و ضلالت، بین سید مرتضی علم الهدی و فخر رازی اختلاف نظر است؛ زیرا هدایت به معنای پاداش دادن و نجات و رستگاری، مورد قبول سید مرتضی است، در حالی که فخر الدین رازی، هدایت را فقط به معنای راهنمایی دانسته است. سید مرتضی معنای اصلی ضلالت را عدول می‌داند. از نظر او هر کس از چیزی عدول کند، نسبت به آن گمراه شده است. همچنین فخر رازی یکی از معانی هدایت و ضلالت را خلق هدایت و ضلالت دانسته است.

هدایت در نظر سید مرتضی علم الهدی، به معنای «راهنمایی» ای است که شامل همه انسان‌هاست و «پاداش و رستگاری» ای که اختصاص به مؤمنان دارد. دلالت و بیان، دعوت به راه حق، هدایت پاداشی، و هدایت به سوی بهشت، انواعی از هدایت‌های قرآنی‌اند که فخر رازی با استناد به آیاتی از قرآن، آن‌ها را برمی‌شمرد. او انواع دیگری از هدایت را ذکر می‌کند که آن را به جبرگرایان نسبت می‌دهد و نام آن را «خلق هدایت» می‌نامد.

در قرآن کریم، در کنار واژه هدایت و ضلالت، واژه «اضلال» نیز آمده است که علاوه بر آن که به عواملی مانند شیطان، فرعون، سامری و... نسبت داده شده، به خداوند هم اسناد داده شده است. دیدگاه فخر رازی درباره اسناد اضلال به خداوند این است که اکت بر این اجماع دارند که اضلال بر خداوند روا نیست؛ زیرا خداوند از کفر و گمراهی نهی کرده و به مرتکب آن وعده عقاب داده است. از این رو، اهل جبر و تقویض، چنین اسنادی به خداوند را تأویل نموده‌اند. فخر رازی به اضلال کیفری خداوند اعتقاد دارد و می‌نویسد: «خداوند آن‌ها را از کرامت خود دور می‌کند و از رسیدن به ثواب و پاداش بازمی‌دارد».

سید مرتضی از دو نوع اضلال در قرآن به نام‌های «اضلال ابتدایی» و «اضلال کیفری» نام می‌برد. اضلال ابتدایی زمینه‌سازی برای کفر و فسق و گمراهی است که منتسب به

ابلیس، فرعون، سامری و سایر مجرمان دانسته شده و شواهدی از آیات قرآن کریم هم دارد. انسان با انجام اعمالی چون ظلم، فسق و کفر، محرومیت خویش را از هدایت خاص الهی فراهم می‌کند و این همان چیزی است که اضلال کیفری نامیده می‌شود. به این ترتیب سید مرتضی اسناد اضلال ابتدایی به خدا را نفی می‌کند و تمام موارد اسناد اضلال به خداوند در قرآن را از نوع اضلال کیفری که نتیجه اعمال زشت انسان است، تلقی می‌کند.

عوامل هدایت در قرآن، به بیرونی و درونی تقسیم می‌شود: خداوند، پیامبران الهی، کتاب‌های آسمانی، پیشوایان معصوم و کعبه، از عوامل بیرونی هدایت هستند. اطاعت از خدا و پیامبرانش، ایمان و عمل صالح، اعتصام به حبل الهی، صبر در برابر مصیبت‌ها، توبه به درگاه الهی، جهاد و کوشش در راه خدا و پیروی از بهترین سخنان، از اسباب درونی هدایت هستند. عوامل ضلالت در قرآن را نیز می‌توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی تقسیم کرد: شیطان، فرعون، مجرمان، بت‌ها، رهبران منحرف و سامری، از عوامل بیرونی گمراهی هستند. قرآن عوامل درونی ضلالت را که زمینه‌ساز گرفتاری انسان در گمراهی و دور شدن از وادی هدایت است، افعال و اعمالی می‌داند که در صورت ارتکاب به آن‌ها، انسان دچار گمراهی و ضلالت می‌شود. دوستی با دشمنان خدا و نافرمانی از او و پیامبر اکرم ﷺ، شرک و انکار خدا و فرشتگان و پیامبران و کتاب‌های آسمانی و روز قیامت و بازداشتن دیگران از راه خدا، از جمله عوامل درونی ضلالت هستند.

سید مرتضی علم الهدی هدایت ابتدایی را متعلق به همه انسان‌ها، و هدایت پاداشی را مختص افراد مؤمنی می‌داند که اعمال صالح انجام داده‌اند. فخرالدین رازی ضمن برشمردن انواعی از هدایت، از خلق هدایت به این معنا که خداوند هر کسی را که بخواهد هدایت می‌کند و هر کسی را نخواهد از هدایت محروم می‌سازد، یاد می‌کند.

در بحث اضلال، سید مرتضی علم الهدی ضمن تقسیم اضلال به ابتدایی و کیفری، عامل اضلال ابتدایی را شیطان و مجرمان، و اضلال کیفری را نتیجه اعمال زشت انسان‌ها می‌داند. او همه موارد اسناد اضلال به خداوند را در قرآن به معنای اضلال کیفری می‌داند که در اثر کفر، ظلم و فسق افراد نصیب آن‌ها می‌گردد.

فخر رازی، اضلال ابتدایی و کیفری را به خدا اسناد می‌دهد. او اضلال ابتدایی را به

معنای خلق ضلالت در برخی افراد می‌داند و معتقد است چون خداوند «خالق کل شیء» است، پس خالق هدایت و ضلالت هم اوست. در نقد دیدگاه فخر الدین رازی می‌توان گفت که اگر خداوند خالق هدایت و ضلالت در انسان‌ها باشد و انسان نقشی در هدایت و ضلالت خود نداشته باشد، ارسال رسل، انزال کتب، پاداش و عقاب، بیهوده خواهد بود. واضح است که چنین دیدگاهی در نزد هر موحدی غیر قابل قبول است. افزون بر این، دیدگاه فخر رازی با بسیاری از آیات قرآن که اعمال انسان‌ها را به خودشان نسبت داده و آن‌ها را مسئول اعمال خویش دانسته، ناسازگار است.

سید مرتضی هدایت را به ابتدایی و پاداشی تقسیم می‌کند و هر دو را به خداوند نسبت می‌دهد. او اضلال را به دو قسم ابتدایی و کیفری تقسیم می‌نماید و فقط اضلال کیفری را قابل اسناد به خدا می‌داند؛ به این معنا که برخی بندگان در اثر ظلم و کفر، از هدایت پاداشی محروم می‌شوند.

فخر رازی یکی از انواع هدایت را خلق هدایت در انسان توسط خداوند قرار می‌دهد؛ به این معنا که خداوند در هر کسی بخواهد، هدایت را خلق می‌کند. وی اسناد اضلال به خداوند را خلق ضلال و کفر در انسان‌ها می‌داند.

این دو اندیشمند در مبنای هدایت و ضلالت که توحید افعالی است، اشتراک نظر دارند؛ اما در تفسیر و معنایی که برای این مبنا ارائه می‌دهند، اختلاف نظر اساسی دارند و همین سبب شده که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر داشته باشند.

فخر رازی تفسیری از توحید افعالی ارائه می‌دهد که نتیجه آن سلب علّیت و سببیت از غیر خدا و استناد همه امور عالم به طور مستقیم به خداوند است؛ به طوری که پذیرش هر گونه فاعلی جز خدا را مساوی شرک شمرده است.

فخر رازی قاعده «الواحد لا یصدر منه آلا الواحد» را مردود می‌شمرد و استناد همه ممکنات را به خداوند جایز می‌داند. وی دیدگاه صحیح را در استناد همه ممکنات به خداوند می‌داند. به این ترتیب، هیچ وجودی غیر از خدا در عالم تأثیری ندارد و همه امور به طور مستقیم مستند به خداوند است.

نویسنده در پایان تحقیق، چنین نتیجه گرفته است:

۱. هدایت در لغت به معنای راهنمایی به سوی هدف است، و ضلالت به معنای گمراه شدن و دور شدن از مقصد است.

۲. در قرآن کریم، اضلال به امثال فرعون و شیطان و سامری نسبت داده شده و در برخی موارد، به خداوند هم نسبت اضلال داده شده است که معنای این دو اضلال با یکدیگر متفاوت است.

۳. هدایت الهی به دو گونه است: الف. ابتدایی: یعنی فراهم کردن زمینه رشد و تعالی برای همه انسان ها اعم از مؤمن و کافر؛ ب. پاداشی: این هدایت فقط مخصوص مؤمنانی است که از هدایت ابتدایی بهره برده و راه ایمان و عمل صالح را پیموده باشند.

۴. اضلال به دو گونه ابتدایی و کیفری است و اضلال شیطان و فرعون، ابتدایی، و اضلال خداوند، کیفری و ویژه ظالمان و گنه کاران و امثال آنهاست.

۵. هدایت، عوامل درونی و بیرونی دارد که از جمله عوامل درونی آن، ایمان و عمل صالح و از جمله عوامل بیرونی آن، پیامبران و کتب آسمانی است.

۶. ضلالت هم عوامل درونی و بیرونی دارد که از جمله عوامل درونی آن، کفر و ظلم و ستم است و از جمله عوامل بیرونی آن، شیطان و بزرگان قوم شمرده شده است.

۷. فخر رازی به اضلال ابتدایی خداوند معتقد است؛ ولی سید مرتضی این دیدگاه را نمی پذیرد و اضلال را فقط کیفری می داند.

۸. فخر رازی که اشعری مسلک و جبرگرا است، برای انسان، اختیاری در برابر خداوند قائل نیست و دنیا را سراسر جبر می داند و حتی صدور افعال اختیاری انسان را مشمول این قاعده می شمارد؛ ولی سید مرتضی که عالمی امامی است، برای انسان، اراده و اختیار قائل است و جبر را خلاف عدل الهی می داند.

۹. اشاعره که اعتقاد به جبر را در منافات با ارسال رسل و انزال کتب می دیدند و پاداش دادن نیکوکاران و کیفر بدکاران را با اعتقاد خود در تضاد می یافتند، نظریه «کسب» را طرح کردند و تفاسیری از آن ارائه نمودند؛ ولی هیچ کدام نتوانست پاسخگوی ایرادات وارده بر آنها باشد.

۱۰. فخر رازی که نظریه کسب را وافی به پاسخ شبهات مخالفان نیافته بود، نظریه «داعی» را طرح نمود که آن هم نتوانست راه حل مناسبی برای اشکالات نظریه جبر باشد.

۱۱. فخر رازی که اعتقاد دارد هدایت و ضلالت و ایمان و کفر انسان‌ها در اختیار خود آن‌ها نیست، برای دیدگاه خود چهار مبنا ذکر کرده که عبارت‌اند از:

الف. تفسیری که از توحید افعالی یا توحید در خالقیت ارانه می‌کند.

ب. علم پیشین الهی که شامل همه امور، از جمله افعال انسان‌ها می‌شود و آن را تخلف‌ناپذیر می‌داند.

ج. قدرت مطلقه الهی که مافوق همه قدرت‌هاست و همه قدرت‌ها مقهور او هستند.

د. اراده قاهره الهی که هر آنچه خداوند اراده کند، واقع می‌شود و هیچ اراده‌ای در برابر او تاب مقاومت ندارد.

۱۲. سید مرتضی، گرچه به توحید افعالی و علم پیشین و قدرت مطلق و اراده قاهره الهی اعتقاد دارد، لکن تفسیری که از آن‌ها ارانه می‌دهد با فخر رازی متفاوت است. وی برای جهان هستی، خالق بالاستقلال جز خدا نمی‌پذیرد و علم پیشین الهی را به همه امور عالم، آن‌گونه که واقع می‌شوند می‌داند. لذا صدور افعال انسان همراه با اختیار را مورد تعلق علم خدا می‌داند و در باب قدرت الهی نیز اعتقاد دارد قدرت بشر در طول قدرت الهی است، نه عرض آن.

درباره اراده الهی نیز آن را به دو قسم تکوینی و تشریعی تقسیم می‌کند و اراده تکوینی الهی را تخلف‌ناپذیر می‌داند؛ ولی اراده تشریعی او را که همان امر و نهی نسبت به بندگان است، تخلف‌پذیر می‌داند و مخالفت با آن را مقهور نمودن اراده الهی نمی‌داند. در نتیجه می‌توان گفت خداوند هدایت تکوینی و تشریعی و ابتدایی و پاداشی دارد و در همه این‌ها دانشمندان اسلامی اشتراک نظر دارند و در طرف مقابل، خداوند اضلال ابتدایی ندارد و اضلالی که در قرآن به خداوند نسبت داده شده، فقط کیفری است و مخصوص افرادی است که از دستورهای او سرپیچی کرده و راه کفر و ظلم و فساد را پیموده باشند. در نتیجه، گرفتار اضلال کیفری می‌شوند؛ به این معنا که از هدایت پاداشی محروم می‌گردند.

مجزّد و مادی بودن نفس از منظر سید مرتضی و خواجه نصیرالدین طوسی
و علامه طباطبایی

سید محمود بنی جمالی

رساله سطح سه حوزه علمیه قم

استاد راهنما: دکتر رضاپور

استاد مشاور: دکتر فیروزجایی

مباحث نفس را از دو دیدگاه می توان بررسی کرد:
یکی از دیدگاه معرفت شناسی است که در آن
مسائلی از قبیل امکان شناخت نفس، کیفیت این
شناخت، انواع شناخت نفس و ارتباط آن با دیگر
شناخت های بشری بررسی می شود، و دیگری از
دیدگاه وجودشناختی است که در آن نفس به عنوان
یک موضوع عینی و مستقل از بدن تصوّر می شود

و خصوصیات و ویژگی های آن مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد.

در این رساله به بررسی آراء و نظرات سه تن از بزرگان عالم تشیع پرداخته شده است؛ به
این صورت که سید مرتضی، نماینده متکلمان، و خواجه نصیر، نماینده مکتب مشاء، و
علامه طباطبایی هم به عنوان نماینده حکمت متعالیه انتخاب شده است که ابتدا به
روش شناسی سید مرتضی پرداخته شده و توضیح داده شده که ایشان از جمله متکلمان
عقل گراست و در مباحث کلامی، بیشتر متمایل و علاقه مند به مکتب بصره است تا مکتب
بغداد. روش او در اصول دین، پیروی از دلیل عقلی است. سید مرتضی عقل گرایی را گامی
به پیش برده و این روش را تا جایی ادامه داده که در کنار نقل و نقد اقوال و آرای مخالفین، در



جمهوری اسلامی ایران
معاونت خود، علمیه استاد قم
رساله علمی سطح ۳
عنوان:

مجزّد و مادی بودن نفس از منظر سید مرتضی و
خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی

استاد راهنما:
دکتر رضا پور

استاد مشاور:
دکتر فیروزجایی

محقق:
سید محمود بنی جمالی

بیان نظریه مختار خویش، فراوان به تأویل آیات و روایات پرداخته است و در عین حال، استقلال عقل را در فهم و کشف تمام معارف اعتقادی قبول ندارد و در جاهایی برای اثبات معارف عقیدتی، به سمع و نقل استناد می‌کند. سید مرتضی نفس را «مادی» می‌داند و به «تجرد» آن اعتقادی ندارد و بر مادی بودن آن استدلال می‌کند. در این رساله، دو نوع استدلال از ایشان نقل شده است: یکی استدلال مستقیم و دیگری استدلال غیر مستقیم. در روش مستقیم، از طریق چهار برهان، اقامه دلیل می‌کند که به عنوان نمونه در یک مورد آن از طریق کیفیت و چگونگی آثاری که از یک موجود زنده ظاهر می‌شود، استدلال می‌کند که این آثار، اموری‌اند که در بدن ظاهر می‌شوند، فلذا مادی‌اند؛ و یکی هم استدلال غیر مستقیم که با رد و ابطال نظرات دیگران، به دنبال اثبات مطلوب خویش است و تفسیر ایشان از نفس چیزی جز یک وجه عرفی نخواهد بود. درباره حیات برزخی در معاد هم که به عنوان لوازم تجرد و مادی بودن به آن‌ها پرداخته است، تفسیری که سید مرتضی از حیات برزخی ارائه می‌دهد، چیزی جز سؤال و جواب در عالم قبر نیست و حیات برزخی طبق این مبنا جایگاهی ندارد. پیرامون معاد نیز، همان طور که از مبنای ایشان پیداست، معتقد به معاد جسمانی است، نه روحانی. وی در این باره می‌فرماید: آنچه در معاد اعاده‌اش لازم است، کمترین اجزائی است که حیات موجود زنده وابسته به آن‌هاست؛ یعنی اجزایی که هرگاه ترکیب و ساختار آن‌ها آسیبی ببیند، حیات انسان از بین می‌رود. در عصر حاضر، مکتب دیگری به نام مکتب تفکیک، نیز این چنین اعتقادی پیدا کرده‌اند؛ البته با دلایلی متفاوت از ادله سید مرتضی.

در ادامه، به روش فکری خواجه نصیر پرداخته می‌شود که ایشان در مبانی، بیشتر بر اساس آرای مشائیان گام برمی‌دارد و در برخی مسائل نیز به شیخ اشراق نزدیک می‌شود. وی در باب انسان‌شناسی هم برخلاف سید مرتضی، به بُعد ماوراء الطبیعی انسان اعتقاد دارد و در کتاب تجرید الاعتقاد پیش از شش دلیل بر تجرد نفس اقامه کرده که در بخش سوم این رساله آورده شده است. او همچنین معاد جسمانی را از فروع شریعت مقدّس اسلام دانسته که به لحاظ عقلی ممکن است.

نویسنده در نهایت به زندگی و آرا و نظریات علامه طباطبائی پیرامون نفس پرداخته

است. اگر بخواهیم روش فلسفی علامه را در یک کلام خلاصه کنیم، باید بگوییم که ایشان از لحاظ مبانی فکری، صدرایی می‌اندیشد و لیکن از لحاظ روش، کاملاً سینیوی عمل می‌کند و به لحاظ مسلک، مشائی به حساب می‌آید. در بحث تجرّد نفس، پنج دلیل عقلی - که عبارت‌اند از: علم حضوری به خویش، عدم غفلت و بساطت نفس، تجرّد علم و ادراک و انقسام‌ناپذیری نفس - از ایشان نقل شده است و خود وی، بهترین دلیل بر اثبات تجرّد را همان تجرّد علم و ادراک دانسته و سپس به نقد و بررسی دلایل منکران تجرّد نفس از معتقدین به مبدأ و معاد و منکرینش پرداخته است. او تمام حقیقت انسان را همین بُعد غیر مادی و مجرد انسان دانسته که این حقیقت، جاودانه است و مرگ در او راه ندارد و آنچه موقع مرگ از بین می‌رود، همان جسم است و روح در موقع مرگ از جسم انسان جدا شده و خداوند این روح را بتمامه از انسان اخذ می‌کند و با این جدایی، روح به عالم برزخ راه پیدا می‌کند.

علامه در بحث معاد، به دو بُعد روحانی و جسمانی معاد اعتقاد دارد و بدن اخروی را که در قیامت زنده و حاضر می‌شود، عین بدن دنیوی انسان می‌داند، نه مثل این بدن دنیوی که در بحث معاد رساله توضیح داده شده است. همچنین پس از ذکر استدلالی، ادله مکتب تفکیک و ماتریالیست‌هایی که اعتقادی به تجرّد نفس ندارند، نقد و بررسی شده است. از مباحث مهم دیگر این رساله، بررسی روایات قدّم نفس است که در ذیل بحث حدوث و قدم نفس به آن پرداخته شده است.

(١٠٣)

مسألة الإمامة في مذهب الشيعة: دراسة مقارنة في نظرية
الإمامة عند الشريف المرتضى والقاضي عبدالجبار

على بلوط

رسالة دكتورى

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

قدیس یوسف، بیروت

به این رساله دست نیافتیم و تنها آقای
عبدالجبار الرفاعی در مقاله «الإمامة؛
تعريف بمصادر الإمامة في التراث الشيعي
(٧)»، در مجله تراثنا (مؤسسة آل البيت)،
ش ٢٤، صفحه ١٤٢، آن را فهرست کرده و
برای کتابشناسی آن به نشره اخبار التراث
العربی، ع ٢٠ (٧ - ٨ / ١٩٨٥ م)، ص ٢٤
ارجاع داده است.



کتابخانه الآداب والعلوم

مسألة الإمامة في مذهب الشيعة
دراسة مقارنة في نظرية الإمامة عند الشريف المرتضى
والقاضي عبدالجبار

رسالة دكتوراه

إعداد الطالب
على بلوط

(۱۰۴)

نقد و تحلیل‌های سید مرتضی در کتاب «الشافی» بر قاضی عبدالجبار
در «المغنی» در مسأله امامت

رضا سعیدی‌پور

رساله علمی سطح ۴ حوزه علمیه قم

استاد راهنما: محمدرضا مصطفی‌پور

استاد مشاور: دکتر مهدی فرمانیان

سال ۱۳۹۲



اصل امامت از موضوعات اساسی تفکر اسلامی است که همه مذاهب اسلامی در آن اتفاق نظر دارند. «امام» در لغت به معنای پیشوا و مقتدا و مورد تبعیت مردم، و در اصطلاح، «ریاست عمومی در امر دین و دنیا» است که سید مرتضی آن را به «ریاست عام و فراگیر دینی شخص از ناحیه خداوند، نه به نیابت از مکلفان» تعریف کرده است. قاضی

عبدالجبار نیز می‌نویسد: «امام» اسم برای کسی است که ولایت بر امت دارد و در امورشان تصرف می‌کند؛ به وجهی که بالای دست او دستی نخواهد بود.

با وجود اتفاق نظری که در اصل امامت میان همه مذاهب اسلامی وجود دارد، اما در شرایط، چگونگی و تعیین آن با هم اختلاف دارند. منصب امامت در کنار دیگر مناصب الهی همچون نبوت، رسالت و ولایت از اهمیت والایی برخوردار است. جایگاه امام در عالم هستی و نقش ویژه او در جامعه بشری، به سان نقش حیاتی قلب در کالبد بشر است.

بحث از امامت، تنها بحث از یک مسأله اختلافی که موجب به وجود آمدن دو مکتب فکری در جامعه اسلامی شده، نیست؛ بلکه باید بحث از امامت را در افق تحقق هدف از آفرینش الهی و رسیدن بشر به کمال نهایی، مورد تأمل، تعمق و تحلیل قرار داد؛ نه یک مسأله اختلافی بین شیعه و سنی بر سر جانشینی پس از پیامبر.

سید مرتضی و قاضی عبدالجبار معتزلی از جمله کسانی‌اند که به طور مبسوط، مسأله امامت را مورد تجزیه و تحلیل جدی قرار داده‌اند. قاضی عبدالجبار، نگاه شیعی را در حوزه مباحث مختلف امامت، مورد نقد و بررسی قرار داده است و در مقابل، سید مرتضی به عنوان منتقد این دیدگاه، به نقد و تحلیل برداشت‌های قاضی پرداخته و جایگاه امامت در نگاه شیعه را در حد استدلال عقلی و نقلی و البته در حد نگاه متکلمانانه نه حکیمانانه و عارفانه، به نحو شایسته‌ای تبیین فرموده است.

مقصد و مقصود این نوشتار، واکاوی و بازبینی ادله عقلی و نقلی از یک سو، و تبیین فلسفه و ضرورت آن از سوی دیگر است، و به تحلیل شرایط و ویژگی‌های لازم برای شخص امام و پاسخگویی به شبهات و اشکالاتی که در هر برهه‌ای از زمان نوبه‌نو می‌شوند، وارد شده است. از این رو، این رساله در چند فصل با مطالعه تطبیقی بین نظریات دو عالم از دو مذهب شیعه و معتزله، و داوری بین آن‌ها، به تبیین و تحلیل مسأله امامت می‌پردازد.

نویسنده درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق نوشته است: «از آن جا که مسائل شیعه و سنی، به‌ویژه در بحث امامت، رنگ و بوی مناظره و جدلی پیدا کرده، و یادآور مناظرات عالمان شیعه و سنی در گذشته است، از این رو پسندیده است به تبیین‌های بزرگان گذشته، نظری نو افکنده شود و این دیدگاه‌ها مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد. در این میان، هم‌عصری دو عالم در قرن چهارم هجری در حوزه بغداد موجب شد، کتابی جامع با عنوان المغنی، در همه مباحث کلامی، اعتقادی از سوی یکی از دانشمندان به‌نام مذهب معتزله به رشته تحریر درآید.

نگارش کتاب المغنی - که دو جلد اخیر آن به مبحث امامت پرداخته و از تمام زوایا در بحث امامت خاصه و عامه به شیعه تاخته است - سید مرتضی را بر آن داشت که کتاب مزبور را به نقد بکشد و از اندیشه امامت با قوت استدلال عقلی و ادله نقلی دفاع کند. از این

رو، کتاب شریف و ذی‌قیمت الشافی با جامعیت در حوزه‌های مختلف بحث امامت (عامه و خاصه) به رشته تحریر درآمد.

از آن جا که دیدگاه سید مرتضی به صورت روشن و واضح در این دوره در دسترس اندیشمندان نیست، خود را موظف دانستیم تا اندیشه‌های بلند این عالم شیعی را در قالبی نو با تبویب منطقی بحث امامت، به جامعه علمی عرضه کنیم، تا پاسخ شبهات و اشکالات این عصر - که از دوران گذشته تا به امروز، هر روز لباسی نو به تن می‌کند و با زبان روز مطرح می‌شود - از نقطه نظر پاسخ‌های بلند و عمیق این اندیشمند تبیین شود.

اگرچه در حوزه مباحث امامت از صدر تا به امروز، رساله‌ها و کتاب‌های ارزشمندی نگارش یافته است، اما به نظر نگارنده، دیدگاه سید مرتضی رحمته‌الله در کتاب الشافی به صورت جدی مورد توجه مؤلفین و محققین قرار نگرفته است. شاید راز این کم‌توجهی، عدم اراده منطقی مباحث امامت در این کتاب است که سید مرتضی از آن جا که درصدد پاسخ‌گویی به شبهات کتاب المغنی بوده، همان گونه که قاضی بحث را پیش گرفته، سید مرتضی هم به همان منوال، درصدد پاسخ‌گویی به اشکالات آن برآمده است و مباحث کتاب، بدون هیچ ترتیب و چینش منطقی در لابه‌لای کتاب بیان شده است.

البته شیخ طوسی با نگارش کتاب ارزشمند تلخیص الشافی، با اراده منطقی بحث‌های سید مرتضی، سامان خوبی به اثر ارزشمند استاد خود داده است. همچنین تحقیق و تعلیقه‌ای که بر این کتاب توسط سید عبدالزهراء الحسینی الخطیب نوشته شده، تا حدی دسترسی به این کتاب را هموار و آسان کرده است. نیز در تحقیقات برخی محققین معاصر - که در قالب مقاله و کتاب عرضه شده - بخشی از غبار اندیشه‌های ناب یک عالم امامی در قرن چهارم گرفته شده است. با این وجود، نگارنده با طرحی جامع با محوریت این کتاب در حوزه مباحث امامت عامه و خاصه به تقریر، تبیین و در حد توان علمی خود، به تکمیل و توضیح اندیشه‌های سید مرتضی پرداخته و اندیشه‌های قاضی عبدالجبار معتزلی را به نقد کشیده است.

برای نگارش این رساله، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده و با استفاده از منابع مکتوب و نیز نرم‌افزارهای موجود، مواد خام، فیش‌برداری شده و با توجه به طرح اولیه، در

ذیل هر فصلی قرار گرفته است. تمام سعی و تلاش این بوده که مطالب در هنگام تبیین، با حفظ بی‌طرفی، تبیین و تقریر شود و سپس با روش عقلی و نقلی به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد.

قاضی با نقد اندیشه امامیه در بحث امامت، با توجه به مبانی فکری و اعتقادی رایج در میان عالمان اهل سنت، امامت را یک مسئله فرعی و فقهی قلمداد کرده، از این رو، امامت را به انتخاب و اختیار مردم می‌داند، نه به نص و منصوب از جانب خداوند. و از آن جا که آنچه را در سقیفه تا پایان خلافت خلفا اتفاق افتاد، صحیح می‌داند، در بحث شرایط و ویژگی‌های امام، یک نگاه تقلیل‌گرایانه را بیان داشته است و با آن که علی علیه السلام را افضل از صحابه می‌داند، اما با بیان ادله‌ای، تقدیم مفضول بر فاضل را موجه می‌نماید. در نقد این دیدگاه، اندیشه سید مرتضی قرار دارد که با توجه به مبانی اعتقادی شیعه در امامت، با استناد به عقل و نقل، مبانی و مصداق منحصر به فرد امام بعد از نبی را تبیین می‌کند.

مسئله وجوب و ضرورت امامت، تقریباً مورد اتفاق اکثر علمای مذاهب اسلامی است. البته قاضی، وجوب امامت را شرعی می‌داند؛ به این معنا که هیچ وجه و سبب عقلی در باب وجوب امامت وجود ندارد، مگر آن مقداری که شارع بیان می‌کند و اقامه حدود الهی و اجماع را به عنوان دلیل بر عقیده خود قرار داده است. در نقطه مقابل دیدگاه قاضی، نظر سید مرتضی قرار دارد که وجوب امامت را هم عقلی و هم شرعی می‌داند و با اقامه چند دلیل (وجوب امامت از باب لطف و خاتم بودن شریعت نبوی و ضرورت حفظ آن تا قیامت و نیز نبود دلیل قطعی در همه مباحث دینی و وجود متشابه در قرآن) مطلب را اثبات می‌کند، و به شبهات و اشکالات در ذیل هر دلیلی جواب می‌دهد.

در کیفیت تبیین امام با توجه به اختلاف مبانی، دیدگاه‌ها نیز متفاوت شده که به دو دیدگاه انتصاب و نص الهی و انتخاب و اختیار مردم، انشعاب پیدا کرده است. با توجه به دیدگاه انتصاب، نحوه کشف این نصب، به طریق نص و معجزه صورت می‌گیرد، و با توجه به دیدگاه انتخاب، به اجماع و بیعت مردم با خلیفه استدلال می‌شود. این ادله، مورد نقد جدی سید مرتضی قرار می‌گیرد و در مقابل، قاضی نیز ادله‌ای بر نبود نص بر امام بیان می‌کند. در نظر ابتدایی در بحث شروط و ویژگی‌های امام، در شروطی مثل عدالت، علم،

شجاعت، اتفاق نظر صورت می‌گیرد؛ اما با تبیین اندیشه هر دو اندیشمند، هم در کمیت و هم در کیفیت ویژگی‌هایی مثل عصمت، افضلیت و اعلیت و حتی عدالت، اختلاف جدی وجود دارد که ریشه و اساس این اختلاف‌ها به همان مبانی و نگرش کلان به مسأله امامت بازگشت می‌کند.

سید مرتضی با استناد و استدلال به نصوص متعددی از آیات، همچون آیه ولایت و روایاتی چون حدیث غدیر و منزلت، و نیز ادله عقلی مثل لزوم عصمت، قول به افضلیت و امامت بلا فصل علی‌علیه را پس از نبی اثبات می‌کند و به تأویلات و اشکالات غیر عالمانه قاضی پاسخ می‌دهد.

در نقطه مقابل، برخی با استناد به حوادث و وقایع تاریخی در چگونگی انتخاب ابوبکر و عمر و عثمان به عنوان خلیفه، به اموری چون اجماع و بیعت و رضایت مردم به آن شورا، بر حقانیت خلافت خلفا استدلال می‌کنند و با تمسک به آیات و روایات و شواهد تاریخی، سعی در اثبات خلافت خلفا دارند که سید مرتضی به [این] استدلال‌ها پاسخ می‌دهد.

قابل توجه آن که قاضی، افضلیت علی‌علیه را می‌پذیرد؛ اما می‌گوید قبول مردم و رضایت آنان به خلافت ابوبکر، و نیز ضروری ندانستن افضلیت امام، موجب شده علی‌علیه از حق خود محروم شود. گمان قاضی آن است که شیعه برای امامت پس از علی‌علیه راهی ندارد؛ در حالی که سید مرتضی، هم از طریق ادله عقلی و شواهد تاریخی، و نیز نصوص پذیرفته شده و نصوص خاص شیعه نسبت به امامت تک‌تک انمه، امامت آنان را به اثبات می‌رساند.

این رساله در شش فصل تنظیم شده است:

در فصل اول به کلیات مسأله اشاره شده که در ذیل آن، مفهوم امامت در نزد فریقین به طور عموم، و دیدگاه قاضی عبدالجبار و سید مرتضی به شکل مبسوط مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. از آن جا که این رساله در تبیین اندیشه سید مرتضی در مسأله امامت با محوریت کتاب الشافی است و این کتاب هم در نقد المغنی قاضی عبدالجبار به رشته نگارش درآمده، در این فصل ابتدا اشاره‌ای به حیات علمی این دو اندیشمند شده، سپس به معرفی کتاب الشافی پرداخته شده است.

در فصل دوم، وجوب شرعی یا عقلی وجود امام با تکیه بر دیدگاه علمای یادشده تبیین گردیده است، و در فصل سوم، چگونگی تعیین امام، و در فصل چهارم، ویژگی‌ها و شرایط امام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل پنجم، مباحث مربوط به امامت خاصه و نیز خلافت خلفا از دیدگاه قاضی بیان شده و به نقد و بررسی آن اقدام شده است. در نهایت در فصل ششم، به امامت ائمه پس از امام علی علیه السلام اشاره شده و ادله طرفین در نفی و اثبات مسأله، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

(۱۰۵)

معجزه از دیدگاه سه مکتب کلامی ناظر بر آرای عبدالجبار معتزلی،

شهرستانی و سید مرتضی

زهره درویشی قنبر

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه علامه طباطبائی

استاد راهنما: حوران اکبرزاده

سال ۱۳۸۹



پایان نامه کارشناسی ارشد کلام

معجزه از دیدگاه سه مکتب کلامی ناظر بر آرای
عبدالجبار معتزلی، شهرستانی و سید مرتضی

استاد راهنما
حوران اکبرزاده

نویسنده: زهره درویشی قنبر

۱۳۸۹

«معجزه»، کار شگفتی است که پیامبران الهی بر خلاف قوانین عادی و جاری طبیعت، به منظور اثبات ادعای نبوت خویش انجام می دهند؛ کارهایی که انسان های عادی از انجام آن ها ناتوانند. معجزه، شروط و ویژگی هایی دارد؛ از جمله تحدی، عدم معارضه و مغلوب نشدن.

به عقیده متکلمان شیعی، معجزه

منافاتی با اصل علیت ندارد و نشان دهنده بهره مندی صاحب معجزه از قدرت الهی و صداقت در دعوت است.

در منابع دینی، معجزات بسیاری از پیامبران ثبت شده است که برخی از آن ها با حواس ظاهری قابل درک است و برخی عقلی است که خارق العاده بودن آن تنها توسط عقل درک می شود. مشهورترین معجزات پیامبران عبارت اند از: ناقة صالح، زنده کردن مردگان توسط عیسی علیه السلام، تبدیل عصای موسی علیه السلام به اژدها، ید بیضاء، زنده ماندن ابراهیم علیه السلام در آتش و قرآن کریم.

اشاعره به سبب تلقی خاصی که از توحید فاعلی دارند و فقط خداوند را فاعل حقیقی به حساب می‌آورند، معجزات را فعل خدا می‌دانند، نه فعل پیامبران. همچنین برخی متکلمان امامیه همچون سید مرتضی نیز معجزه را فعل خدا می‌دانند؛ چرا که به باور آن‌ها اگر معجزه فعل خدا نباشد، دلالتی ندارد بر این که پیامبر در مدعایش صادق است و خداوند بر او وحی نازل کرده است. سید مرتضی گفته است: از آن جا که جایگاه معجزه، تصدیق مدعی نبوت و رسالت است و جاری مجرای این سخن خداوند است که به مدعی نبوت می‌گوید: «صَدَقْتَ فِي أَنْكَ رَسُولِي وَ مُؤَدِّ عَنِّي» (در این ادعا که فرستاده من هستی، و پیام‌های مرا به مردم می‌رسانی، راست می‌گویی)، باید مانع از دروغ بستن پیامبر به خداوند در آنچه از جانب او ادا و ابلاغ می‌کند باشد؛ زیرا روا نیست که خداوند، دروغگو را تصدیق کند؛ چرا که تصدیق دروغگو، مانند دروغ‌گویی، قبیح است.

سید مرتضی دلالت معجزه بر عصمت پیامبران را به دو گونه بی‌واسطه و باواسطه تقسیم کرده است. دلالت بی‌واسطه معجزه بر عصمت، مربوط به عصمت از کذب در ابلاغ پیام‌های الهی به مردم است که ما از آن به تقریر حداقلی دلالت معجزه بر عصمت، تعبیر کردیم و کلام او در این باره را پیش از این بازگو نمودیم. دلالت باواسطه معجزه بر عصمت پیامبران، مربوط به عصمت از کذب در غیر ابلاغ پیام‌های الهی به مردم و از سایر گناهان - اعم از کبیره و صغیره - است. واسطه دلالت معجزه بر عصمت در این امور این است که لازمه تصدیق پیامبر در ابلاغ پیام‌ها و احکام الهی به مردم، از طریق معجزه، وجوب پیروی از او و پذیرش اوست؛ زیرا غرض از بعثت پیامبران و تصدیق آنان از سوی خداوند از طریق معجزه این است که دستورهای را که از جانب خداوند می‌آورند، مورد قبول و امثال واقع شود. بنا بر این باید پیامبران از هر چیزی که در قبول و امثال دستورهای خداوند از جانب مردم خلل وارد کند و منقّر و صارف به شمار آید، پیراسته و معصوم باشند.

او در ادامه به تبیین منقّر و صارف بودن عدم عصمت از گناهان - اعم از کبیره و صغیره، و قبل از نبوت و پس از آن - پرداخته و درباره منقّر بودن و عدم عصمت از کبایر گفته است: در این مطلب تردیدی نیست که اگر ارتکاب کبایر را برای کسی جایز (ممکن و محتمل) بدانیم، نفس ما نسبت به او، آن آرامش و اطمینان را نخواهد داشت و شنوایی و پذیرش ما

نسبت به مواعظ او کمتر از شنوایی و پذیرش مواعظ فرد معصوم از کبایر است. مقصود ما از این که کبایر نسبت به قبول گفتار پیامبران منقر است، همین است. این مطلب، برآمده از استدلال قیاسی نیست، بلکه مربوط به عرف و عادات بشری است. هر کس به عرف و عادات بشر رجوع کند، درستی گفتار ما را می داند که اگر نقش کبایر در منقر بودن، از منقر بودن سبک سری و لاابالی گری بیش تر نباشد، کم تر نیست.

در این پایان نامه به موضوع «معجزه» پرداخته شده و وقوع آن از منظر سه مکتب کلامی بررسی شده است. نویسنده برای بررسی آرای عبدالجبار معتزلی، شهرستانی و سید مرتضی - که معرف سه مکتب: اشاعره، معتزله و امامیه اند- فصول سه گانه ای را ترسیم کرده است:

۱. رابطه معجزه با نبوت از منظر سه متکلم (عبدالجبار معتزلی، شهرستانی و سید مرتضی)؛
۲. رابطه معجزه با علیت از منظر سه متکلم؛ ۳. فرق معجزه با سایر امور خارق العاده از منظر سه متکلم.

سید مرتضی در تعریف معجزه، به اوصافی اشاره می کند که عبارت اند از: خارق عادت بودن، مطابق دعوی نبوت بودن، متعذر بودن برای مردم، فعل خدا بودن. در این صورت، معجزه دلالت بر صدق نبی می کند.

قاضی عبدالجبار، معجزه را عملی دانسته است که بر صدق مدعی نبوت دلالت می کند و معجزه کننده را کسی می داند که ناتوان کننده دیگری است. وی ارتباط این واژه با معنای لغوی لفظ «معجزه» را در این می داند که مردم از آوردن مثل آن عاجزند؛ گویی که این پدیده آن ها را عاجز کرده است. او همین مطلب را با توضیح بیشتری در کتاب المغنی نیز بیان کرده است. اوصاف و شرایط معجزه در نظر وی عبارت اند از: ۱. از جانب مدعی نبوت باشد؛ ۲. پس از ادعای نبوت ظاهر شود. بنا بر این، تقدیم معجزه - که از آن به «ارهاصات الانبیاء» یاد می شود- بر دعوی نبوت جایز نیست؛ هر چند برخی متکلمان آن را مجاز دانسته اند؛ ۳. با دعوی نبی مطابق باشد؛ ۴. خارق العاده باشد. او معجزه را به دو دسته کلی تقسیم کرده است: یکی آنچه تحت قدرت بشر نیست؛ مثل احیای مرده، و دیگری آنچه جنس آن تحت قدرت بشر قرار می گیرد؛ مثل جابه جا کردن کوه و... قاضی عبدالجبار، این عقیده معتزله را که معجزه هر گاه مطابق دعوی نباشد، بر تکذیب دلالت می کند، قبول ندارد.

سید مرتضی معجزه را برای انمه نیز ممکن می‌داند و بلکه بر این باور است که در مواردی، بر انمه نیز واجب است. به ادعای وی، معجزه حتی برای مؤمنان و صالحان نیز ممکن است. به باور سید مرتضی، معجزه برای اثبات ادعا ارانه می‌گردد و در صورتی ادعا را ثابت می‌کند که با آن مطابق باشد؛ اما اگر مطابق نباشد، دلیلی بر کذب مدعی است. بنا بر این، فرقی ندارد که آن ادعا چه باشد؛ ممکن است ادعای امامت باشد یا فضل داشتن بر دیگران. دلیل سید مرتضی بر این مدعا آن است که انجام معجزه به دست امام یا هر فرد صالحی، نه خود قبیح است و مفسده‌ای در پی دارد، و نه از اموری است که لزوماً وجه قبحی همراه آن باشد؛ زیرا به باور ما، نه کذب است و نه ظلم و نه وجهی از وجوه قبح به آن اختصاص یافته است. بر این اساس، کسی که مدعی امامت و یا شایستگی خاصی است، باید بتواند ادعای خود را اثبات کند.

وی در پاسخ به این اشکال که اگر معجزه ویژه پیامبر نیست، باید هر یک از انمه به دلیل ادعای امامت، دارای معجزه باشند؛ در حالی که شما وجوب معجزه برای همه آنان را ثابت نمی‌دانید، می‌گوید: دیدگاه مشهور میان معتقدان به جواز معجزه برای انمه آن است که اولاً: هیچ یک از آنان بدون معجزه نیستند، و ثانیاً: بر فرض پذیرش معجزه نداشتن برخی انمه، این امر به منزله نفی امامت نیست؛ زیرا نصّ پیامبر بر امامت فردی، جانشین معجزه در اثبات امامت او خواهد بود. سید مرتضی در ادامه می‌گوید: نظر و تأمل در معجزه کسی که با ادعای امامت اظهار معجزه می‌کند، لازم است؛ همان گونه که دقت نظر در معجزه پیامبر نیز لازم و ضروری است؛ زیرا برای ما در علم به امامت امام، مصالح دینی وجود دارد.

او همچنین در پاسخ به این ایراد که اگر معجزه، خاصّ پیامبر نیست، باید انجام دادن معجزه را به دست کافری که در پی اثبات صدق مدعایش در بعضی اخبار است جایز دانست، می‌گوید: انجام معجزه به دست کافر روا نیست؛ زیرا معجزه بیانگر علو منزلت در دین است و چون کافر بهره‌ای از دین ندارد، انجام معجزه از او امکان ندارد. وی با همین ملاک، انجام معجزه را برای فاسق نیز جایز نمی‌داند. مهم‌ترین تفاوت دیدگاه سید مرتضی با قاضی عبدالجبار درباره معجزه در این است که سید معجزه را امر خارق‌العاده‌ای می‌داند

که به طور کلی برای اثبات هر گونه ادعایی اعم از ثبوت امامت و یا فضیلت انجام می‌شود و مراد از آن، نه به عجز در آوردن مخاطب، بلکه به منظور ابراز صداقت مدّعی اراده می‌شود؛ ولی نزد قاضی عبدالجبار، معجزه تنها برای اثبات ادّعای نبوّت انجام می‌شود. بر این اساس، تنها پیامبران معجزه دارند. در مقابل، سیّد معجزه را ویژه انبیاء نمی‌داند و معتقد است افزون بر آن‌ها، امامان و صالحان نیز می‌توانند معجزه داشته باشند.

البته برخی بر سیّد مرتضی اشکال کرده‌اند که به باور او معجزات از لحاظ جنس، مقدور بشر است؛ متکلمان اشعری نیز این ایراد را بر دیدگاه قاضی عبدالجبار به طور خاص و بر معتزله به طور عام وارد کرده و گفته‌اند این نظر، موهِم این معناست که معجزه به دَقِّ نظر و حيله و تدبیر و علم خاص نبی بستگی دارد.

یافته‌های تحقیق نویسنده در بخش نتیجه‌گیری پایان‌نامه چنین است: با وقوع معجزه، هیچ قانونی نقض نشده است. با فراموش شدن شرایط تحقّق معجزه - که یک قانون برتر است - زمینه و موضوع وقوع قانون متعارف، از میان رفته است و حکمت خداوند اقتضا دارد که در هر شرایطی، سنّت مربوط به آن شرایط جاری شود که گاهی عادت و گاهی خرق عادت است.

معرفت اضطراری در اندیشه‌های نخستین اسلامی تا قرن پنجم

(با تأکید بر اندیشه‌های امامیه و مقایسه آن با معتزله و اهل حدیث)

علی امیرخانی

رساله دکتری رشته مذاهب کلامی

دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

استاد راهنما: دکتر محمدتقی سبحانی

استادان مشاور: دکتر رضا برنجکار و دکتر

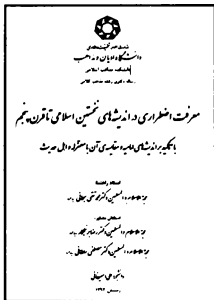
مصطفی سلطانی

سال ۱۳۹۴

یکی از مسائل مهم در موضوع معرفت و شناخت، مسأله اراده انسان در فرآیند شناخت است و این که معرفت تا چه اندازه در اختیار انسان است و تا چه

اندازه از اختیار انسان خارج است؟ آیا معرفت به صورت غیرارادی و تحت تأثیر نیازهای درونی و بیرونی انسان شکل می‌گیرد یا آن که معرفت کاملاً در سلطه بشر و تحت اختیار اوست؟ و اساساً نقش اراده در کسب معرفت چیست؟ با توجه به آن که کلام اسلامی به طور کلی چهار مرحله مختلف را پشت سر گذاشته است که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. مرحله اصالت و استقلال؛ ۲. مرحله رقابت و اختلاط؛ ۳. مرحله ادغام و اندماج؛ ۴. مرحله احیاء و تجدید، پاسخ به سؤال مزبور در مراحل مختلف کلام اسلامی، می‌تواند متفاوت باشد.

این پژوهش در واقع، موضوع «معرفت اضطراری» را در کلام اسلامی در دوره نخست



(دوره اصالت و استقلال)، مورد بررسی و واکاوی قرار داده است.

از ممیزات و ویژگی‌های دوره نخست کلام اسلامی، ادبیات و منطق متمایز آن با علوم دیگر، از جمله فلسفه و منطق بوده است و این که کلام اسلامی در این دوره از یک ادبیات مستقل عقلی در تبیین و دفاع از اندیشه‌های خویش بهره می‌گرفت که با ادبیات فلسفی و مصطلح و رایج میان فیلسوفان، فاصله داشت و این تفاوت صرفاً در نظام واژگانی نبود، بلکه نشان از تفاوت‌های عمیق معرفتی داشت که از دو دستگاه معنایی و معرفتی متفاوت سر برمی‌آورد. بر این اساس، نویسنده با بررسی مسأله معرفت در سامانه معرفتی امامیه و مقایسه آن با دستگاه فکری اهل حدیث و معتزله، روشن می‌کند که نظام واژگانی کلام امامیه با نظام واژگانی فلسفه و منطق ارسطویی متفاوت بوده است! و نیز در قالب این موضوع، اشاره اجمالی می‌کند بر این که امامیه در نظریه‌پردازی کلامی دست‌کم در مسأله معرفت بر دیگران (معتزله و اهل حدیث) تقدّم داشته است، بلکه نخستین نظریه‌پردازان کلام معتزلی چون ابو‌هذیل علاف، نظام و بشر بن معتمر و سپس جاحظ، نظام‌وارگی انگاره معرفت اضطراری امامیه را نداشتند.

اما این که مسأله معرفت از مسائل مورد اهتمام امامیان نخستین بوده و همواره در محافل و مجالس، موضوع نقد و بررسی قرار می‌گرفته است، در کتاب‌های فهرست‌نگاری و احوال‌نویسی بازتاب داشته است. بسیاری از امامیان، نگاشته مجزایی به عنوان «کتاب المعرفة» داشته‌اند. با قرائتی معلوم است که برخی از آن نگاشته‌ها در حوزه معرفت‌شناسی نبوده است؛ مانند کتاب المعرفة فی فضل النبی و امیرالمؤمنین و الحسن و الحسین از شیخ صدوق. اما در خصوص برخی دیگر از آن‌ها قرینه‌هایی وجود دارد که بنا بر آن‌ها می‌توان گفت که در مباحث مرتبط با معرفت‌شناسی بوده است؛ مانند کتاب النقص علی ابی‌الهذیل فی المعرفة از ابو محمد نوبختی. و نیز مانند کتاب المعرفة از هشام بن حکم و نیز مانند سگاک (شاگرد هشام) که هم کتاب الاستطاعة داشته است و هم کتاب المعرفة. یا مثلاً علی بن حسن بن محمد طاطری واقفی، که کتاب المعرفة و کتاب الفطرة داشته است.

از این که شیعیان، مسأله «معرفت» را مجزاً از مسأله «فطرت» طرح می‌کردند، معلوم می‌شود مسأله معرفت غیر از مسأله معرفت فطری و دامنۀ آن عام‌تر از معارف فطری بوده

است. با این حال، دربارهٔ عناوین «کتاب فی المعرفة»‌هایی که اطلاق دارند و قرینهٔ خاصی ندارند، می‌شود گفت بسیاری از آن‌ها در موضوع معرفت به معنای مصطلح بوده است؛ زیرا مسألهٔ معرفت از مسائل حسّاس و مورد بحث بوده است. حتّی قرآنی وجود دارد که در دوران فترت کلام امامیه هم بحث بر سر مسألهٔ معرفت، و سوسه‌انگیز و تحریک‌برانگیز بوده است؛ چنان که حسن بن علی بن فضال، ابو محمد حَجّال (متکلم بارز) و علی بن اسباط فطحی را به بحث و مناقشه دربارهٔ مسألهٔ معرفت تحریک می‌کرده است. پیداست که حتّی در دوران فترت و رکود کلام شیعی نیز گاهی مناقشاتی در مسألهٔ معرفت بین اصحاب صورت می‌گرفته است.

مهم‌ترین علّت ورود تفصیلی اصحاب امامیه در مدرسهٔ کوفه به مسألهٔ معرفت، وجود روایات پرشمار اهل بیت علیهم‌السلام دربارهٔ معرفت و معرفت‌شناسی بوده است و تأکید آنان بر این که معرفت، صُنْعُ اللَّهِ است و از قلمرو افعال انسان خارج است: «المعرفة صُنْعُ اللَّهِ لیس للعباد فیها صُنْعٌ». بر این اساس، متکلمان امامی، علاوه بر باور به اضطراری و غیراختیاری بودن معرفت، در سامان‌مند کردن و نظریه‌پردازی نظریهٔ معرفت اضطراری کوشیدند. از این رو می‌توان گفت نظریهٔ معرفت اضطراری در بین اصحاب امامیه، در واقع اندیشه‌ای اصیل و تولیدی خود آنان بوده است و به هیچ روی، امری عاریه‌ای، وارداتی و واکنشی نبوده است. اما چگونگی مواجههٔ اندیشوران امامی، در طول تاریخ تفکر شیعی با روایات اهل بیت دربارهٔ مسألهٔ «معرفت» یکسان نبوده است. گروهی از آنان (مانند سید بن طاووس، استرآبادی و علامه مجلسی) با روی آورد حدیثی - کلامی به انبوه روایات امامیه نگرسته‌اند و به شرح و تبیین روایات پرداخته‌اند. گروهی دیگر از آنان با روی آورد کلامی و بر اساس مبانی کلامی پذیرفته‌شده در مدرسهٔ کلامی بغداد و سپس در مدارس ری و حله به روایات و مسألهٔ معرفت، به توجیه روایات پرداخته‌اند. و برخی دیگر نیز (چون ملاصدرا، فیض کاشانی، ابوالحسن شعرانی) با روی آورد فلسفی - حدیثی و بر اساس مبانی حکمت متعالیه، به شرح و تفسیر روایات معرفت اضطراری پرداخته‌اند؛ اما در این تحقیق با رویکرد تاریخی - کلامی به مسألهٔ معرفت از نقطه نظر اصحاب امامیه در مدرسهٔ کوفه، قم و بغداد پرداخته شده و بر اساس شواهد روایی و تاریخی، به تبیین انگارهٔ امامیان نخستین همت شده است.

درباره انگاره معرفت اضطراری امامیان نخستین، اشاره به این نکته بسیار حائز اهمیت است که آنان بر اساس راهنمایی‌ها و رهنمودهای کتاب و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ به معرفت اضطراری روی آوردند و آن را بر اساس مبانی فکری و اعتقادی که آن‌ها را نیز از طریق راهنمایی‌های حضرات معصومین ﷺ به دست آورده بودند، نظریه‌پردازی کردند. بر این اساس در روش و مبنای امامیه، دو اصل بنیادین «خردگرایی» و «اختیارگرایی» (یعنی حجت ذاتی عقل و و انکار جبر؛ البته نه از نوع تفویض، بلکه از نوع امر بین الامرینی) همواره بر دیگر مؤلفه‌های اعتقادی و فکری آنان حاکم بوده و اندیشوران امامی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های خود را با توجه به آن بنا می‌نهادند.

در نظریه‌پردازی معرفت اضطراری امامیه، سعی شده دو اصل بنیادی «خردگرایی» و «اختیارگرایی» مراعات شود، به طوری که از منظر امامیه، اضطراری بودن برآیند معرفت، هیچ منافاتی با اصل خردورزی و تعقل در مرحله فرآیند معرفت ندارد؛ همان گونه که با اصل اختیار و آزادی اراده نیز منافاتی ندارد. بنا بر این در دستگاه معرفتی امامیه، گرچه حصول و تحقق معرفت، فعل و صنع خدا و اصطلاحاً اضطراری است، ولی تعقل و خردورزی همراه با اختیار انسان در مرحله تحصیل مقدمات معرفت، بی‌تأثیر در تحقق با عدم تحقق معرفت از سوی خدا نیست.

کلام امامیه پس از سپری کردن دوران تأسیس در سده اول هجری و با توسعه نظریه‌پردازانه آن در سده دوم هجری در کوفه، دچار وقفه و رکودی شد که تا برآمدن شیخ مفید در بغداد، دیگر آن اعتبار دوباره خویش را باز نیافت. البته کلام امامیه در پایان سده سوم با ظهور نوبختیان در بغداد، بار دیگر به صورت محدود به صحنه بازگشت و با افت و خیزهایی تا دوران شیخ مفید ادامه یافت؛ اما همین فترت و رکود که نزدیک به یک سده به درازا کشید، سبب شد تا جریان کلامی کوفه - که بر بنیادهای نصوص دینی به نظریه‌پردازی می‌پرداخت - دچار سستی شود و حرکت جدید کلامی امامیه در بغداد با فاصله‌ای بیشتر از درونمایه‌های وحیانی و همدلی افزون‌تر با ادبیات کلامی روز که در آن زمان غلبه با معتزله بود، به تبیین و دفاع از مدرسه اهل بیت ﷺ بپردازد. در دوره رکود، هرچند شاهد حضور متکلمانی اندک در این جا و آن جا هستیم، ولی پراکندگی و ناشناختگی آنان نشان می‌دهد

که در این دوره هیچ مدرسه یا سنت کلامی‌ای در امامیه وجود ندارد. نکته مهم آن است که این دوره درست همزمان با عصری است که معتزلیان با برخورداری از موقعیت سیاسی و فرهنگی خود از زمان منصور عباسی تا مأمون و معتصم، توانستند دانش کلام را بر مذاق خویش تدوین کنند و بسط دهند. همین حضور و یگانه‌سازی معتزله که همزمان با فشار بر شیعه و تا حدودی اهل حدیث بود، سبب شد تا ساختار و درون‌مایه کلام اسلامی، رنگ معتزلی به خود بگیرد.

از این رو، بنا بر شواهد به‌جامانده و تحلیل گفتمان متکلمان امامیه در بغداد، می‌توان گفت متکلمان امامی در مدرسه بغداد به دلیل دورافتادگی از میراث کلامی متکلمان کوفه، با قرانت معتزلی و از دریچه نگاه آنان به مسأله معرفت اضطرابی نگریند و به نقد و بررسی آن همت گماشتند و از معرفت اضطرابی روی برگرداندند و در مقابل، بزرگانی چون شیخ مفید تلاش کردند تئوری معرفت اکتسابی را هماهنگ با روایات اهل بیت و همسو با آنان نشان دهند؛ در حالی که اندیشوران نخستین امامی در کوفه، نه تنها دارای انگاره مستقل در موضوع معرفت بودند و آن را نظریه‌پردازی کردند، بلکه دیدگاه آنان در مسأله معرفت و واجب نخستین، در متکلمان و نظریه‌پردازان نخستین معتزلی اثرگذار بود. بر این اساس، شاهدیم فردی چون ابو هذیل علاف - احتمالاً به دلیل مراوده و مواجهه با امامیانی چون هشام بن حکم - با آن که ملاک و معیار امامی‌ها را در مسأله معرفت مد نظر نداشت، اما تلاش می‌کرد به‌سان متکلمان امامی، معرفه الله را از مدار تکلیف نخستین خارج سازد تا به چالش‌های آن مبتلا نشود! از این رو، کوشش کرد معرفه الله را به نوعی ضروری و بی‌نیاز از استدلال و تأمل جدی به شمار آورد تا مشمول تکلیف و اکتساب نباشد و از این رهگذر، چالش‌های معرفه الله اکتسابی و نیز واجب نخستین را همراه نداشته باشد. بنا بر این، می‌بینیم نظریه ابو هذیل در معرفه الله مبنی بر این که معرفه الله نیازمند نظر و استدلال نیست بلکه خود به خود و یا با اندک التفاتی حاصل می‌شود، هم‌خوانی زیادی با روایتی که هشام بن حکم از حضرت صادق (ع) نقل کرده دارد: «هُوَ شَيْءٌ بِخِلَافِ الْأَشْيَاءِ... فَلَمْ يَكُنْ بُدٌّ مِنْ اثْبَاتِ الصَّانِعِ؛ لَوْجُودِ الْمَصْنُوعَيْنِ وَ الْاضْطِرَّارِ إِلَيْهِمْ أَنَّهُمْ مَصْنُوعُونَ وَ أَنَّ صَانِعَهُمْ غَيْرُهُمْ وَ لَيْسَ مِنْهُمْ»^۱. با این تفاوت که امامیان، روایات متعددی درباره معارف به طور

عموم و معرفة الله به طور خصوص، ذکر کرده‌اند و این تحقق معرفت با اندک التفات و توجه را با انگاره معرفت فطری سرشته شده در عالم ذر تبیین کرده‌اند؛ در حالی که ابو هذیل، باوری به نظریه معرفت فطری و سرشته در نهاد انسان‌ها نداشت و در نتیجه مجبور بود نظریه خود را با بدیهی بودن وجود خدا یا چیزی قریب به آن، به سرانجام برساند؛ از این رو بعید نیست که ابو هذیل در اثر مباحثه و مواجهه با هشام و از طریق او به آموزه‌های حضرات ائمه علیهم‌السلام آگاهی یافته و به وسع خود و متناسب با مبانی فکری خود از آن بهره برده است.

فردی چون بشر بن معتمر نیز به دلیل مراوده با امامیان و آشنایی‌اش با دیدگاه‌های متکلمان امامیه، با معیار و ملاک امامیان در مسأله معرفت اضطراری آشنا شد و بر اساس همان معیار به موضوع معرفت پرداخت. بشر به خوبی دریافته بود که انگاره معرفت اضطراری در بین امامیه، معرفت بدیهی و بی‌نیاز از نظر و استدلال نیست؛ بلکه معرفتی است که تحقق آن از حوزه اراده و اختیار انسان خارج است. این بود که با همان ملاک و معیار امامیان نخستین (غیراختیاری بودن معرفت) به موضوع معرفت پرداخت، هرچند که بر اساس مبانی و اصول فکری اعتزال، درصدد بود اثبات کند که در انسان‌ها همه معارف حتی معارف حسی، ارادی و اختیاری است. بلافاصله دیدگاه او مورد نقض و ابرام نسل بعدی از اهل اعتزال قرار گرفت، به طوری که به‌سان امامیه، هم ملاک و معیار معرفت اضطراری را غیراختیاری به حساب آوردند و هم بر خلاف بشر بن معتمر، معتقد شدند همه معارف، اضطراری است. از این رو، هیچ استبعادی ندارد که گفته شود اصحاب معارف از اهل اعتزال به تأثیر از امامیه، همه معارف را اضطراری و غیراختیاری پنداشتند؛ هرچند به دلیل دیگر مبانی اعتزالی نتوانستند بسته معرفتی درست و حسابی تولید و از آن دفاع کنند. بنا بر این، این که فردی چون ثمامه بن اشرس از معتزلیان بغداد بر خلاف استادش بشر بن معتمر همه معارف را اضطراری و غیراختیاری به شمار می‌آورد، احتمال دارد در اثر مواجهه با برخی امامیان و به‌ویژه در اثر آشنایی با دیدگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام باشد که از چند و چون نظریه صنع الله بودن معرفت از منظر ایشان آگاه شد و آن را دریافت کرد.

سرانجام، سرگذشت مسأله معرفت و تطوّر آن می‌تواند به خوبی گویای چند موضوع

مهم باشد:

۱. اصل نظریه معرفت اضطرابی، ریشه در منابع دینی (آیات و روایات) دارد.
۲. اصحاب امامیه در سده دوم، نخستین نظریه‌پردازان و ارانه‌کنندگان نظریه معرفت اضطرابی بودند و در پی تبیین تناسب دیدگاه معرفت اضطرابی با اراده و اختیار و نیز ارتباط آن با خردورزی بودند.
۳. اهل حدیث گرچه بر اساس منابع مشترک دینی (آیات و روایات نبوی) باور به اضطرابی بودن معرفت به معنای عام و خاص داشتند، ولی به دلایل متعددی از جمله عدم ورود تئوریک در مسائل کلامی و بسنده کردن به ظواهر متون اسلامی، آن را نظریه‌پردازی نکردند و نظام‌واره مطرح نساختند.
۴. اکثریت معتزلیان، به دلیل شیوه عقل‌گرایانه و تأکید بر اختیار و آزادی اراده، از مدافعان سرسخت اندیشه معرفت اکتسابی و از مخالفان معرفت اضطرابی بودند. بر این اساس، دیدگاه اصحاب معارف از آنان - که به اضطرابی بودن معارف باور داشتند - متأثر از اندیشوران امامی و بر خلاف مشی کلی اعتزال بود. نیز از همین رو در اندیشه اعتزال دوام نیاورد و از آن، چه در مدرسه بصره و چه بغداد، روی برگردانده شد.
۵. متکلمان امامیه در مدرسه بغداد به دلیل دور افتادن از میراث کلامی امامیان نخستین (در دوران فترت) و نیز به دلیل جافتاده شدن ادبیات غالب معتزله در محافل علمی، و به دلیل توجه به آیات و روایات دالّ بر اکتسابی بودن معارف، از نظریه معرفت اضطرابی روی برگرداندند و به‌سان معتزلیان از مخالفان جدی معرفت اضطرابی شدند و آیات و روایات معارف اضطرابی را توجیه یا طرد کردند.

(۱۰۷)

معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام از دیدگاه متکلمین مکتب بغداد

مبارکه نگری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شیعه‌شناسی

گرایش کلام

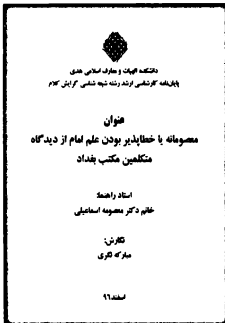
دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی

استاد راهنما: دکتر معصومه اسماعیلی

سال ۱۳۹۶

«امامت» یکی از اصول مذهب شیعه است و به اعتقاد شیعیان، «امام» فردی است که خداوند برای رهبری جامعه اسلامی و جانشینی رسول خدا در ریاست امور دینی و دنیوی مسلمانان برمی‌گزیند و چنین فردی به واسطه پیامبر خدا به مردمان معرفی می‌شود. با توجه به وظایف امام،

به‌درستی فهمیده می‌شود که چنین فردی نمی‌تواند همانند مردم عادی باشد. لذا بحث در باب ویژگی‌های امام در فرهنگ شیعی از بنیادی‌ترین مسائلی بوده است که علمای شیعه بر عهده داشته‌اند. برخی ویژگی‌ها، مانند نصب از سوی خداوند، عصمت و برتری امام در برخی صفات مانند علم، عدالت، زهد و شجاعت و غیره از جمله اموری است که شیعیان بر آن تأکید فراوان داشته‌اند، درباره آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند. از جمله صفاتی که در افضلیت امام بیش از سایر صفات، مورد توجه عالمان و متفکران شیعی قرار گرفته، علم امام است که بنابر آن امام باید در آگاهی از معارف و احکام دین برگزیده‌تر از همه باشد. این ویژگی، با توجه به اهمیت آن، هم از شرایط اساسی امامت است و هم در فراهم گشتن دیگر



شرایط آن بسیار مؤثر است. شیعیان در اعتقاد به این ویژگی، از آغاز در مقابل بسیاری از گروه‌های جامعه اسلامی قرار گرفته بوده‌اند و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز جهت تقویت چنین اندیشه‌ای در میان پیروان خود تلاش می‌کردند؛ چنان‌که روایات فراوانی در منابع اولیه شیعی به چشم می‌خورد. البته اگرچه در تعیین قلمرو علم امام، نظرات مختلفی به چشم می‌خورد، اما با وجود آن، اصحاب امامان، راویان حدیث، متکلمان و دیگر گروه‌های شیعی از این ویژگی دفاع می‌کردند.

از جمله مباحث جدی در بین متکلمان شیعه، معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام است که برخی اوقات به علت درست جا نیفتادن این مباحث، عده‌ای از پیروان امامان دچار غلو شده‌اند و عده‌ای دیگر در تشخیص جایگاه و مقام واقعی امام سرگردان مانده‌اند. علم امام از دیرباز مورد توجه متکلمین در مکاتب مختلف، بالخصوص مکتب بغداد بوده است و در این زمینه، نویسندگان مختلفی دست به قلم شده‌اند؛ اما از یک‌سو با توجه به اهمیت علم امام، به‌ویژه معصومانه و خطاپذیر بودن آن و به علت قرب زمانی متکلمان بغداد به عصر معصومین علیهم‌السلام و وجود نظرات تفصیلی در آن مکتب از سوی دیگر، لازم به نظر رسید که چنین موضوعی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. لذا این سؤال پیش آمد که متکلمان مکتب بغداد درخصوص معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام چه دیدگاه‌هایی دارند؟

گرچه در لابه‌لای برخی کتب کهن و در رساله‌های جدید، می‌توان مباحثی را در رابطه با علم امام یافت، اما بحث معصومانه یا خطاپذیر بودن این علم مورد دقت مفصل قرار نگرفته است. لذا در پژوهش حاضر، به مهم‌ترین مباحث مربوط به این موضوع پرداخته شده است که اولاً علم امام از حیث قلمرو چگونه است؟ ثانیاً آیا در قلمرویی که موضوع علم امام است امکان خطا وجود دارد یا این که دانش امام معصومانه است؟ ثالثاً نظر متکلمان بغداد درخصوص معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام در احکام و تشریعات چیست؟ رابعاً نظر متکلمان بغداد درخصوص معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام در موضوعات خارجی و علم غیبی چیست؟

متکلمان مکتب بغداد، تعداد زیادی را شامل می‌شوند که با اثری از آن‌ها در دسترس

نیست و یا در بحث علم امام ورود جدی نداشته‌اند. لذا در این رساله چهره‌های شاخص آن مکتب انتخاب شده و نظرات ایشان مورد تفحص قرار گرفته و در این خصوص به نظرات تفصیلی متکلمان مکتب بغداد همچون هشام بن حکم، نوبختیان، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، ابن قبه و ابوالصلاح حلبی و کراجکی و غیره پرداخته شده است.

در خصوص معصومانه یا خطاپذیر بودن علم امام، مکتب بغداد با وجود متکلمانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی نظرات تفصیلی دارند؛ چرا که متکلمان این مکتب در خصوص امامت و مقدار دانش امام، دارای نظرات مختلف در کتب مختلف خویش‌اند. بر این اساس در این رساله، ابتدا، قلمرو علم امام از دیدگاه متکلمان بغداد مورد بحث قرار گرفته و در خصوص تأم یا محدود بودن دامنه علم ایشان سخن گفته می‌شود. همچنین موضوعاتی که متعلق به علم امام است، مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ چرا که بحث از تأم یا محدود بودن علم امام و موضوعات علمی ایشان، راه را برای رسیدن به نظر متکلمان بغداد باز می‌کند؛ به این دلیل که معتقدین به محدودیت علم امام در خصوص عصمت دانشی ایشان در قلمرویی گسترده، نظراتی خاص دارند؛ گاه امکان دارد امام را در علم، تأم دانسته و دانش ایشان را برگرفته از عصمتشان و معصومانه بدانند، و گاه علم امام را محدود دانسته و دانش ایشان را در فراتر از محدوده خود، خطاپذیر بدانند. این رساله درصدد بررسی دیدگاه متکلمین بغداد در این زمینه است.

معادشناسی از دیدگاه شیخ صدوق و سید مرتضی

مریم صدری خانلو

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت

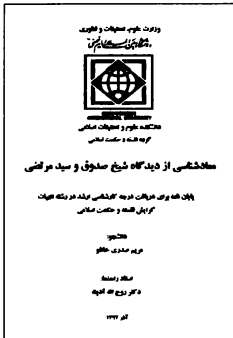
اسلامی

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین

استاد راهنما: دکتر روح الله آدینه

استاد مشاور: دکتر مجید ملایوسفی آذر

سال ۱۳۹۷



از دیرباز، یکی از مهم ترین دغدغه های فراروی انسان، شناخت معاد و حیات پس از مرگ بوده است تا بتواند در رویارویی با گزینه های گوناگون، راهی را برگزیند که به رستگاری او بینجامد. لذا همواره مکاتب کلامی و فلسفی، با جهان بینی های متفاوت، درصدد شناخت بیشتر و بهتر زندگی پس اندیوی بوده اند.

امامیه از همان قرون نخستین، در کانون مباحث کلامی و اعتقادی جهان اسلام بودند. با آغاز غیبت صغری، امامیه از حیث فکری، تحت سیطره تفکر حدیثی قرار داشته است. پس از آغاز عصر غیبت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - و پایان دوران حضور امامان (علیهم السلام)، میراث حدیثی ایشان در کنار قرآن کریم، کشتی نجات شیعیان در تلاطم امواج عقاید و آرای است که در قرن های سوم و چهارم هجری قمری به اوج خود رسید. در این دوران، علما و محدثان شیعه، نقش به سزایی در حفظ و صیانت معارف اهل بیت (علیهم السلام) و

خنثی ساختن تهمت‌ها و شبهات وارد بر شیعیان ایفا کردند. از قدیمی‌ترین و مشهورترین آثار منتشر شده در میان این طایفه می‌توان به کتاب الاعتقادات از ابن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) اشاره کرد. به هر روی آنچه مربوط به میراث مکتوب امامیه است، بیشتر از شیخ صدوق آغاز می‌شود. شیوه بیان اعتقادات و نیز کیفیت دفاع شیخ صدوق با مشرب کلامی وی ارتباط تام دارد. صدوق از نظر فکری از اخباریان مقدم‌قم به شمار می‌آید. اصلی‌ترین ویژگی این مکتب کلامی، تکیه بر اخبار و روایات در تعریف مفاهیم و اثبات قضایای کلامی است. همین ویژگی در آثار شیخ صدوق نیز به وضوح قابل مشاهده است. در واقع، کلام ابن بابویه را باید متون آیات و احادیث دانست که با کمترین تصرفی، در قالب یک نظام کلامی، تدوین و تبویب شده و به ادله نقلی توجّه تام داشته است.

در مقابل، شاگرد وی، شیخ مفید و شاگردان او سید مرتضی و شیخ طوسی، عمیقاً عقلی‌مشرّب بودند و به ادله عقلی عنایت خاص داشتند و مکتب کلامی بغداد را تأسیس کردند. شیخ مفید در این راه ابتدائاً طریق عقل و استدلال را پیشه کرد و سپس به نقل آیات و روایات پرداخت. سید مرتضی و شیخ طوسی کتاب‌هایی در بیان اعتقادات شیعه به رشته تحریر درآوردند که بیش از همه، رنگ و نشان از شیخ مفید دارند.

اگر شیخ مفید از استاد خود صدوق در استفاده از عقل پیشی گرفت، شاگردان وی به‌ویژه سید مرتضی، این روند را تکمیل کردند. به عبارت دیگر، در مباحث کلامی و اعتقادی، عقل، نزد شاگردان مفید مقامی والا یافت و در حوزه‌هایی مورد توجّه قرار گرفت که حتی در آثار شیخ مفید نیز مورد توجّه نبود. سید مرتضی در رساله‌ای تحت عنوان «الأصول الاعتقادیة» به بیان اتهامات اعتقادات شیعه می‌پردازد و در آن، عقل بر صدر می‌نشیند و این عقل است که به شناخت خداوند نائل می‌شود. این در حالی است که به تعبیر برخی محققان، نظام فکری و تعلیمی شیخ مفید، کاملاً به صورت دیگری بود. اعتقاد مفید آن بود که آغاز تکلیف از وحی است که به وساطت فرستاده‌ای از جانب خدا به آدمی می‌رسد. از منظر وی این وحی بالضرورة پیش از آن است که انسان بتواند نظر و عقل خود را برای به انجام رسیدن تکلیف دینی به کار اندازد و حتی در خود به کار افتادن ملکه تعقل و استدلال، انسان نمی‌تواند بدون وحی راه خود را بیابد. اختلاف عمده مفید و شاگردانش

همین است؛ استفاده مفید از عقل و نظر، جنبه دفاعی دارد و برای نشان دادن این مطلب است که میان مذهب امامیه و عقل تعارضی نیست؛ اما سید مرتضی از این نقطه، عزیمت به معتزلیان را آغاز می‌کند که نخستین وظیفه انسان آن است که عقل خود را به کار اندازد و به وسیله آن خدا را بشناسد. هدف وی آن است که به میانجی‌گری عقل و بدون استمداد از سمع (وحی) این مطلب را ثابت کند که خداوند دارای صفاتی است و انگیزه‌ای بر ستم کردن ندارد. پس از آن که این مطلب به اثبات رسید، آن گاه می‌توان وحی را صحیح و راست دانست و از آن به عنوان دلیلی همراه با عقل استفاده کرد. این در حالی است که شیخ صدوق معتقد است که در هر مسأله‌ای باید منحصرأ به وحی مراجعه کرد و اگر جایی حدیثی برای توضیح یک مسأله وجود داشت، نباید به تحقیق عقلی اعتماد کرد؛ یعنی عقل تنها پس از وحی و به عنوان مؤید آن مطرح است، نه بیش از آن و به عنوان اثبات‌کننده حق یا باطل.

نیاز جامعه اسلامی به بازشناسی دقیق افکار و اندیشه‌های فیلسوفان و متکلمان، در کنار شناخت نقاط ضعف و قوت نحله‌های فکری پس از اسلام برای دست‌یابی به اسلام ناب، به دور از اختلاط و التقاط فکری و وصول به سرچشمه معرفت، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

شیخ صدوق و سید مرتضی، دو متکلم بلندآوازه شیعه، با نگارش کتبی در معرفی اعتقادات بنیادین امامیه، به ترسیم و تثبیت کلامی مکتب خود پرداخته‌اند. در دیدگاه رایج، شیخ صدوق، عالمی نصّ‌گرا و سید مرتضی، عالمی عقل‌گرا معرفی شده است.

از آن جا که مسأله معاد به عنوان یکی از اصول اعتقادی شیعه در مقایسه با مباحث دیگر در فلسفه و کلام اسلامی و نقش آن در چگونگی زندگی پسادنیوی و سرانجام انسان پس از مرگ، اهمیت زیادی در میان دانشمندان علوم اسلامی دارد، در این پژوهش تلاش شده است، شناخت معاد و چگونگی جاودانگی انسان از دیدگاه دو متکلم برجسته شیعه، شیخ صدوق و سید مرتضی مورد بررسی قرار گیرد. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای با بررسی اسناد و مدارک معتبر است و هدف از انجام آن، تبیین اندیشه‌های کلامی و واکاوی و تأمل بیشتر درباره حقیقت معاد از دیدگاه شیخ صدوق و سید مرتضی است. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد که هر دو متکلم، اصل معاد را قبول دارند و

عقیده به رجعت را که از امور مسلّم و قطعی شیعه است، می‌پذیرند و تناسخ را امری باطل می‌دانند.

شیخ صدوق با پذیرش ساحتی غیر مادی در انسان و تجرّد نفس، به جسمانی نبودن روح معتقد است. از نظر وی، نفس همان روح مایه حیات است؛ لیکن سید مرتضی، بر خلاف شیخ صدوق، دیدگاهی مادی‌انگارانه از انسان دارد و اصل وجود نفس را نمی‌پذیرد و بین نفس و روح تفاوت قائل است؛ گرچه هر دو، غیر مجرّد و جسمانی اند. او نفس یا حقیقت انسان را همین شخص مشاهده‌پذیر متحرک، و روح را هوای موجود در منافذ موجود زنده معرفی کرده که منشأ حیات است.

یکی از نکات مهم در اندیشه صدوق، اشاره او به صاحب ادراک بودن روح مستقلّ، پس از مفارقت از بدن است. وی معتقد است نفس، جوهری غیر از بدن است و حیات و قدرت و ادراک، به آن بازمی‌گردد و نفس یا حقیقت انسان، همان روح مجرّد بسیط است؛ اما در نظر سید مرتضی، روح قائم به نفس نیست. لذا در صورتی که از بدن مفارقت کند، حیات و ادراک نخواهد داشت. وی از متکلمانی است که گرچه تفسیری مادی‌گرایانه از انسان برمی‌گزیند و مرگ را نابودی می‌انگارد، ولی به زندگی پس از مرگ، اعتقاد راسخ دارد و در تبیین حقیقت مرگ و چگونگی برزخ و رستاخیز می‌کوشد. در این پژوهش، سعی شده است تا با مقایسه دو دیدگاه در اصل معاد، پس از تبیین نظرات شیخ صدوق و سید مرتضی، به تحلیل این دو دیدگاه پرداخته شود.

نوشته در چهار فصل سامان یافته است: در فصل اوّل، کلیات پژوهش بیان شده و فصل دوم به دیدگاه شیخ صدوق درباره معاد اختصاص یافته است. در فصل سوم نیز دیدگاه سید مرتضی درباره معاد بیان شده و در فصل چهارم، به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مقایسهٔ آرای سید مرتضی و علامه طباطبائی در باب عصمت انبیاء

اکبر قربانی

پایان نامهٔ کارشناسی ارشد الهیات

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

اصفهان

استاد راهنما: دکتر سید مهدی امام جمعه

استاد مشاور: دکتر مهدی دهباشی

سال ۱۳۷۹

اهمیت پژوهش در کلام اسلامی، به‌ویژه در عصر حاضر، بر اهل نظر پوشیده نیست. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که عرصهٔ تبادل اندیشه‌ها و انتقال فرهنگ‌های گوناگون است و فرهنگ اندیشهٔ دینی و فلسفی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آن‌هاست. امروزه حجم گسترده‌ای از مفاهیم و

نظریات دینی و فلسفی قدیم و جدید، از راه‌های گوناگون پیش روی مردم و به‌ویژه جوانان و دانشجویان قرار می‌گیرد و هر ذهن پوینده‌ای را به تفکر و تأمل وامی‌دارد. از سوی دیگر، ثمرات دنیای متجدد، به سرعت در حال پیش‌روی و خودنمایی است و همگان را از پیر و جوان و خرد و کلان به خود فرامی‌خواند. همهٔ این‌ها انسان اندیشمند را بر آن می‌دارد تا افکار و عقاید و سنت‌های خود را بررسی کند و جایگاه و پایگاه خویش را در این اوضاع و احوال بیابد و در چالش‌های نوین بر آن تکیه کند.

در چنین شرایطی، تبیین و اثبات عقاید دینی و دفاع از آن‌ها، نقشی مهم و اساسی ایفا



می‌کند و این‌ها وظایفی است که بیش از همه بر عهده متکلمان و پژوهشگران در علم کلام بوده و هست. یک متکلم و یا کسی که رویکردی کلامی به عقاید دینی و مذهبی خود دارد، می‌کوشد تا اولاً این عقاید را تبیین کند و ثانیاً آن‌ها را با روش‌ها و ابزارهایی که در اختیار دارد، اثبات نماید و ثالثاً از آن عقاید دفاع کند و شبهات و سؤالات مربوط به آن‌ها را پاسخ گوید.

در کلام اسلامی، یکی از مباحث مهم در بخش نبوت، بحث «ویژگی‌های پیامبران» است و یکی از این ویژگی‌ها «عصمت» است؛ به این معنا که پیامبران در همه مراحل تلقی و حفظ و ابلاغ وحی، از خطا و اشتباه مصون‌اند و در مقام عمل به وحی نیز گناهی مرتکب نمی‌شوند و برخلاف اوامر و نواهی الهی رفتار نمی‌کنند.

عصمت پیامبران همواره مورد توجه متکلمین اسلامی بوده و در آثار خود به طور مبسوط به آن پرداخته‌اند. البته آرای فرق مختلف اسلامی در باب عصمت انبیاء یکسان نیست و اگرچه وجوه اشتراکی در نظراتشان هست، ولی اختلافات چشمگیری نیز با یکدیگر دارند. در این میان، شیعه امامیه بیشترین تأکید را بر عصمت پیامبران داشته و کوشیده است تا آنان را هم در تلقی و حفظ و ابلاغ وحی، مصون از خطا و اشتباه بداند، و هم در تمام دوران عمر، از هر گناه کوچک و بزرگی منزّه و مبرا بشمارد.

در این پایان‌نامه، آرای دو تن از دانشمندان بزرگ شیعه در باب عصمت پیامبران، بررسی و مقایسه شده است. این دو، یکی سید مرتضی علم الهدی و دیگری علامه سید محمدحسین طباطبایی است که هر دو از متفکرین برجسته زمان خود و نماینده تفکر شیعی بوده‌اند و دیدگاه‌ها و نظراتشان شایسته تحقیق و بررسی است.

از آن جا که سید مرتضی را از پایه‌گذاران کلام شیعه دانسته‌اند، تحقیق در آثار او می‌تواند در تبیین جایگاه تاریخی کلام شیعه مؤثر باشد. از سوی دیگر، مقایسه آرای او به عنوان یکی از متفکران شیعه در قرن چهارم و پنجم و آرای علامه طباطبایی به عنوان شاخص‌ترین متفکر شیعه در قرن چهاردهم، ما را اندکی با تطوّرات فکری شیعه در این فاصله هزارساله در مسأله مورد بحث، آشنا می‌سازد. بررسی دیدگاه‌های سید مرتضی و علامه طباطبایی در این تحقیق، در واقع موشکافی در بحث عصمت است و پاسخ برخی

سؤالات و رفع برخی شبهات در این زمینه را به دنبال خواهد داشت. در ادامه، دیدگاه‌های مربوط به این دو بزرگوار را در ده محور به اختصار پی می‌گیریم:

۱. ماهیت و حقیقت عصمت

سید مرتضی در آراء و نظراتش به همان تعریف رایج میان متکلمین بسنده کرده است و عصمت را لطفی از جانب خدا می‌داند که با وجود آن، شخص معصوم آگاهانه و با اختیار از انجام گناه خودداری می‌کند؛ اما وارد این بحث نمی‌شود که حقیقت عصمت چیست و چگونه مانع از انجام گناه می‌شود؟ در حالی که علامه طباطبایی، تفسیری فلسفی از حقیقت عصمت ارائه می‌دهد. او عصمت را نیرویی بازدارنده می‌داند که در واقع نوعی ملکه نفسانی در پیامبر است و با تکیه بر قانون علیت، بیان می‌کند که چگونه عصمت باعث می‌شود اشتباه و گناهی از پیامبر سرزنزد و همواره در مسیر طاعت و بندگی خدا باشد.

علامه، عصمت را از سنخ علم و معرفت می‌داند؛ اما علم و معرفتی که برخلاف علوم و معارف اکتسابی، هرگز با گمراهی و خطا جمع نمی‌شود و مغلوب هیچ کدام از قوای انسانی نمی‌گردد. از نظر علامه، عصمت، موهبتی الهی و نیرویی قدسی است که پی در پی از جانب خداوند بر پیامبر افزوده می‌شود و پیامبر همواره نیازمند این افاضه الهی است. با این حال، علامه توضیح می‌دهد که عصمت منافاتی با اختیار و تکلیف پیامبر ندارد؛ به این معنا که اولاً پیامبر با اراده و اختیار خود از گناه خودداری می‌کند و ثانیاً معصوم بودن پیامبر او را از دایره تکلیف و مکلفین خارج نمی‌کند.

۲. مراحل عصمت

سید مرتضی بیشتر به عصمت در مرحله عمل به وحی، یعنی «مصونیت از گناه» پرداخته و در باب مراحل دیگر عصمت بحثی نکرده و تنها به نفی دروغ از پیامبران در مرحله ابلاغ وحی اشاره کرده است. در واقع، همان طور که از نام کتابش *تزیه الأنبياء* پیداست، او در این کتاب به عصمت در مقام عمل نظر داشته و کوشیده است تا ساحت پیامبران را از گناه و معصیت مبرا بداند و شبهات مخالفین را پاسخ گوید؛ اما علامه طباطبایی مراحل عصمت

را به طور کامل توضیح داده و بیان کرده است که پیامبران در همه مراحل تلقی و حفظ و ابلاغ وحی و عمل به وحی، از خطا و اشتباه مصون‌اند؛ یعنی علامه هم به مصونیت از خطا در مرحله پیام و هم به مصونیت از گناه در مرحله افعال شخصی پیامبر نظر داشته است.

۳. دامنه مصونیت از گناه

دیدگاه سید مرتضی و علامه طباطبایی در باب دامنه عصمت از گناه، همان دیدگاه شیعه امامیه است که پیامبران را در تمام دوران عمر، از کفر و شرک و اعتقادات باطل و از همه گناهان کبیره و صغیره، منزه و مبرا می‌داند.

البته سید مرتضی به دیدگاه دیگران و به‌ویژه آرای متکلمین معتزله نیز اشاره کرده است و هرچند دیدگاه معتزلیان را نزدیک به دیدگاه شیعه می‌داند، اما گناهان صغیره‌ای را که معتزله بر پیامبران جایز دانسته‌اند، بر ایشان روا نمی‌داند و با نقد و بررسی آرای معتزله، می‌کوشد تا وجه تمایز دیدگاه شیعه و معتزله را در باب عصمت پیامبران توضیح دهد.

این رویکرد سید مرتضی - که خود از پایه‌گذاران کلام شیعه است - می‌تواند راهنمای خوبی برای پژوهشگران در شناخت جایگاه تاریخی کلام شیعی و استقلال آن از کلام معتزلی باشد.

۴. استدلال بر عصمت پیامبران

سید مرتضی در استدلال خود بر عصمت پیامبران، به صدور معجزه از آنان استناد می‌کند. او با توجه به دلالت معجزه بر صدق دعوی نبوت و با استفاده از این مقدمه اخلاقی که «تصدیق دروغ‌گو قبیح است»، بیان می‌کند که پیامبران در ادعای نبوت و رساندن پیام خدا به مردم، دروغ نمی‌گویند؛ زیرا خداوند معجزه را به دست دروغ‌گو جاری نمی‌سازد و او را تأیید نمی‌کند.

از سوی دیگر، چون غرض الهی از فرستادن پیامبران و تصدیق ایشان با معجزات، این است که مردم از آنان پیروی کنند و سخنانشان را بپذیرند، پس هر آنچه مانع از پیروی و پذیرش مردم باشد، باید از پیامبران نفی شود، و چون ارتکاب گناه چنین اثری دارد، پیامبران

مرتکب گناه نمی‌شوند. سید مرتضی با تکیه بر محور «آرامش و اطمینان مردم» توضیح می‌دهد که ارتکاب گناه از سوی پیامبر مانع از پیروی و پذیرش مردم می‌شود. وی این مبنا را هم برای گناهان کبیره و هم برای گناهان صغیره به کار می‌برد و با استفاده از آن، عصمت پیامبران را در دوران پیش از نبوت نیز اثبات می‌کند.

عَلَّامَه طباطبایی نیز در دلایلی که برای عصمت پیامبران آورده است، بر غرض الهی از فرستادن پیامبران و جریان معجزات به دست ایشان تکیه کرده و همان مَقْدَمَةُ اخلاقی را به کار برده است که «تصدیق دروغ‌گو قبیح است» و بر آرامش و اطمینان مردم نیز تأکید کرده است. اما استدلال عَلَّامَه تنها از این راه نیست، بلکه او در یکی از دلایل خود که اصل نبوت را نیز با آن اثبات می‌کند، تلقی و حفظ و تبلیغ وحی را از ارکان هدایت تکوینی انسان می‌داند و با توجه به این که در تکوین، خطا و اشتباهی روی نمی‌دهد، بیان می‌کند که پیامبران در این مراحل، از خطا و اشتباه مصون‌اند و چون تبلیغ، اعم از تبلیغ زبانی و عملی است، پیامبران در مقام عمل نیز گناه و معصیتی مرتکب نمی‌شوند. عَلَّامَه برخی آیات قرآن را نیز دلیل بر عصمت پیامبران دانسته و بیان کرده است که قرآن بر عصمت پیامبران در همه مراحل دلالت دارد.

۵. سهو نبی

از سید مرتضی و عَلَّامَه طباطبایی اظهار نظر صریحی در باب «سهو نبی» دیده نشد؛ اما از دیدگاه آنان در باب عصمت پیامبران و توجیه و تفسیر برخی آیات قرآن، چنین برمی‌آید که آنان سهو و فراموشی را در آنچه به نبوت و رسالت مربوط می‌شود بر پیامبران جایز ندانسته‌اند، ولی در آن جا که به وحی و رسالت الهی مربوط نباشد و به معصیت خدا و رویگردانی مردم منجر نشود، سهو و فراموشی را بر پیامبران جایز شمرده‌اند.

۶. توجیه و تفسیر آیات قرآن

سید مرتضی و عَلَّامَه طباطبایی هر دو کوشیده‌اند تا آیاتی از قرآن را که ظاهراً حاکی از گناه و مغفرت و توبه پیامبران است، چنان توجیه و تفسیر کنند که با عصمت پیامبران سازگار باشد.

با این تفاوت که سید مرتضی یکایک این آیات را به طور جداگانه بررسی کرده و به تفسیر و تأویل آن‌ها پرداخته است؛ اما علامه علاوه بر تفسیر برخی آیات، مبنای بسیار خوبی ارائه داده که بر اساس آن بسیاری از این آیات به راحتی قابل توجیه‌اند.

از نظر علامه، گناه و مغفرت، مراتب و درجاتی دارد که متناسب با افق زندگی و شأن و موقعیت افراد انسان است و نباید آن را به گناه و مغفرت متعارف محدود کرد. بنا بر این، گناه و مغفرتی که در آیات قرآن به پیامبران نسبت داده شده است، به معنای رایج و متداول آن نیست و به معصیت و نافرمانی خداوند بر نمی‌گردد، لذا خدشه‌ای بر عصمت پیامبران وارد نمی‌کند. توبه پیامبران نیز توبه از گناهان متعارف نیست، بلکه رجوع به سوی پروردگار و سیر صعودی در مراتب قرب الهی است.

البته سید مرتضی نیز بیان کرده است که توبه پیامبران مستلزم این نیست که آنان گناهی مرتکب شده باشند، بلکه توبه ایشان از سر بندگی و فروتنی و برای توجه و تقرب به سوی پروردگار است.

۷. ترک اولی

سید مرتضی بر این عقیده است که ترک مستحبات و به تعبیر دیگر «ترک اولی» بر پیامبران جایز است و گناهی به شمار نمی‌آید. او بیان می‌کند که با ترک مستحب، تنها ثواب و پاداش مرتب بر آن از بین می‌رود، ولی عذاب و عقابی به دنبال ندارد. این دیدگاه سید مرتضی بر این مبناست که او اوامر الهی را به دو دسته «واجب» و «مستحب» تقسیم کرده است.

علامه طباطبایی نیز چنین عقیده‌ای دارد؛ اما آن را به تعبیر دیگری بیان کرده است؛ به این معنا که او نخست اوامر و نواهی الهی را به دو دسته «مولوی» و «ارشادی» تقسیم کرده و آن‌گاه گفته است که تنها، مخالفت با اوامر و نواهی مولوی، گناه و معصیت به شمار می‌آید؛ اما مخالفت با اوامر و نواهی ارشادی، به معنای گناه و خروج از مسیر بندگی خدا نیست و تنها به محرومیت از منافع موجود در آن اوامر و نواهی می‌انجامد. علامه بیان می‌کند که مخالفت با اوامر و نواهی ارشادی، با عصمت پیامبران منافات ندارد و منظور کسانی که گفته‌اند «ترک اولی بر پیامبران جایز است» همین است.

۸. امتیازاتی دیگر برای پیامبران

سید مرتضی و علامه طباطبایی هر دو بر این عقیده‌اند که پیامبران علاوه بر عصمت، باید اوصاف و امتیازات دیگری نیز داشته باشند تا بتوانند رسالت خویش را بهتر انجام دهند. به تعبیر دیگر، پیامبران باید آراسته به فضایل اخلاقی و پیراسته از رذایل اخلاقی باشند تا گرایش مردم به آنان بیشتر شود و سخنانشان را بهتر بپذیرند. بنا بر این آنچه باعث رویگردانی و بیزاری مردم از پیامبران و مانع از پذیرش دعوتشان می‌گردد، باید از آنان نفی شود.

۹. ردّ نظرات و روایات ناسازگار با عصمت

سید مرتضی و علامه طباطبایی با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر و با تکیه بر دلایلی که برای عصمت پیامبران اقامه کرده‌اند، نظرات و روایات ناسازگار با عصمت را نادرست و مردود می‌دانند و تأویلات و تفسیراتی از آیات قرآن را که خدشه‌ای بر عصمت پیامبران وارد می‌سازد، به شدت انکار می‌کنند.

۱۰. عصمت امامان

سید مرتضی و علامه طباطبایی، امامان را نیز همچون پیامبران، مصون و معصوم از خطا و گناه می‌دانند و با استناد به همان دلایلی که برای عصمت پیامبران اقامه کرده‌اند، عصمت امامان را نیز برای حفظ و نگهداری دین خدا و تبلیغ آن در میان مردم لازم می‌دانند. البته علامه آیاتی از قرآن را نیز دلیل و شاهد بر عصمت امامان دانسته و به تفسیر و بررسی آن آیات پرداخته است.

هر چند آرای سید مرتضی و علامه طباطبایی در باب عصمت انبیاء و جوه اشتراک زیادی دارد و بیان‌گر تعالیم و دیدگاه شیعه در این باب است، اما به نظر می‌رسد که سید مرتضی بیشتر در مقام اثبات عصمت پیامبران و پاسخ به شبهات و دفاع از معتقدات شیعه بوده است؛ در حالی که علامه طباطبایی، افزون بر این‌ها، به تبیین حقیقت عصمت نیز پرداخته و با نگرشی فلسفی کوشیده است تا جایگاه عصمت را در متن آفرینش و هدایت و سعادت انسان، نشان دهد.

آری، سید مرتضی و علامه طباطبایی و دیگر اندیشمندان و دانشمندان شیعه، در پرتو عقل و قرآن و تعالیم اهل بیت، تصویری از عصمت پیامبران ارائه داده‌اند که با مقام و منزلت آنان و نبوت و رسالت الهی ایشان سازگار باشد و مردم با تکیه بر آن بتوانند به راستی و درستی گفتار و رفتار پیامبران اعتماد کنند و پیام خدا را با آرامش خاطر و بدون تغییر و تحریف از این فرستادگان پاک و حاملان معصوم وحی الهی، دریافت کنند.

نقد و بررسی پاسخ‌های سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و فخر رازی به برخی از شبهات وارد بر عصمت انبیاء ﷺ مذکور در تفسیر طبری

حمیده سادات خادمی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد کلام اسلامی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
اصفهان

استاد راهنما: دکتر پروین نبیان

سال ۱۳۹۳

عصمت پیامبران الهی از گناه و خطا، مسأله‌ای است که به طور اجمال مورد قبول همه پیروان ادیان آسمانی است؛ اما در اقسام و محدوده آن اختلافاتی وجود دارد. محتوای برخی آیات قرآن، این معنا را در ذهن ایجاد می‌کند که بعضی پیامبران دچار خطا یا گناهی شده و یا اعتراف به گناه خود

کرده‌اند. این آیات به گروهی از خیال‌پردازان مجالی داده است تا داستان‌هایی بی‌اساس درباره شأن نزول آن‌ها بسازند و اموری را به پیامبران الهی نسبت دهند که یا مخالف اساس نبوت‌اند و یا منافی مقام عصمت و یا اصولاً با منطق و عقل و خرد منافات دارند. این داستان‌ها از طریق برخی مفسرین نشر داده شده‌اند. طبری یکی از مفسرینی است که غالباً به صحت و نقد سند این روایات اعتنایی ندارد و احادیث ضعیف السند و اسرائیلیات را در تفسیر خود ذکر کرده و از این راه به ترویج و انتشار آن‌ها کمک کرده است.



نویسنده این پایان‌نامه در سه فصل، مسأله عصمت را از دیدگاه سیّد مرتضی، قاضی عبدالجبار و فخر رازی - که هر کدام به ترتیب دارای مسلک کلامی امامی، معتزلی و اشعری هستند - بررسی کرده و سپس از دیدگاه آن‌ها، برخی شبهات وارد بر عصمت حضرات آدم، ابراهیم، موسی، ایوب، سلیمان و حضرت محمد ﷺ، در تفسیر طبری را پاسخ داده و این پاسخ‌ها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

قاضی عبدالجبار معتقد است عصمت انبیاء محدود در کبائر است و گناه صغیره را بر آن‌ها جایز می‌شمرد. فخر رازی، عصمت ایشان را مربوط به بعد از نبوت می‌داند و سیّد مرتضی معتقد به عصمت مطلق انبیاء از صغیره و کبیره، و قبل و بعد از نبوت است. روشن است که این اختلاف نظر در محدوده عصمت، در پاسخ هر کدام به این شبهات اثر گذاشته است. محور همه این شبهات، عدم شناخت مقام پیامبران است. چنین مفسرانی آیات قرآن را متناسب با شناخت خودشان از پیامبران تفسیر کرده‌اند، در حالی که قرآن برای پیامبران الهی مقامی قائل است که اگر متوجه آن بودند، به سادگی آن‌ها را متهم به خطا و گناه نمی‌کردند؛ یعنی وقتی قرآن سخن از گناه پیامبران به میان می‌آورد، این گناه به معنای گناهان کبیره و صغیره‌ای که انسان‌های غیر معصوم مرتکب می‌شوند نیست، بلکه معنای گناه، به نسبت مقام معرفتی انسان متفاوت می‌شود. برای معصومین، کلمه گناه به معنای بسیار لطیف و خاصی است که به دلیل معرفت بسیار عمیقشان نسبت به حق تعالی و این که دائماً خود را در حضور وی می‌بینند، هر امری را که مغایر با این حضور باشد، برای خود گناه محسوب می‌کنند و لفظ گناه درباره ایشان از باب «حسنات الأبرار سیئات المقرّین» استعمال می‌شود. البته عصمت یک امر دارای مراتب است و برخی از انبیاء که در درجات عالی عصمت بوده‌اند، حتی لحظه‌ای دچار غفلت و یا ترک اولی نشده‌اند.

مقایسه اندیشه‌های کلامی شیعی در مدرسه‌های بغداد و حله

زهره جمالی نسب

پایان‌نامه کارشناسی ارشد کلام

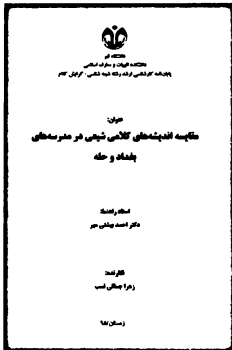
دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

استاد راهنما: دکتر احمد بهشتی مهر

سال ۱۳۹۵

شیعیان در طول تاریخ، کانون‌های اندیشه متعددی داشته‌اند. این کانون‌ها برخی کانون‌های فقهی، برخی کلامی و برخی حدیثی بوده‌اند. در این پایان‌نامه درباره کانون‌های کلامی تحقیق شده است. شناخت و بررسی مکاتب کلامی، از مهم‌ترین مباحثی است که با فهم آن می‌توان هر چه بیشتر با مبانی و آرای مختلف کلامی آشنا شد.

عمده‌ترین کانون‌های کلامی شیعه، عبارت بوده است از: مکتب مدینه، مکتب کوفه، مکتب قم و ری، مکتب بغداد، مکتب حله، مکتب نجف، مکتب اصفهان و شیراز. از مکاتب مهم شیعی که نقش فراوانی در اندیشه‌های مسلمانان دارند، دو مکتب کلامی بغداد و حله است. مکتب کلامی بغداد تحت تأثیر عوامل مختلفی از دوران حضور امامان معصوم علیهم‌السلام پایه‌ریزی شد و در دوران غیبت کبری تکامل یافت و چند دهه پس از آن در قرن چهارم و پنجم هجری، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های شکوفایی علمی شیعه در عرصه کلام را به ظهور رساند. مکاتب کلامی بغداد و حله به دلایلی همچون گرایش‌های



عقلانی و حضور برجسته‌ترین دانشمندان جهان تشیع - که هر یک به نوبه خود، در گستره زمانی معینی در حوزه دین و اندیشه‌های کلامی، تأثیرات شگرفی داشته‌اند - از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. افراد تأثیرگذار در جریان‌های فکری و مذهبی در این دو مکتب، نسبت به مکاتب دیگر و همچنین نقاط افتراق و اشتراک این دو مکتب نسبت به یکدیگر به گونه‌ای است که بررسی آن در یک تحقیق مستقل ضرورت دارد، به‌ویژه این که این دو مکتب را باید از نخستین حوزه‌های علمی شیعه به شمار آورد.

بغداد به عنوان پایتخت جهان اسلام، از آغاز تأسیس از سوی دانشمندان شیعه مورد توجه قرار گرفت و با مهاجرت شمار قابل توجهی از شیعیان به این شهر، به تدریج به یکی از پایگاه‌های رسمی امامیه تبدیل شد؛ اما رونق دانش‌های شیعی و به‌ویژه توسعه علم کلام در این دیار را باید تا اندازه زیادی مرهون شکل‌گیری دولت شیعی آل‌بویه دانست. در این دوره تاریخی، دانش کلام شیعه به دست شخصیت‌های نامداری چون شیخ مفید و سید مرتضی و شاگردان آن دو، به‌ویژه شیخ طوسی به یک منظومه جامع و روزآمد دست یافت که پیش از آن تا بدین پایه سابقه نداشت.

مکتب کلامی حله نیز از نظر گستره و تنوع و هم از جهت نوآوری‌های کلامی، در کنار بغداد قرار دارد. شکل‌گیری حوزه حله در قرن ششم با رویکردی اساساً فقهی همراه بود و دانش‌های عقلی چندان جایگاهی نداشتند؛ البته این به معنای بی‌اعتنایی به علم کلام نبود. علم کلام در دوره نخست از مدرسه حله، چیزی بیش از شرح و بسط اندیشه‌های سید مرتضی نبود و در آغاز راه در حله، دانش کلام بیشتر به یک موضوع جنبی و فرعی می‌ماند؛ اما رقابت‌های مذهبی و انتقادهای مکرر مخالفان از یک سو و نیازمندی فقه و اصول به علم کلام از سوی دیگر، دانشمندان شیعه را به فکر تقویت دانش‌های عقلی در حله انداخت.

سدیدالدین حمصی در سفر به حرمین شریفین و در برگشت از مسیر حله، به درخواست برخی علمای حله، در آن جا مشغول به تدریس کلام شد و مدرسه کلامی آن شهر را تأسیس کرد. همه بزرگان حله، با واسطه و یا بی‌واسطه از شاگردان ایشان به حساب می‌آیند.

پس از سدیدالدین، مدرسه حله با حضور دو شخصیت بزرگ شیعی، یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی - که حاملان فلسفه مشاء بودند - پا به مرحله جدیدی

گذاشت. خواجه نصیر با نگارش کتاب تجرید الاعتقاد و ابن میثم بحرانی با کتاب قواعد المرام، در حقیقت چهارچوب کلام فلسفی امامیه را بنا نهادند و از این جا بود که فلسفه وارد کلام شد و کلام شیعی رنگ و بوی فلسفی گرفت. البته این علامه حلی بود که با شاگردی نزد هر دو بزرگوار به شرح و بسط اندیشه‌های آنان پرداخت.

نویسنده در این پژوهش، دو مکتب کلامی بغداد و حله را که به هم نزدیک‌اند و در وضع امروز ما به شدت تأثیرگذار بوده‌اند، مورد بررسی قرار داده، اما درصدد بیان تمام گفته‌های ایشان نبوده است؛ بلکه این دو مکتب را از جهت ویژگی‌ها، دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و روش‌های کلامی با هم مقایسه کرده است.

برای این که ویژگی‌ها و اندیشه‌های کلامی این دو مکتب به دست بیاید، باید به معرفی علما، ویژگی‌های اعتقادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خاص، آثار و روش‌شناسی آن‌ها پرداخته شود.

البته مکتب کلامی بغداد و حله، علما و متکلمین فراوانی دارد و طبیعتاً در یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد نمی‌توان همه علمای این دو مکتب را بررسی کرد. بر این اساس، نویسنده از هر مکتبی چند نفر به نمایندگی از دیگران انتخاب کرده است؛ از مکتب بغداد، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، و از مکتب حله، ابن میثم بحرانی، علامه حلی و فاضل مقداد.

هدف مؤلف از انتخاب این موضوع این بوده است که اولاً از سابقه کلامی و میراث اعتقادی شیعیان، گزارشی علمی تهیه شود؛ ثانیاً با مقایسه این دو مدرسه، به نقاط ضعف و قوت میراث کلامی شیعه وقوف حاصل آید؛ و ثالثاً با مقایسه اندیشه‌ها تطوّر اندیشه‌های کلامی نیز ترسیم گردد. برآیند این پژوهش حاکی از آن است که عقل در اثبات مباحث کلامی از اعتبار و جایگاه والایی برخوردار است و در رفع تعارض عقل و نقل از روش تأویل بهره گرفته شده است. با این که پیروان این دو مکتب فکری در اکثر مباحث اعتقادی، از جمله اثبات صانع، نبوت، امامت و معاد، اتفاق نظر دارند، ولی می‌توان در روش کلامی آن‌ها اختلافاتی مشاهده کرد؛ بدین معنا که بر خلاف روش کلامی مدرسه بغداد، مدرسه حله دارای رویکردی فلسفی است.

این پایان‌نامه در چهار فصل به شرح زیر سامان یافته است:
در فصل اول، به بیان کلیات پرداخته شده است.

فصل دوم، به مدرسه بغداد اختصاص یافته است. مطالب فصل دوم در سه بخش و با عناوین زیر عرضه شده است: بخش اول با عنوان «موقعیت جغرافیایی و معرفی متکلمان برجسته جهان تشیع در بغداد»؛ بخش دوم با عنوان «مقایسه اندیشه‌های کلامی متکلمان مدرسه بغداد»؛ و بخش سوم با عنوان «شاخصه‌های ویژه مدرسه بغداد».

نویسنده در فصل سوم در سه بخش به معرفی مدرسه حله پرداخته است: در بخش اول، به بیان موقعیت جغرافیایی و معرفی متکلمان برجسته جهان تشیع در حله پرداخته و در بخش دوم، به مقایسه اندیشه‌های کلامی متکلمان مدرسه حله مبادرت ورزیده و بخش سوم را به شاخص‌های ویژه مدرسه حله اختصاص داده است.

در فصل چهارم نیز اندیشه‌های کلامی [هر دو مکتب] بررسی تطبیقی شده و سپس نتیجه‌گیری و پیشنهادهای لازم ارائه شده است.

مقایسه عقل کلامی و فلسفی در بحث مبدأشناسی از منظر سید مرتضی،

قاضی عبدالجبار و محقق طوسی

مصطفی سلطانی

رساله دکتری مدرسی معارف اسلامی

دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

استاد راهنما: علی ربانی گلپایگانی

استادان مشاور: دکتر حسن معلمی و دکتر

محمدصفر جبرئیلی

سال ۱۳۹۱

فرقه‌شناسان، شیعه را از جمله فرقه‌های عقل‌گرا می‌دانند؛ بدین معنا که این گروه علاوه بر وحی، عقل را حجت شرعی، و مباحث عقلی را راهی برای دست‌یابی به حقائق عالم می‌دانند.

بی‌درنگ عقل‌گرایی معتزله نیز امری مسلم است. در نگاهی مقارن بین معتزله و دیگر مذاهب کلامی، صبغه عقل‌گرایی معتزله بیش از دیگر فرق اسلامی است. با این حال، عقل شیعی از ویژگی مهمی برخوردار است که عقل معتزلی از آن محروم است و آن بهره‌گیری از عقل برتر امامان معصوم (ع) است؛ حال آن که معتزله از این رحمت الهی محروم‌اند.

به هر حال، متکلمان شیعی چون شریف مرتضی و خواجه نصیرالدین، و متکلمان معتزلی چون قاضی عبدالجبار، اثبات آموزه‌های دینی به وسیله عقل را پذیرفته‌اند. بر اساس نظر سید مرتضی، هر حدیثی را ابتدا باید به عقل ارائه نمود و در صورت عدم تعارض آن با



دانشگاه باقرالعلوم (ع)
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری
رشته مدرسی معارف اسلامی

عنوان:
مقایسه عقل کلامی و فلسفی در بحث مبدأشناسی از منظر
سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و محقق طوسی

استاد راهنما:
حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی

استاد مشاور:
حجت الاسلام دکتر حسن معلمی
حجت الاسلام دکتر محمدصفر جبرئیلی

دانشجو:
مصطفی سلطانی

چاپ ۱۳۹۱

عقل، با سندی معتبر همانند قرآن مورد سنجش انتقادی قرار داد. این اندیشه مورد قبول متکلمان بعد از سید قرار گرفت تا به آن جا که شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌مظهر حلّی و... در تبیین اصول اعتقادی امامیه، شارح نظرات او شدند و عقل را یگانه منبع اصول اعتقادی در دین دانستند.

عنایت به این نکته، مفید خواهد بود که حکما و متکلمان اسلامی در معرفت خداوند، دو نوع شناخت را متصور می‌دانند: الف- شناخت حصولی که با به کارگیری مفاهیم کلی عقلی، استدلال و برهان میسر است؛ ب- شناخت حضوری که بدون وساطت مفاهیم ذهنی و به طور مستقیم تحقق می‌یابد.

در حوزه شناخت حصولی این پرسش مطرح است که کارایی عقل و براهین عقلی در شناخت خدا چگونه است؟

این تحقیق، در پاسخ به پرسش یادشده شکل گرفته و به این معنا دست یافته است که عقل از این جهت که مدرک کلیات است، توان ورود به مباحث کلی اثبات مبدأ و صفات او را دارد و قواعد کلی را که در تدوین و ترسیم براهین و قیاسات منطقی برای رسیدن به مجهول لازم است، در اختیار متکلم قرار می‌دهد تا اندیشمند این حوزه، با استفاده از آن به اثبات، دفاع و دفع شبهات پیرامون این آموزه بپردازد.

بحث از عقل در تاریخ تفکر اسلامی به عنوان یکی از منابع و ابزارهای شناخت، از جمله مباحثی است که عمری به درازای تاریخ کلام و فلسفه دارد؛ چنان که در ادیان قبل از اسلام نیز سرگذشتی پرفراز و نشیب داشته است. رویکرد جریان‌های کلامی و فلسفی جهان اسلام در بهره‌گیری از آن متفاوت بوده است.

این رساله در مقام تبیین ماهیت عقل (عقل کلامی و عقل فلسفی) و کارکرد آن در مباحث مبدأشناسی، با تأکید بر اندیشه‌های کلامی سید مرتضی و قاضی عبدالجبار، به عنوان نماینده تفکر کلام عقلی، و اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی، به عنوان نماینده تفکر کلام عقلی-فلسفی استوار است، و بر آن است تا میزان و شیوه کارایی عقل در دستگاه فکری اندیشمندان فوق، در مباحث مبدأشناسی را تبیین نماید.

هدف این پژوهش، تبیین ویژگی‌های عقل کلامی و فلسفی در کلام اسلامی (با عنایت

به اندیشه‌های دو متفکر شیعی و یک متفکر معتزلی) و کاربرد آن دو در مباحث خداشناسی و توحید است، تا زمینه دآوری در این دو روش فکری در کلام اسلامی فراهم گردد و جهات قوت و ضعف آن‌ها آشکار شود.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، در پنج فصل، ضمن نقل اقوال، به توصیف و تحلیل آن‌ها می‌پردازد:

فصل اول به «کلیات» پرداخته است؛

فصل دوم، «ویژگی‌های عقل فلسفی و کلامی» را بیان کرده است؛

فصل سوم، «عقل کلامی و فلسفی در اثبات صانع» را تبیین نموده است؛

فصل چهارم، به «عقل کلامی و فلسفی در صفات ذاتیه خداوند» پرداخته است؛

و فصل پنجم، به «عقل کلامی و فلسفی در صفات خبریه خداوند» اختصاص یافته است.

اندیشمندان در وجود حقیقتی به نام عقل که ابزار تمیز است، اتفاق نظر دارند؛ اما در بیان ماهیت عقل، معانی متفاوتی را اراده می‌کنند. حتی بین متفکران علم خاص نیز اتفاق نظری در ماهیت این پدیده نیست. از این رو اندیشمندان، تعریف منطقی (حدّی یا رسمی) از عقل ارائه ننموده‌اند. مقایسه معنای مراد نزد سه متکلم مورد نظر و تعریف آن‌ها از عقل، نشان از تلاشی جهت ارائه معنای (تقریباً) واحد به مخاطب دارد؛ هرچند نسبت تساوی بر آن‌ها حاکم نیست.

بررسی معنای عقل بین علوم مختلفی چون فلسفه و کلام، شفافیت بیشتری به ادعای فوق می‌بخشد. عقل در فلسفه، کاربردهای مختلفی دارد که دو کاربرد از آن عبارت‌اند از: الف- عقل به معنای یکی از مراتب هستی که موجودی ذاتاً و فعلاً مجرّد است، در کتاب النفس مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ب- عقل به معنای قوه‌ای از قوای نفس که در این معنا در مقایسه با دیگر کاربردها متبادر و شایع‌تر است.

یافته‌های نویسنده، حاکی از آن است که مراد متکلمان از عقل یا عقل کلامی بر معنای دوم، از معنای عقل نزد فلاسفه صادق است. بر این اساس، عقل کلامی و فلسفی به این معنا، تفاوت جوهری ندارند؛ اما عقل به معنای اول، معنای مراد نزد فلاسفه و وجه تمایز آن‌ها با متکلمان است.

پژوهشگر رساله، بررسی ادله عقلی اثبات خدا و صفات خداوند را راهی جهت تبیین بیشتر موضوع دانسته و با طرح برهان حدوث و برهان امکان و وجوب و صفات ثبوتی چون قدرت، علم، حیات و اراده، و صفات سلبی چون: نفی ترکیب و نفی رؤیت - که عقل در مباحث آن نقش آفرین بوده است - هدف خود را دنبال نموده است. بدیهی است که به دلیل گستره بحث در مباحث مذکور و عنایت به موضوع رساله، سعی نویسنده بر آن بوده تا فقط آرای سید مرتضی، خواجه نصیرالدین و قاضی عبدالجبار را مورد بحث، بررسی و مقایسه قرار دهد.

در برهان حدوث، ادعای وی این بوده که مراد از حدوث در بیان متکلمان (سید و قاضی)، حدوث زمانی است و شواهدی را که عمدتاً در تقریر سه متفکر مورد نظر وجود داشته، بر این مدعا ارائه کرده است. این شواهد عبارت‌اند از: القای کلام با مثال‌هایی که حادث زمانی بوده‌اند، واسطه در اثبات بودن مخلوقات در برهان، این که متکلم ما سوی الله را حادث زمانی می‌داند و اصل در حمل کلام متکلم بر مبنای اوست و ابتنای دلیل سید بر اثبات حدوث عالم.

نویسنده در ادامه بحث از برهان حدوث، نگاهی به تفاوت تقریر کلامی با تقریر فلسفی داشته و در آن متذکر شده که محقق طوسی با نگرش فلسفی به مسأله، حدوث عالم را از راه امکان ما سوی الواجب اثبات کرده، در نتیجه حدوث ذاتی عالم را نتیجه گرفته است. در برهان امکان نیز با طرح مقدماتی، نظر سید مرتضی، محقق طوسی و قاضی عبدالجبار را در آثارشان جستجو کرده است. یافته‌های محقق از آثار سید مرتضی و قاضی عبدالجبار بیان از آن دارد که این دو متکلم در اثبات مبدأ از این برهان استفاده نکرده‌اند؛ هرچند دلیلی بر رد یا نفی برهان امکان و وجوب در آثار این دو نیافته است.

مؤلف در ادامه، بحث صفات را در دو بخش: الف - صفات ثبوتی: با محوریت قدرت، علم، حیات و اراده؛ ب - صفات سلبی: با محوریت نفی ترکیب و نفی رؤیت، مورد بررسی قرار داده است.

بر اساس بررسی نویسنده در بحث علم الهی نیز هر سه اندیشمند، تعریف متکلمان از علم خداوند را پذیرفته و قائل به عمومیت علم واجب تعالی و تعلق علم الهی به موجود و

معدوم هستند و نیز اثبات این صفت را برای خداوند، لنفسه، لذاته، حضوری و اجمال عین کشف می‌دانند. البته بدیهی است که با توجه به نگرش کلامی سید مرتضی و قاضی عبدالجبار و مشی فلسفی خواجه نصیرالدین، روش آنان در اثبات علم متفاوت است. سید و قاضی، عمدتاً تأکید بر ادله کلامی دارند؛ اما خواجه علاوه بر ادله کلامی، از ادله فلسفی نیز بهره برده است.

حیات خداوند نیز از جمله صفات ثبوتی مورد بحث در این رساله است. به نظر نویسنده، هیچ یک از سه متفکر، تعریف حدی یا رسمی از آن ارائه ننموده‌اند؛ هرچند بر این باورند که این صفت لنفسه، لذاته، و به نحو لم‌یزل و لایزال برای خداوند ثابت بوده و آن را لازمه علم و قدرت خداوند می‌دانند. سید و قاضی، رویکرد کلامی و بیان سلبی در این بحث را در پیش گرفته‌اند؛ اما خواجه به دلیل این که این تلازم را خصوصیت وجودی می‌داند، با بیان اثباتی وارد این بحث شده است.

افزون بر صفات ثبوتی یادشده، در این تحقیق، صفت «اراده» نیز مورد بررسی قرار گرفته است. قاضی و خواجه در مفهوم‌شناسی این صفت با سید اختلاف دارند؛ زیرا اراده را جزء اخیر علت تأمه می‌دانند و علم به منفعت را مرجح می‌شمارند؛ در حالی که سید مرتضی، اراده را همان علم می‌داند. از سویی دیگر، خواجه و قاضی قائل به عینیت اراده با شهوت، داعی و... هستند؛ حال آن که سید مرتضی این گونه نمی‌اندیشد.

نگاه قاضی عبدالجبار و خواجه نصیر در معناشناسی، با سید مرتضی تفاوت دارد؛ از آن‌جا که آن دو با استفاده از قانون علت و معلول به تحلیل بحث اراده پرداخته‌اند، اراده را جزء اخیر علت تأمه، و علم به منفعت را مرجح می‌دانند. خواجه نصیر جهت اثبات اراده خداوند، علاوه بر ارائه ادله کلامی، از ادله فلسفی نیز استفاده نموده است. وی برای اثبات اراده، به ادله اثبات قدرت تمسک می‌نماید و در بحث قدرت، از راه وجوب وجود و امکان و با تمسک به بطلان دور و تسلسل به اثبات این صفت برای خداوند می‌پردازد؛ به خلاف سید مرتضی و قاضی عبدالجبار که حدوث را عمده‌ترین راه اثبات قدرت خداوند قرار دادند. از این رو، روش خواجه در اثبات اراده، صبغه فلسفی دارد.

نویسنده به این نتیجه رسیده است که در مباحث صفات سلبی نیز، هر سه متفکر،

مجموعه‌ای از صفات سلبیه را بیان کرده‌اند که منشاء همه آن‌ها جسمانیت و احتیاج است. در بحث نفی رؤیت (با چشم) هم بین سه متکلم اتفاق نظر وجود دارد و عمدتاً از ادله کلامی واحد در اثبات مدّعی خود بهره برده‌اند؛ هرچند خواجه علاوه بر ادله کلامی، از روش حکما و با استفاده از وجوب وجود به اثبات رؤیت پرداخته است.

مباحث رساله با پژوهشی درباره صفات خبریه به پایان می‌رسد. در این فصل ضمن ارائه تعریفی از صفات خبریه و اذعان به پذیرش توصیف خداوند به این دسته از صفات از سوی اکثر مسلمانان، نظریه تشبیه و تجسیم، توقّف و تقویض، اثبات بلاکیف و تأویل، به عنوان چهار نظریه در تحلیل این دسته از صفات طرح شده و در نهایت گفته شده است که سه متفکر مورد نظر، قائل به تأویل‌اند؛ هرچند ارائه شیوه تأویلی برای دو فرقه امر دشواری است. امامیه با تأثر از انمه و عقل هادی به نقل، اقدام به تأویل این صفات می‌کنند؛ به خلاف معتزله که در این رهگذر بهره‌ای از نقل نبرده‌اند و با عقل محض به تأویل آیات خبری می‌پردازند.

نظریة الإمامة عند الشریف المرتضی؛ دراسة مقارنة

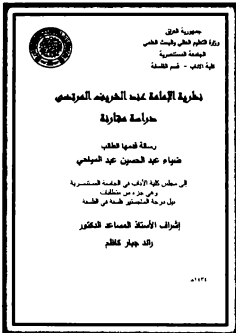
ضیاء عبدالحسین عبدالمیاحی

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه

دانشکده ادبیات دانشگاه مستنصریه

استاد راهنما: دکتر راند جبار کاظم

سال ۱۴۳۴ق/ ۲۰۱۳م



مسأله امامت بعد از توحید و نبوت، مهم ترین مسأله در دین اسلام است. اُمت اسلامی به طور کلی در این باب به دو فرقه بزرگ شیعه و اهل سنت منقسم شده که هر یک از این دو فرقه با وجود اختلافات درون گروهی، دو تفاوت جوهری با یکدیگر دارند. به باور جمیع فرقه های شیعه، امام باید منصوب باشد؛ یعنی

شخص امام باید از جانب خدا و رسول خدا تعیین شده باشد؛ چون عصمت در امام شرط است و شخص معصوم را فقط خدا و رسول او می شناسند.

هر یک از فرقه های گونه گون اسلامی، امامت را طبق باور خود تعریف کرده اند. از آن میان، فرقه دوازده امامی، گرچه امامت را با تعابیر گونه گون تعریف نموده اند، لیکن در سه نکته اتفاق نظر دارند: یکی ریاست عامه و ولایت مطلق امام در جمیع شئون دنیایی و دینی است؛ دیگری، برگزیدگی و منصوب بودن امام از جانب خدا و رسول است؛ و سوم این که ریاست، نیابت و خلافت بدون فاصله بعد از پیامبر است.

شیعه دوازده امامی بعد از آن که به حکم قاعده عقلی لطف، وجود و وجوب نصب امام

را اثبات کردند، علت غایی و هدف از نصب و تعیین امام را مورد بحث قرار دادند. بدیهی است که بحث از هدف و غایت، مترتب بر بحث وجود امام است. دو نکته در این باب از نظر امامیه بسیار مهم است: یکی آن که جامعه بشری بدون امام به سر منزل سعادت و کمال نخواهد رسید، و دوم آن که امام، حافظ شریعت است و شریعت بدون او نمی‌ماند.

عصمت در رأس جمیع صفات والای امامت است و سایر کمالات نیز به تبع آن وجود دارند. به باور شیعه، امام باید معصوم باشد؛ یعنی در اندیشه، گفتار و کردار، خطا نداشته باشد. امام از این جهت شباهت تام به پیامبر دارد؛ چه او نیز باید معصوم باشد. بدیهی است که معنی این سخن، تساوی امام با پیامبر نیست؛ چه پیامبر، آورنده و گیرنده شریعت است، لیکن امام، حافظ و مبین شریعت پیامبر است.

برخی عالمان اهل سنت به سان قاضی عبدالجبار معتزلی، به شیعه خرده گرفته و گفته‌اند که به باور شیعه، پیامبر و امام مساوی‌اند؛ چون هر دو معصوم‌اند. سیدمرتضی نخست سخنان وی را به طور تفصیل آورده، سپس پاسخ بسیار عالمانه‌ای بدو داده است. او چنین فرموده است: «إِنَّ مِنْ جَعَلَ بَعْضَ صِفَاتِ النَّبِيِّ أَوْ أَكْثَرَهَا لِلْإِمَامِ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا مَزِيَّةً مَعْقُولَةً، خَالَفَ خُصُومَهُ فِي صِفَاتِ الْإِمَامِ؛ هر که برخی یا اکثر صفات پیامبر را برای امام اثبات نماید و میان آن دو فرقی معقول قائل شود (و بگوید که اخذ شریعت، ویژه پیامبر است)، با معاندان خود در باب صفات امام مخالفت ورزیده، نه آن که امام را با پیامبر یکسان دانسته باشد».

در این پایان‌نامه به موضوع امامت از دیدگاه سید مرتضی پرداخته شده و در خلال آن به مقایسه این دیدگاه با آرای قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب المغنی، همت گمارده شده است.

نویسنده در فصل نخست، مسأله چستی امامت را از نظر این دو عالم بررسی کرده و نشان داده که در این زمینه بین این دو اتفاق نظر وجود دارد. در فصل دوم، ضرورت امامت را به اثبات رسانده، با این تفاوت که سید مرتضی ضرورت امامت را به عنوان مبین احکام و حافظ شرع با ادله عقلی قابل اثبات می‌داند و عبدالجبار وجود امام را در حد حاکم و مجری حدود الهی لازم دانسته و آن را با ادله عقلی قابل اثبات نمی‌داند. در فصل سوم، از

ویژگی‌های امام بحث نموده که مهم‌ترین آن‌ها از نظر سید مرتضی عصمت است؛ در حالی که از نظر عبدالجبار، عصمت مورد پذیرش نیست و شرط مهم، عدالت است. همچنین سید مرتضی، برگزیده شدن امام از جانب خدا را لازم و ضروری می‌داند؛ اما عبدالجبار انتخاب امام را به عهده امت اسلامی می‌گذارد.

از نظر سید مرتضی، امامت، رهبری عمومی در زمینه دین به صورت بالأصاله است، نه به طور نیابت از کسی که در سرای تکلیف است. قاضی عبدالجبار، وجوب امامت را وجوب نقلی علی الناس می‌داند، و سید مرتضی آن را وجوب عقلی علی الله. قاضی عبدالجبار، عصمت را برای امام لازم نمی‌داند و معتقد است دلایل امامیه در این باره صحیح نیست؛ اما سید مرتضی همچون دیگر متکلمان امامیه، عصمت را جزو ضروری‌ترین صفات امام برمی‌شمارد و دلایل امامیه را تأیید می‌نماید. قاضی عبدالجبار علم امام را در حد علم والیان، ضروری می‌شمارد و بیش از آن را برای امام لازم نمی‌داند. از نظر او در صورت جهل امام به مسائل دینی، رجوع به علما و خبرگان هیچ اشکالی ندارد؛ در حالی که از نظر سید مرتضی باید علم امام، تمام مسائل دینی را فراگیرد و او در مسائل دینی به کسی نیاز نداشته باشد. همچنین امام باید به امور مربوط به سیاست و حکومت آگاهی کافی داشته باشد.

از نظر قاضی عبدالجبار، افضلیت به معنای فزونی ثواب و برتری در صفات برای امام لازم نیست و تقدیم مفضول بر فاضل جایز، بلکه برخی اوقات واجب است؛ اما سید مرتضی افضلیت به هر دو معنا را برای امام لازم دانسته و تقدیم مفضول بر فاضل را قبیح می‌شمارد. از صفاتی که هر دو متکلم معتزلی و امامی برای امام لازم می‌دانند: اسلام، آزاد بودن، عقل، شجاعت، برتری در قدرت، عدالت و قریشی بودن است؛ البته در تفسیر دو صفت اخیر و دلایل آن با یکدیگر اختلاف دارند.

مفهوم العصمة؛ دراسة مقارنة بين ما كتبه السيد المرتضى و العلامة الحلي

سهيل السهيلي

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی مرکز جهانی

علوم اسلامی

استاد راهنما: عبدالجبار الرفاعي

استاد مشاور: محمدهادی یوسفی غروی

سال ۱۳۸۴



عصمت در لغت به معنی امساک، حفظ و منع است، چنان که ابن فارس گفته است: «عَصَمَ يَدُلْ عَلَى إِمْسَاكِ وَ مَنَعٍ وَ مِلَازِمَةٍ، وَ الْمَعْنَى فِي ذَلِكَ كَلَهُ وَاحِدٌ، مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَعَصِمَ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدَهُ مِنْ سُوءٍ يَقَعُ فِيهِ». ابن منظور نیز گفته است: «العصمة في

كلام العرب: المنع، و عصمة الله عبده: أن يعصمه ممّا يوبقه».

راغب اصفهانی نیز گفته است: عَصَمَ به معنی امساک و نگهداری است. وی سپس به آیه کریمه «لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» اشاره نموده و عصم را به امساک (نگهداری) معنا کرده است. از استناد عصمت معصومان به اراده الهی نیز تفسیرها و تعبیرهای متفاوتی ارائه شده است:

متکلمان اشعری - که نظام اسباب و مسببات را نپذیرفته‌اند و به استناد بی‌واسطه حوادث به اراده الهی اعتقاد دارند- عصمت را به «نیافریدن گناه در معصوم از جانب خداوند» تعریف کرده‌اند. چنان که قاضی عضدالدین ایجی گفته است: «و هی عندنا أن لا

یخلق الله فیهم ذنباً»؛ عصمت از نظر ما این است که خداوند گناهی را در معصومان نیافریند. میر سید شریف گرگانی در شرح کلام او گفته است: این تعریف، مقتضای اصل کلامی ما است که همه اشیاء بدون واسطه، به فاعل مختار (خداوند) استناد داده می‌شوند. از دیدگاه شیعه امامیه (اثنا عشریه)، عصمت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام و شرط لازم برای احراز مقام امامت است. علامه حلی دیدگاه شیعه امامیه را چنین بازگفته است: «امامیه بر آنند که امامان، در وجوب معصوم بودنشان از همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها، از ولادت تا وفات، چه عمدی یا سهوی، مانند پیامبرانند؛ زیرا آنان حافظان شریعت‌اند و در این جهت، همچون پیامبران هستند».

سید مرتضی گفته است: «اعلم أنَّ العصمة هی اللطف الّذی یفعله تعالی، فیختار العبد عنده الإمتناع من فعل القبیح؛ بدان که عصمت عبارت است از لطفی که خداوند در مورد (بنده خود) انجام می‌دهد، و به واسطه آن انسان از فعل قبیح امتناع می‌ورزد».

وی، آن گاه به ریشه لغوی عصمت که به معنای منع است، اشاره می‌کند. در اصطلاح متکلمان، این معنا کاربرد خاصی پیدا کرده است و آن این گونه است: امتناع و خودداری اختیاری انسان از گناه به واسطه لطفی که خداوند در حق او انجام داده است.

علامه حلی، عصمت را به لطف خفی تعریف می‌کند: عصمت یک نوع عنایت و لطف پنهانی است از سوی خداوند، که شامل حال مکلف می‌شود و اثر آن این است که او با وجود قدرت بر ترک طاعت و انجام معصیت، هرگز خطا از او سر نمی‌زند، بلکه میل به آن هم نمی‌کند. در جای دیگر آرای مختلف را درباره عصمت بیان می‌کند و بعد آن را به لطف که با قدرت منافات ندارد، بیان می‌کند و دلیلی که ذکر می‌کند این است که اگر معصوم قادر بر گناه نبود، ثواب و عقاب در حق او معنا نداشت؛ چنان که در جای دیگر، عصمت را به لطف تعریف می‌کند که معصوم را از خطا باز می‌دارد، ولی نه از روی جبر؛ و الا معصوم مثاب نبود.

در این پایان‌نامه به مقایسه دیدگاه‌های سید مرتضی و علامه حلی درباره عصمت پرداخته شده و علاوه بر مقدمه و مدخل، مباحث آن در سه فصل به شرح زیر سامان یافته است:

الفصل الأول: العصمة و أبحاثها في ضوء آراء السيد المرتضى؛

الفصل الثاني: العصمة و أبحاثها في ضوء آراء العلامة الحلي؛

الفصل الثالث: المقارنة و النتائج.

داده‌ها و نتایج این تحقیق در مورد واقعیت و فلسفه عصمت، به شرح زیر است:

اول: عصمت انتخاب را از بین نمی‌برد.

دوم: سید مرتضی و علامه حلی بر عنصر انتخاب و ارادة معصومین تأکید کرده‌اند.

سوم: عصمت معصومین با کسب و یادگیری حاصل نمی‌شود؛ زیرا با عصمت انبیاء که

قبل از نبوت هم معصوم بودند، تناسب ندارد. نیز با اعتقاد شیعیان در حق ائمه اهل بیت علیهم‌السلام

مطابقت ندارد؛ زیرا برخی از آن‌ها بار امامت را قبل از سن بلوغ بر عهده گرفته‌اند. همچنین

این تفضّل الهی مختص انبیاء و امامان نیست، بلکه شامل فرشتگان و برخی بندگان صالح

خدا است.

چهارم: سید مرتضی و علامه حلی در عصمت مریم عذرا و فاطمه زهرا علیهم‌السلام متفق

هستند، بلکه برخی معاصران معتقدند که بعضی بندگان صالح خدا به درجه بالایی از

عصمت رسیده‌اند؛ اما آن، پایین‌تر از عصمت لازم برای معصوم است.

نقد و بررسی اندیشه تأثیرپذیری متکلمان امامیه قرن چهارم و پنجم
از معتزله در عدل الهی

محمدعلی احسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد دین شناسی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

استاد راهنما: عزالدین رضانژاد

استاد مشاور: محمد جعفری هرندی

سال ۱۳۹۰

از دیرباز شبهات و ادعاهایی در مورد تعامل معتزله و امامیه مطرح بوده است. سه فرضیه در مورد نوع تعامل معتزله و امامیه و تأثیر و تأثر دوسویه بین این دو فرقه وجود داشته است. آنچه از تاریخ کلام برمی آید، فرضیه سوم را نشان می دهد. متکلمان معتزله و امامیه از روزهای نخست در کنار هم به گفت و گو،

بحث و مناظره مشغول بوده اند. طبیعی است، رشدی که در این فضا حاصل می شود، متأثر از هر دو جریان خواهد بود. از این روست که معتزله از تعارض با شیعه به تکامل رسیده است. مؤسسان معتزله نظیر واصل و عمرو بن عبید، دیدگاه خصمانه نسبت به امام علی علیه السلام داشته اند؛ اما برخی معتزلیان متأخر حتی افضلیت آن حضرت نسبت به خلفای دیگر را پذیرفته اند و یا حتی گرایش شیعی پیدا کرده اند. مکتب امامیه و معتزله به علت پذیرش حسن و قبح عقلی به عنوان مبنا و اساس، عدل الهی را قبول دارند؛ اما نوع تفسیر آن ها از عدل الهی سبب شده است



پایان نامه کارشناسی ارشد دین شناسی

نقد و بررسی اندیشه تأثیرپذیری متکلمان امامیه قرن چهارم
و پنجم از معتزله در عدل الهی

استاد راهنما
عزالدین رضانژاد

استاد مشاور
محمد جعفری هرندی

محل
مستند علمی اسفلی

۱۳۹۰

که تفاوت عمیقی میان دیدگاه گروه عدلیه با ظاهرگرایان پدید آید. معتزله و امامیه با پذیرش حسن و قبح عقلی به عنوان عنصر مهم در منبع معرفت دینی آموزه‌های دینی، خصوصاً عدل الهی، قدرت خداوند، قضا و قدر الهی را به نحوی تحلیل کرده‌اند که خروجی آن، آزادی اراده و اختیار انسان، حتمی نبودن قضاء و قدر الهی، وجوب لطف و رعایت اصلح، وجوب تکلیف، محال بودن و غیر عادلانه بودن تکلیف فراتر از طاقت، وجوب اعواض بر آلام ابتدایی و تفسیر حکیمانه ضرور بوده است. البته امامیه با معتزله در برخی باورها، اختلافات جزئی و در بحث اراده و اختیار، اختلاف نظر مهم دارند. معتزله در این باب راه افراطی تقویض را برگزیده‌اند؛ اما امامیه با پیروی از ائمه هدی علیهم‌السلام، استراتژی کلی امامیه، یعنی «لا جبر و لا تقویض بل امر بین الامرین» را برگزیده‌اند.

از میان فرقه‌های کلامی و اعتقادی اهل سنت، معتزله بیش از دیگر فرقه‌ها به شیعیان نزدیک بوده‌اند. در برهه‌هایی از تاریخ، ارتباط نزدیکی بین علمای شیعه و معتزلیان ایجاد شد که به تأثیر و تأثر این دو فرقه از یکدیگر انجامید، تا جایی که برخی پژوهشگران معاصر و گروهی از نویسندگان قدیم، شیعیان را در علم کلام، دنباله‌رو معتزله دانسته‌اند. از سوی دیگر معتزلیان نیز از شیعیان متأثر شده و به اندیشه‌های شیعی نزدیک شده‌اند؛ چنان که گروهی از معتزله به برتری امام علی علیه‌السلام بر دیگر صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم اعتقاد داشتند؛ هرچند که خلافت خلفای پیش از ایشان را بنا بر حفظ مصالح اجتماعی، صحیح می‌دانستند. حتی برخی معتزلیان همچون ابن راوندی، ابو عیسی الوراق، عبدالرحمن بن احمد جبرویه و ابن قبه رازی، شیعه شدند.

نظریه تأثیرپذیری شیعیان از معتزله با نقد برخی نویسندگان شیعه مواجه شده است. آنان ریشه عقل‌گرایی در اندیشه شیعه را در تعالیم امامان می‌بینند و با اشاره به قدمت تاریخی تشیع نسبت به معتزله، معتزلیان را پیرو شیعه دانسته و انتساب عقاید شیعی به معتزله را اتهامی از سوی مخالفان به شمار می‌آورند. برخی دیگر با استناد به گفتار خود معتزله که پاره‌ای از عقایدشان را منتسب به آموزه‌ها و سخنان امام علی علیه‌السلام کرده‌اند، بر تأثیرپذیری معتزله از فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارند. برخی دیگر از نویسندگان با اشاره به ردیه‌هایی که علمای شیعه مانند شیخ مفید و سید مرتضی بر عقاید معتزلیان نگاشته‌اند، اختلاف نظرات آنان با معتزله و نظریه تأثیرپذیری شیعه از معتزله را نادرست می‌دانند.

با وجود ارتباط و نزدیکی شیعیان با معتزله، این ارتباط همواره یکسان نبود و نسبت به گروه‌های مختلف شیعی یا معتزلی و نیز نسبت به دوره‌های مختلف تاریخی تفاوت می‌یافت. برای نمونه گروهی از علمای شیعه که گرایش حدیثی بیشتری داشتند، با معتزله اختلاف بیشتری داشتند و علمای شیعی عقل‌گرا به طور طبیعی نزدیکی‌های فکری بیشتری با معتزله داشتند؛ هرچند این نزدیکی هیچ‌گاه به شکل کامل نبود و اختلاف نظرهای جدی بین شیعیان و معتزله همواره وجود داشت.

به طور کلی، در باب عدل الهی، نقاط مشترک زیادی میان دیدگاه متکلمان معتزله و امامیه وجود دارد. شاید بتوان ادعا کرد که در بیش از هشتاد درصد با هم توافق نظر دارند؛ چون در بسیاری از موارد جزئی که در میان متکلمان امامیه و معتزله اختلاف نظر وجود دارد، باز هم متناظر با هر قول و نظری، ممکن است نظریه‌ای را در میان آرای یک متکلم و یا شخصیت از طرف مقابل ببینیم؛ اما در برخی موارد، می‌توان تفاوت‌هایی را به صورت کلی در میان دیدگاه‌های دو طرف مشاهده نمود و اصل تأثیر و تأثر در دو سوی کلام امامیه و معتزله را که همواره در کنار هم رشد کرده‌اند و به نقد همدیگر مشغول بوده‌اند و در یک فضای نسبتاً آزاد به گفت‌وگو پرداخته‌اند، نمی‌توان انکار کرد؛ اما این که سهم هر کدام از این تأثیرات به چه میزانی است، به سادگی قابل تشخیص نیست؛ زیرا برخی متکلمان و فرق‌نویسان نخستین، به جای داوری عادلانه، از روی تعصب مذهبی قضاوت کرده‌اند.

متکلمان معتزلی دوره نخست، در تکوین کلام خود، به نحوی وام‌دار کلام و بیانات پیشوایان شیعه‌اند. همچنین متکلمان اولیه معتزلی در عصر صادقین علیهم‌السلام، هنگام بحث با سایر متکلمان، به خصوص امامیه، برای اثبات نظریات خود، از کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام شاهد می‌آوردند و برای یافتن آن در بیانات ائمه شیعه، جست‌وجو می‌کردند. از این رو، متکلمان معتزله را در این جهت، متأثر از کلام امامی و منابع کلام امامی می‌توان محسوب کرد؛ برخلاف ادعای مدعیان تأثیر پذیری، رویکرد عقلی از زمان امام صادق علیه‌السلام در میان متکلمان امامیه وجود داشته است و متکلمانی همچون زراره، یونس بن عبدالرحمن، هشام بن حکم، هشام جوالیقی، مؤمن طاق و... بر رویکرد عقلی، آموزه‌های کلامی را تحلیل و بررسی می‌کرده‌اند. تنازع میان نص‌گرایان و عقل‌گرایان صحابی امامین صادقین علیهم‌السلام بر سر برخی مسائل و رویکردها، شاهد بر

این مطلب است. البته رویکرد عقل گرایی در کلام امامیه، روند رو به رشدی داشته است تا این که بعد از دوران غیبت، این رویکرد به حدی از کمال رسیده و طبیعتاً به رویکرد معتزلی که از ابتدا کاملاً عقل گرایانه بود، نزدیک شده است. این امر طبیعی است؛ چون تا زمانی که انمه اطهار حضور داشتند، عقل یکی از ابزارهای معرفت محسوب می شد و امام مرجع نهایی و بلامنازع بود، ولی بعد از دوره غیبت کبری، مرجع نهایی نصوص دینی بود که خود نیز در این مرجعیت نیاز به فهم و عقل بشری داشت. از این رو، بالطبع عقل گرایی در نزد متکلمان امامیه نیز حالت مرجعیت، به خصوص در موارد تعارض نصوص را پیدا می کرد. شاید به رغم طبیعی بودن مسأله، بتوان روند شتاب آمیز عقل گرایی را که در مدرسه بغداد از اواخر قرن سوم که با ظهور نوبختی ها آغاز شد و با شیخ مفید و سید مرتضی به حد کمال رسید، تا حدی متأثر از معتزله دانست.

همچنان که برخی متکلمان امامیه با حفظ اصول خود، برخی جهان بینی معتزله را پذیرفتند و روش آن ها را در تبیین برخی آموزه ها دنبال کردند، بر متکلمان معتزله، تأثیرگذار هم بوده اند. وجود متکلمان متشیع معتزلی و دارای اعتقاد به افضلیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت به سایر خلفا را می توان بخشی از این اثرگذاری کلام امامی بر کلام معتزلی نامید؛ حتی برخی نویسندگان معتقدند، بعد از قرن پنجم، کم کم معتزله در شیعه منحل شده است.

نقد و بررسی تبیین عقلانی ضرورت امامت عاقله، از دیدگاه فیلسوفان و متکلمان
(شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، فارابی و ملاصدرا)

محمّدصادق علی‌پور

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

استاد راهنما: حسن یوسفیان

استاد مشاور: محمّد جعفری هرنزی

سال ۱۳۸۹

تبیین عقلانی نظریه امامت یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهایی است که می‌تواند زمینه توسعه و صدور این اندیشه را به سراسر جهان فراهم آورد. از این رو در این پایان‌نامه ضمن تبیین استدلال‌های عقلانی امامت، به بررسی و ارزیابی آن‌ها پرداخته شده است. از آن جایی که این اصطلاح،

اصطلاح دینی است، نویسنده ابتدا به تعریف امام و امامت از منظر قرآن و سنت همت گمارده، ضمن بررسی تعریف‌های متکلمان و فیلسوفان مورد نظر، ارکان و عناصر قوام‌بخش این تعریف را مشخص نموده و با توجه به آن به تبیین استدلال‌های مورد نظر پرداخته است. در روایات اسلامی، ابعاد مختلف وجود امام مورد توجه قرار گرفته و تعریف‌هایی بر اساس آن ارائه شده است. در بعضی این روایات، امام، خلیفه الهی معرفی شده و در برخی دیگر که در آن به جایگاه اجتماعی امام توجه شده است، امام، جانشین پیامبر اسلام



خوانده شده است. همچنین در روایاتی به جایگاه وجودی آن‌ها در عالم خلقت اشاره شده است. طبق برخی احادیث، امام موجودی است که پیش از هر آفریده‌ای، همراه او و پس از او قرار دارد. این ویژگی، امام را در جایگاهی قرار می‌دهد که وجودش امان زمین و مایه بقا و استمرار آن باشد. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی این خصوصیت را مورد توجّه قرار داده‌اند.

همچنین امام علی (علیه السلام) نیز در نهج البلاغة می‌فرماید: «امام همیشه در عالم وجود دارد؛ آشکار باشد یا پنهان». خصوصیات وجودی امام، او را در جایگاه منحصر به فردی در عالم قرار می‌دهد؛ به طوری که او را به قلب عالم و محور اساسی آن تبدیل می‌کند. روایات دیگری این موجود یگانه را سرچشمه همه فضائل معرفی کرده و او را در مسند خلیفه اللهی می‌نشانند. خلیفه‌ای که با قدرتی الهی، قادر به تصرف در همه هستی است و بر همه حوادث آن نظارت دارد.

دستیابی به تعریفی جامع از امام، در گرو یافتن خصوصیتی است که مقوم معنای او باشد؛ به طوری که بودن یا نبودن آن، در امام شدنش تأثیرگذار باشد. به نظر می‌رسد این خصوصیت، همان طور که مؤلف کتاب بدایة المعارف الإلهیة خاطرنشان می‌کند، همان مقام خلافت الهی است که دایرة آن تمام هستی را دربرمی‌گیرد. او در تعریف امام چنین می‌گوید: «فَإِنَّ الإِمَامَةَ عِنْدَ الشَّيْعَةِ، هِيَ الْخِلَافَةُ الْكُلِّيَّةُ الْإِلَهِيَّةُ...».

تعریف امامت به خلافت کلی الهی، شامل همه ویژگی‌هایی است که در روایات برای امام در نظر گرفته شده است و همه شئون او را دربرمی‌گیرد؛ شئونی که جایگاه او را، هم در نظام تکوین و هم در نظام تشریع نشان می‌دهد. از آن جا که خلافت الهی امام، عام و فراگیر است، ولایت تکوینی و تشریعی او هم مطلق بوده، شامل همه امور می‌شود؛ عمومیتی که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود.

شیخ مفید در الإفصاح فی الإمامة، در پاسخ کسی که در مورد حقیقت امامت می‌پرسد، امامت را به معنای مقدّم بودن در امری که موجب اطاعت از دارنده آن می‌شود، معرفی می‌کند.

سؤال‌کننده می‌پرسد: به من در مورد [معنای] امامت خبر دهید. حقیقت آن در دین و عرف مردم چیست؟ در پاسخ گفته شد: امامت به معنای تقدّم در چیزی است که

موجب اطاعت از صاحب آن و اقتدا به او در آنچه تقدّم دارد است.

او در کتاب اوائل المقالات نیز امامان را افرادی می‌داند که در اجرای احکام و جاری کردن حدود الهی و حفظ شریعت، جانشین انبیاء اند.

سید مرتضی نیز در کتاب الحدود و الحقایق، امامت را ریاستی عام و فراگیر می‌داند؛ ریاستی که شامل همه امور دینی می‌شود: «الإمامة رئاسة عامة في الدين بالإصالة لا بالنيابة عمّن هو في دار التكليف». ایشان در کتاب الذخيرة نیز عصمت، اعلّمت در احکام شریعت و سیاست، افضلیت، شجاعت و منصوص بودن را از ویژگی‌های امام ذکر می‌کند.

شیخ طوسی در کتاب رسائل عشر به معنای لغوی و اصطلاحی امام اشاره می‌کند. او واژه امام را در لغت به معنای «الگو» می‌داند و در اصطلاح، امام را کسی می‌داند که برای تدبیر امت و سیاست آن قیام می‌کند؛ از حریم جامعه دینی دفاع کرده، به جنگ با دشمنان برمی‌خیزد و ضمن تعیین ولایت امراء و قضات، به اقامه حدود می‌پردازد. ایشان در کتاب الاقتصاد برای امام شش ویژگی برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: عصمت، اعلم بودن در تمام مسائل، شجاعت، عاقل تر بودن از همه انسان‌ها، منصوص بودن و افضل بودن از همه مردم.

از تعریف شیخ مفید استفاده می‌شود که او مرجعیت دینی و زعامت سیاسی را در تعریف امام دخیل می‌داند؛ زیرا قید قائم مقامی پیامبر و تنفیذ احکام در تعریف او به مرجعیت دینی امام اشاره دارد و ویژگی اقامه حدود و تأدیب بندگان می‌تواند بر زعامت سیاسی امام دلالت داشته باشد. افزون بر این، وی امامت را به معنای مقدّم بودن در امری که موجب اطاعت از دارنده آن می‌شود، معرفی می‌کند. این اطاعت می‌تواند، هم در امور دینی و هم در امور اجتماعی مطرح باشد.

گرچه تعریف شیخ طوسی هم از موقعیت مشابهی برخوردار است، اما در تعریف سید مرتضی فقط به ذکر مرجعیت دینی امام بسنده شده و از زعامت سیاسی و ولایت تکوینی امام سخنی به میان نیامده است. با توجه به تعریف‌های یادشده و مقایسه آن‌ها با تعریف برگرفته از روایات، این پرسش به ذهن می‌آید که عامل اصلی اختلاف در

تعریف‌ها چیست و اساساً مؤلفه‌های اصلی دست‌یابی به تعریف جامع از امام چیست؟ چنانچه گذشت، در روایات، امام به عنوان خلیفه الهی معرفی شده است. این درحالی است که شئون و وظایف دیگری هم برای امام ذکر شده است که بر اساس آن می‌توان خلافت الهی را درجه‌بندی کرد؛ امری که مورد توجه شهید مطهری هم بوده است. او در کتاب امامت و رهبری، امامت را دارای سه درجه می‌داند: اولین درجه، ولایت تکوینی، سپس مرجعیت دینی و آخرین و پایین‌ترین درجه نیز، زعامت سیاسی است. از میان این درجات، درجه اول و دوم، جزو جدایی‌ناپذیر امامت است و امام بدون آن دو، صلاحیت امامت را نخواهد داشت. اما درجه سوم، مبتنی بر وجود شرایط و زمینه مناسب است و در برخی شرایط، ممکن است امام فاقد زعامت سیاسی جامعه باشد؛ امری که مورد توجه سید مرتضی، شیخ طوسی و ملا صدرا نیز بوده است.

بر خلاف زعامت سیاسی که از ارکان تعریف امامت به شمار نمی‌رود، از دیدگاه روایات، ولایت تکوینی، امری است مقوم امامت و از عناصر جدایی‌ناپذیر آن. این در حالی است که در هیچ یک از تعریف‌های متکلمان مکتب بغداد قرار نگرفته است. روشن است چنین امری نمی‌تواند ناشی از غفلت و بی‌توجهی آن‌ها نسبت به روایات باشد؛ بلکه به نظر می‌رسد این اندیشمندان، از سویی درصدد مماشات با اهل سنت بوده‌اند و از سوی دیگر، آنان با تأثیر از شرایط سخت زمانی و مکانی، وادار به اراانه چنین تعریفی از امامت شده‌اند؛ شرایطی که شیخ مفید را در زمان حیاتش، دو بار مجبور به ترک شهر بغداد کرد و کتابخانه شیخ طوسی - که بارزترین عالم شیعی در زمان خویش بود - را به زبانه‌های آتش سپرد.

می‌توان گفت بخشی از مدّعی مکتب تشیع در مورد ضرورت وجود امام معصوم، با استدلال اول و سوم اثبات‌پذیر است و اثبات بخش دیگر آن، تلاشی مضاعف می‌طلبد؛ تلاشی که از سوی برخی فیلسوفان صورت گرفته و به اثبات ولایت تکوینی امام انجامیده است. بنا بر این می‌توان گفت مدّعی مکتب تشیع در مورد ضرورت وجود امام معصوم، پشتوانه عقلی دارد و با استدلال عقلی اثبات‌پذیر است.

در میان فیلسوفان مسلمان، دیدگاه‌های ابونصر فارابی، از نخستین کوشش‌هایی است

که می‌تواند تبیین‌کننده دیدگاه تشیع و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد. فارابی از نخستین فیلسوفانی است که به زندگی اجتماعی انسان پرداخته و در این زمینه نظریه‌پردازی کرده است. او بر این اساس، نظریه مدینه فاضله را طرح کرده و به تبیین ارکان آن پرداخته است. هدف فارابی از پی‌ریزی نظریه مدینه فاضله، نشان دادن راه رسیدن انسان به کمال و سعادت حقیقی است. از دیدگاه او، رئیس و رهبر، از ارکان این مدینه است که باید در عالی‌ترین مرتبه کمال بوده، خود نیازمند رئیس دیگری نباشد. او معتقد است پس از رئیس اول، جانشین او باید در عالی‌ترین مرتبه کمال بوده و از ویژگی‌های او برخوردار باشد. دقت در ویژگی‌هایی که فارابی برای جانشین رئیس اول برمی‌شمارد و آگاهی از ویژگی‌های امام در مکتب تشیع، به خوبی نزدیکی این ویژگی‌ها به یکدیگر را روشن می‌کند. از این رو، برخی نویسندگان بر این باورند که او در توصیف رئیس مدینه فاضله، به نظریه امامت در مکتب تشیع نظر داشته است؛ در حالی که به باور برخی دیگر، گرچه شباهت‌هایی بین امام در دیدگاه فارابی و امام در مکتب تشیع وجود دارد، اما نمی‌توان این دو اندیشه را کاملاً منطبق بر یکدیگر دانست.

به نظر می‌رسد با وجود اختلاف‌نظری که در مورد اندیشه فارابی به چشم می‌خورد، باز هم می‌توان نظریه او درباره جانشین رئیس اول را بسیار نزدیک به اندیشه امامت در مکتب تشیع دانست. از این رو، یکی از اهداف این پژوهش، بررسی این مطلب است که آیا نظریه فارابی در مورد جانشین رئیس اول، ارتباط و تناسبی با نظریه امامت در مکتب تشیع دارد و می‌توان دیدگاه او را تبیینی عقلانی برای نظریه امامت در مکتب تشیع به شمار آورد یا خیر؟ بدین منظور، نویسنده پس از بررسی تعریف امام در مکتب تشیع و اندیشه فارابی، در سه مرحله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش برمی‌آید: در مرحله نخست اثبات می‌شود که انسان به رهبر و پیشوا نیاز دارد؛ در دومین مرحله، اثبات می‌گردد که این رئیس باید نبی باشد؛ و در مرحله پایانی در مورد جانشین رئیس اول و ویژگی‌های او به بحث و گفت‌وگو می‌نشیند.

به طور کلی در این پایان‌نامه، هفت استدلال مورد بررسی قرار گرفته است. از این تعداد، سه استدلال متعلق به متکلمان و چهار استدلال متعلق به فیلسوفان است. استدلال‌های متکلمان عبارت‌اند از: استدلال از راه «قاعده لطف»، استدلال از راه «محال

بودن تکلیف بما لا یطاق» و استدلال از راه «نیاز شریعت به حافظ».

استدلال‌های فیلسوفان نیز عبارت‌اند از: استدلال از راه «ضرورت وجود رئیس اول در مدینه فاضله»، استدلال از راه «نظریه فیض»، استدلال از راه «ضرورت حفظ حیات اجتماعی» و استدلال از راه «لزوم واسطه در شناخت خداوند».

از میان این استدلال‌ها، استدلال اول، متعلق به فارابی، و سه استدلال دیگر، متعلق به صدرالمتألهین است. بررسی استدلال‌های متکلمان و استدلال فارابی نشان می‌دهد بیشتر سعی و تلاش آن‌ها، صرف اثبات جایگاه اجتماعی امام و نقش او در حیات اجتماعی شده است. این در حالی است که ملا صدرا در سایه قرآن و عترت و در پرتو نور روایات، به همه ابعاد وجودی امام معصوم (علیه السلام) توجه کرده و ضمن شرح روایات «کتاب الحجّة» در اصول الکافی، در صدد اثبات عقلانی همه این ابعاد برآمده است.

نقد و بررسی دیدگاه وهابیت در رابطه با مرز کفر و ایمان از دیدگاه متکلمین امامیه

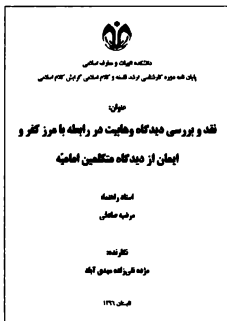
مژده نقی‌زاده مهدی‌آباد

پایان‌نامه کارشناسی ارشد کلام اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

استاد راهنما: مرضیه صادقی

سال ۱۳۹۶



مسأله مرز میان ایمان و کفر از قدیمی‌ترین مسائل طرح‌شده در میان مسلمانان و فرق و مذاهب اسلامی است. حضرت محمد ﷺ با شریعتی که از جانب خدای متعال آورد، این مرز را مشخص کرد و طبق آموزه‌های وحیانی، مرز میان ایمان و کفر، گفتن شهادتین (لا اله الا الله و محمد رسول الله) است و هر کس این را بر زبان جاری کند، جان و مالش محترم شمرده می‌شود.

گفتن شهادتین، رمز ورود به اسلام است. با توجه به معنای اسلام درمی‌یابیم که اسلام یعنی تسلیم و قبول هر حکمی که از جانب خدای متعال آمده است. پس می‌توان اسلام را مقدمه و ظاهر ایمان دانست؛ چرا که انسان با تسلیم و فرمان‌برداری از خداوند، کم‌کم به یقین قلبی نسبت به خدای متعال می‌رسد؛ یقینی که دیگر به کفر نمی‌گراید و این همان ایمانی است که مورد بحث است.

بررسی مرز میان ایمان و کفر از دیدگاه محمد بن عبدالوهاب (بنیان‌گذار فرقه وهابیت) و نقد آن توسط چند تن از متکلمان شیعه (شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی) از آن

جنبه اهتمیت دارد که محمد بن عبدالوهاب با ذکر تعاریف و معیارهای خاصی از ایمان، در واقع ایمان را با اسلام یکی دانسته و دایره شمول آن را بسیار محدود کرده است تا جایی که غیر از خود و پیروانش دیگر کسی به عنوان مؤمن و حتی مسلمان باقی نمی ماند و همه کافر به شمار می آیند؛ مگر این که به مذهب ایشان درآیند و طبق اصول وهابیان عمل کنند. نویسنده در این پایان نامه به دنبال ارائه تعریفی اسلامی از ایمان و کفر و همچنین نقد آرای محمد بن عبدالوهاب در این زمینه، و در آخر، مشخص کردن مرز ایمان و کفر با توجه به آیات قرآن کریم، سیره نبی مکرم اسلام و منابع شیعه و اهل سنت است تا با توجه به آنچه که به دست رسیده و مورد قبول همه انبیاء، اولیا و ائمه است، اصول اساسی ایمان و کفر ارائه شود؛ اصولی که مورد قبول همه فرق اسلامی و همه علما و بزرگان مسلمان است، نه فقط فرقه ای خاص؛ و دست آخر، اشکالات مذهب وهابیان نیز مشخص شود.

استفاده از آرای شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی (سه متکلم بزرگ شیعه) برای نقد عقاید وهابیان، به دلیل متقدم بودن ایشان نسبت به سایر متکلمان است؛ چرا که اکثر علما و اندیشمندان مسلمان، در این زمینه به نقل قول ایشان پرداخته و بر طبق آرای ایشان نظریه پردازی کرده اند.

معیار کفر و ایمان در اندیشه محمد بن عبدالوهاب، قرآنی است که وی از مفهوم توحید ارائه می کند: «خلافی نیست که توحید باید به قلب، زبان و عمل باشد و اگر خللی در هر یک از این ها وارد شود، انسان مسلمان نیست».

به عقیده وی توحیدی که پیامبران برای آن مبعوث شده اند، توحید الهی (عبادی) است. آنان هر عملی را که همراه با خضوع و خشوع باشد و برای غیر خدا انجام شود، عبادت تلقی می کنند؛ این در حالی است که توحید عبادی یکی از متعلقات ایمان است و مرگب است از صورت (عمل) و تبت. از سوی دیگر، ابن عبدالوهاب و پیروانش، اموری از جمله: توسل، زیارت، طلب شفاعت از اولیای الهی و سفر برای زیارت و از این قبیل را موجب خروج از دین و ارتداد مسلمانان می شمارند. وی مسلمانان را به خاطر انجام این اعمال کافر می شمارد؛ در حالی که آنان نماز می خوانند، روزه می گیرند، برای خدا حج و عمره به جای می آورند و در یک جمله، خداوند را می پرستند و نه تنها در قلب و زبان، حتی

در عمل نیز موحدند. این اندیشه ابن عبدالوهاب، برگرفته از عقاید ابن تیمیه و گذشتگانی چون خوارج است؛ با این تفاوت که ابن تیمیه در مورد مسلمانانی که اعمال یادشده را انجام می‌دهند، واژه «بدعت» را به کار می‌برد، ولی محمد بن عبدالوهاب، واژه «کفر» را به کار می‌برد و آن‌ها را واجب‌القتل دانسته و ریختن خون آن‌ها را جایز می‌شمارد.

در نگاه متکلمان امامیه، تکفیر مسلمانان بسیار نکوهش شده است و بسیاری از دانشمندان شیعه به تحریم تکفیر مسلمانان فتوا داده‌اند.

این تحقیق در چهار فصل سامان یافته است: در فصل اول که کلیات است، پس از بیان زندگی‌نامه محمد بن عبدالوهاب، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، به مفهوم‌شناسی توحید، ایمان، کفر، شرک و سلف پرداخته شده و از ظهور سلف و چگونگی تأثیرپذیری نظریه محمد بن عبدالوهاب نسبت به آن سخن به میان آمده است. فصل دوم درباره حقیقت ایمان است. ایمان از منظر متکلمین، ایمان از دیدگاه ابن تیمیه، مقایسه دیدگاه‌های محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه، دیدگاه متکلمین شیعه (شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی) در مورد ایمان، و رابطه اسلام و ایمان از عناوین این فصل است. فصل سوم به حقیقت کفر و شرک اختصاص دارد. موضوع فصل چهارم، نقد و بررسی دیدگاه محمد بن عبدالوهاب توسط متکلمان شیعه است.

نتایجی که نویسنده بدان رسیده به شرح زیر است:

۱. متکلمان امامیه با توجه به اعتقاد به عدم ملازمه قطعی بین ایمان و عمل و تفاوتی که بین کفر و فسق می‌گذارند و همچنین بر اساس شاخصه‌هایی که برای ایمان بر می‌شمارند، معتقدند که محمد بن عبدالوهاب، نه تنها مرز بین کفر و ایمان، بلکه شاخصه‌ها و مصادیق آن را نیز خلط نموده است.

۲. متکلمان امامیه بر اساس آیات و روایات و استدلالاتی عقلی، نظیر آیه ۶۹ سوره نساء و همچنین سخن پیامبر ﷺ که فرمودند: «من مأمور شده‌ام با مردم بجنگم تا هنگامی که کلمه توحید را بگویند و آن گاه اموال و خون آن‌ها بر ما حرام خواهد شد» و اسنادی از ابن قییل، نظریه محمد بن عبدالوهاب درباره تعریف و شاخصه‌های کفر و ایمان را نقد می‌کنند.

۳. متکلمان امامیه بر اساس آیاتی نظیر آیه ۱۱۲ سوره طه و این روایت از امام صادق (ع) که «کمترین اندازه ایمان، شهادت به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر گرامی اسلام و اقرار به اطاعت و شناخت امام زمان است و کسی که چنین باشد مؤمن است»، نظریه ابن عبدالوهاب درباره تعریف ایمان و شاخصه های آن را رد می کنند.
۴. عقایدی نظیر جسمانی بودن وجود خداوند و عدم تأویل برخی صفات خبریه که به جسمانی بودن آن می انجامد، از دیدگاه متکلمین امامیه، زمینه ساز کفر است.

نقش عقل در فهم و تبیین آموزه‌های دینی؛ بررسی تطبیقی
[دیدگاه] قاضی عبدالجبار و سید مرتضی

علی هاشم

پایان‌نامه کارشناسی ارشد کلام اسلامی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله

استاد راهنما: محمّدحسین مختاری

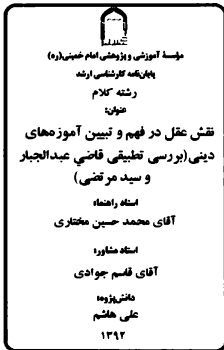
استاد مشاور: قاسم جوادی

سال ۱۳۹۲

یکی از اصولی که در شریعت اسلام جایگاه ویژه و بلندی دارد، «تلازم عقل و شریعت» است که در حوزه احکام به «کُلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع» و «کُلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل» تعبیر می‌شود. برای بازشناسی این امر که مقدمه‌ای است بر رهیافت عقلی به دین، لازم است بدوآ مراد از

واژه عقل با توجه به آنچه در فرهنگ‌ها آمده و نیز معانی کاربردی آن در قرآن کریم و لسان شارع مشخص گردد و سپس انواع عقل و دلایل تمسک به آن و شرایط کارآمدی عقل ارائه گردد و آن گاه نسبت بین عقل و سایر منابع دین، مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه آن، نقش عقل در نوفهمی دین تبیین گردد.

در دوره‌ای از تاریخ اندیشه‌های اسلامی - به‌ویژه در حوزه اندیشه‌های کلامی - اندیشمندان و متکلمان ظهور یافتند که اساس تفکر کلامی خویش را پیش از آن که بر



شانه‌های نقل بگذارند، بر دوش عقل نهاده و در به کارگیری و فعال‌سازی عقل از معاصرین خویش پیشی گرفتند و در فهم و درک معارف اعتقادی (کلامی) که عقل توانایی فهم و درک آن‌ها را دارد، عقل و خرد را به عنوان تنها داور نهایی در صدر نشان‌دادند. تاریخ اندیشه‌های کلامی، این گروه از اندیشمندان را به عنوان «عدلیه» - اعم از معتزله و شیعه امامیه - یاد می‌کند. برای نشان دادن اهمیت به کارگیری خرد و فعال‌سازی آن در دست‌یابی به معارف الهی، این پژوهش، خردگرایی قاضی عبدالجبار را به عنوان شاخصی از مذهب معتزله، و سید مرتضی را به عنوان شاخصی از مذهب امامیه در کلام، موضوع تحقیق خود قرار داده است تا بدین وسیله اهمیت و جایگاه بسیار ممتاز رویکرد خردگرایانه در حوزه معارف الهی را مورد تأکید قرار دهد.

نویسنده پیش از آن که به ویژگی‌های کلی رویکرد عقلانی قاضی عبدالجبار و سید مرتضی بپردازد، نگاهی گذرا به رویکردهایی که در حوزه معارف دینی به کار گرفته می‌شود می‌اندازد. دست‌کم سه گرایش برای دست‌یابی به معارف الهی در حوزه ذات و صفات و افعال الهی قابل شناسایی است: نقل‌گرایی، عقل‌گرایی و شهودگرایی.

گروهی از متکلمان اسلامی، تنها منبع معتبر برای دست‌یابی به معارف الهی را آیات و روایات می‌دانند و برای عقل و براهین عقلی، جایگاهی قائل نیستند. به همین جهت رویکردشان نیز نقل‌گرایی نامیده می‌شود. اهل حدیث از اهل سنت و اخباریان شیعه از معروف‌ترین پیروان این رویکرد به شمار می‌آیند.

گروهی دیگر از متکلمان اسلامی، راه معرفت به ذات و صفات ذاتی و افعال الهی را عقل می‌دانند. بر این اساس، رویکردشان عقل‌گرایی نامیده می‌شود. معتزله و خردگرایان امامیه در این گروه قرار دارند. قابل ذکر است که این گروه در جای خود، به نقل نیز توجه لازم را دارند.

از جمله روش‌های به دست آوردن حقیقت در حوزه ذات و صفات و افعال خداوند متعال، کشف و شهود است که این روش در میان عارفان و صاحبان سیر و سلوک عرفانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این گروه بر این باورند که با تزکیه و تطهیر باطن از طریق سیر و سلوک و به کارگیری ریاضیت‌های خاص، پرده‌های مانع مشاهده حقیقت، از میان

سالک و حقیقت کنار رفته و حقیقت، خود را به سالک آشکار کرده و تمام وجود سالک پر از معرفت به حق - سبحانه و تعالی - خواهد شد.

قاضی عبدالجبار و سید مرتضی دو تن از متکلمانی‌اند که رویکردشان در شناخت معارف یادشده، خردگرایی است. از همین رو به اردوگاه خردگرایان تعلق دارند. نویسنده در این پایان‌نامه، به توضیح ویژگی‌های کلی رویکرد خردگرایی این دو شخصیت در فهم دین می‌پردازد.

در این رویکرد، عقل در معارفی که اثبات و حجیت وحی مبتنی بر آن‌هاست، نقش بی‌بدیلی دارد. موضع معرفت‌شناختی و کلامی عبدالجبار و سید مرتضی در این باره یکسان است.

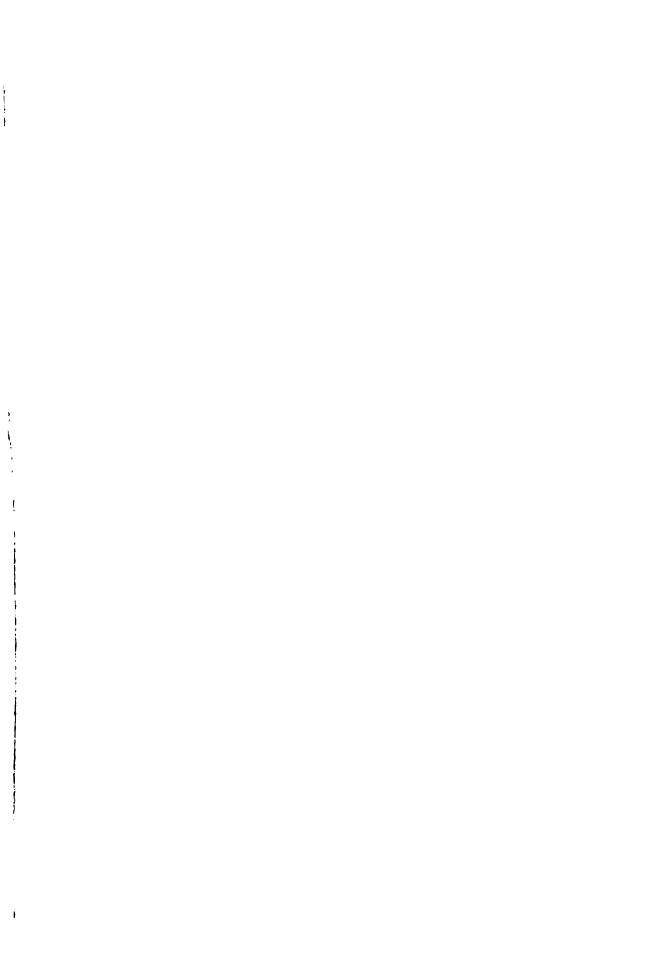
هرگاه میان ادراک عقلی و مدلول آیات و روایات در مسایلی که اثبات و حجیت کتاب و سنت مبتنی بر آن‌هاست، تعارضی رخ دهد، عقل بر نقل تقدم دارد. اگر نقل مفروض، قابل تأویل باشد، تأویل می‌شود. در غیر این صورت، درباره آن باید سکوت کرد و در عمل آن را کنار گذاشت. قاضی عبدالجبار و سید مرتضی در این باره نیز موضع یکسانی دارند. آری در آن دسته از معارف و اعتقادات دینی که درک آن‌ها خارج از عقل است، باید تابع نقل بود؛ چرا که اصولاً در آن جا عقل حکمی ندارد تا مسأله تعارض عقل و نقل رخ دهد.

از آنچه آمد، قلمرو عقل و نقل نزد قاضی عبدالجبار و سید مرتضی روشن می‌شود. در معارف مربوط به دین که تنها راه دست‌یابی به آن عقل است و از هیچ راه دیگری جز عقل نمی‌توان معرفت معتبری از آن معارف به دست داد، نقش بی‌بدیل در معرفت‌زایی، از آن عقل است؛ مانند آن جا که پذیرش نظر نقل متفرع است بر حکم عقل به این که خداوند حکیم و عادل است و کار قبیح انجام نمی‌دهد و به آن امر نمی‌کند و علم به آن، متوقف است بر علم به این که خداوند حکیم است و فعل قبیح اختیار نمی‌کند و با جهل به آن، علمی به دست نمی‌آید. در این گونه امور، هیچ سمع و نقلی قابل اعتماد و استناد نیست و تنها علم حاصل از عقل، معتبر است. سید مرتضی حتی در برابر کسانی که سخن امام را در به دست آمدن معرفت به خداوند معتبر می‌دانند، می‌گوید: معرفت به الله - تبارک و تعالی - را از سخن امام نمی‌توان به دست آورد؛ چه این که معرفت به این که امام امام است، مبتنی

بر معرفت به الله - تبارک و تعالی - است؛ با این حال چگونه از قول امام می توان به خدا معرفت پیدا کرد؟!

با توجه به آنچه گفته شد، روشن می شود که هر آنچه از آیات و روایات در موارد یادشده آمده است، تنها به عنوان تأیید حکم عقل قابل استفاده اند، نه به عنوان استدلال مستقل برای کسب معرفت. افزون بر آنچه گفته شد، عرصه های دیگری نیز در معارف دینی وجود دارد که عقل هرچند خود به تنهایی می تواند معرفت زایی داشته باشد، با این همه، از سمع نیز برای به دست آوردن معرفت می توان استفاده کرد؛ مانند مسأله رؤیت خداوند و یا نفی ثانی از خداوند متعال.

کوتاه سخن این که در معارف دینی، آن جا که بدون فعال شدن عقل، هیچ راهی برای به دست آوردن معرفت معتبر وجود ندارد، عقل میدان دار است و سمع را هیچ اثری در معرفت زایی نیست مگر در حد تأکید و تأیید حکم عقل. علاوه بر حوزه معرفت دینی، معارفی نیز وجود دارند که در آن، هرچند سمع نیز بهره ای از معرفت زایی دارد، در عین حال عقل به تنهایی با قطع نظر از سمع و بدون این که استفاده از سمع ممنوع باشد، نقش معرفت زایی خود را به خوبی ایفا می کند.



بخش چهارم
پایان نامه های فقهی

پیدایش و تطوّر مصلحت در فقه سیاسی شیعه تا پایان قرن ششم

حسین کاوسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

دانشکده علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

دانشگاه باقر العلوم (عج)

استاد راهنما: دکتر غلامرضا بهروزی لک

استاد مشاور: دکتر محمدتقی آل غفور

سال ۱۳۹۵

«مصلحت» عبارت است از جلب منفعت و دفع ضرر. منظور از مصلحت، حفظ مقاصد شرع است که در پنج مورد خلاصه می‌شود: حفظ دین، جان، مال، عقل و نسل.

مصلحت به سه قسم کلامی، فقهی و



فلسفی تقسیم می‌شود و با مفاهیمی چون «قیاس»، «استحسان»، «مصلح مرسله»، «استصلاح» و «سدّ ذرایع» ارتباط دارد. مهم‌ترین فقه‌های شیعی تا پایان قرن ششم که در مورد مسأله مصلحت نظریه‌پردازی کرده‌اند، عبارت‌اند از: کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ابو‌الصلاح حلبی.

در میان اهل سنت هم صحابه (خلفای راشدین) از همان ابتدای امر، وقتی که اتفاقات جدیدی برای مردم پیش می‌آمد و دلیل شرعی در خصوص آن نداشتند، از مصلحت استفاده می‌کردند و بعد از آن هم به طور گسترده در فقه حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ یعنی در زمان‌های مختلف در مسائل مستحدثه، از مصلحت به

عنوان دلیل استفاده می‌نمودند و نسبت به آن نظریه‌پردازی می‌کردند.

در نهایت، مصلحت در فقه شیعه به عنوان دلیل مستقل پذیرفته نشده است؛ ولی از ابتدای پیدایش آن تا پایان قرن ششم، دارای تطوّر بوده است و در زمان‌های مختلف نسبت به مسائل مختلف به عنوان یک قاعده، مطرح بوده است؛ اما اهل سنت، مصلحت را به عنوان یک دلیل مستقل می‌پذیرد و آن را مبنایی برای استنباط احکام قرار می‌دهد.

در این پژوهش، چگونگی تکوّن و شکل‌گیری مصلحت در فقه سیاسی شیعه تا پایان قرن ششم و نخستین مواضع فقها نسبت به آن و در امتداد سیره معصومین علیهم‌السلام بررسی شده است. فصول چهارگانه این پایان‌نامه به شرح زیر است:

فصل اول در دو بخش، مفاهیم و کلیات را مورد بررسی قرار داده است. در بخش مفاهیم، ضمن تعریف مصلحت و انواع آن، ارتباط مصلحت با مصالح مرسله، قیاس، استحسان، استصلاح و سدّ ذرایع مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بخش کلیات، منشأ پیدایش و پیشینه تاریخی مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت بررسی شده است.

در بررسی پیشینه تاریخی مصلحت در فقه اهل سنت، یکی از نمونه‌های کهن، کاربرد مصلحت در حوزه حقوق عمومی عنوان شده است. خوارزمی در کتاب مفاتیح العلوم، مصلحت را به عنوان یکی از ادلّه و مبنایی برای استنباط احکام طرح کرده است. همچنین در دیدگاه غزالی، مصلحت در معنایی وسیع، مشتمل بر حفظ دین، جان، نسل، عقل و مال است. نیز سلیمان طوفی هم مصلحت را به عنوان یکی از ادلّه شرعی معرفی می‌کند و بر این عقیده است که به جز عبادات، خداوند در حقوق مکلفان، راهی برای شناسایی مصالح قرار داده است که همان حکم عادت و عقل است.

فقه‌های شیعه مصلحت را به عنوان یک دلیل مستقل قبول ندارند؛ اما از صدر اسلام و در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام نمونه‌های مختلفی وجود دارد که در آن، مصلحت به کار گرفته شده است. همچنین در عصر غیبت هم دانشمندان شیعه، مصلحت را در مواردی متعدّد از جمله جزیه، جهاد، عقد امان، اسرای جنگی و... به کار می‌بردند.

در فصل دوم پژوهش، ضمن بررسی ساختار فقه اهل سنت، مصلحت به طور مستقل در فقه اهل سنت بررسی شده و سیره صحابه در عمل به مصلحت بیان گردیده است. از

جمله موارد مهمتی که هر سه خلیفه بر اساس مصلحت حکم می کردند، یکسان نمودن قرانات قرآن و تقسیم بیت المال بود. بعد از آن، مصلحت در فقه حنبلی، شافعی، حنفی و مالکی به طور جداگانه بررسی شده است. همچنین در این فصل، ادله حجّیت و یا عدم حجّیت مصالح مرسله، مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، دیدگاه فقهای شیعه نسبت به مسأله مصلحت و فقه روایی بررسی شده و به طور جداگانه مصلحت در کتاب های روایی فقه شیعه بیان شده است. همچنین معیارها و ضوابط مصلحت در فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی مصلحت در فقه امامیه، زائده شریعت است و به جهت تأمین اهداف غایی شریعت و جامعه اسلامی و نیز از بین بردن مشکلات ناشی از تراحم برخی احکام، وضع شده است.

در فصل چهارم هم مصلحت به طور جداگانه در اندیشه چند تن از علمای شیعه از جمله شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابو الصلاح حلبی و ابن ادریس حلی مورد بررسی قرار گرفته است.

(۱۲۰)

ترجمه و شرح و تحقیق باب طهارت [از کتاب] «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی

شریف مراقی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر غلامعلی پیراسته

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۱

نخستین کتابی که در فقه مقارن و خلاف نوشته

شد، کتاب الانتصار لما انفردت به الإمامية

سید مرتضی است. از آن جا که یکی از طرق

حفظ آثار ارزشمند دینی و گسترش آن در بین

مذاهب گوناگون اسلامی، ترجمه و شرح

آن هاست، در این پایان نامه تلاش شده است باب طهارت از کتاب یادشده، ترجمه و شرح شود.

نویسنده، این پایان نامه را در هشت فصل و به ترتیب زیر تدوین کرده است:

او ابتدا متن عربی را آورده و بعد ترجمه روان آن را نوشته و سپس به شرح و تحقیق مسائل پرداخته است. وی قسمت هایی از متن را که پیچیده بوده، با علامت ستاره مشخص نموده و سپس توضیح آن را آورده است تا مفهوم متن روشن و مشخص شود. در تحقیق نیز، نظریات مختلف از فقهای مختلف شیعه و سنی را آورده و منابع مربوط را در پی نوشت ذکر کرده است.



ترجمه، شرح و تحقیق باب طهارت [از کتاب] «الناصریات» سید مرتضی علم الهدی

مجید محسنی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

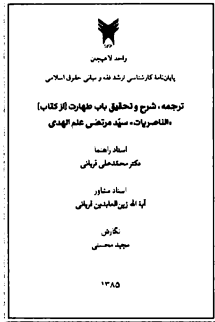
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۵

این پژوهش در واقع، ترجمه ۶۴ مسأله فقهی باب طهارت از کتاب الناصریات سید مرتضی است که عناوین برخی از آن‌ها عبارت است از: برخورد نجاست با آب، ورود نجاست بر آب کثیر، فرق بین ورود آب بر نجاست و یا نجاست



بر آب، اختلاط آب با مایعات، عدم جواز وضو با افشردۀ و با آب مستعمل و غصب شده، حکم نیم خورده چهارپا و نیم خورده مشرک و الاغ، حکم نجاست بول، منی، مدی، خون، خمر و مردار، تطهیر ظروف، تطهیر به وسیله مایعات، استنجاء مخرج بول و غائط، نیت در وضو، مضمضه و استنشاق در وضو، شستن اعضا در وضو، وجوب مسح، دست کشیدن بر اعضای وضو، موالات در وضو، مبطلات وضو، حدث، عدم زایل شدن طهارت با حدث مشکوک، شرط وجوب غسل، خروج منی، برخورد ختنه گاه، رساندن آب به بدن در وضو و غسل، صحت غسل پس از مقاربت، غسل احرام، غسل استحاضه، وجوب تیمم، احکام تیمم در صورت و دست‌ها، صحت خواندن چند نماز با یک تیمم، استفاده از تیمم در هنگام وجود آب و در وقت مشقت، احکام غسل زنان، مدت حیض، احکام حیض و احکام نفاس.

(۱۲۲)

ترجمه، شرح و تحقیق بخش حج، زکات، صیام، طلاق و نکاح از کتاب «مسائل
الناصریات» سید مرتضی علم الهدی

مصطفی وهابی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۵

روش نگارش این پایان نامه بدین نحو است که

ابتدا متن اصلی هر مسأله آورده شده، سپس

به ترجمه، شرح و تحقیق آن پرداخته شده و

آیات و روایات مربوط به مبحث مورد نظر و

نیز اقوال فقهای شیعه و اهل سنت بیان شده

است. مطالب پایان نامه در پنج فصل سامان

یافته که به ترتیب عبارت اند از: زکات، صیام، حج، نکاح و طلاق که هر یک به بخش هایی

تقسیم شده است. ترتیب فصول به تبعیت از کتاب الناصریات صورت گرفته است.



واحد لاهیجان

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

ترجمه، شرح و تحقیق بخش حج، زکات، صیام، طلاق
و نکاح از کتاب «مسائل الناصریات» سید مرتضی علم الهدی

استاد راهنما

دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور

آیه الله زین العابدین قربانی

دانشجو

مصطفی وهابی

۱۳۸۵

(۱۲۳)

ترجمه، شرح و تحقیق کتاب بیع، ربا، صرف و کتاب شفعه از [کتاب] «الانتصار»

نسرین عوض پور

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۲

این پژوهش، ترجمه، شرح و تحقیق مسائلی
چند از کتاب الانتصار سید مرتضی است که
مشمول بر دو بخش است: ۱. کتاب بیع، ربا و
صرف؛ ۲. کتاب شفعه.

بخش اول مشتمل بر ده فصل و به ترتیب

زیر است: فصل اول: خیار حیوان، فصل دوم:

خیار شرط، فصل سوم: فروش بنده فراری، فصل چهارم: بیع فقاع، فصل پنجم: حکم
خرید و فروش بدون قبض و اقباض، فصل ششم: حکم معین نشدن مدت خیار شرط،
فصل هفتم: خیار عیب، فصل هشتم: استثناء کردن بعض مبیع، فصل نهم ربا، و فصل
دهم: صرف.

بخش دوم هم مشتمل بر شش فصل است: فصل اول: شفعه در لغت، فصل دوم:

مواردی که حق شفعه در آن جاری می گردد، فصل سوم: حکم شفعه در صورتی که چندین
شریک در بین باشد، فصل چهارم: حق شفعه برای کافر، فصل پنجم: سقوط حق شفعه، و
فصل ششم: حق شفعه در موقوفات.



(۱۲۴)

ترجمه، شرح و تحقیق کتاب الصیام از کتاب «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی

مهری قنبری دوست کوهی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۲

پژوهشگر این پایان نامه بر این باور است که
چون در کتاب الانتصار سید مرتضی، نظرات
اختصاصی امامیه بیان می شود و این کتاب تا
به امروز به فارسی ترجمه نشده است، پس
ترجمه و شرح قسمتی از این اثر گران بها

می تواند دسترسی و آشنایی دانش پژوهان را به فقه شیعه و آثار سید مرتضی آسان تر نماید.
بدین جهت وی بر آن شده که موضوع پایان نامه خود را ترجمه بخش هایی از این کتاب
قرار دهد.

در این پایان نامه ابتدا متن عربی مطالب در بخش های مجزا آمده و در پایان هر بخش،
ترجمه آن ذکر شده و علاوه بر ترجمه متن، مباحثی تحت عنوان «شرح و تحقیق» آورده شده
است. افزون بر این، در هر بخش، احادیث معصومین علیهم السلام و اقوال بعضی از فقه های شیعه
بیان شده و در ذیل هر مسأله، دیدگاه مذاهب پنجگانه ذکر شده است.



واحد لاهیجان

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی (M.A)

موضوع :

ترجمه، شرح و تحقیق کتاب الصیام از کتاب الانتصار: سید مرتضی علم الهدی

استاد راهنما

آقای دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور

حضرت آیه الله زین العابدین قربانی

نگارش

مهری قنبری دوست کوهی

مهری قنبری دوست کوهی

سال تحصیلی ۱۳۸۲

این پژوهش از دو بخش «کتاب الصیام» و «کتاب الاعتکاف» تشکیل شده است. کتاب الصیام، شامل هفده مسأله است که بعد از ذکر پیش‌گفتار و مقدمه‌ای دربارهٔ رمضان و معانی لغوی و اصطلاحی روزه و... آمده است. کتاب الاعتکاف، شامل شش مسأله است که مسائل آن پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی اعتکاف و پیشینهٔ تاریخی آن، بحث و بررسی شده‌اند.

(۱۲۵)

ترجمه، شرح و تعلیق مبحث قضا و شهادت
از کتاب «الاتتصار» سید مرتضی علم الهدی

رحمت‌الله سعیدی گراغانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان
استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی
استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۱

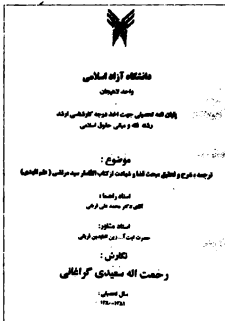
این پایان‌نامه از دو بخش و هر بخش از چندین
فصل تشکیل شده است:

بخش نخست در مورد قضاء است که
شامل مباحث معانی لغوی و اصطلاحی قضا،
دلایل و مستندات قضا، شرایط قاضی و متعلقات
مربوط به آن، علم قاضی در فقه شیعه و اهل

سنت، حقوق و حدود، ارکان دعوی و همچنین کیفیت حکم و دادرسی قاضی در نزد
متخصصین است.

بخش دوم در مورد شهادت است که یکی از راه‌های اثبات حق برای افراد است که
شامل مباحث مربوط به دلایل و مستندات شهادت از کتاب، سنت و اجماع، تحمل و ادای
شهادت و شرایط شاهد است. همچنین در این بخش، فصول جداگانه‌ای برای شهادت
ذوی القربات، عبد، ولد الزنا، نابینا و کودکان اختصاص یافته است.

در این رساله سعی بر آن بوده است که متن عربی کتاب به بخش‌های خوانا و همگون
تقسیم شود و بعد از ترجمه هر بخش، نظرات برخی علما و فقهای شیعه و اهل سنت آورده



شود و تا حد امکان به آیات و روایات هم استناد گردیده، و با قوانین موجود نیز تطبیق داده شود. در پایان هر مطلب، چکیده گفتار هم آورده شده تا جمع‌بندی کاملی از مطلب مورد تحقیق حاصل شود.

تلاش نویسنده بر آن بوده که اصطلاحات فقهی و اصولی در پاورقی توضیح داده شود و همچنین منابع و مآخذ هر مطلب با ذکر شماره مخصوص خود، در پاورقی آورده شود.

(۱۲۶)

ترجمه فصل طلاق تا ابتدای فصل عده از کتاب «انتصار»

تألیف مرحوم سید مرتضی

عبدالحسین منشی پوری

پایان نامه کارشناسی رشته قضائی

دانشکده حقوق، علوم سیاسی و

اقتصادی دانشگاه تهران

استاد راهنما: [محمد شریعت]

سنگلجی

سال ۱۳۳۰

این پایان نامه یکی از چند پژوهش

نخستین درباره سید مرتضی و آثار او در

ایران است.

نویسنده ابتدا در مقدمه ای، درباره

مبغوض بودن طلاق در اسلام و جامعه

اسلامی سخن گفته و سپس به ترجمه

کتاب مبادرت ورزیده است.

شروط طلاق، حضور عدلین، لفظ طلاق، نیت در طلاق، طلاق سکران، طلاق زن

حائض، طلاق ثلاث، طلاق مجهول، ظهار، ایلاء و لعان، عناوین بخش های ترجمه شده از

کتاب الانتصار سید مرتضی در این پایان نامه است.

(۱۲۷)

ترجمه قسمتی از کتاب «جمل العلم و العمل»

فضل الله عطاری

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه فردوسی مشهد

استاد راهنما: کاظم مدیر شانه‌چی

سال ۱۳۴۹

این پایان نامه ترجمه قسمتی از کتاب جمل العلم و العمل به تحقیق رشید صفار است که در هفت فصل، از عناوین: فقه جعفری، طهارت، نماز، روزه، حج، زکوة، تدفین (کفن و دفن) بحث کرده است. البته در هر یک از فصل‌ها، پس از بیان تعاریف و اصطلاحات، به احکام و مسائل شرعی مربوط به هر یک از موارد یادشده نیز اشاراتی شده است.



پایان نامه کارشناسی ارشد

ترجمه قسمتی از کتاب «جمل العلم و العمل»

استاد راهنما
کاظم مدیر شانه‌چی

نویسنده
فضل الله عطاری

ترجمه کتاب حدود «انتصار» سید مرتضی علم الهدی

علی ریاحی زاده

پایان نامه کارشناسی رشته قضائی
دانشکده حقوق، علوم سیاسی و
اقتصادی دانشگاه تهران
استاد راهنما: سید محمد مشکوة

سال ۱۳۳۱

این پایان نامه نیز یکی از معدود
پژوهش های انجام گرفته درباره سید
مرتضی و آثار اوست.

نویسنده مبحث حدود کتاب
الانتصار سید مرتضی را بدون این که
متن عربی آن را ذکر کند، ترجمه
نموده است. گفتنی است سید

مرتضی در تصنیف این کتاب به دیدگاه فقهای اهل سنت نظر داشته و پس از طرح هر
مبحث، ایرادات مذاهب دیگر را پاسخ داده است.



(۱۲۹)

ترجمه کتاب الصلاة «مسائل الناصريات» سیّد مرتضی (به زبان اردو)

محمد باسط علی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف

اسلامی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه -

واحد مشهد مقدس

استاد راهنما: سیّد سبط حیدر زیدی

سال ۱۳۹۵

این پایان نامه در مجتمع آموزش عالی

مشهد، بخش تحصیلات تکمیلی به شماره

۶۷۶ نگهداری می شود.



پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی

ترجمه کتاب الصلاة مسائل الناصريات

سیّد مرتضی (به زبان اردو)

استاد راهنما

سیّد سبط حیدر زیدی

نویسنده

محمد باسط علی

۱۳۹۵

(۱۳۰)

ترجمه و بررسی مسائل البیع از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

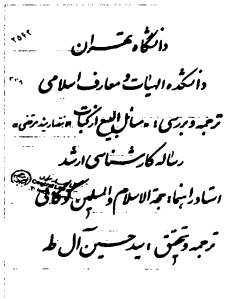
سید حسین آل طه

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف

اسلامی دانشگاه تهران

استاد راهنما: حسین گوگانی

سال ۱۳۶۹



مطالب مورد بحث در این پایان نامه به این شرح است: شرح حال سید مرتضی، قوانین اسلام، اهمیت و تقسیم احکام فقهی، تعریف بیع و مسائل بیع در کتب فقهی و در کتاب الانتصار، اقسام حقوق، کتاب البیع، معنای خيار و تعریف خيار حیوان و نظر فقها در مورد خيار حیوان،

تعریف خيار شرط و نظر فقها در مورد آن، نفی ربا بین پدر و فرزند، مسلمان و ذمی، جواز فروختن غلام فراری و شتر رها شده، تحریم بیع فقاع، معنا و شرایط خيار تأخیر و نظر فقها در مورد آن، مسأله خياری که از نظر مدت معین نیست، مسأله فروش چیزی به همراه معامله نقد یا نسیه، مسأله تعجیل در پرداخت با کاهش مبلغ آن، مسأله جواز فروش حیوان با استثناء کردن، و دست آخر، شرح حال مختصری از فقهایی چون شیخ مرتضی انصاری، شیخ مفید، محقق حلی، ابن زهره و... که در این پایان نامه به مطالب آن ها استناد شده است.

(۱۳۱)

ترجمه و تحقیق باب زکات از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

محمدحسین فرجی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی

حقوق اسلامی

دانشکده فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یادگار امام

خمینی رحمته الله

سال ۱۳۸۶

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از آنچه

ذکر شده، به دست نیامد. این اطلاعات

در فهرست پایان نامه های دفاع شده

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام

خمینی قابل دست یابی است.



واحد یادگار امام خمینی رهبر
دانشکده فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

ترجمه و تحقیق باب زکات
از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

نگارش
محمدحسین فرجی

۱۳۸۶

(۱۳۲)

ترجمه و تحقیق بخش دوم حدود و دیات از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

زهره پوربناء

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی

حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی

سال ۱۳۸۹

از این پایان نامه، اطلاعاتی بیش از آنچه

ذکر شده، به دست نیامد.



پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

ترجمه و تحقیق بخش دوم [بحث] حدود و دیات
از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

نگارش
زهره پوربناء

۱۳۸۹

(۱۳۳)

ترجمه و تحقیق فصل قضاء و شهادات از کتاب «الاتصار» سید مرتضی

علی اکبر حسینی معصوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

تهران

استاد راهنما: حسین گوگانی

سال ۱۳۷۰

این پایان نامه شامل مباحث زیر است:

شرح حال مصنف، بررسی واژه قضاء،

معنای اصطلاحی قضاء در فقه، اقسام قضاء،

قضاء و شهادات و مسائل مربوط به آن، دلیل

قول شیعه در مسأله اول، دلیل شیعه امامیه در

مسأله دوم از مسائل قضاء کتاب شهادات، جواز شهادت خویشاوندان و دلایل نظر شیعه

امامیه، جواز شهادت عبد برای مولایش، عدم قبول شهادت زنازاده، قبول شهادت نابینا به

شرط عدالت و کیفیت پذیرش شهادت کودکان.

دانشگاه تهران:

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد - رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع:

ترجمه و تحقیق فصل قضاء و شهادات

از کتاب الاتصار سید مرتضی

استاد راهنما

حسین گوگانی

ترجمه و تحقیق:

علی اکبر حسینی معصوم

(۱۳۴)

ترجمه و تحقیق کتاب «الانتصار» سیّد مرتضی علم الهدی؛ مسائل الصيد
و الذبائح و الأطعمة و الأشربة و اللباس

سیّد مرتضی میرکریمی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یادگار امام
خمینی رحمه الله

استاد راهنما: دکتر محمد اسدی
مهمان دوست

استاد مشاور: دکتر محمد ابراهیمی
ورکیانی

سال ۱۳۸۸

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، در تمام
ادیان آسمانی از کرامت خاصی برخوردار
است و حقوق و تکالیف زیادی دارد.

سال هاست که جوامع انسانی به تدوین قوانینی از جنبه های مختلف، حقوق کودکان، زنان،
کارگران و... پرداخته است. امروزه جوامع و اندیشمندان به این مسأله توجه پیدا کرده اند که
فقط انسان ها نیستند که برخوردار از این حقوق اند؛ بلکه حیوانات، دریاها کوه ها، گیاهان
و... نیز حقوقی دارند. انسان تمام مخلوقات را زیر سیطره خود گرفته و به نفع خود
بهره برداری می کند؛ ولی آیا این همه تصرفات، هیچ حد و حصری در قوانین مذهبی و
اخلاقی ندارد و دست انسان برای هر نوع انتفاعی باز گذاشته شده است؟

این پایان نامه به بررسی چگونگی بهره مندی [انسان] از صید و ذبح و خوردن حیوانات



پایان نامه حقوق فقه اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق

ترجمه و تطبیق کتاب الانتصار سیّد مرتضی علم الهدی
مسائل الصيد والذبائح و الأطعمة و الأشربة و اللباس

استاد راهنما:

دکتر محمد اسدی مهمان دوست

استاد مشاور:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی

دانشجو:

سید مرتضی میرکریمی

۱۳۸۸

و نوشیدنی‌ها و حقوق آن‌ها و حد مجاز تصرف و تسلط از دیدگاه قوانین اسلامی و نظرات علما پرداخته و سعی می‌کند ابعاد قضیه را تا حد ممکن به لحاظ فقهی روشن سازد. آیه چهار سورة مانده در قرآن می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ ای پیامبر از تو خواهند پرسید که بر آن‌ها چه چیز حلال گردیده؟ بگو: برای شما هر چه که پاکیزه است حلال شده، [و نیز صیدی] که به سگان شکاری آموخته‌اید؛ آنچه که خدا به شما یاد داده و شما به آن‌ها می‌آموزید. پس از صیدی که برای شما نگاه می‌دارند، بخورید و نام خدا را بر آن صید یاد کنید و از خدا بترسید که خدا زود به حساب خلق می‌رسد﴾.

به طور خلاصه، این پایان‌نامه شامل جزئیات کامل در مورد موضوعاتی مانند شکار حیوانات، ذبح حیوانات و خوردنی‌ها و آشامیدنی و البسه است. در این پژوهش، آموزه‌های امامیه از دیدگاه سید مرتضی بر اساس کتاب الانتصار طرح و ترجمه شده و با دیدگاه‌های فقهای دیگر مذاهب (ابوحنیفه، شافعی و مالکی) مقایسه گردیده است.

(۱۳۵)

ترجمه و تحقیق کتاب حج از «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی

حسن محرم‌نژاد

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد

اسلامی - واحد یادگار امام علیه السلام

استاد راهنما: دکتر محمد اسدی

مهماندوست

استاد مشاور: محمد جعفری هرنندی

سال ۱۳۸۶

از این پایان‌نامه اطلاعاتی بیش از آنچه ذکر شده، به دست نیامد. در فهرست پایان‌نامه‌های دفاع‌شده دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی، مطالب یادشده قابل دست‌یابی است.



راسته یادگار امام خمینی علیه السلام
دانشکده تحصیلات تکمیلی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

ترجمه و تحقیق کتاب حج از «الانتصار»
سید مرتضی علم‌الهدی

استاد راهنما
دکتر محمد اسدی مهماندوست

استاد مشاور
محمد جعفری هرنندی

دانشجو
حسن محرم‌نژاد

۱۳۸۶

ترجمه و تحقیق مباحث حدود، قصاص و دیات از کتاب «انتصار» سید مرتضی

یزدان عیسی پورهادی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
اسلامی

دانشکده الهیات، ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

استاد راهنما: دکتر زهرا فهرستی

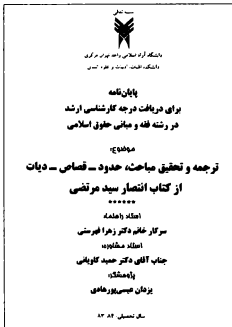
استاد مشاور: دکتر حمید کاویانی

سال ۱۳۸۴

اجرای حدود، قصاص و دیات، علاوه بر
سلامت جامعه، شخص مجرم را از ارتکاب
عمل خلاف بازمی دارد و سبب اصلاح او و
عبرت دیگران می شود و کفّاره گناهان وی نیز

محسوب می گردد. از آن جا که حقوق جزا، از رحمت عام خداوند تعالی بر مردم نشأت
می گیرد و ستم و تجاوز به حقوق مردم را صرفاً در پرتو تعالیم اخلاقی نمی توان از میان برد،
بلکه مصالح عمومی جامعه باید با قانون و عدالت و قدرت تأمین گردد، لذا به نظر می رسد
اعمال حقوق جزای اسلامی، امری ضروری باشد.

حدود، قصاص و دیات، نمونه هایی از قوانین کیفری الهی اند که پرداختن به آن ها به
جهت اختلاف نظر میان فقهای امامیه و اهل سنت در پاره ای از مسائل مربوط و نیز به خاطر
کاربرد زیاد این قوانین در جهان اسلام، ضروری است. از آن جا که کتاب انتصار سید
مرتضی از آثار معتبر فقهی در زمینه مجازات کیفری اسلام است، ترجمه و تحقیق بخشی از



آن به عنوان پایان‌نامه برگزیده شده است. روش تحقیق به تبعیت از مؤلف و به شیوه اوست و هر متنی، عنوان و شماره خاص خود را دارد.

این ترجمه، لغت به لغت نیست، بلکه به صورت باز و روان است. پژوهشگر برای روشن‌تر شدن متون، توضیحات اضافه‌ای را داخل پرانتز آورده است که خواننده را در فهم بهتر جملات یاری می‌رساند.

محقق پایان‌نامه، مطالب خود را در چهار فصل و چندین بخش تنظیم کرده است: در فصل اول در سه بخش به توضیح کلی حدود، قصاص و دیات و شرح حال سید مرتضی و محدثان یادشده در متن پرداخته است. در فصل دوم، مسائل حدود را آورده و در فصل سوم، به تبیین مسائل قصاص و در فصل چهارم، به بحث مسائل دیات پرداخته است.

ترجمه و تحقیق مباحث نکاح و طلاق از کتاب «الانتصار»

جواد صدیقی لویه

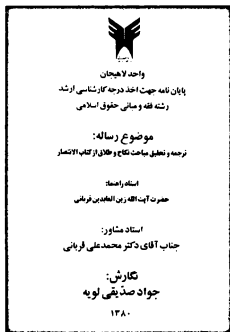
پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: آية الله زين العابدين قربانی

استاد مشاور: دکتر محمدعلی قربانی

سال ۱۳۸۰



شخصیت فقهی سید مرتضی علیه السلام در کنار دیگر جنبه‌های کلامی و ادبی او بیش از هر چیز، به اوضاع و احوال اجتماعی و علمی زمان او گره خورده و از آن متأثر بوده است. در قرن‌های چهارم و پنجم هجری در بغداد، مرکز حکومت عباسی، زمینه‌ها و شرایط خاصی فراهم گردید تا فقه امامیه بتواند پویایی و حرکت خویش را در کالبدی نوین و

با شتابی بیشتر تجربه کند و در کنار مذاهب فقهی دیگر، طرحی مستحکم از مبانی خویش ارائه نماید. این شرایط و زمینه‌ها به اختصار عبارت بودند از:

۱. ضعف خلافت عباسی و قدرت یافتن آل بویه؛

۲. قرار گرفتن امامیه در بین دیگر مذاهب اسلامی و بسته شدن باب اجتهاد در فقه اهل

تسنن، و نیز انتقاد و حمله علمی گسترده بزرگان این مذاهب به فقه امامیه؛

۳. شروع شکل‌گیری و تقویت مکاتب و مذاهب مختلف کلامی و فقهی و به دنبال آن

تلاش بزرگان هر مذهب در تثبیت جایگاه و موقعیت مکتب خود و دفاع از نظریات و تصحیح و تهذیب مبانی آن.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سید مرتضی، بزرگ‌ترین شاگرد مکتب کلامی شیخ مفید،

پا به عرصه گذاشت و فقه امامیه را تحت تأثیر همین عوامل، به نحوی مطلوب، تطوّر و استمرار بخشید. او از جو سیاسی موجود و رابطه نیکویی که با خلیفه داشت، به نفع تشیع سود برد و بدون این که خلافت عباسی را تحریک کند، یا دیگر مذاهب را برنجانند، تا حد امکان به مناسبت‌های مختلف به نفع تشیع کتاب نوشت و شعر سرود.

دغدغه اصلی سید مرتضی، بنیان نهادن فقه امامیه بر مبانی اصیل، متقن و فراگیر بود تا از سویی پاسخگوی اشکالات و حملات اهل تسنّن باشد و از سوی دیگر، به تصحیح وضعیت داخلی فقه امامیه در دو جنبه افراط و تفریط آن بپردازد. پس با موضع تدافعی در مقابل عاقه ایستاد و با موضع اصلاحی و احیاناً تند، در برابر اهل حدیث و اهل رأی از اصحاب امامیه ایستادگی کرد. او به عنوان رئیس مذهب و رکن تشیع زمان خویش، کتب و رساله‌های بسیاری را برای بیان فتاوی تألیف نمود؛ مانند *جمل العلم و العمل* و *جوابات المسائل* و... مهم‌تر این که او در مقام یک فقیه صاحب‌نظر و آزاداندیش در استدلال و اجتهاد فقهی، به نحو بسیار علمی به ابداع و نوآوری دست زد.

جنبه بارز فقه استدلالی سید مرتضی، اسلوب فقه تطبیقی و علم الخلاف است که می‌توان او را بعد از ابن جنید اسکافی، اولین مؤلف امامیه در این امر قلمداد کرد و کتاب‌های انتصار و ناصریات وی را کهن‌ترین کتب موجود در علم الخلاف دانست که امّهات مسائل فقهی در همه ابواب را حاوی‌اند.

این پایان‌نامه، ترجمه و تحقیق مباحث نکاح و طلاق از کتاب الانتصار است که از یک پیشگفتار و دو بخش اصلی نکاح و طلاق تشکیل شده است. نویسنده، پیشگفتار را در دو فصل به شکل زیر ترتیب داده است:

فصل اول: تاریخچه نکاح و طلاق در جاهلیت و اسلام؛

فصل دوم: ادوار فقه، و سپس زندگی سید مرتضی.

او در ادامه به ترجمه مباحث نکاح و طلاق از کتاب الانتصار پرداخته و ابتدا متن عربی را نقل کرده و سپس ترجمه آن را آورده و به شرح آن اهتمام ورزیده است. تطبیق دیدگاه سید مرتضی با دیگر مذاهب اسلامی، امری است که در هر موضوع دنبال شده است. در پایان هم به توضیح مفاهیم به کار رفته در کتاب انتصار پرداخته است.

(۱۳۸)

ترجمه و تحقیق مبحث ارث از کتاب «الانتصار»

جمال محمدیان امیری

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی

حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمدعلی قربانی

استاد مشاور: آیه الله زین العابدین قربانی

سال ۱۳۸۰

این پایان نامه در دو بخش و یک پیش گفتار

تنظیم شده است.

نگارنده پیشگفتار را به سه فصل زیر

تقسیم کرده است: ۱. گذری کوتاه بر

تاریخچه ارث در جهان؛ ۲. اهمیت ارث و

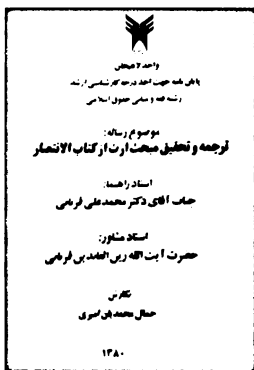
تعلیم فرایض و مالکیت آن؛ ۳. شرح حال

سید مرتضی نویسنده کتاب انتصار.

مباحث دو بخش اصلی رساله بدین قرار است:

بخش اول، ترجمه متن مبحث ارث از کتاب الانتصار؛

بخش دوم، قواعد و محاسبات ارث.



(۱۳۹)

ترجمه و تحقیق مسائل بخش نماز از کتاب «الاتصار» سید مرتضی علم الهدی

مریم گنجی سیگارودی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی

حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

سال ۱۳۸۹

این پایان نامه شامل یک پیش گفتار و مقدمه است و مقدمه نیز مشتمل بر چهار فصل به ترتیب ذیل است: ۱. نماز و مباحث آن؛ ۲. تعریف فقه؛ ۳. ادوار فقه؛ ۴. خلاصه ای از زندگی سید مرتضی.

پژوهشگر، بخش اصلی پایان نامه را در بیست فصل بدین ترتیب سامان داده است:

۱. لباس نمازگزار؛ ۲. اموری که سجده بر

- آنها جایز است؛ ۳. فصول اذان و اقامه؛ ۴. تکبیرة الإحرام؛ ۵. تکبیر در نماز؛ ۶. قرائت در نماز؛ ۷. رکوع و سجود؛ ۸. تشهد؛ ۹. قنوت؛ ۱۰. سلام نماز؛ ۱۱. شک های نماز؛ ۱۲. نماز جماعت؛ ۱۳. تعداد رکعات؛ ۱۴. نماز نافله؛ ۱۵. نماز شب؛ ۱۶. نماز مسافر؛ ۱۷. نماز جمعه؛ ۱۸. نماز عیدین؛ ۱۹. نماز آیات؛ ۲۰. نماز میت.

روش نگارش این اثر بدین صورت است که ابتدا متن اصلی هر مسأله را آورده و سپس به ترجمه و شرح و تحقیق آن پرداخته و در ضمن آن، احادیث معصومان علیهم السلام و اقوال بعضی فقهای شیعه را بیان نموده است. همچنین در آخر هر مسأله، دیدگاه مذاهب پنج گانه اسلامی را ذکر نموده و در پاورقی هر صفحه، مأخذ مربوط را ذکر نموده است.



(۱۴۰)

ترجمه و تحقیق مسائل نکاح از کتاب «انتصار» سید مرتضی

نصیر کیایی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

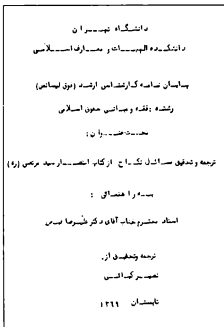
تهران

استاد راهنما: علیرضا فیض

سال ۱۳۶۹

در این پایان‌نامه، پس از بیان مقدمه‌ای در معرفی کتاب الانتصار و بیان ویژگی‌های آن، به ترجمه بخش نکاح این کتاب پرداخته شده است. نگارنده در بحث از هر مسأله، ابتدا اقوال فقهای امامیه را نقل کرده و سپس به دیدگاه

فقهای اهل سنت در آن مسأله پرداخته است. وی همچنین در هر مسأله، چند نمونه از روایات مربوط به موضوع را از طریق خاصه و در مواردی از طریق عامه نقل کرده و از دسته‌بندی روایات نیز غافل نشده است. او در مسأله متعه حج نیز - که یکی از دو متعه مورد تحریم عمر است و البته به موضوع این رساله مربوط نیست - مطالبی آورده است. ارائه زندگی‌نامه برخی علمای اسلام، فهرست آیات و روایات و نیز مواد قانون مدنی مربوط به هر مسأله، در بخش ضمائم، از دیگر ویژگی‌های این پایان‌نامه است.



ترجمه، شرح و تحقیق کتاب‌های بیع، شفعه، رهن، غصب، دیات، ایمان، قضاء
و مسائل متفرقه از کتاب «مسائل الناصریات» سید مرتضی علم الهدی

محمد حسین پور

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی

حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: آية الله زين العابدين قربانی

استاد مشاور: دکتر محمدعلی قربانی

سال ۱۳۸۵

این پایان‌نامه مشتمل بر پیش‌گفتار، مقدمه و
هشت فصل است. در پیش‌گفتار، نحوه و
انگیزه تحقیق بیان شده و در مقدمه، تعریف
علم فقه و فایده علم فقه و... و خلاصه‌ای از
شرح حال سید مرتضی آمده است. در فصل

اول، مباحثی درباره بیع، از قبیل بیع به اختیار، موعد تسلیم مبیع و ثمن، ذکر انواع خیارات و
تشریح خیار مجلس طرح شده است، و در فصل دوم، درباره احکام شفعه، از قبیل تعریف
شفعه و شرائط اخذ به شفعه و... سخن به میان آمده است. در فصل سوم، احکام رهن و در
فصل چهارم، احکام غصب مفصلاً بررسی شده است.

در فصل پنجم، بحث دیات و قصاص و ادله اثبات قتل عمد و مواردی که دیه بر
بیت‌المال است، مورد بررسی قرار گرفته، و در فصل ششم، به بحث قَسَم و احکام آن



پرداخته شده است. در فصل هفتم، ادله اثبات دعوی به اختصار بیان شده و بحث شهادت (بینه) به تفصیل تحقیق شده است.

در آخرین فصل پایان‌نامه، مسائل متفرقه طرح شده توسط سید مرتضی در کتاب ناصریات از قبیل بحث ربا، حق انتفاع، دین، احکام صید و ذبح و...، مورد بررسی قرار گرفته است. گفتنی است که در هر باب، آیات و روایات مربوط به آن ذکر شده و در نهایت، نتیجه‌گیری شده است.

(۱۴۲)

ترجمه و تفسیر باب موارث و فرائض کتاب «انتصار»

تألیف مرحوم سید مرتضی علم الهدی

اسدالله صامتی اراکی

پایان نامه کارشناسی رشته قضائی

دانشکده حقوق دانشگاه تهران

استاد راهنما: محمد [شریعت] سنگلجی

سال ۱۳۳۱

این پایان نامه یکی از چند رساله نخستین

درباره سید مرتضی و آثار اوست که در ایران

به رشته تحریر درآمده است.

کتاب فرائض و موارث و وصایا،

آخرین بخش از کتاب انتصار مرحوم سید

مرتضی علم الهدی است. پژوهشگر،

ترجمه مباحث را بدون درج متون عربی آن

آورده است.

الفرائض نصف العلم

رساله ختم تحصیلی رشته قضائی دانشکده حقوق

ترجمه و گردآورنده

اسدالله صامتی اراکی

ترجمه و تفسیر باب موارث و فرائض کتاب انتصار

تألیف مرحوم سید مرتضی علم الهدی

مربوط بسال تحصیلی ۱۳۳۰-۳۱

براهنمائی

استاد معظم و محبوب جناب آقای محمد سنگلجی

تاریخ و جواز امتیاز ۳۱/۹/۱۲

تاریخ تحریر و تسلیم آبانماه ۱۳۳۱

(۱۴۳)

شرح و تحقیق مسائل حدود، قصاص و دیات از کتاب «الانتصار» تألیف سید مرتضی

محمد رضا پناهی شهری

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

استاد راهنما: دکتر محمد علی قربانی

استاد مشاور: دکتر غلام علی پیراسته

سال ۱۳۸۱

پژوهشگر پایان نامه بر آن شده است که با شرح

و تحقیق مسائل حدود، قصاص و دیات کتاب

انتصار سید مرتضی و با استفاده از منابع عظیم

فقهی امامیه و همچنین با استفاده از منابع

فقهی اهل تسنن، به تطبیق مذهب امامیه با مذاهب اربعه (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی)

بپردازد.

وی ابتدا متن عربی مطالب را در بخش های مجزا آورده و در پایان هر بخش، ترجمه آن را

ذکر کرده است. اگر عبارتی نیازمند توضیح بوده است، در پاورقی مربوط توضیح داده شده است.

نویسنده در شرح و تحقیق مطالب سید مرتضی، از متن کتاب جواهر الکلام - که متنی

تحلیلی دارد - استفاده کرده است.

در ادامه شرح و تحقیق، از متن کتاب مختلف الشیعة به عنوان منبعی دیگر استفاده

شده است و در مسائلی که نیاز به توسیع در تشریح بوده، به منابع دیگری نیز مراجعه

شده است.



همچنین برای بیان مطالب و نظرات اهل تسنن، از متن کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة استفاده شده است و در موضوعی که از صاحب این کتاب مطلبی ذکر نشده بود، از کتاب المغنی ابن قدامه یا سنن ابن ماجه بهره برده شده است.

در پایان شرح و تحقیق، مواد قانونی مرتبط با بحث مورد نظر ذکر شده است.

در انتهای پایان‌نامه، بعضی لغات و اصطلاحات موجود در متن ترجمه، به ترتیب حروف ابجد و با توجه به منابع فقهی و حقوقی توضیح داده شده است. از آن جا که متن کتاب الانتصار ترتیب خاصی ندارد، تمام مسائل حدود، قصاص و دیات همانند تقسیم‌بندی کتاب، تنها در یک فصل قرار گرفته است.

در ترجمه متن کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة، به جهت حفظ اصل متن کتاب، جملات دعایی مانند «رضی اللہ تعالی» - که نویسنده برای افرادی نظیر ابوبکر، ابوهریره و یا عایشه به کار برده است - بدون هیچ تغییری، نقل شده است. البته در مواردی که نویسنده کتاب بعد از نام مبارک رسول خدا (ص)، به سلام و صلوات ابر اکتفا نموده است، محقق پایان‌نامه، بنا بر نهی خود آن حضرت از ذکر این گونه صلوات، از علامت (ص) استفاده کرده است، تا هم بر نهی حضرت رسول گردن نهاده باشد و هم برادران اهل تسنن را در مصداق سلام و صلوات خود باقی گذاشته باشد.

در متن پایان‌نامه، برخی کلمات با علامت (*) مشخص شده‌اند. این کلمات در بخش شرح لغات و اصطلاحات توضیح داده شده‌اند.

(۱۴۴)

مکتب‌شناسی فقهی شیخ مفید و سید مرتضی

یزدان علی ایزانلو

رساله سطح سه فقه و اصول

مدرسه علمیه عالی نواب حوزه علمیه مشهد

استاد راهنما: حائری یزدی

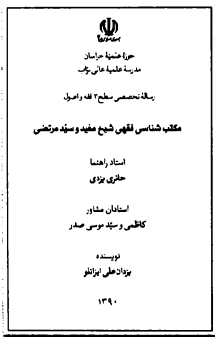
استادان مشاور: کاظمی و سید موسی صدر

سال ۱۳۹۰

این پایان‌نامه، با جهت‌گیری جدید و متفاوت، نگاهی بیرونی و کلی به مکتب‌شناسی فقهی داشته است. نویسنده پایان‌نامه معتقد است که این اثر، کار آموزش فقه را تسهیل کرده و زمینه مقایسه مکاتب فقهی را به وجود آورده است. کاری که در این تحقیق صورت گرفته، جمع‌آوری همه زوایا و جهات مختلف مقالات با یک دید کلی و از منظر

بیرونی به مکتب فقهی شیخ مفید و سید مرتضی بوده و شاید رهیافتی به مسائل مستحدثه باشد. پایان‌نامه در شش فصل و با این عناوین تدوین شده است: شخصیت‌شناسی شیخ مفید و سید مرتضی، ساختار فقه، روش‌شناسی فقهی، مبانی، منابع و ادله فقه و تأثیرگذاری شیخ مفید و سید مرتضی در فقه‌های بعد از خود.

فصل اول این تحقیق، گذری بر زندگی، ولادت، شاگردان و آثار شیخ مفید و سید مرتضی کرده و شخصیت این دو اندیشمند در نگاه دیگران اعم از شیعه و سنی را مورد بررسی قرار داده است. فصل دوم، در موضوعاتی چون تبویب فقه پیش از شیخ مفید و سید



مرتضی، شیوه تبویب فقه در المقنع، و نکاتی درباره تبویب المقنع و مقایسه آن با متون فقهای متقدم بحث کرده است. موضوعات فصل سوم را عقل‌گرایی در مکتب فقهی شیخ مفید و سید مرتضی، قلمرو دلالت عقل و حجّیت آن، قرائن عقلی و اعتبار روایات و عقل مخصّص عمومات قرآنی و روایی تشکیل داده و مبانی کلامی تاثیرگذار در آرای فقهی و مرجعیت و زعامت شیخ مفید و سید مرتضی و... در فصل چهارم طرح و بررسی شده‌اند. فصل پنجم پایان‌نامه، به شناخت آیات و احکام، حدیث‌شناسی شیخ مفید و سید مرتضی، جایگاه عقل در مکتب فقهی، جایگاه سنت در مکتب فقهی و مقایسه المقنع با المبسوط پرداخته است. نویسنده، موضوع آخرین مبحث تحقیق خود را به زندگی ابن ادریس، محقق حلی و علامه حلی اختصاص داده است.

(۱۴۵)

منفردات امامیه در حقوق کیفری اسلام: ترجمه و تحقیق کتاب حدود، قصاص

و دیات از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

ولی الله ملکوتی فر

رساله دکترای تخصصی رشته الهیات

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه تهران

استاد راهنما: دکتر علی رضا فیض

اساتید مشاور: دکتر محمدحسین فکری

و دکتر مریم درویش پور

سال ۱۳۷۰

نویسنده پیش از ارائه متون ترجمه، در

مقدمه مبسوطی به بیان ویژگی های نظام

کیفری اسلام پرداخته و سپس زندگی نامه

مفصلی برای سید مرتضی آورده است.

وی بدون این که رساله را بخش بندی کند،

مطالب را به صورت گسسته آورده است.

عناوین برخی مطالب مورد بحث در این رساله، عبارت اند از: سید مرتضی، نظر

علمای شیعه درباره سید مرتضی، استادان سید مرتضی، آثار سید مرتضی، معرفی کتاب

الانتصار، بررسی واژه حد، تحقیقی پیرامون تفخیز، تحقیقی پیرامون لواط، نظریه علمای

امامیه درباره اشتراط احصان در لواط، تحقیقی درباره مساحقه، اخباری که درباره سحر

وارد شده، تحقیقی پیرامون استمناء، تحقیقی پیرامون قیادت، تحقیقی پیرامون مشروبات



دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

منفردات امامیه در حقوق کیفری اسلام، ترجمه و تحقیق
کتاب حدود، قصاص و دیات از کتاب «الانتصار» سید مرتضی

استاد راهنما:

دکتر علی رضا فیض

اساتید مشاور:

دکتر محمدحسین فکری و دکتر مریم درویش پور

ولی الله ملکوتی فر

۱۳۷۰

الکلی، بحثی پیرامون آب جو، کلمات مذاهب اربعه درباره کسی که به کزات شراب بنوشد، کلمات فقها درباره زنای با محارم، تحقیق پیرامون زنان اهل ذمه، تحقیق پیرامون کسی که زنی را مجبور به زنا کند، تحقیق پیرامون سرقت، تحقیق پیرامون دیه سقط جنین، تحقیق پیرامون سرقت دسته‌جمعی، تحقیق پیرامون قتل و تحقیق پیرامون دیه اهل کتاب.

(۱۴۶)

منهج اجتهادی سید مرتضی علم الهدی

محمد حنیف رکنوی

پایان نامه کارشناسی ارشد اصول و فقه

اسلامی

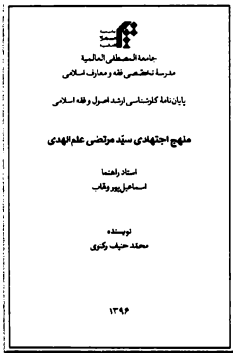
مدرسه تخصصی فقه و معارف اسلامی

جامعة المصطفی ﷺ العالمية

استاد راهنما: اسماعیل پوروقاب

سال ۱۳۹۶

سید مرتضی، نه تنها در اندیشه کلامی خود، بلکه در عرصه اندیشه فقهی نیز رویکردی عقل گرایانه داشته و به حجیت عقل در کشف احکام در صورت نبود قراین نقل، باور داشته است. او همچنین یکی از پیشگامان روش اجتهادی در فقه شیعه است که در استنباط



احکام، از ادله اصول لفظی و عقلی استفاده می کرده و با محدثان و اخباریان موافق نبوده است. وی در برخی مسائل فقهی که به گفته خود با استاد به اصول عقلی، قابل دریافت بوده است، استاد به دلایل سمعی را لازم نمی دانسته است؛ گرچه با این حال به جواز استفاده از نقل در حیطه فروع دین اعتقاد داشته و اثبات برخی احکام و حتی عقاید را تنها از طریق نقل ممکن می دانسته است؛ برای نمونه به اعتقاد او، امر به معروف و نهی از منکر، وجوب شرعی دارد نه عقلی.

المنهج الاجتهادي عند المفيد و المرتضى

انور پنام

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ادیان

دانشگاه قم

استاد راهنما: سید علی اصغر موسوی رکنی

استاد مشاور: عسگر دیرباز

سال ۱۳۸۰



شیخ مفید، سید مرتضی و حوزه علمی شیعی
بغداد در زمان ایشان، هر یک پدیده‌هایی به شمار
می‌آیند که تا آن زمان در تاریخ شیعه سابقه نداشته
است. پیش از این تاریخ، بی‌شک حوزه‌های
علمی بارور شیعه، از شامات تا ماوراء النهر، همه

جا گسترده بوده است. حوزه قم که مرکز بزرگ حدیث و جانشین کوفه در قرن دوم و سوم بوده و
حوزه ری که کلینی و ابن‌قبة و شمار دیگری از برخاستگان آن معروف‌اند، تنها بخشی از
مجموعه‌های علمی شیعه محسوب می‌شده‌اند. در شرق، حوزه علمیه ماوراء النهر که دو تن از
متخرّجین معروف آن، عیاشی سمرقندی و ابو عمرو کثّی هستند و در غرب، حوزه حلب که نام
حسن بن احمد السیسی الحلّبی و علی بن خالد الحلّبی از آن دیار در عداد مشایخ مفید قرار
دارند، بنا بر حدس مؤیّد به قرائن باید مراکز مهم علوم و معارف شیعی بوده باشند.

نگاهی به فهرست مشایخ کثّی آشکار می‌سازد که در منطقه خراسان و ماوراء النهر با

همه دوری از حوزه های علمیه اصلی شیعه، چه تعداد قابل اعتنائی از علما و محدثین تربیت شده اند. این مسأله همچنین این گمان را تقویت می کند که در این مناطق، حتی بیش از یک حوزه علمی شیعی به تربیت و تخریج شخصیت هایی از این قبیل سرگرم بوده است. حداقل ده تن از مشایخ اشاره شده، منسوب به سمرقند یا کش (از شهرهای نزدیک سمرقند) هستند و تقریباً به همین تعداد، منسوب به شهرهای بخارا، بلخ، هرات، سرخس، نیشابور، بیهق، فاریاب و بعضی شهرهای دیگر آن خطه اند.

مشاهده این همه نام های منسوب به شهرهای ماوراء النهر و خراسان که بر حسب ظاهر، همه یا نزدیک به همه آنان نیز شیعه بوده اند، با توجه به این که بسی دور از عادت است که کسی در قم یا کوفه یا بغداد به سراغ این همه مشایخ خراسانی و ترکستانی رفته باشد، این گمان را تقویت می کند که خانه عیاشی که به گفته نجاشی «کانت مرتعاً للشیعة و أهل العلم»، «و کانت داره کالمسجد بین ناسخ او مقابل او قاریء او معلق مملوئه من الناس» بوده، در همان سمرقند و نه در بغداد بوده است و در این صورت، این نیز خود حاکی از رواج علوم و معارف اهل بیت و گرمی حوزه علمی شیعه در آن شهر است.

در شامات و حلب نیز با توجه به کثرت نفوس شیعه و حکومت حمدانیان که خود، شیعه و پای بند به مراسم و شعائر شیعی بوده اند، بی شک حوزه علمی قابل توجهی وجود داشته است. اگرچه با توجه به نزدیکی آن به عراق و حضور محدثین و فقهای آن سامان در بغداد و سپس در زمان شیخ طوسی در نجف، نمی توان آن را در شمار حوزه های بزرگ دانست.

این وضع اجمالی حوزه های شیعه در دوران منتهی به زمان شیخ مفید و سید مرتضی است. حوزه بغداد نیز در همان دوره آن ها دایره و به تعاطی علوم و معارف اسلامی سرگرم بوده است، ولی با ظهور شیخ مفید و گسترش آوازه دانش او، به تدریج بغداد که مرکز سیاسی و جغرافیایی قلمرو اسلامی بوده، به مرکز اصلی علوم و معارف شیعی نیز بدل می شود و نه فقط مرجع حل مسائل فکری و دینی شیعه، که کعبه آمال طالبان علم نیز می گردد.

این پایان نامه، با هدف بررسی آرای اجتهادی شیخ مفید و شیخ مرتضی، با مرور ویژگی های برجسته و مبانی فکری آن ها انجام شده است و سعی کرده به مهمترین جنبه های آن بپردازد و تحقیقات درخوری ارائه کند.

مباحثی که نویسنده در فصول شش‌گانه این پژوهش مورد توجه قرار داده است عبارت‌اند از: بررسی تاریخی روش‌های اجتهاد، اساس فکری روش‌های اجتهادی، حجیت خبر واحد، حجیت اجماع، دلایل عقلی اجتهاد، حجیت قیاس، مقایسه نظریات اجتهادی شیخ مفید و شریف مرتضی.

وی فصل اول را به سیر تاریخی مباحث اختصاص داده و این موارد را بررسی کرده است: تدوین حدیث نزد اصحاب، عصر طلایی حدیث، ظهور اجتهاد در مدرسه کوفه و دوری آن از رأی و قیاسی که آفتی برای اجتهاد بود و متعاقباً ظهور حشویه.

در فصل دوم، برای رسیدن به مبانی فکری شیخ مفید و سید مرتضی، ویژگی‌های نظریه معرفت آن دو، واقعیت نظریه و شرایط آن را بیان کرده است.

در فصل سوم، نقطه عطف دیگری از رویکرد اجتهادی آن دو دانشمند را مرور می‌کند و آن، انکای گسترده ایشان به کتاب و سنت است و این که سنت فقط از طریق اخبار منتقل می‌شود.

فصل چهارم به خبر، تعریف لغوی و اصطلاحی و اقسام آن (اخبار متواتر و خبر آحاد محفوف بالقرآن، و خبر آحاد غیر محفوف بالقرآن) اختصاص دارد و دیدگاه آن دو به‌ویژه سید مرتضی درباره عدم حجیت خبر واحد، در همین فصل ذکر شده است.

فصل پنجم، درباره حجیت اجماع و تعریف و حجیت آن از دیدگاه ایشان بحث کرده و همچنین به اشکالات وارده بر حجیت اجماع و شرایط الزامی آن اشاره نموده است.

در فصل ششم، از دلیل عقلی سخن به میان آمده و تعریف عقل و جایگاه عقل نزد امامیه بیان شده و با بیان دیدگاه شیخ مفید و سید مرتضی درباره دلیل عقلی، بحث به اتمام می‌رسد.

گفتنی است سید مرتضی مانند استادش شیخ مفید، حجیت خبر واحد را نمی‌پذیرفت. به عقیده او استناد به خبر واحد، نه تنها در موضوعات اعتقادی، بلکه در فقه نیز جایز نیست. به نظر او، عدالت راوی در حجیت خبر واحد شرط است و یکی از شروط عدالت این است که راوی جزو فرقه‌های انحرافی شیعه نباشد؛ این در حالی است که بسیاری از روایات فقهی را راویان واقعی یا غالی نقل کرده‌اند. از این رو، شرایط اعتماد به خبر واحد [عملاً] برآورده نمی‌شود. پژوهشگران معتقدند انکار حجیت خبر واحد، سید مرتضی را به استناد بیش از اندازه به اجماع برای دریافت احکام فقهی واداشته است.

بخش پنجم

پایان نامه های اصولی

(۱۴۸)

ترجمه و تحقیق مباحثی از کتاب «دروس فی علم الأصول» سید محمدباقر صدر و
تطبیق آن با «الذریعه» سید مرتضی علم الهدی

خدایار کاظمی

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

سال ۱۳۷۹

از این پایان نامه اطلاعات بیشتری نیافتیم و
داده‌های یادشده از کتابخانه دیجیتال
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل به نشانی
زیر نقل شده است:

([http://lib.baboliau.ac.ir/simwebclt/Web
Access/SimWebPortal.dll/DExpRec](http://lib.baboliau.ac.ir/simwebclt/WebAccess/SimWebPortal.dll/DExpRec))



واحد بابل

پایان نامه کارشناسی ارشد

ترجمه و تحقیق مباحثی از کتاب «دروس فی علم الأصول»
سید محمدباقر صدر و تطبیق آن با «الذریعه»
سید مرتضی علم الهدی

دانشجو

خدایار کاظمی

۱۳۷۹

(۱۴۹)

تحلیل زبان‌شناختی آرای سید مرتضی در مباحث الفاظ علم اصول

امیر خداوردی

رساله سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم

استاد راهنما: سید منذر حکیم

استاد مشاور: علی رحمانی منفرد سبزواری

سال ۱۳۹۲

سید مرتضی نویسنده اولین کتاب مفصل شیعه در علم اصول، در بسیاری از مباحث این علم، آرانی مخالف با عاقله داشته و چه بسا در بین ایشان آرای وی به عنوان آرای شیعه قلمداد می‌شود؛ در حالی که اصولیین شیعه هر چه از دوران سید فاصله می‌گیرند، از نظریات وی دورتر و با اندیشه‌های او بیگانه‌تر می‌شوند.

نگارنده این پایان‌نامه به تبیین عمق اندیشه‌های اصولی سید مرتضی دست زده و در این راستا از یافته‌های علم زبان‌شناسی استفاده می‌کند. علم زبان‌شناسی که به مطالعه زبان اختصاص دارد، تاریخچه‌ای کهن دارد و در میان مسلمین به شکل‌های مختلفی بروز و ظهور داشته است. مسلمانان به شکلی بسیار گسترده به مطالعه زبان عربی پرداختند و صرف، نحو، لغت و اشتقاق را که از شاخه‌های زبان‌شناسی عربی است، شکوفا کردند. همچنین در کتب معانی و بیان و مباحث الفاظ علم منطق و اصول فقه، به نکاتی پیرامون کارکردهای همگانی زبان که اختصاص به زبان خاصی ندارد، توجه داشته‌اند؛ اما علمی که به طور مستقل به زبان توجه داشته و آن را مورد مطالعه قرار دهد، تدوین نشد تا آن که در



اواخر قرن هجدهم میلادی، این علم توسط اروپاییان مورد توجه قرار گرفت و رفته‌رفته شاخه‌های متعددی پیدا کرد و امروزه یکی از جامع‌ترین و تأثیرگذارترین علوم در حوزه علوم انسانی به‌شمار می‌رود.

گستره و تنوع زبان‌شناسی به حدی است که برخی شاخه‌های آن به تازگی شکل گرفته و بیش از چهار یا پنج دهه از عمر آن‌ها نمی‌گذرد. از این روزبان‌شناسی، مجالی واسع برای نظریه‌پردازی و تضارب آراء دارد و به همین خاطر گرایش‌های متعددی یافته است. با این وجود می‌توان برای زبان‌شناسی نیز اصولی در نظر گرفت که مورد توافق بیشتر اهالی این علم است.

این تحقیق مبتنی بر همین اصول - که مورد اتفاق غالب زبان‌شناسان است - به تحلیل آرای سید مرتضی اختصاص یافته و می‌خواهد اولاً، اندیشه‌های سید را بازخوانی و تقویت نماید، و در ثانی، قدمی برای تقریب دو علم زبان‌شناسی و اصول فقه باشد.

نویسنده در بازخوانی آرای سید مرتضی، به کتاب الذریعة إلى أصول الشريعة رجوع کرده است و به نظر وی، آنچه در این مرحله دشوار می‌نموده، رسیدن به درکی صحیح از آرای سید مرتضی بوده است؛ زیرا شرح یا حاشیه‌ای که بتوان به اعتبار آن، متن الذریعة را تفسیر کرد، در اختیار وی نبوده است. هرچند الذریعة شروخی مانند المستصفی، نوشته قطب راوندی دارد، اما این شروح، تحقیق و منتشر نشده است. این در حالی است که اصطلاحات و تعابیری در کتاب الذریعة وجود دارد که در دوران ما دیگر به کار نمی‌روند و یا معنای دیگری یافته‌اند.

از این رو، نگارنده خود را ملتزم می‌دیده که در هر مسأله از مباحث الفاظ که از کتاب الذریعة نقل می‌کند، حتماً به کتاب‌های اصولی دیگر متقدمین و متأخرین، از جمله غنیة النزوع، العدة فی الأصول، معارج الأصول، نهاية الوصول، زبدة الأصول و معالم الدین، مراجعه نماید؛ اما تنها، زمانی در پانویس رساله به این کتاب‌ها ارجاع داده است که در متن رساله عبارتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن‌ها نقل شده باشد. بر این پایه، چون موردی برای ارجاع به کتاب غنیة النزوع و معارج الأصول وجود نداشته، در پانویس و مآخذ

رساله اثری از این دو کتاب نیست؛ حال این که او به گفته خود بارها و بارها به این دو کتاب و دیگر کتاب‌های فوق مراجعه کرده است.

مؤلف برای تقویت آرای سید مرتضی، غالباً از طرح مباحثی که در کتب اصولیین متأخر و معاصر وجود دارد، اجتناب نموده و تلاش کرده است که این کار را مبتنی بر مسائل بنیادین زبان‌شناسی انجام دهد؛ زیرا سید مرتضی با اصولیین متأخر و معاصر، اختلاف مبنایی دارد و از این حیث، نمی‌توان انتظار داشت، بحث شمر ثمری میان وی و اصولیین معاصر درگیرد. البته، گاهی اشکالاتی هست که اصولیین به سید مرتضی روا دانسته‌اند و نویسندگان به این گونه اشکالات اشاره کرده و با در نظر گرفتن مبانی سید و متن الذریعة، پاسخ آن‌ها را داده است.

هدف دیگر رساله، تقریب زبان‌شناسی با اصول فقه بوده است. دست‌یابی به این هدف، مقتضی آن بوده که مسائل بنیادین زبان‌شناسی به روشنی و وضوح بیان شود، تا بتوان به راحتی میان آن مسائل و مباحث الفاظ ارتباط برقرار کرد و از آن مسائل در تحلیل مباحث الفاظ بهره برد. از این رو، نویسندگان مسائلی را که به این موضوع مربوط است، انتخاب کرده و با توجه به چندین کتاب و درس‌نامه زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و یا ترجمه انگلیسی، مجموعه‌ای از اصول و مسائل بنیادین زبان‌شناسی را در فصل سوم رساله تهیه و تنظیم نموده است.

این مجموعه دارای دو ویژگی است: یکی این که به آرای مشهور زبان‌شناسان سنتی نظر دارد، و دیگر آن که در عین ایجاز، از بیانی ساده و روان برخوردار است تا خوانندگانی که با زبان‌شناسی، آشنایی چندانی ندارند، بتوانند با خواندن آن، با بخشی از مسائل بنیادین زبان‌شناسی که مربوط به مباحث الفاظ علم اصول است، آشنا شوند. مباحثی از قبیل حقیقت و مجاز، علانم تشخیص معنای حقیقی، امر و نهی، عموم و خصوص، مفاهیم، اجمال و بیان، مسائلی‌اند که در علم اصول تحت عنوان مباحث الفاظ مطرح می‌شوند. غالب این مباحث، اختصاصی به زبان عربی ندارند و در اصطلاح «همگانی»‌اند؛ یعنی در همه زبان‌های مرسوم بشری دیده می‌شوند. از این رو علم زبان‌شناسی نیز به آن‌ها توجه دارد.

با توجه به اتحاد موضوعات مباحث الفاظ، میان علم اصول و زبان‌شناسی، این سؤال طرح می‌شود که تا چه میزان آرای اصولیین و زبان‌شناسان به هم نزدیک‌اند؟ اصولیین تا چه میزان و در کدام مسائل با زبان‌شناسان هم عقیده‌اند؟

در نظر نگارنده این رساله، سید مرتضی در مباحث الفاظ علم اصول، صاحب نظریه‌هایی است که در بسیاری موارد قابل تطبیق با زبان‌شناسی است؛ اما متأسفانه غباری از ابهام و بی‌توجهی چهره آن را پوشانده و اندک‌اندک مورد بی‌اعتنایی اصولیین قرار گرفته است. تبیین این اندیشه‌ها بر اساس قواعد زبان‌شناسی، از سویی احیاء و تقویت آرای بنیانگذار اصول فقه شیعه سید مرتضی است، و از سوی دیگر، بازگوکننده تلاش‌های اصولیین در عرصه زبان‌شناسی است و پژوهشگران زبان‌شناس را با میراث اسلامی شیعی آشنا می‌کند.

این پژوهش دارای دو بخش و پنج فصل است: بخش اول در دو فصل به کلیات و مفاهیم پرداخته و بخش دوم در سه فصل، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده است.

فصل سوم، به دنبال پاسخ این پرسش است که مسائل زبان‌شناسی که در تحلیل زبان‌شناختی مباحث الفاظ به کار خواهد رفت، کدام‌اند؟

فصل چهارم، به پاسخ به این سؤال اختصاص دارد که سید مرتضی در مباحث الفاظ، چه مبانی و آرای دارد؟

و نهایتاً در فصل پنج، این دو پرسش مطرح می‌شود:

۱. کدام یک از مبانی و آرای سید مرتضی قابل تطبیق با مسائل زبان‌شناسی است؟

۲. آرای سید مرتضی عملاً منجر به چگونه تفقهی می‌شود؟

نویسنده، نتایج پژوهش خود را به شرح زیر یادآوری کرده است:

«رساله حاضر درصدد بود پاسخ مناسبی برای این پرسش اصلی بیابد که آرای سید مرتضی در مباحث الفاظ با توجه به آرای زبان‌شناسی از چه اعتباری برخوردار است؟ اما پیش از پاسخ به آن لازم بود سؤالات فرعی و فرعی‌تری را پاسخ می‌دادیم؛ یا به عبارت دیگر، برای رسیدن به پاسخی مناسب برای سؤال اصلی، باید مقدمات و نکاتی روشن می‌شد. به همین منظور فصول پنج‌گانه رساله تنظیم گردید.

در فصل اول، مقصودمان از اصطلاحات «تحلیل زبان‌شناختی» و «مباحث الفاظ» را

توضیح دادیم و گفتیم که مقصود از تحلیل زبان‌شناختی آرای سید مرتضی، بازخوانی، تبیین و ارزیابی آرای سید مرتضی در مباحث الفاظ، مبتنی بر مسائل زبان‌شناسی است و وعده دادیم که نهایتاً تخالف یا توافق اندیشه‌های سید مرتضی با دستاوردهای علم زبان‌شناسی را آفتابی نماییم...

همچنین در این فصل با سید مرتضی و آثارش آشنا شدیم، و گفتیم که آرای سید در فقه و اصول و تفسیر و کلام و ادب، همواره زنده، و در مؤلفات دانشمندان پس از او مذکور بوده است و در محافل علمی مورد بحث و تحقیق قرار می‌گرفته است.

سید، کتاب الانتصار را در متفردات امامیه تألیف کرد و شیخ طوسی (۴۶۰ق) نیز کتابی بر همان منوال به نام الخلاف فی الأحکام به رشته تحریر و تألیف درآورد، و می‌توان تذکرة الفقهاء علامه حلی (۷۲۶ق) را نیز تا حدی مقتبس از همان سبک دانست. سید کتاب الحدود و الحقائق را و کفعمی (حدود ۹۰۵ق) کتاب اختصار الحدود و الحقائق را در تعریف مصطلحات شرعیه نگاشتند. سید کتاب تنزیه الانبیاء را تألیف کرد و عبدالوهاب بن علی الحسینی کتابی به همین نام در تلخیص و اتمام و توضیح آن نگاشت، و شاید کتاب تحفنة الانبیاء، تألیف امام غزالی (۵۲۵ق) نیز نقض همین کتاب سید باشد. سید کتاب إنقاذ البشر من الجبر و القدر را تألیف کرد و علامه حلی در همین موضوع، کتابی به نام استقصاء النظر فی القضاء و القدر به رشته تحریر درآورد.

در پژوهش حاضر، آرای سید مرتضی را از کتاب مفصلش الذریعة إلى أصول الشریعة نقل می‌کنیم و در فهم مطالب این کتاب از کتاب‌هایی که متأثر از وی نگاشته شده است و یا به آرای وی توجه داشته‌اند کمک می‌گیریم.

در فصل دوم، علم زبان‌شناسی را تعریف کردیم و گفتیم که زبان‌شناسی به معنای مطالعه علمی زبان، فی ذاته و لذاته است. سپس به تاریخچه این علم، نگاهی گذرا انداختیم و دیدیم که مطالعه زبان در میان هندیان، یونانیان، رومیان و مسلمانان و حتی چینیان، سابقه داشته است؛ ولی زبان‌شناسی نوین، توسط دانشمندانی همچون ویلیامز جونز و فردینان دو سوسور به وجود آمده و شکوفا شده است. در ادامه، گرایش‌های عمده زبان‌شناسی را بیان نمودیم و متذکر شدیم که از میان سه گرایش آواشناسی، دستور زبان و معناشناسی، مباحث الفاظ به معناشناسی

نزدیک تر است؛ اما از آن جا که در این رساله قصد بازخوانی، تبیین و ارزیابی آرای سید مرتضی را داشتیم، لازم بود بیش از هر چیزی به کلیات و اصول زبان شناسی توجه کنیم و تبعاً کمتر به جزئیات و گرایش ها پردازیم.

به این ترتیب در فصل سوم، مسائل بنیادین زبان شناسی را بازگو نمودیم. زبان انسان را با توجه به ویژگی هایی که در آن است تعریف کردیم و گفتیم که زبان مجموعه ای از نشانه هاست؛ نشانه هایی که قابلیت تجزیه شدن دارند و برای آن که کنار هم بنشینند، از نظام خاصی پیروی می کنند؛ نشانه هایی که اختیاری اند و هیچ رابطه ضروری بین آن ها و مدلولشان وجود ندارد. این مجموعه در عین حال انگیزه آزاد است و هیچ محدودیتی برای گفتن هر مطلبی که بخواهیم ایجاد نمی کند.

سپس، پیرامون زبان و معنا سخن گفتیم، و روشن شد اصل ترکیب بند فرگه که مدّعی بود برای فهم معنای عبارات، دانستن معنای واژگان و ساختار دستوری کافی است، اعتباری ندارد؛ چرا که اولاً همیشه این طور نیست که معنای واژگان کاملاً واضح و روشن باشد؛ ثانیاً برای فهم معنای واژگان، نمی شود به لغت نامه ها اکتفا نمود؛ ثالثاً برخی واژه ها در ترکیب با واژگان دیگر معنای جدیدی پیدا می کنند.

پس از آن، درباره زبان در کاربرد، مطالبی را بیان کردیم تا با عنصر بافت و نقش آن در فهم عبارات آشنا شویم. این پرسش را طرح کردیم که وقتی خیلی از اوقات معنا و نقش جملات، چیزی غیر صورت و معنای تحت اللفظی آن هاست، پس چگونه پی به نقش و معنای اصلی آن ها می بریم؟ و پاسخ دادیم که یکی از مهم ترین ابزار فهم نقش جملات، بافت یا همان سیاق و مقام است. بافت را به دو قسمت برون زبانی و درون زبانی تقسیم کردیم، و بافت درون زبانی را در دو سطح، قابل بررسی دانستیم: الف- جملات مذکور؛ ب- پیش فرض هایی که به شکل جملات محذوف در نظر می گیریم. همچنین بافت برون زبانی را در سه سطح در نظر گرفتیم: الف. ویژگی های فرستنده پیام زبانی؛ ب. زمان، مکان و موقعیت فرستادن پیام؛ ج. فرهنگ، آداب و ویژگی های اجتماعی که پیام در آن شکل گرفته است.

در نهایت، از راه های غیر مستقیم گفت و گو، یعنی مجاز و استعاره سخن گفتیم و گفتیم که مجاز از انتقال معنایی در اثر همنشینی پدید می آید، و استعاره در اثر جانشینی. استعاره ها رابطه

تنگاتنگی با عوامل محیطی و اجتماعی دارند؛ ولی این، تنها تأثیری نیست که محیط و اجتماع بر زبان می‌گذارند؛ محیط و اجتماع در به کارگیری واژه‌ها، تغییر قواعد دستوری و پیدایش اسلوب‌های بیانی نیز مؤثرند.

در فصل چهارم، آرای سید مرتضی را تحت چهار عنوان حقیقت و مجاز، امر و نهی، عموم و خصوص، مجمل و مبین، بازگو نمودیم. سید مرتضی در بسیاری از این مباحث سخنی غیر از سخن مشهور داشت و حقیقت و مجاز را به گونه‌ای دیگر تعریف می‌کرد. در نظری بسیاری از چیزهایی که معاصرانش به عنوان مدلول امر و نهی می‌دانند؛ مانند وجوب، فوریت و... از لفظ و صیغه امر و نهی فهمیده نمی‌شود. وی اختصاص صیغ عام به استغراق را نپذیرفت و قائل به اشتراک لفظی این صیغه‌ها بین عام و خاص بود. همچنین او از میان اقسام دلالت‌های مستقل، تنها دلالت لفظی و طریق اولویت را معتبر می‌شمرد. پررنگ‌ترین ویژگی آرای سید مرتضی در مباحث الفاظ این بود که وی غالباً در این که معنا از لفظ و صیغه فهمیده شود، تشکیک می‌کرد و تنها معنایی را از لفظ و صیغه معتبر می‌دانست که معلوم باشد و موجب سکون نفس شود.

و بالاخره، در فصل پنجم، به تطبیق آرای وی با مسائل زبان‌شناسی پرداختیم و روشن شد که درک سید از زبان، دقیقاً با مسائل بنیادین زبان‌شناسی مطابق است. وی در جای‌جای کتاب الذریعة به بسیاری از ویژگی‌هایی که زبان‌شناسان برای زبان بشر می‌شمارند، اشاره کرده و آرای خویش را در مباحث الفاظ بر چنین تصویری از زبان بشر مبتنی نموده است.

تطبیق نظرات اصولی سید مرتضی و شیخ طوسی

عبدالحسن حیدری

رساله دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

استاد راهنما: آیه الله سید محمد موسوی

بجنوردی

استاد مشاور: دکتر علیرضا فیض

سال ۱۳۸۱

این رساله در چهار بخش، آرای دو تن از دانشمندان شیعه را که در تصنیف و تدوین علم اصول شیعه و تحوّل آن، نقشی فوق العاده ایفا نموده‌اند، مورد موازنه و تطبیق قرار داده است: بخش اول، مربوط به کلیات است که در

هفت گفتار ارائه شده است. در این بخش، نویسنده سعی کرده با استفاده از منابع معتبر، به اختصار، زندگانی دو دانشمند ارجمند، سید مرتضی و شیخ طوسی را به رشته تحریر درآورد. همچنین به تناسب موضوع رساله، به صورت مجمل، به آغاز نگارش اصول فقه و تحوّل در آن اشاره نموده و در ادامه، ویژگی‌های دو کتاب الذریعة و العدة فی الأصول را که از اّمهات منابع اصول اولیه فقه شیعه و آثاری گرانقدر از این دو عالم شیعی‌اند، مورد بررسی قرار داده و آرای خاص آن‌ها را به رشته تحریر درآورده است.

بخش دوم، اختصاص به مباحث الفاظ دارد که در هر گفتار آن، ابتدا نظر سید مرتضی و سپس رأی شیخ طوسی، نقل و مورد تطبیق قرار گرفته است. از جمله آرای مورد اختلاف



در این بخش، اشتراک لفظی امر بین قول و فعل بوده که سید مرتضی به خاطر این که استعمال را یکی از علانم حقیقت می‌داند، با استناد به آن قائل به اشتراک شده است.

بخش سوم رساله، به حجّت خبر واحد پرداخته است. نویسنده پس از تعریف خبر و بیان اقسام آن، به نظر سید مرتضی در عدم حجّت خبر واحد پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در این باره را بررسی کرده است. او سپس به دیدگاه شیخ طوسی - که مبتنی بر حجّت خبر واحد است - اشاره نموده و مبانی وی را بیان کرده است.

آخرین بخش رساله، به تطبیق نظریات اصولی سید مرتضی و شیخ طوسی درباره حجّت اجماع اختصاص دارد. نویسنده پس از تعریف اجماع و بیان اقسام آن، به نقل اختلافات دو فقیه یادشده پرداخته و در نتیجه‌گیری نهایی، با استفاده از اّمّهات مطالب کتب یادشده به این نکته رسیده است که هرچند این دو با هم در نحوه کشف از رأی معصوم اختلاف دارند، اما بر مبنای هر دو، بیشتر اجماعات برای ما کاشف از رأی معصوم نیستند. او در بخش نتیجه پژوهش نوشته است:

«اهل سنت مدّعی شده‌اند که اجماع بما هو اجماع یکی از منابع فقه و تشریع اسلامی است و برای اثبات مدّعا، به سه مسلک تمسّک نموده‌اند: قرآن، سنت و عقل که مرحوم مظفر هر سه مسلک را باطل دانسته و سخن عاقله را قابل اعتنا ندانسته است.

لکن اهل سنت با ادله‌ای که آورده‌اند، خواسته‌اند مشروعیت خلافت ابی بکر را اثبات کنند؛ مشروعیتی که به اتفاق شیعه و سنی، پشتوانه اکثریت را نداشته، بلکه گروه اندکی جمع شده و بر این امر بیعت نمودند، در حالی که جمع کثیری از بزرگان صحابه رسول خدا ﷺ از مهاجر و انصار با ابی بکر بیعت نکردند. البته بعدها گروهی به جبر و ادار به بیعت شدند، ولی گروهی تا زنده بودند، تسلیم نشدند.

به عقیده امامیه، اجماع، هیچ ارزش و اعتباری ندارد، بلکه فقط طریقی به سوی سنت است. بنا بر این اگر از طریق اجماع به طور قطع و جزم به رأی معصوم رسیدیم، چنین اجماعی حجّت است؛ یعنی رأی معصوم توسط آن منکشف می‌شود. بر مبنای اهل سنت، ملاک اصلی، اتفاق نظر جمیع علما است، ولی بر مبنای ما لازم نیست که جمیع علما در امری از امور اتفاق کنند تا معتبر باشد، بلکه ملاک این است که از اتفاق نظر علما، به رأی

معصوم علیه السلام برسیم؛ اعم از این که متفقین زیاد باشند یا کم. پس فرقی نیست بین این که ما از اتفاق کل علما رأی معصوم را کشف کنیم یا از اتفاق اکثر علما. در تمام این موارد، اختلاف نظر وجود دارد؛ چنان که سید مرتضی در کتاب الذریعة و علامه بر این امر تصریح کرده‌اند.

آری فقط بر مسلک حدس باید اتفاق الجمیع را احراز کرد تا استکشاف رأی معصوم حاصل شود. منتهی در اطلاق اجماع بر اتفاق گروهی از علما، تسامح وجود دارد و به دلیل این که اجماع در اصطلاح اصولیین حقیقت است، در اتفاق تمام علمای اسلام بر حکمی از احکام شرعی منقول، اصطلاحی و تسامحی است، لکن این استعمال نزد شیعه رایج است.

نزد امامیه مهم این است که از چه طریقی می‌توانیم رأی معصوم را از اجماع استکشاف کنیم. به عبارت دیگر، کیفیت کاشفیت اجماع از قول معصوم باید بیان شود. علمای شیعه در این مقام، همان گونه که گفته شد، طرق و راه‌هایی را ارائه نموده‌اند: طریق حس یا اجماع دخولی، طریق لطف یا اجماع لطفی، طریق حدس یا اجماع حدسی و طریق تقریر یا اجماع تقریری. اما «طریق حس» و اجماعی که از این طریق حاصل می‌شود، نامش اجماع دخولی است؛ یعنی امام علیه السلام در میان مجمعین، داخل بوده و در این اجماع شرکت دارد. این طریق را گروه کثیری از متقدمین شیعه از جمله سید مرتضی و سید بن زهره قبول داشته‌اند. خلاصه این طریقه این است که مجتهدی که می‌رود و تحصیل اجماع می‌کند، به طور مجمل یقین می‌کند که امام در میان مجمعین داخل بوده، ولی شخص امام علیه السلام را نمی‌شناسد.

این طریق دو شعبه دارد: ۱. از راه اجماع محصل؛ ۲. از راه اجماع منقول به خبر متواتر. و اما «طریق لطف» را شیخ طوسی ابتدا در علم کلام و سپس در علم اصول فقه عنوان نموده است که مبتنی بر وجوب لطف خداوند است و بیانش آن است که هر گاه علمای یک عصر از اعصار، بر حکمی از احکام شرعی اتفاق نظر پیدا کردند، ما به حکم عقل یقین پیدا می‌کنیم که این اجماع مطابق با واقع بوده و حاکی از رأی مبارک امام علیه السلام است؛ به دلیل این که اگر این نظر اشتباه باشد، بر امام لازم است که از باب قانون لطف، جلوی تحقق این اجماع را بگیرد و گرنه یکی از دو اشکال پیش می‌آید: یا لازم می‌آید حکم الهی تعطیل شود

و واجب از وجوبش خارج شود و این بالاتفاق باطل است؛ و یا لازم می‌آید امام به بزرگ‌ترین وظیفه خودش که همان تبلیغ و حفظ احکام است، اخلال کرده باشد، و این بر امام محال است.

و اما «طریق حدس» آن است که انسان از طریق تحصیل آراء و فتاوی فقها، حدس قطعی پیدا کند به این که رأی معصوم همین است و این نظریه از خود آن حضرت، نسل به نسل و در طول تاریخ به دانشمندان رسیده است. هر چند فقها در برخی مسائل اختلاف دارند، با این همه در خصوص این مسأله، تمام علما در طول تاریخ اتفاق نظر دارند.

و اما «طریق تقریر» آن است که در منظر و مسمع معصوم، اجماعی تحقق یابد و امام علیه السلام در برابر آن سکوت نماید. چنین اتفاقی از امضا و موافقت معصوم کشف می‌کند و یقین می‌کنیم که حکم شرعی واقعی همین است.

حال بعد از بیان چند نظریه، می‌گوییم که سید مرتضی می‌گوید: تنها باید از راه اجماع دخیلی رأی معصوم را تحصیل کنیم و راه‌های دیگر بی‌نتیجه است و شیخ طوسی می‌گوید: تنها باید از راه قانون لطف، رأی معصوم را تحصیل کنیم و طرق دیگر بی‌فایده است.

به نظر می‌رسد که طریق خاصی موضوعیت ندارد، بلکه معیار و ملاک، کشف رأی امام است؛ خواه قطع به قول امام از طریق اجماع دخیلی حاصل شود و خواه از طریق اجماع لطفی یا طرق دیگر. پس وجهی برای انحصار نیست.

تحقیق مطلب این است: برخی از این طرق چهارگانه که ارزشمندند و به طور قاطع رأی معصوم را کشف می‌کنند، منحصر به زمان معصومانند و در زمان غیبت، مفید فایده نیستند و متأسفانه حجّیت و ارزشی ندارند؛ همانند اجماع لطفی و حدسی. در نتیجه، اجماعات اهل سنت در زمان غیبت، فایده‌ای ندارند؛ چون قطع به قول معصوم برای ما نمی‌آورند.

اما دلیل بر این مطلب این است که اگر فقها بر حکمی از احکام شرعی اجماع نمایند، از دو حال خارج نیست: یا فتوا بدون مدرک بوده و یا با مدرک. احتمال اول در حق فقها باطل است؛ زیرا به حسب عادت محال است که فقهای عظام بدون مدرک و دلیل معتبر فتوا

دهند. و اما احتمال دوم باز می‌گوییم که منابع اجتهاد و استنباط احکام شرعیه فرعیه در شیعه چهار تا است: کتاب، سنت، اجماع و عقل. آن گاه سؤال طرح می‌شود که مدرک اجماع کدام یک از این‌هاست؟

اگر مدرک اجماع، قرآن باشد، نه برای ما قطع به حکم واقعی می‌آورد و نه حجت معتبری درست می‌کند. پس این قسم از اجماع سودی ندارد؛ زیرا از سه حالت خارج نیست: ۱. اجماع کنندگان به آیه‌ای از قرآن تمسک نموده و طبق آن فتوا داده باشند، ولی آیه به آیندگان نرسیده است. این احتمال باطل است؛ ۲. مدرک آن‌ها آیه‌ای از قرآن بوده که این آیه در قرآن است، ولی ما به کلی از آن آیه غافل هستیم. این احتمال هم باطل است؛ زیرا عادتاً محال است که آیه‌ای در قرآن باشد و به آن دسترسی پیدا نکنیم؛ ۳. مدرک، آیه‌ای در قرآن باشد و ما از ظاهر آیه، آن معنایی را که مجمعی استنباط کرده‌اند، استخراج نمی‌کنیم و برداشت دیگری داریم. این احتمال هم اشکالش این است که فهم آن‌ها برای خودشان حجت است، نه برای دیگر مجتهدان.

اگر مدرک اجماع، اجماع باشد، یعنی علمای متأخر، ملاحظه کرده باشند که علمای متقدم بر حکمی اجماع کرده‌اند و آن‌ها نیز بر آن اجماع نمایند و مستند خویش قرار دهند، این کلام مردود است؛ زیرا همان اشکالات فوق دوباره تکرار می‌شود که این اجماع باید مدرک باشد یا خیر؟

اگر مدرک اجماع، عقل باشد، باز هم مبتلا به اشکالات است؛ به دلیل این که حکم عقل به چند صورت متصور است: یا احکام عقل مطابق با رأی عقلا است، یا حکمی است که تنها عده‌ای آن را قبول دارند و یا از احکامی است که همه عقلای عالم بر مبنای آن حکم می‌کنند. لکن به مقتضای عادت اگر از قسم دوم و سوم باشد، چنین حکم عقلی ارزش ندارد، و اگر از قسم اول باشد، آن هم محال است؛ زیرا محال است که چنین قضیه‌ای در میان باشد و برای متقدمین ظاهر باشد، ولی برای متأخرین مخفی باشد.

اگر مدرک اجماع، سنت باشد، باز هم مردود است؛ زیرا به طور مختصر با اشکالات سندی-دلالتی مواجه می‌شود.

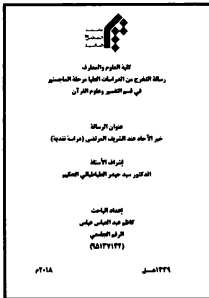
در نتیجه به نظر می‌رسد بیشتر اجماعات و بلکه همه اجماعات محصله در دوران

غیبت، مفید فایده نیستند و برای ما کاشف قطعی از رأی معصوم نیست. لذا می‌گوییم از طرق چهارگانه‌ای که به آن‌ها اشاره شده، تنها طریقه‌ای که برای انسان کاشف قطعی از رأی معصوم و معتبر است، عبارت است از اجماع دخولی که آن هم مختص به زمان حضور امام علیه السلام بوده و نسبت به زمان غیبت وجود خارجی ندارد. پس امکان تحقق اجماع در زمان ما بعید است و بحث از آن بی‌فایده است».

خبر الآحاد عند الشريف المرتضى؛ دراسة نقدية

کاظم عبدالعباس عباس

پایان نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن
دانشکده علوم و معارف جامعة المصطفی العالمية
استاد راهنما: دکتر سید حیدر طباطبائی حکیم
سال ۱۳۹۷



خبر واحد، حجم بزرگی از میراث حدیث نزد شیعه و
اهل سنت را به خود اختصاص داده و بحث پیرامون
حجّیت آن در جهات مختلف این میراث نزد شارع و
اندیشمندان و پژوهشگران حدیث طرح شده است.
در میان علما، شریف مرتضی دیدگاه خاصی در
مورد حجّیت خبر واحد دارد؛ به نحوی که موضع

وی مورد پژوهش محققان پس از او قرار گرفته است. این تحقیق، در پی تفسیر و شناخت دیدگاه
وی در این مورد است. از این رو، پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا شریف مرتضی
مطلقاً قائل به حجّیت خبر واحد نیست؟ یا این که چنین باوری را به وی نمی توان نسبت داد و او
در این زمینه قائل به تفصیل بوده است؟

این تحقیق، به روش توصیفی-تحلیلی، به مطالعه دیدگاه علما و خصوصاً استادان
اصول فقه پرداخته، و سپس دیدگاه شریف مرتضی در این زمینه را در خلال کل پایان نامه،
توصیف و بررسی نموده و آن را نقد کرده است. قبل از آن، مباحث مقدّماتی و خلاصه ای از
زندگی شریف مرتضی ذکر شده است. در یک فصل مستقل، منظور از خبر واحد و انواع آن
از جهت تعدد راویان بررسی شده است؛ سپس نظر شریف مرتضی درباره این تقسیم بندی

و رویه عملی وی در این زمینه تحلیل شده است و دیدگاه وی مورد نقد علمی و روش‌مند واقع شده است. سپس، فصل آخر پایان‌نامه به تحلیل حجیت خبر واحد نزد علما پرداخته و دیدگاه شریف مرتضی در این زمینه را به طور انتقادی بررسی کرده است.

همچنین روش‌های نقد حدیث و تبیین معیارهای علمی این نوع نقد بررسی شده است که مهم‌ترین آن، بررسی حدیث از منظر میزان تطبیق با قرآن و سنت و اجماع و عقل و علوم تجربی قطعی است. سپس دیدگاه شریف مرتضی در مورد روش نقد حدیث و معیار نحوه نقد، و نیز اشکالات وارد بر دیدگاه وی طرح شده است. آن گاه برای تکمیل بحث، نویسنده به موضوع دلایل بروز اختلاف در احادیث و شیوه‌های حل این چالش پرداخته و مفهوم حدیث مشکل و ابزارهای رفع آن را توضیح داده است.

مهم‌ترین نتیجه مورد دست‌یابی این تحقیق این است که شریف مرتضی قائل به عدم اعتبار خبر واحد نیست، بلکه طبق روش او در تشخیص اعتبار احادیث مؤثق - یعنی هر دو روش اعتبار سند و اعتبار متن با هم - مواردی در سیره فقاهتی وی در آثارش نشان می‌دهد که اتفاقاً او موافق معیارهای نقد حدیث از جهت علمی و تطبیق‌گرایی در کتب مختلفش بوده است؛ خصوصاً که این معیارها همانا یکی از نقاط تمرکز اساسی در تشخیص اعتبار یا عدم اعتبار احادیث است. فقهای قبل از او نیز روش سنجش اعتبار حدیث را ابداع کرده بودند.

در جمع‌بندی مباحث این پایان‌نامه می‌توان گفت که: سید مرتضی قائل به عدم حجیت اخبار آحاد است و بر آن است که علمای امامیه بر این موضوع اجماع دارند. اعتقاد سید مرتضی به عدم حجیت اخبار آحاد به معنای رد آن‌ها نیست؛ چنان‌که در کتاب‌ها و نگاشته‌های خود، خصوصاً کتاب امالی، بارها اخبار واحدی را ذکر کرده و به تأویل و تفسیر آن‌ها پرداخته است. سید مرتضی تنها در صورتی حکم به بطلان خبر می‌دهد که ظاهر آن بر اموری از قبیل جبر و تشبیه و امور خلاف عقل دلالت کند و در عین حال، حمل آن بر وجه صحیح، مستلزم تکلف زیاد باشد. به عبارت دیگر، او تا جایی که امکان داشته، ظاهر اخبار را تأویل کرده و وجه یا جوهری صحیح را برای آن‌ها برشمرده است تا با معتقدات و اصول قطعی در تعارض نباشد.

رویکرد سید مرتضی در فهم و نقد روایات، رویکردی متنی است نه سندی؛ چه خبر واحد

نزد وی فاقد حجّیت شرعی است و در موضوعات کلامی نیز بی اعتبار است. بنا بر این، بررسی احوال سند و راویان آن ضرورتی ندارد. معیار و مبنای وی در تحلیل متنی روایات این است که هر احتمالی که شاهدی در لغت و زبان عربی داشته باشد، قابل طرح است. فراتر از این، باید همه وجوه معنایی کلام را ذکر کرد؛ زیرا ممکن است گوینده، هر یک از این وجوه را قصد کرده باشد، ولی ما از مراد او آگاه نباشیم. بنا بر این، سید مرتضی وجود معنایی متضاد یا متعارض را نیز ذکر می کند. همچنین او هیچ یک از وجوه مختلف معنایی روایت را نادرست نمی داند و حداکثر به درجه بندی و ارزش گذاری نسبی آن ها می پردازد و برخی را نسبت به سایر وجوه، محتمل تر می شمارد.

سید مرتضی ذیل غالب روایات، به شرح واژگان دشوار آن ها پرداخته و در این زمینه توانمندی و مهارت خود در لغت و ادبیات عرب را نشان داده است. گاهی با استناد به لغت عرب، معنایی نو برای واژگان غریب روایت به دست داده و روایت را به گونه ای بدیع تأویل کرده است. گاهی اوقات نیز با ذکر وجوه مختلف معنایی برای خبر، ابهام و اشکال معنایی آن را زدوده و تعارض آن با آیات قرآن یا دیگر اخبار را برطرف کرده و پاره ای فواید فقهی و کلامی از آن برداشت کرده است.

عقل و مبانی کلامی، از مهم ترین معیارهای فهم و تأویل احادیث نزد سید مرتضی است. او می کوشد با تأویلی منطبق بر مبانی کلامی خویش، شبهات فِرَق و مذاهب مخالف را پاسخ دهد و فهمی متفاوت از روایات ارائه کند و تنها زمانی که امکان چنین تأویلی وجود نداشته، حدیث را انکار کرده است. این رویکرد در فقه الحدیث سید مرتضی وجه غالب دارد و در مواردی که به شرح واژه ها و بیان مفهوم روایات پرداخته، حضور و حاکمیت ادله عقلی و کلامی در استدلال های وی مشهود است.

شرح حال سید مرتضی علم الهدی و بیان و تحقیق درباره حقیقت و مجاز «الذریعة»

عزّت الله زنده دل

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

تهران

استاد راهنما: دکتر ابوالقاسم گرجی

استادان مشاور: دکتر علیرضا فیض و دکتر

علی مهدب

سال ۱۳۵۲

باب اول کتاب الذریعة، در خطاب و اقسام و

احکام آن است. سید مرتضی در این باب،

درباره حقیقت و مجاز، جواز اشتراک و وقوع

آن، جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی، عدم اعتبار ظن در اصول فقه بحث می کند. ایشان در باب استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی، به جواز قائل است؛ چه معانی که لفظ در آن ها استعمال شده، همه حقیقی باشند و چه بعضی حقیقی و بعضی مجازی.

سید مرتضی تصریح می کند که امتناع یا از ناحیه معتبر است و یا از ناحیه عبارت. قسم اول صحیح نیست؛ چون لازم می آید که اراده دو معنی حتی با فقد عبارت نیز مستحیل باشد، در حالی که می دانیم صحیح است. صورت دوم نیز صحیح نیست؛ زیرا بر حسب وضع، لفظ عبارت از هر دو معنی گردیده، پس مانعی نیست که مقصود از آن هر دو باشد. به نظر سید، یکی از علانم حقیقت، مجرد استعمال است. به عقیده وی، هر گاه دلیلی بر



پایان نامه فوق لیسنس

شرح حال سید مرتضی علم الهدی

و بیان و تحقیق درباره حقیقت و مجاز الذریعة

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ابوالقاسم گرجی

تهیه کننده: عزت الله زنده دل

سال تحصیلی

۱۳۵۲

مجازیت قائم نشود، ظاهر از استعمال لفظ در معنی، حقیقت است و بر این اصل، اموری را مترتب ساخته است.

این پایان‌نامه در دو بخش به نگارش درآمده است: نویسنده در بخش نخست به معرفی سید مرتضی و بیان زندگی‌نامه علمی و سیاسی او پرداخته است و در بخش دوم، مبحث حقیقت و مجاز کتاب الذریعة سید مرتضی را به فارسی ترجمه کرده است.

نویسنده بیان می‌دارد که برای نوشتن این پایان‌نامه، منابع بسیاری وجود داشته است، ولی به نظر وی، از میان کتب فراوان، مقدمه کتاب الذریعة و ادب المرتضی مهم‌ترند. مقدمه الذریعة را مرحوم دکتر گرجی، استاد راهنمای نویسنده نوشته است و ادب المرتضی هم، نوشته دکتر عبدالرزاق محی‌الدین است.

(۱۵۳)

الشریف المرتضی و دلیل الإجماع فی عملية الاستنباط الفقہی؛ دراسة عرض و تحلیل

جمیل محمد محمدباقر

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده تحقیقات اسلامی دانشگاه اسلامی

لبنان

استاد راهنما: دکتر هادی فضل الله

سال ۲۰۱۵ م

این رساله شامل سه فصل است: فصل اول،
زندگی علمی شریف مرتضی را شرح داده
است؛ فصل دوم، به مصادر تشریع اسلامی
پرداخته است؛ و فصل سوم، اجماع از دیدگاه
شریف مرتضی را بررسی کرده است.

مطالعه تطبیقی حجّت خبر واحد از دیدگاه سید مرتضی و شیخ انصاری

منیره لاهوتی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

اسلامی

دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر

کرمان

استاد راهنما: دکتر میثم تارم

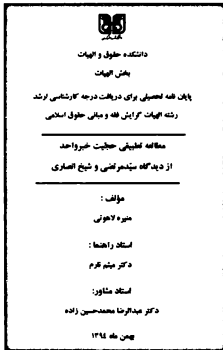
استاد مشاور: دکتر عبدالرضا محمدحسین زاده

سال ۱۳۹۴

فقه اسلامی، متکی به ادله و مبانی شرعی است و فقیه کسی است که تمام فتاوایش به شرع مقدّس مستند باشد. در بین مدارک و مبانی احکام شرعی، اخبار و احادیث، نقش اساسی و عمده دارند؛ زیرا قرآن کریم، کتاب معجزه پیامبر است، نه بیانگر

جزئیات احکام شرعی فرعی. لذا به ندرت به بیان احکام فرعی پرداخته است و عقل نیز این توان را ندارد که به جزئیات احکام احاطه داشته باشد و تنها بعضی از موارد کلی احکام فرعی را می تواند جولانگاه خود قرار دهد. اجماع نیز در صورتی حجّت است که کاشف از قول معصوم باشد. بنا بر این، تنها مسیری که باید از آن گذر کرد و به احکام الهی رسید، احادیث معصومین علیهم السلام است. هنگام بهره برداری از روایات، علاوه بر استدلال به نحوه دلالت آن ها، اثبات صدور آن ها از معصوم علیه السلام نیز لازم و بایسته است.

در یک تقسیم بندی کلی، روایات به «آحاد» و «متواتر» تقسیم می شوند. در روایات



متواتر، با دقت در شرایط تواتر، مشکل تردید در صدور آن‌ها از معصوم، رفع می‌شود. روایات آحاد نیز خود بر دو قسم‌اند: در صورتی که این روایات همراه با قرائن یقین‌آور باشند - مانند انطباق مضمون آن‌ها بر قرآن، روایات متواتر و اجماع مسلمین - مشکل ابهام در منشأ صدور روایات از معصوم برطرف می‌گردد و یقین به صدور آن‌ها از معصومین علیهم‌السلام حاصل می‌گردد؛ اما در روایات آحادی که همراه با قرائن قطعی نیستند، حاصل دقت در رجال احادیث و احراز راستگویی و وثاقت ناقلان آن‌ها، چیزی بیش از ظن نیست و به طور یقین نمی‌توان آن‌ها را به معصوم نسبت داد. شمار این دسته از روایات، از شمار اخبار متواتر و روایات آحاد محفوف به قرائن قطعی بسیار بیشتر است. از این روایات به اخبار آحاد ظنی یا ظن‌آور یاد می‌شود که مورد نزاع نیز همین قسم از روایات است.

سید مرتضی منکر حجّیت خبر واحد و حتی مدّعی نهی از التزام یا عمل به آن در امر دین شد. این موضع سید مرتضی با ادّعی دیگری نیز همراه بود و آن این که بخش اعظم اخبار مورد استناد شیعه در احکام، تواتر دارد یا علم‌آفرین است. بر خلاف سید مرتضی، شیخ انصاری معتقد بود از بررسی مجموعه اخبار دانسته می‌شود که امامان علیهم‌السلام از عمل به اخبار راویان ثقه از ایشان - که البته موجد علم نیست - رضایت داشته‌اند و به این امر توصیه می‌کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اصحاب و شیعیان، درنگ در قبول اخبار راویان ثقه را که احتمال دروغ درباره خبر آن‌ها، ضعیف و غیرعقلانی بود، ناپسند می‌شمردند.

پس در این جا دو نظریه پدید آمده است: یکی نظریه عدم حجّیت خبر واحد (منسوب به سید مرتضی) و دیگری حجّیت خبر واحد (منسوب به شیخ انصاری). منظور سید از عدم حجّیت خبر واحد، این است که دلیل خاصی بر اعتبار روایات غیر قطعی الصدور وجود ندارد و منظور شیخ انصاری از حجّیت خبر واحد این است که اخبار و احادیثی که قطعی الصدور نیستند، حجّت‌اند؛ یعنی دلیل خاصی بر اعتبار آن‌ها وجود دارد.

این پژوهش قصد دارد که بررسی کند دیدگاه سید مرتضی و شیخ انصاری در مورد خبر واحد و ادله حجّیت آن چیست؟ تفاوت و تشابه بین دیدگاه آن دو و بیان ثمره علمی آن در فقه کدام است؟

این پژوهش در سه فصل و یک خاتمه تلاش کرده به پرسش های یادشده، پاسخ درخور دهد:

فصل اول، به مفاهیم و کلیات پرداخته است.

فصل دوم، دیدگاه سید مرتضی و شیخ انصاری را در مورد خبر واحد و ادله حجّیت آن بررسی کرده است.

فصل سوم، تفاوت و تشابه بین دو دیدگاه و ثمره عملی آن در فقه را تبیین نموده است، و در خاتمه، نتایج بحث و پیشنهادهای نویسنده ارائه شده است.

سید مرتضی با نفی حجّیت خبر واحد، با این پرسش جدی روبه رو بود که با کنار گذاشتن اخبار آحاد، منظومه فقه بر چه اساسی قوام می یابد؟ پاسخ او این بود که بیشتر اخبار مندرج در جوامع حدیثی شیعه، برای ایشان علم آفرین است و مستند این علم، یا تواتر است یا نشانه ها و شواهد دالّ بر درستی خبر و راستگویی راوی؛ اگرچه آن اخبار در کتاب های مذکور به روش اسنادی و در قالب خبر واحد ارائه شده است. در بخش اندکی هم که برای پاسخ آن نمی توان به خبر قطعی رسید، باید به اجماع امامیه اعتماد کرد و در غیر این صورت، حکم عقل (برانت عقلی) نافذ خواهد بود.

به این ترتیب سید مرتضی با تأکید بر تفاوت بنیادی بین فرآیند گردآوری اخبار موجود در جوامع حدیثی رسمی روزگار خود و اخبار موجود نزد محدّثان و فقیهان امامیه، مدّعی بی نیازی امامیان از خبر واحد شد. این ادّعا بعدها مورد مناقشه قرار گرفت. مثلاً حسن بن زین الدین، ابن شهیدثانی اظهار کرد که ادّعای سید مرتضی بر ابتدای بخش عمده فقه بر اخبار مقطوع الصدور، در روزگار ما و زمان های مانند آن پذیرفتنی نیست. وی در نقد نظر سید مرتضی گفت: در دوران ما راهی برای دستیابی به جهات گوناگونی که عالمان روزگاران قدیم بر آن ها واقف بودند و در نتیجه، امکان قطع یافتن به صدور اخبار از امامان را داشتند و چنین حدیثی را صحیح می خواندند، وجود ندارد.

خلاصه نظر شیخ انصاری^۱ نیز این بود که خبر واحدی که راوی آن فرد ثقة باشد، حجّت است و برای آن از ادله اربعه استدلال شده که مرحوم شیخ از میان آن ها فقط دلالت اخبار و اجماع را بر حجّیت خبر واحد ثقة پذیرفته است. با در نظر گرفتن کلی بودن آیات

مربوط به احکام در قرآن و عدم توانایی عقل در احاطه به جزئیات احکام، تنها راه رسیدن به احکام الهی، روایات معصومین علیهم‌السلام هستند؛ به‌خصوص که بنا بر نظر شیعیان، اجماع هم در واقع به سنت باز می‌گردد.

از آن جا که می‌دانیم از جانب شارع مقدس، تکالیفی به عهده ما گذارده شده و عدم دسترسی ما به معصوم عذرآور نیست و نمی‌توان از احکامی که در مورد آن علم حاصل نشده چشم پوشید، و از طرفی این نیز واضح است که بیشتر احکام شرعی توسط خبر واحد به دست ما رسیده است، زیرا تعداد اخبار متواتر بسیار اندک است، پس اثبات حجّیت خبر واحد می‌تواند در بردارنده ثمراتی اساسی باشد، از جمله:

۱. تبیین و توضیح و تفسیر آیات قرآن کریم و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام.

۲. صلاحیت داشتن خبر واحد برای تخصیص و تقیید.

۳. مواجه نشدن مکلفین با عسر و حرج ناشی از اندک بودن اخبار علم‌آور.

نتایجی که از این پژوهش حاصل شده است عبارت‌اند از:

۱. سید مرتضی هر چند تعبّد به خبر واحد را از نظر عقل محال نمی‌دانست؛ اما معتقد بود در شرع، دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد.

۲. طبق نظر سید مرتضی، بخش اعظم اخبار مورد استفاده شیعه در احکام که در جوامع معتبر آن گردآمده، تواتر دارند یا علم‌آفرین‌اند.

۳. استدلال اصلی سید مرتضی بر عدم حجّیت خبر واحد این است که عمل به خبر واحد باید مستند به علم باشد؛ خواه علم به درستی خبر، و خواه علم به وجوب عمل بر اساس آن، حتّی با احتمال کذب و خطا. این در حالی است که می‌دانیم خبر واحد، موجد علم نیست و دلیل دینی هم که وجوب یا جواز عمل به خبر واحد را اثبات کند، در دسترس نداریم. از این رو، خبر واحد، فاقد حجّیت و اعتبار می‌شود.

۴. از نظر سید مرتضی، علمای شیعه، عمل به اخبار واحد را جایز نمی‌دانند و بر آن اعتماد نمی‌کنند و اصلاً اخبار واحد را حجّت نمی‌دانند، تا آن جا که سید ادّعا می‌کند که مذهب شیعه عمل به خبر واحد را مانند عمل به قیاس می‌داند.

۵. سید مرتضی که منکر حجّیت خبر واحد است، به ادّله سه گانه کتاب، سنت و

اجماع تمسک بسته است که هیچ یک از آن‌ها، مدّعی وی را ثابت نمی‌کند.

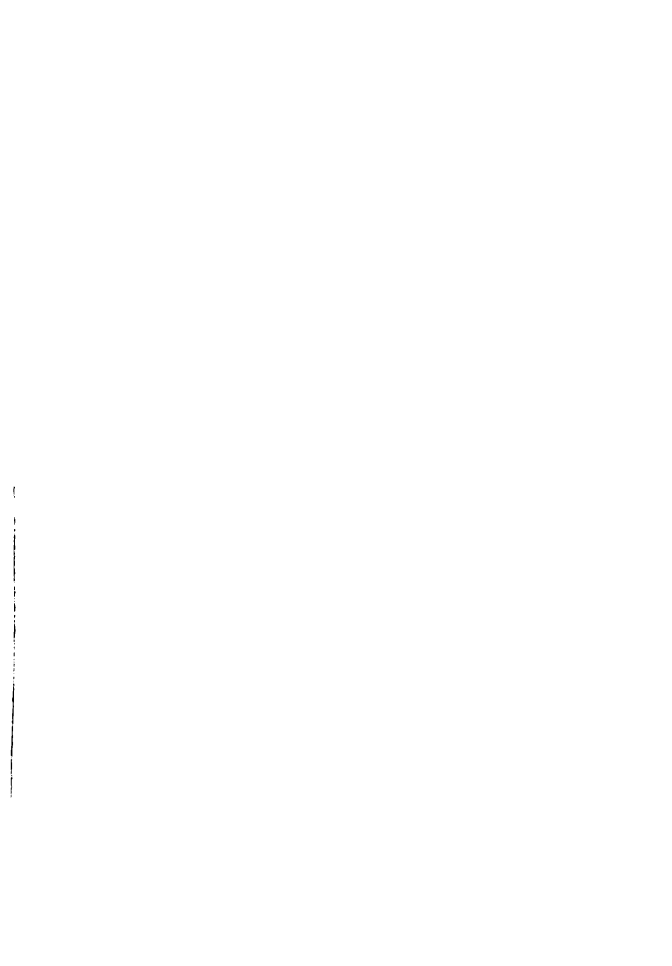
۶. شیخ انصاری معتقد بود که از بررسی مجموعه اخبار، دانسته می‌شود که امامان علیهم‌السلام از عمل به اخبار راویان ثقه از ایشان که البته موجد علم نیست، رضایت داشته‌اند و به این امر توصیه می‌کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اصحاب و شیعیان، درنگ در قبول اخبار راویان آن ثقه را که احتمال دروغ درباره خبر آن‌ها، ضعیف و غیر عقلایی بود، ناپسند می‌شمردند.

۷. برای اثبات عدم حجّیت خبر واحد، از قرآن کریم به پنج آیه (آیات نبأ، نفر، کتمان، سؤال و اذن) تمسک شده که شیخ انصاری دلالت هیچ یک از آن‌ها را قبول ندارد و هر کدام را از جهاتی مبتلا به اشکال می‌داند. شیخ انصاری مدّعی است که از مجموع پنج طایفه روایات، تواتر معنوی حاصل شده و قطع پیدا می‌شود که شارع مقدّس، خبر واحد را حجّت دانسته است.

۹. اجماع علمای امامیه بر این است که خبر واحد، چنانچه مخبر آن شیعه قائل به امامت باشد، حجّت است. شیخ انصاری می‌گوید: در هیچ یک از مسائلی که درباره آن‌ها ادّعی اجماع شده است - خواه اجماع منقول و خواه شهرت قطعی جدّی و خواه شواهد بسیار که همگی دلالت بر لزوم عمل به اخبار آحاد دارند - اجماعی به قوّت اجماع بر حجّیت خبر واحد نیست و اگر کسی در این اجماع شک کند، در هیچ مسأله فقهی به جز ضروریات مذهب، به اجماع دست نمی‌یابد.

۱۰. شیخ انصاری، دلیل عقل را که به سه وجه بیان شده، موجب اثبات حجّیت خبر واحد نمی‌داند.

۱۱. مرحوم شیخ قائل است خبر واحدی که راوی آن فرد ثقه باشد، حجّت است. وی از میان ادلّه اربعه، فقط دلالت اخبار و اجماع را بر حجّیت خبر واحد ثقه پذیرفته است.



بخش ششم

پایان نامه های ادبی

آليات التأويل في أمالي المرتضى؛ دراسة نقدية

احمد بن سعيد صالح الغامدي

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عرب

دانشگاه ملک عبدالعزیز

استاد راهنما: دکتر عمیره بن محمد بن

قینه

سال ۲۰۰۷م

تأویل به معنای نوع خاصی برداشت از متن است که به نحوی بر خلاف ظاهر متن باشد. قدما این واژه را با تفسیر قرآن مترادف و از این روی تمام آیات قرآن را دارای تأویل می دانستند. در کاربردی فرائر، مقصود از تأویل، فرابردن یک دالّ از معنایی ظاهری به



معنایی دور از ظاهر است که تصوّر می شود از معنای ظاهری مهمتر و مقصود اصلی گوینده است. بنا بر این، تفسیر و تأویل، هر دو به معنای آشکار کردن معنای پنهان لفظ و بیان مراد و مقصود واقعی متکلم است؛ اما این شرح و توضیح، مراتب و گونه های مختلفی دارد: گاهی لفظ یک معنا دارد و گاهی چند معنا؛ گاهی مقصود متکلم، بدون قرینه فهم و درک می شود و گاهی به قرینه نیاز دارد؛ گاه مراد متکلم، مفهومی ذهنی و علمی است و گاهی عینی و رویداد خارجی است.

در سده چهارم هجری، به موازات ادامه کاربرد تأویل به معنایی نزدیک به تفسیر و کم‌رنگ شدن بار معنایی توجیه، به خصوص در آثار حدیث‌گرایان، در آثار متکلمانی چون ماتریدی، معنای توجیه تقویت شده و تأویل به معنای تفسیر خلاف ظاهر - مثبت یا منفی - تحدید گردیده است. باید اشاره کرد که در عباراتی مشهور به نقل از ماتریدی در مقام تمییز تفسیر و تأویل، قطعیت از ویژگی‌های تفسیر، و عدم قطعیت از ویژگی‌های تأویل شمرده شده است.

همین فهم از تأویل است که در نیمه نخست سده چهارم هجری، زمینه‌ساز نام‌گذاری برخی آثار تفسیری نوشته شده از سوی عالمانی از مذاهب مختلف بوده است. برای این دست آثار، می‌توان از جامع التأویل لمحكم التنزیل، از ابومسلم اصفهانی، عالم معتزلی؛ موجز التأویل عن معجز التنزیل، نوشته ابوبکر بن کامل، عالم جریری؛ و حقائق التفضیل فی تأویل التنزیل، تفسیری موضوعی از جعفر بن ورقاء شبانی، عالم امامی یاد کرد.

البته در اواخر سده چهارم هجری، صورت‌بندی‌های متنوعی برای تمییز تأویل از تفسیر پدید آمده بود. اغلب بر این پایه که تفسیر، گونه‌ای از تبیین جزء‌نگر نسبت به کلام است؛ در حالی که تأویل، به گونه‌ای تبیین کل‌نگر اشاره دارد و بیشتر درک غایت کلام را دنبال می‌کند. در این صورت‌بندی‌ها، تکیه تفسیر بر ظاهر و روی آوردن تأویل به باطن نیز مورد توجه بوده است.

شریف مرتضی از اندیشمندانی است که در آثار خود، به‌ویژه امالی، از تأویل بهره برده و در مجالس مختلف کتابش به تأویل آیات پرداخته است. این پژوهش به بررسی روش‌های تأویل در امالی شریف مرتضی می‌پردازد. نویسنده برای این منظور، مهم‌ترین بسترهای نظریه تأویل را مطالعه کرده است؛ نظریه‌ای که منجر به تحلیل گفتمان انتقادی در تعدادی از کتاب‌ها شد. به نظر می‌رسد که در بین سده‌های دوم و پنجم هجری، هنگام تفسیر متون ادبی، سه نوع روش معمولاً به کار می‌رفت: سازوکارهای متنی، سازوکارهای زبانی و سازوکارهای زیبایی‌شناختی.

بخش اول این پژوهش به برداشت‌های شریف مرتضی از مفهوم تأویل اختصاص

داده شده است و بخش دوم آن، بررسی روش‌های تأویل در امالی و نقد آن‌هاست. نویسنده این پایان‌نامه بر این باور است که بین مفاهیمی که روش‌های سید مرتضی بدان‌ها می‌انجامد و مباحثی که ورای این روش‌ها در عربی قدیم وجود داشته، ارتباط به چشم می‌خورد و همچنین آن مفاهیم بر روش‌های ایجاد معنا در کتاب امالی سید مرتضی تأثیر دارد.

الاتجاهات النقدية والأدبية في أمالي القرن الخامس الهجري؛ المرزوقي و المرتضى
نموذجاً؛ دراسة نقدية

شعیب السنوسی العطشان

رسالة دکتري زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات دانشگاه بنها، مصر

استاد راهنما: دکتر السید فضل

سال ۲۰۰۸م



این تحقیق در فصل مقدماتی خود به پیشینه نقد ادبی در فرهنگ عربی می‌پردازد و از ریشه‌ها و روندهای آغاز آن سخن به میان می‌آورد. نویسنده بر این باور است که عرب نخستین، متن خلاق و انتقادی را با هم تولید کرده است. ادبیات، محصول است و انتقاد، کنترلی برای این محصول است. در این تحقیق، نمونه‌هایی از رابطه بین متن خلاق و کار انتقادی ارائه شده است.

بعد از آشکار شدن این موضوع، سخن به عامل مهمی کشیده شده که سیر طولانی و دشوار ادبیات عرب را سخت تحت تأثیر خود قرار داده است. این عامل، اسلام است. با آمدن اسلام، زندگی اعراب، زیر و رو شد؛ گویا زمین‌لرزه‌ای رخ داد. اشعار و دنیای شاعران نیز تحت تأثیر قرار گرفت و دنیاها و فضاهاى جدیدی به وجود آمد و همه اشعار با معیار موازین قرآنی سنجیده شد. آن گاه که بخواهیم از قرآن و تأثیرات آن سخن بگوییم، بی‌گمان به تأثیر روحی و فرهنگی آن توجه می‌کنیم که چگونه آیات و کلمات این کتاب عظیم، عقول بشری را مستخر خویش می‌گردانند.

کلام الهی با دو ویژگی مهم فصاحت و بلاغت و معنای عمیق و نافذش، آن چنان بر دل و جان مؤثر می افتد که کمتر کسی است در بادی امر آن را درنیابد. این اثر تا آن جا بود که حتی لجوج ترین دشمن پیامبر گرامی اسلام، ولید بن مغیره، بعد از گوش سپردن به بعضی آیات به نزد قریش می رود و چنین می گوید: «به خدا قسم، سخنانی که از محمّد شنیدم، نه از جنس سخن انس است و نه جن؛ آنچه او می گوید، شیرینی عجیبی دارد و دل پذیری و شادایش شگفت انگیز است. به راستی که بالای آن پرمیوه است و پایین آن خرم! بر همه چیز برتری دارد و چیزی از آن برتر نیست و پایین تر از خود را خرد می سازد».

اگر از تأثیرات عظیم روحی و معنوی و فرهنگی که خداوند از آن به نعمت یاد می کند بگذریم، می توان به تأثیر لفظی و معنایی در ساختار زبان عربی و الفاظ آن اشاره کرد که درخور تأمل است. تأثیر معنایی و لفظی این کتاب عظیم در عرصه فصاحت و بلاغت، معجزه بی بدیل پیامبر عظیم الشان اسلام است.

بعد از مقدمه ای که اشاره شد، نویسنده در سه فصل به روش های نقد ادبی در قرن پنجم پرداخته و امالی مرزوقی و مرتضی را به عنوان نمونه بررسی می کند.

فصل اول، تحت عنوان «جدلیه النقل و العقل»، شامل معرفی نقل و عقل در اندیشه عرب است و آنچه ما را به این فصل سوق می دهد، تنوع روش های درک متن به دلیل مشکلات خوانش است. از جمله این مشکلات، ارتباط بین ماهیت متون شاعرانه و قرآن است. هر دو متون زبانی اند؛ اما اولی انسانی و دومی الهی است. آن ها در یک قالب زبانی ارائه می شوند.

موضوع فصل دوم، جهت گیری زبانی است. نویسنده ابتدا سعی کرده به آغاز پیدایش زبان نگاهی بیفکند. این پدیده اجتماعی در وهله اول، بنا بر ضرورت زندگی به وجود آمد. بعدها نوشتار پدید آمد و زبان دارای دو شکل گفتاری و نوشتاری گردید. در این فصل به جهت گیری زبانی امالی های مرزوقی و مرتضی پرداخته شده است.

سید مرتضی در موارد بسیاری در آثار خویش و به خصوص امالی، از ناقدان بزرگ و سرآمد، در معنی واژگان و ادراک غلط آن ها ایراد می گیرد و با ذکر دلایل و معیارهای علمی، آن ها را به نقد می گذارد. از جمله در شرح واژه «أجذم» در حدیث نبوی ﷺ «من تعلم

القرآن ثم نسیه لقی الله تعالی و هو أجذم»، بر ابن سلام و ابن قتیبه اشکال گرفته است و پس از ذکر دلایل مختلف، معنی «أجذم» را نقص و کاستی در کامل بودن مطرح می‌کند؛ به این معنا که قرآن باعث زینت و زیبایی حافظ و متعلم آن می‌شود و هر کس بعد از حفظ آن فراموشش کند، زینت قرآن که مانند پوششی زیبا بر وجود او بود، از او منع می‌شود و منافعی که می‌توانست از آن‌ها بهره‌مند گردد، از او سلب می‌شود.

فصل سوم، جهت‌گیری فنی و زیبایی‌شناختی است. جهت‌گیری فنی، تصویری از جهت‌گیری ذهنی است. با توجه به این که زبان یک پدیده عمومی و اجتماعی است، جهت انتقال مفاهیم، تصویری ذهنی می‌سازد که با آن، مفاهیم پنهان در ضمیر انسان‌ها به دیگران منتقل می‌شود.

(١٥٧)

أثر الشريف المرتضى في الدراسات البيانية

محمّد محمّد سليمان طه

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره

سال ١٩٧٩م

از این رساله اطلاعات بیشتری در دست نیست. در «قاعدة بيانات بليوغرافية لأغراض البحث العلمي في اللغة العربية و آدابها، و الدراسات الأجنبية المترجمة إليها، (حرف الطاء)» مطلب یادشده ذکر شده است.

<https://dribrahimam.blogspot.com>

[/2011/02/blog-post_6290.html](https://2011/02/blog-post_6290.html)



كلية دارالعلوم

أثر الشريف المرتضى في الدراسات البيانية

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

محمّد محمّد سليمان طه

١٩٧٩م

(۱۵۸)

أدب المرتضى من سيرته و آثاره

عبد الرزاق محیی الدین

رسالة دکتري

دانشگاه فؤاد اول (قاهره)، مصر

استاد راهنما: دکتر سهير القلماوی

سال ۱۹۵۶م

از آثاری که درباره زندگی و بررسی افکار و آثار و چهره ادبی دانشمند نامور شیعه در قرن چهارم، مرحوم سید مرتضی علم الهدی، نوشته شده، رساله ای است که نویسنده ادیب عراقی، دکتر عبد الرزاق محیی الدین به عنوان رساله دکتري خود فراهم کرده، و به خوبی از عهده این مهم برآمده است.

این رساله مورد تقدیر دانشگاه قاهره قرار گرفته و با رتبه ممتاز قبول شده است. دکتر

عبد الرزاق محیی الدین رساله خود را به صورت کتابی با همان عنوان منتشر کرده است.

در سال های اخیر، این کتاب ۳۰۴ صفحه ای به وسیله آقای جواد محدثی ترجمه شده و چاپ گردیده است. آنچه در پی می آید، برگرفته از توصیفی است که مترجم محترم از این کتاب نوشته است.

کتاب ادب المرتضى من سيرته و آثاره، مشتمل بر پنج بخش است و هر بخش از چندین فصل تشکیل شده است. بخش های اصلی کتاب عبارت اند از:

جامعة فؤاد الأول

أدب المرتضى من سيرته و آثاره

رسالة الدكتوراه

إعداد الطالب
عبد الرزاق محیی الدین

إشراف
الدكتور سهير القلماوي

۱۹۵۶م

۱. زندگی سیاسی در قرن چهارم در بغداد و تأثیر آن بر جامعه و زندگی سید مرتضی؛
۲. ویژگی‌های علمی قرن چهارم و تأثیر آن بر سید مرتضی؛
۳. زندگی‌نامه علمی سید مرتضی؛
۴. آثار فرهنگی و ادبی سید مرتضی (تالیفات)؛
۵. ادبیات سید مرتضی (شعر و نثر).

نویسنده کتاب، پس از آن که به مبنای خلافت در اسلام و شیوه‌های ممکن و سنتی و عملی تصدّی خلافت در صدر اسلام و سپس در دوران امویان و عباسیان می‌پردازد و فراز و نشیب‌های آن و روی کار آمدن آل بویه را تحلیل می‌کند، به بیان تأثیری که حیات سیاسی قرن چهارم بر جامعه و اندیشه‌ها و عملکردها و موضع‌گیری‌های سید مرتضی به عنوان یک عالم بزرگ شیعی و پرچمدار میدان‌های کلام و فقه و تفسیر و ادب و... داشته، نگرشی عالمانه می‌افکند. موضوع «نقابت» که در دودمان سید مرتضی بوده و او نیز نقیب شیعیان به شمار می‌رفته و حمایت‌های گوناگونی که از حاکمان آل بویه داشته و با شعر و نثر و موضع‌گیری و... آشکارا آنان را تأیید می‌کرده، فصل دیگری از مطالب کتاب است.

تطوّر و تحوّل علوم بلاغی، ادبی و کلامی در عصر سید مرتضی و تأثیری که او در حیطه‌های علمی داشته و زمینه‌هایی که برای تحوّل‌آفرینی وی پدید آمده بود، نقطه آغاز بخش دیگری از نگرش تحلیلی مؤلف کتاب به زندگی علمی و ادبی سید است. عصر سید مرتضی دو پدیده آشکار را شاهد بوده است: یکی نضج و شکل‌گیری علوم و فنون ادبی و رسیدن به مرحله‌ای بی‌سابقه از شکوفایی؛ و دیگری، تمایز و مرزبندی و تفکیک دقیق و مشخص علوم و فنون از یکدیگر و نیز جدایی روشن خطوط مکتب‌ها و مذهب‌ها و اصول اعتقادی فرقه‌های گونه‌گون اسلامی.

بررسی دقیق اوضاع علمی پیش از سید و عصر او در قرن چهارم در هر یک از زمینه‌های تفسیر قرآن، حدیث، فقه، کلام، علوم عربی (لغت، نحو، بلاغت، تاریخ ادبیات) و شیوه‌ای که سید مرتضی در آثارش در هر یک از این زمینه‌ها داشته، محور دیگری برای مباحث فصلی دیگر از این تألیف است. مؤلف در این فصل، تأثیر سید در مرزبندی روشن‌تر عقاید شیعی و علم کلام از این زاویه را در آثارش بررسی کرده است. همچنین اشاره

به دو شخصیت کم‌نظیر دیگر جهان شیعه، یعنی شیخ مفید و شیخ طوسی، در کنار بیان کار عظیم سید مرتضی، ترسیمی از یک مثلث پر قدرت علمی در قرن چهارم است که این سه اعجوبه روزگار، در دفاع از حماسه مکتب و ترویج اندیشه‌های امامیه، شاخص آن دوران‌اند.

بخش دیگر کتاب، سیره و زندگی‌نامه سید مرتضی است. نسب پدری و مادری سید را که از هر دو سو، به اهل بیت علیهم‌السلام می‌رسد، برمی‌شمارد. وی از طرف پدر به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و از طرف مادر به امام زین العابدین علیه‌السلام متصل می‌گردد و خاندان او در میان علویان جایگاه خاصی داشته است.

اشاره‌ای به استادانش، شاگردانش، دوره تحصیلش، وفاتش، نسل او، حوادث مربوط به آنچه میان او و شعرا و علما و ادبای معاصرش گذشته و مقایسه و نشان دادن برتری او از چهره‌های هم‌تایش در آن روزگار و ارائه سیمایی از منزلت اجتماعی او در بغداد قرن چهارم و منصب امیر الحاج بودن و نفوذ اجتماعی‌اش، در فصلی دیگر از این کتاب خواندنی آمده است. در همین فصل، ضمن تحلیل زندگانی علمی سید، به آثار و تالیفات متنوع و میدان گسترده تألیف و تدوین و اندیشه‌های کلامی و فقهی و آرای ادبی او پرداخته شده است.

نویسنده درباره هر یک از آثار سید، تحقیق کرده و نسخه‌های خطی یا چاپی آن‌ها را معرفی نموده و اطلاعات کتاب‌شناسی هر یک را به اندازه توان خود بازگفته است. این اندازه اطلاعات در زندگی‌نامه‌های دیگر سید نیامده است.

وی در بخش مربوط به ادبیات سید مرتضی، عمدتاً آثار او را به دو بخش تقسیم می‌کند: اول: آثار غیر ادبی سید که ارتباط با مسائل ادبی‌اش دارد، به‌خصوص نوشته‌های کلامی وی را بررسی کرده و سبک نگارش و شاخصه‌های ادبی موجود در آن‌ها و قوت قلم او را، حتی در کتب فقهی و اعتقادی، به خواننده نشان داده است.

دوم: آثار ادبی - توصیفی سید که او چه در وادی شعر و چه در میدان نقد ادبی و مسائل بلاغی، چهره‌ای بارز و بی‌همتا داشته است. نویسنده در صفحات این بخش، به دقت به زمینه‌های تکوین چنین شخصیتی در زندگی علمی و فرهنگی سید و عوامل مؤثر در قوت کار او پرداخته، و شواهد و نمونه‌های بسیاری از کلام و شعر وی آورده است.

دقت و خردگیری و نکته‌سنجی سید مرتضی در متون ادبی و تعبیرات شعری، گاهی همسان با برخوردی است که او با آیات قرآن یا دیدگاه‌های کلامی دارد و در پی تصحیح و نقد محتوایی و درستی یا نادرستی مفاهیمی است که در آثار ادبی ابراز شده است؛ در حالی که در نقد، چه‌بسا نسبت به متون ادبی، از این جهت با تسامح و سهل‌گیری و اغماض بیشتری باید نگرست و انتظار روش منطقی و اسلوب علمی را از آثار ادبی نباید داشت.

نقد ادبی، جایگاه مهمی در آثار ادبی سید دارد. وی، با برخورداری از قوت طبع، تیزهوشی، ممارست بسیار در کار شعر و ادب، تسلط شگفت‌انگیز به آثار و اشعار پیشینیان و معاصران، ذوق لطیف و نکته‌یاب، نمونه‌های فراوانی از تشبیه، تکرار، مجاز، استعاره، کنایه و... را به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی و نقدی بسیار عالمانه و موشکافانه ارائه می‌دهد و به میدان قله‌های افراشته ادب عربی همچون بحتری، ابو تمام، ابن رومی، جرجانی، جاحظ، ابن سلام، آمدی و صولی می‌رود.

مؤلف کتاب، پس از ارائه نمونه‌هایی از این گونه نقدهای ادبی، به ادبیات انسانی یا به تعبیر دیگر، به اثر ادبی سید پرداخته و مواردی را شاهد می‌آورد و تجزیه و تحلیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که عبارات و تعبیرات سید، روان، شیرین، پخته، استوار، بی‌تکلف و برخوردار از صناعات ادبی و جنبه‌های بلاغی است.

وی در فصل دیگری به بررسی شعر سید مرتضی می‌پردازد و نوع آن و ویژگی‌ها و جنبه‌های تکنیکی و درونمایه‌ها و محتواهای طرح شده در اشعار و عوامل پدیدآورنده این خصایص و ویژگی‌ها را تبیین می‌کند.

در تقسیم‌بندی مؤلف، بخشی از شعرهای سید، غزلیات او است که از نازک‌خیالی‌ها و قوت‌ها و پختگی‌های لازم برخوردار است؛ برخی شعرهای توصیفی است که حالت ترسیم و نقاشی دارد - از جمله شعری را مثال می‌آورد که به حج و حال و هوای آن مناطق و اماکن و حاجیان مربوط می‌شود - بخش دیگر، شعر سیاسی سید است که بیشتر بر مبنای مسائل اجتماعی، خلفا، اهل بیت علیهم‌السلام، موضع‌گیری‌های «له» و «علیه» نسبت به حکام و دولت‌مردان و خلفا و وزرا و... است. بخش دیگر، شعر فخر و حماسه است که به افتخار کردن به شرافت خانوادگی و تبار و دودمان و فضایل و رگ و ریشه علوی خود و خاندان خود مربوط است. و

بالأخره، شعر مدح و مرثیه او که بخشی عمده از سروده‌های او را تشکیل می‌دهد.

مؤلف در این بخش از تحقیق و بررسی خود، دیدی نقادانه نسبت به سید مرتضی دارد و ضمن ارج نهادن به مقام ادبی و شخصیت کم‌نظیر او، از جهت توانایی‌های ذوقی و قلمی و شعری و نیرومندی خیال و گستردگی مفاهیم، از کنار اشعارش بی‌نقد هم نمی‌گذرد و برای اثبات این که سید در مواردی متعدّد آن چنان که بایسته است، از عهده عرضۀ اثری بی‌ضعف و برجسته برنیامده و نقص‌هایی در برخی اشعارش دیده می‌شود، نقدی بی‌گذشت و موشکافانه و دقیق از یکی دو شعر سید مرتضی انجام داده است.

ناگفته نماند که مؤلف، گرچه تحقیق و کاوشی بی‌طرفانه و علمی و ادبی از زندگی و آثار ادبی سید انجام داده است، لیکن از آن جا که خودش از امامیه نیست، گاهی در فصولی از کتاب، به ویژه آن جا که به تبیین دیدگاه‌های کلامی سید مرتضی و نیز نقش شیعه در پدید آوردن و پی‌نهادن شاخه‌هایی از علوم اسلامی پرداخته، نظرهایی داده که خالی از اشکال نیست.

(۱۵۹)

أساليب النحو العربي في أمالي السيد المرتضى

رعد عبدالحسين حمدوش الغزالي

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی

دانشکده آموزش دخترانه دانشگاه کوفه

استاد راهنما: عبدالکاظم محسن الیاسری

سال ۲۰۱۲م

از این پایان نامه، اطلاعات بیشتری در دست

نیست، جز آن که در مکتبه و دار مخطوطات

العتبة العباسية کربلا نگهداری می شود.

[https://iqdr.iq/search?view=12eb2](https://iqdr.iq/search?view=12eb2529cb5b352becaa5ea0275a20c4)

[529cb5b352becaa5ea0275a20c4](https://iqdr.iq/search?view=12eb2529cb5b352becaa5ea0275a20c4)



كلية التربية للبيات

أساليب النحو العربي في أمالي السيد المرتضى

رسالة ماجستير للغة العربية

إعداد الطالب

رعد عبدالحسين حمدوش الغزالي

إشراف

عبدالكاظم محسن الیاسری

م ۲۰۱۲

الأساليب ذات الوظائف الدلالية المساعدة في ديوان الشريف المرتضى؛

دراسة نحوية دلالية

هاجر عبدالله على البشكار

رساله دكتورى زبان و ادبيات عرب

دانشكده ادبيات دانشگاه منصوره، مصر

استاد راهنما: دکتر ابراهيم ابراهيم بركات

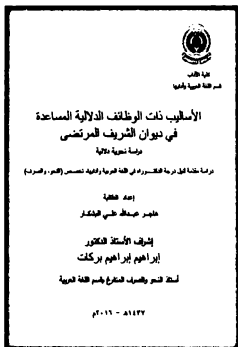
۲۰۱۶م

این رساله به بررسی اسلوب‌های نحوی به کاررفته در دیوان شریف مرتضی می‌پردازد. روش این رساله روش توصیفی است. نویسنده ضمن آن که به روش‌های نحوی شریف مرتضی پرداخته، اختلاف مسلک ادبی شریف مرتضی را با دیگر ادبا نمایانده است.

موضوع فصل اول رساله، روش نفی در

دیوان شریف مرتضی بوده و متضمن مباحثی است که به نفی اسم، نفی فعل مضارع، نفی جمله اسمیه، نفی فعل و جمله، نفی فعل و اسم و جمله و نیز نفی ضمنی اختصاص دارد. فصل دوم درباره اسلوب‌های تأکید در دیوان شریف مرتضی است و شامل این مباحث است: تأکید جمله اسمیه، تأکید جمله فعلیه، تأکید جمله‌های اسمیه و فعلیه، تأکید لفظی و تأکید معنوی.

فصل سوم، روش‌های تعلیل در دیوان شریف مرتضی را دربردارد. از مباحث این فصل می‌توان به تعلیل به حروف، تعلیل به اسماء و تعلیل از خلال سیاق اشاره کرد.



فصل چهارم به روش‌های انشای طلبی در دیوان شریف مرتضی می‌پردازد و دارای شش مبحث است که شامل اسلوب امر، اسلوب نهی، اسلوب تمنی، اسلوب رجاء، اسلوب نداء و اسلوب استفهام می‌شود.

فصل پنجم درباره اسلوب انشای غیر طلبی در دیوان شریف مرتضی است و دربردارنده سه مبحث است: اسلوب قسم، اسلوب مدح و ذم و اسلوب تعجب.

فصل ششم هم درباره اسلوب شرط در دیوان شریف مرتضی است. در این فصل، از شرط جازم و شرط غیر جازم، و ظواهر سیاقی برای شرط سخن به میان آمده است. بخش پایانی رساله، خاتمه است که در آن مهم‌ترین نتایج پژوهش آمده است.

أسلوبية التركيب في شعر الشريف المرتضى

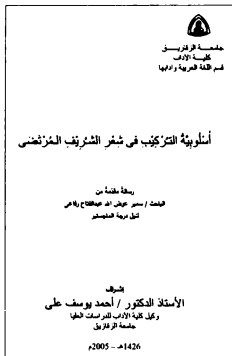
سمیر عوض الله عبدالفتاح رفاعی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات دانشگاه رقازیق، مصر

استاد راهنما: دکتر احمد یوسف علی

سال ۲۰۰۵ م



مؤلف این رساله را در مقدمه، هفت فصل و یک خاتمه به رشته تحریر درآورده است. وی در مقدمه خود، ابتدا به اهمیت موضوع و علت انتخاب موضوع رساله اشاره می‌کند و با اذعان به جایگاه رفیع ادبی سید، و عنایت ادبا به آثار و اشعار ایشان، بیان می‌کند که علی‌رغم جایگاه ادبی سید مرتضی، کمتر کسی مستقلاً به این موضوع پرداخته است.

سپس به تألیفاتی که سابقاً در این موضوع نوشته شده، اشاره می‌کند و در ادامه، به تبیین روش تألیف رساله می‌پردازد و رساله خود را اثری تحلیلی و أسلوبی معرفی می‌کند و با نگاهی کلی به سروده‌های سید، به أسلوب ترکیب در اشعار وی می‌پردازد. وی همچنین به بررسی کلی مباحث رساله می‌پردازد و عناوین فصل‌های آن را بیان می‌کند. مباحث فصول هفتگانه رساله به شرح زیر است:

مؤلف در فصل اول به مسأله تقدیم در اشعار سید مرتضی می‌پردازد و در سه قسم: تقدیم شبه جمله، تقدیم در ترکیب اسنادی و تقدیم فضلات و مکملات، مسأله تقدیم را تبیین می‌کند.

مؤلف با استقرانی که در دیوان سید مرتضی انجام داده، عنوان می‌کند که تقریباً در ۴۷ درصد اشعار سید، مسأله تقدیم به چشم می‌خورد که ۶۵۸۳ مورد است. وی در ادامه به اقسام تقدیم در شعر سید می‌پردازد.

او بعد از بیان این که تقدیم شبه جمله در اشعار سید، بسیار به چشم می‌خورد، برای آن اقسامی ذکر می‌کند: ۱. تقدیم شبه جمله به نحوی که شبه جمله در صدر ترکیب قرار می‌گیرد؛ ۲. تقدیم شبه جمله در حالتی که در وسط ترکیب قرار می‌گیرد.

مؤلف در بیان مواردی که شبه جمله در صدر ترکیب قرار می‌گیرد، اقسامی برای آن ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: تقدیم شبه جمله بر مفعول، تقدیم شبه جمله بر فاعل، تقدیم شبه جمله بر خبر ناسخ، تقدیم شبه جمله بر اسم ناسخ، تقدیم شبه جمله بر خبر، تقدیم شبه جمله بر لغت، تقدیم شبه جمله بر حال، تقدیم شبه جمله بر نائب فاعل، تقدیم شبه جمله بر تمیز و تقدیم شبه جمله بر مفعول.

وی سپس به نوع دوم، یعنی آن زمان که شبه جمله در وسط ترکیب قرار می‌گیرد می‌پردازد و سپس به دو قسم تقدیم در جمله اسمیه و جمله فعلیه اشاره می‌کند. مؤلف در تبیین هر قسم از موارد یادشده، شواهدی از دیوان سید می‌آورد و به اغراض و عللی که وی در هر یک دست به تقدیم زده است، اشاره می‌کند.

توجه به هر یک از مواردی که مؤلف با استقرای تام، تمام موارد آن را استخراج نموده، حایز اهمیت است و در هر بخش با تکیه به معتقدات سید مرتضی از هدف ایشان پرده برداشته است؛ چه آن جا که موارد مرسوم و شایع تقدیم بوده و بعضاً شیوه‌های بلاغی و سرایش اشعار است و چه آن جا که خلاف معمول و خلاف قواعد نحوی است و به اغراض دیگری همچون تقیه و مخفی کردن برخی حقایق از نااهلان بوده است. مؤلف با همین شیوه تحلیلی، قسم دوم تقدیم را نیز بیان می‌کند و به بیان اقسام و ذکر شواهد آن از اشعار سید مرتضی می‌پردازد.

وی در تبیین هر یک از اقسام تقدیم در ترکیب اسنادی، به ذکر مثال‌های متعدد و تبیین اهداف سید در هر یک می‌پردازد.

در قسم سوم نیز به همین منوال، اقسام و شواهد تقدیم فضلات و مکملات را بیان

می‌کند و شواهد آن را بررسی و تشریح می‌کند.

مؤلف فصل دوم پژوهش خود را به «انشای طلبی» اختصاص داده و با همان شیوه تتبع موردی و استقرای تام، ابتدا مواردی را که در دیوان سید مرتضی ذیل عنوان انشای طلبی قرار می‌گیرد، جستجو کرده و برای پنج قسم آن یعنی تمتی، امر، استفهام، نهی و ندا، اقسام و شواهدی ذکر نموده است.

روشی که وی در این فصل پیش گرفته، همانند فصل قبل است که بعد از توضیح لغوی استفهام و ذکر تعداد استفهامات موجود در دیوان شریف مرتضی، به بیان اقسام استفهام بر طبق گوناگونی ادوات استفهام می‌پردازد و در هر یک از ادات، بعد از ذکر شواهد و مثال‌ها، به اغراض سید در حقیقی و مجازی بودن استفهام و مسائل مرتبط با آن اشاره می‌کند. نکته‌ای که قابل توجه است، اشراق نویسنده به آرای مرحوم سید و امامیه است. وی با احاطه‌ای که به تفکرات شیعی و امامیه داشته است، اغراض ادبی سید مرتضی را به درستی، تفسیر و تبیین نموده است.

عنوان فصل سوم، «ترکیب شرطی» است. نویسنده در این فصل بعد از توضیحاتی درباره ادات شرط و جملات شرطیه و اقوال علمای ادب عربی درباره فصیح‌ترین ادات و جملات شرطیه، نتیجه‌ای از استقرای خود در دیوان شریف مرتضی از ادوات شرط و ترکیب‌های شرطیه ارائه داده است. از مجموع توضیحات مؤلف در این فصل، این نتیجه به دست می‌آید که سید مرتضی صناعات ادبی و ادوات مختلفی بلاغی و شعری را در اعتلای فرهنگ شیعی و عقاید و شعائر اسلامی به کار گرفته است؛ چه آن‌جا که به جهت امری اخلاقی و زهد و تقوایش، یک سری ادات شرط خاص را به کار می‌برد، و چه آن‌جا که از آن‌ها در رثای سید الشهداء و مدح آباء و اجداد طاهرش بهره می‌برد.

در فصل چهارم، بحث «حذف» در دیوان سید مرتضی بررسی شده است. شروط سه‌گانه حذف و عباراتی از بزرگان ادب در باب حذف نیکو، مقدمات مؤلف برای ورود به این فصل است. وی با ترسیم جدولی با ذکر دقیق، تعداد حذف‌های مختلفی را که در دیوان شریف مرتضی صورت پذیرفته بیان نموده است. حذف جزء کلمه، حذف در حروف، حذف در ترکیب اسنادی، حذف در ترکیب شرطی، حذف فضله‌ها و مکمل‌های جمله و

حذف شبه جمله، مواردی است که مؤلف در این فصل بیان نموده و برای هر یک مثالی زده است. همچنین در این فصل، به اغراض متعدّد سید در حذف پرداخته شده است. این حذف‌ها گاهی به جهت ایجاز کلام و جلوگیری از اطناب مملّ و گاهی تقیه بوده و گاهی نیز با ابداع سید، حذف‌هایی صورت گرفته که عادت عرب در مثل آن‌ها بر حذف نیست.

در فصل پنجم، مؤلف پس از بیان معنای «اعتراض» و اقسام و فواید آن، به مواردی می‌پردازد که در دیوان سید کلمه یا جمله‌ای معترضه واقع شده است. اعتراض بین فعل و مفعول، بین مبتدا و خبر، بین کلماتی که در اصل مبتدا و خبر بوده‌اند، بین فعل و فاعل، بین فعل و متعلّقش، بین معطوف و معطوفّ علیه، بین قول مقول، بین خبر ناسخ و اسم آن، بین متعلّق خبر محذوف و مبتدا، بین صفت و موصوف، بین فعل و مفعول مطلق، بین فعل شرط و جواب آن، بین صله و موصول و بین حال و صاحب آن، موارد چهارده‌گانه اعتراض در شعر شریف مرتضی است که مؤلف به آن‌ها پرداخته است.

در فصل ششم، به موضوع «قصر» پرداخته شده است. قصر در لغت به معنای «حبس» و در اصطلاح بلاغیون «اختصاص موصوف به یک وصف و نفی اوصاف دیگر» است. طبق استقرای مؤلف، در اشعار سید مرتضی ۶۶۸ مورد قصر وجود دارد که موارد متعدّدی از آن‌ها معانی ثانویه الهام گرفته شده از قرآن‌اند. مؤلف ضمن بیان اقسام قصر و شواهد آن در اشعار سید مرتضی، به بیان و بررسی اغراض وی در هر قسم پرداخته است.

فصل هفتم، «التفات» در اشعار سید مرتضی را بررسی کرده است. مؤلف در بیان معنی التفات، به اقوال متعدد و مبانی علمای ادب در تحدید و توضیح این صناعت ادبی، اشاره کرده و بیان داشته است: بنا بر تجمیع تعاریف، اگر آن را به معنای «عدول از یک معنی به معنای دیگر» بگیریم، در دیوان سید مرتضی ۵۶۱ مورد التفات وجود دارد. وی برای التفات در اشعار سید مرتضی، سه قسم ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. التفات در عدد؛ ۲. التفات در ضمیر؛ ۳. التفات در تذکیر و تأنیث.

نویسنده در خلال مباحث این فصل با ذکر شواهد التفات و اقسام آن در اشعار سید مرتضی، به بیان و بررسی اغراض ایشان در هر یک از موارد طرح شده می‌پردازد. به عنوان مثال، شعری را می‌آورد که در رثای شخصی سروده شده و در ابتدای آن شعر، همه ضمائر

مفردند؛ اما در آخر با تعبیر حزن و فراق، ضمائر تبدیل به جمع شده‌اند. مؤلف توضیح داده است: علت این التفات این است که سید انگار می‌خواسته بگوید خیلی‌ها از این فراغ در حزن و اندوه‌اند.

مؤلف در خاتمه به تفاوت این تحقیق با کتب دیگری که در تفسیر اشعار سید مرتضی و منهج ادبی ایشان نگاشته شده، اشاره می‌کند و اهم نتایج پژوهش خود را چنین عنوان می‌کند:

اول: سید مرتضی اسلوب ترکیبی اشعار خود و تمام صناعاتی را که در سرودن آن‌ها استخدام کرده، به هدف «دفاع از علوین و یاری آن‌ها» به کار گرفته است.

دوم: غزل در اشعار سید، غزل حقیقی نیست؛ چرا که اشاره‌ای به «زن» ندارد و مرجع و مخاطب غزل‌های ایشان، غربت اهل بیت (علیهم‌السلام) و غصب امامت از علوین است و یا استعاره‌های دیگری که منظور ایشان بوده است.

سوم: اشعار سید مرتضی، تأثیرپذیری لفظی و معنوی از قرآن کریم دارد و این، مطلب بعید و عجیبی نیست؛ چرا که وی نقیب علوین و فقیه امامیه بوده است. وی مطالب دیگری نیز در خاتمه عنوان می‌کند که در خلال مباحث به آن‌ها اشاره شد.

البحث اللغوي في كتب الأمالي

ماهر محمّد محمود عسقلان

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

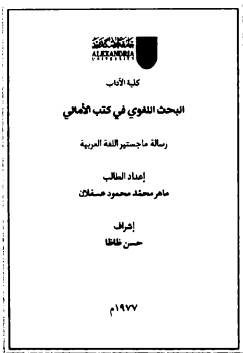
عرب

دانشکده ادبیات دانشگاه اسکندریه، مصر

استاد راهنما: حسن ظاظا

سال ۱۹۷۷م

این پژوهش در چند بخش، بحث لغوی در کتاب‌های امالی سید مرتضی و دیگران را بررسی کرده است. نویسنده ابتدا به کتاب النوادر فی اللغة ابو زید انصاری پرداخته است و در خلال آن منزلت علمی، مشایخ، شاگردان و مؤلفات ابو زید و نیز تحقیقات وی درباره بعضی الفاظ، ابدال، اشاره و



امثال عربی در النوادر را معرفی کرده است. بخش دیگر پایان‌نامه، درباره کتاب مجالس ثعلب است و در آن، ضمن بیان زندگی‌نامه وی به مباحث ادبی، قصص و حکایات این کتاب پرداخته شده است. در صفحاتی دیگر از این پژوهش، امالی زجاجی از نظر خوانندگان می‌گذرد. «النحو عند الزجاجی»، «الحکایات فی أمالی الزجاجی» و «الشعر فی أمالی الزجاجی» از موضوعات بررسی شده در این قسمت است. الأمالی فی لغة العرب، اثر ابی علی قالی از دیگر کتب امالی مورد بحث است. نویسنده در بخش دیگر به أمالی سید مرتضی رسیده و از اثرپذیری وی از معتزله سخن رانده و پس از آن به

پژوهش‌های نحوی وی در مورد بعضی از حروف اشاره کرده است. ظواهر لغوی و شعر مرتضی از دیگر مطالب این قسمت است. نویسنده ابتدا در مقدمه این بخش، به طرح بحث پرداخته است و اجمالی از شیوه سید مرتضی در تألیف امالی را بیان نموده است. سپس در فصل اول، مقایسه‌ای بین امالی سید مرتضی و آثار دیگری که تحت عنوان «امالی» نگاشته شده انجام داده است. در فصل دوم، به شرح شعر و شیوه سید در تشریح اشعار پرداخته است. همچنین در فصل سوم، به تفصیل به مبحث شعر و شعرا پرداخته و نظرات سید مرتضی را در رابطه با شعرا طرح نموده است. در فصل چهارم، موضع سید مرتضی نسبت به آرای آمدی بیان شده است و در فصل پنجم، به برخی قضایا و نظرات سید در مباحث نقدی پرداخته شده و شواهدی از امالی در این زمینه آورده شده است.

(۱۶۳)

البحث النحوى فى تفسير الشريف المرتضى؛ دراسة وصفية تحليلية

عبدالكاظم رضا كزار غشامى

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

اسلامی لبنان - واحد خلدة

استاد راهنما: طلال علامة

سال ۲۰۱۳م

این پایان نامه به مبحث نحوی در تفسیر نفایس

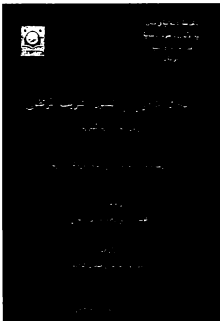
التأویل پرداخته است. فصل اول به اسماء

اختصاص دارد و در فصل دوم، از افعال سخن

به میان آمده است. نویسنده در فصل سوم،

درباره حروف جر و ادوات بحث کرده و در فصل

چهارم، موضوعات متفرقه را پیش کشیده است.



(۱۶۴)

بررسی آرای نقدی سید مرتضی علم الهدی

کبری بیگی

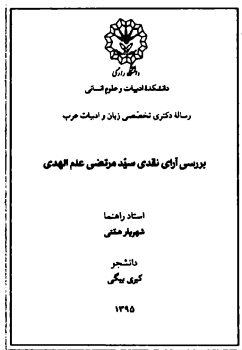
رساله دکتری تخصصی زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

رازی

استاد راهنما: شهریار همتی

سال ۱۳۹۵



سید مرتضی علاوه بر مطالعات علمی و فرهنگی، مسئولیت‌های اجتماعی بزرگی چون نقابت و امارت حج و نظارت بر دیوان مظالم را بر عهده داشت. وی شاعری توانا و زبان‌آور بود، و آثار فراوانی از خود در همه علوم بر جای گذاشت.

دیدگاه‌های وی در زمینه نقد ادبی نیز شایان توجه است؛ گرچه شخصیت ادبی و

نقدی ایشان تا حدود زیادی تحت تأثیر جنبه فقهاتی ایشان قرار گرفته و در محیط‌های علمی، خصوصاً در ایران، کمتر به این جنبه از شخصیت ایشان پرداخته شده است. سید مرتضی در خلال تفسیرهایی که در برخی کتاب‌های خود بر قضایای نقدی و ادبی نوشته، به بررسی نظرات ناقدان عصر خود نیز پرداخته است؛ به گونه‌ای که بر بعضی از آن‌ها حاشیه زده، و با بعضی دیگر پس از تحلیل، موازنه و مقایسه، به مخالفت برخاسته است. این ملاحظات و تفسیرها بر اطلاع وسیع سید نسبت به تألیفات ناقدان دیگر همچون ابوبکر

الصولی، جاحظ و ابوالقاسم آمدی دلالت دارد. همان‌طور که شواهد شعری بسیار و اشاره‌ها و تفسیرهای متعدّد ایشان نشان‌دهنده این نکته است که وی اطلاع گسترده و وافر نسبت به کتاب‌هایی که درباره شعر و نقد آن نگاشته شده بود دارد. همچنین نقدهای او بر بعضی متون شعری که در آمالی از آن‌ها به عنوان شاهد استفاده کرده، نشان‌دهنده افق دید وسیع و دقت فهم و احساس هنری عالی و ذوق نقدی والای اوست.

در این پژوهش، نگارنده آرای نقدی را که در ضمن سه کتاب مشهور وی آمالی، الشهاب فی الشیب و الشبّاب و طیف الخیال به طور پراکنده و در لابه‌لای مباحث دیگر مطرح است، جمع‌آوری نموده و مشخص کرده است که سید مرتضی در نقد ادبی چه گرایشی داشته است؟ دیدگاه وی در زمینه آرای نقدی که تا پیش از او توسط ناقدان طرح شده، چگونه بوده است؟ آیا در نقد ادبی، نوآوری و ابتکار داشته یا فقط راوی است و صرفاً آراء و نظریات ناقدان پیش از خود را روایت می‌کند؟

(۱۶۵)

بررسی حکمت در دیوان سید مرتضی - بخش اول (الف تا صاد)

محسن زمانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد

استاد راهنما: دکتر رضا افخمی عقدا

استاد مشاور: دکتر وصال میمندی

سال ۱۳۹۰

در زندگی و ادبیات بشری، عبارت‌هایی

خردمندانه و زیبا وجود دارد که برای بشر،

تجربه‌هایی ارزشمند به حساب می‌آیند؛

تجربه‌هایی که اساس و حقیقت زندگی متعالی

و حقیقت زندگی معنوی اویند. این عبارت‌ها و

مفاهیم را حکمت نام نهاده‌اند که زیباترین

شکل آن در کلام حق تعالی و پس از آن در

کلام معصومین علیهم‌السلام و اولیاء الله تجلّی یافته است.

حکمت، یکی از پرمعناترین و وسیع‌ترین مفاهیمی است که تا به حال تعاریف

گوناگونی از آن توسط بزرگان و صاحب‌نظران عرصه علم و ادب ارائه شده است. با دقت و

بررسی در این تعاریف معلوم می‌گردد که اختلاف اساسی بین این تعاریف وجود ندارد و هر

یک به نحوی واقعیت فلسفه یا حکمت را مشخص می‌کند.

این پژوهش، گامی برای شناساندن بخشی از این حکمت‌ها در آراء و اندیشه‌های عالم

و فقیه جلیل‌القدر سید مرتضی علم‌الهدی است که خود یکی از چهره‌های بزرگ جهان

اسلام و مکتب تشیع است.

دانشکده زبان و ادبیات
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات عربی

بررسی حکمت در دیوان سید مرتضی - بخش اول (الف تا صاد)

استاد راهنما:
دکتر رضا افخمی عقدا

استاد مشاور:
دکتر وصال میمندی

پژوهش و نگارش:

محسن زمانی

چهارم ماه ۹۰

از آن جا که شهرت علمی سید مرتضی بیشتر به آثار وی در زمینه فقه، اصول و کلام است و اغلب تحقیقات، این بعد از حیات علمی وی را بررسی کرده است، در مورد شخصیت ادبی ایشان جز اشاراتی مختصر در کتب قدیمی چون یتمه الدهر، الکامل، اعیان الشیعة، الذریعة و الغدير، کاری چشمگیر انجام نشده است. در مورد بررسی حکمت در اشعار این اندیشمند و مفسر شیعی نیز تا به حال کاری انجام نگرفته است. این امر و علاقه مندی فردی نویسنده به ادبیات شیعه، سبب انتخاب موضوع حاضر شده است.

این پژوهش از پنج فصل تشکیل شده است:

فصل اول شامل کلیات تحقیق، تعریف موضوع، سابقه تحقیق، سؤالات پژوهشی و روش تحقیق است.

در فصل دوم، به اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی قرن چهارم و پنجم پرداخته شده و در ضمن آن، اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی اوایل حکومت عباسیان نیز به اختصار بررسی شده است.

با توجه به این که شناخت بیشتر از سید مرتضی به آشنایی با شخصیت و زندگی او بستگی دارد.

در فصل سوم به زندگی و آثار وی پرداخته شده است.

در فصل چهارم، «حکمت» از دوره جاهلی تا قرن پنجم بررسی شده است. برای این منظور، ابتدا به بررسی خود حکمت و انواع آن پرداخته شده است و در این بخش بر آراء و تقسیم بندی علمای اسلام، همچون خواجه نصیر الدین طوسی، اُستاد شهید مطهری و آیه الله جوادی آملی در مورد حکمت، بسیار تکیه شده است. پس از آن، سیر حکمت در ادبیات عربی از دوره جاهلی تا قرن پنجم بررسی شده است تا کیفیت و چگونگی مبحث حکمت در دوره شاعر نیز مشخص گردد.

در فصل پنجم و ششم، مباحث اعتقادی شاعر، چون دنیا، مرگ، معاد، اهل بیت (علیهم السلام)، توحید و زهد - که در حیطه حکمت نظری قرار می گیرند - و همچنین فضایل انسانی و اخلاقی، چون: دوستی، جود و کرم، فخر، صبر و بردباری، عزت و بزرگواری، علم، ریاست و... - که زیر مجموعه حکمت عملی اند - مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده از این پژوهش به شرح زیر است:

۱. سیر حکمت در ادبیات عربی، یک سیر صعودی و رو به جلو بوده است؛ به گونه‌ای که در ابتدا بیانگر تفکرات درونی شاعر بوده که به شدت تحت تأثیر محیط خود و حاصل تجربه‌های شخصی و برگرفته از رویدادها و تعاملات محیطی پیرامون شاعر است. این گونه شعرها معمولاً دارای سادگی معانی، روانی الفاظ و متانت سبک‌اند، ولی با ظهور اسلام و عرضه دو منبع گران‌بهای قرآن و احادیث نبوی به ادبا و شعرا و دانشمندان اسلامی و تأثیر پذیری از آن‌ها، و همچنین آشنایی غربی‌ها با فرهنگ‌ها و تجارب ملل دیگر، حکمت در بین آنان به اوج شایستگی و باروری نایل آمد و روی به بررسی و بازگویی صفات ناب الهی و انسانی آورد و محدوده آن گسترش یافت و در دوره عباسی به عنوان یک فن مستقل شعری درآمد.

۲. سید مرتضی با بهره جستن از استعداد سرشار و نبوغ خود، و استفاده از محضر علما و استادان بزرگی چون شیخ مفید و ابن نباته، در علوم مختلف به‌ویژه علوم دینی، سرآمد دوران خود شد و این ویژگی در شعری وی نیز محسوس است.

۳. از لحاظ سیاسی، دوران شریف مرتضی یکی از آشفته‌ترین دوره‌های حکومت اسلامی بوده است؛ به گونه‌ای که در پی آن سلطه‌جویی و غارتگری در جامعه به وجود آمد. جامعه اسلامی در آن دوره، در وضع از هم گسیخته‌ای به سر می‌برد و اختلاف مذهبی، تبعیض نژادی و امتیازات طبقاتی بر آن حاکم بود... در این دوره، حکومت میان خلیفه و آل بویه تقسیم شد که ظاهری هماهنگ داشتند، ولی در باطن با هم مخالف بودند. موضع‌گیری سید مرتضی هم به همین شیوه بود. او در ظاهر، خود را موافق [حاکمیت] نشان می‌داد، ولی در باطن مخالف بود.

۴. اگر بخواهیم عصر طلایی اسلام، به‌ویژه از حیث علمی مشخص شود، همین صد ساله (نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم) است که علی‌رغم اوضاع آشفته سیاسی، این پیشرفت علمی تا حد زیادی مدیون شیوه‌های حکومت ملوک الطوائفی و رقابت آنان در زمینه علمی است. در این عصر، علوم با توجه به اختلاف موضوعاتش، به پختگی و رشد و ثمر رسید و کتاب‌های ارزشمند و کاملی در اکثر زمینه‌های آن، به‌ویژه در زبان و علوم مرتبط

با آن، در تاریخ، جغرافی، ادبیات و فلسفه به عرصه ظهور رسید، ولی باید دانست که در این دست آورد عظیم، دوره های قبل هم سهیم اند. علاوه بر این، مکاتب بزرگ اعتقادی، همچون معتزله در حال فعالیت بودند که سید فرصت آشنایی و تبادل نظر با تمامی آن ها را یافت و در بارور کردن حیات علمی وی بسیار مؤثر واقع گشت.

۵. به طور کلی در بررسی اصول اعتقادی در شعر شریف مرتضی، می توان این نتیجه را گرفت که وی به عنوان یکی از بزرگان بنام شیعه در زمینه فقه و اصول و کلام و در زمینه شعر و ادبیات هم به اسلام و قرآن خدمت نموده است که بی شک از اسلام و تعالیم اسلامی و مفاهیم قرآن بهره برده است و شعر وی رنگ و بوی قرآنی دارد، و چه در اصول اعتقادی و چه در فضایل انسانی از این منبع الهی تأثیر پذیرفته و آن ها را در جهت تربیت افکار به کار گرفته است.

۶. تأثیر پذیری سید مرتضی، هم در اسلوب قرآن است و هم در مفاهیم قرآنی؛ اما چنانچه دیده شد، تأثیر پذیری ایشان از آیات قرآن، بیشتر به صورت تأثیر پذیری در معانی و مفهوم بوده است و به ندرت از الفاظ و عبارات قرآن استفاده کرده است.

۷. از دیگر موارد مورد توجه در شعر ایشان، به تصویر کشیدن آراء و عقاید شیعه است. در این زمینه سید از مضمون آیات قرآنی و تفاسیر آیات و همچنین برخی عقاید کلی همانند شفاعت، به ویژه شفاعت شخص پیامبر که شیعه و سنی به آن اعتقاد دارند، استفاده نموده است.

۸. شریف مرتضی با استفاده از موقعیت سیاسی پیش آمده در دوران زندگی خود و آزادی نسبی شیعیان در دوران حکومت آل بویه، توانست بار دیگر عظمت شیعه، مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و غصب حق و حقوق آن ها را به تصویر بکشد و این مفاهیم در اشعار ولایی سید، کاملاً مشهود است.

۹. از ویژگی های بارز اسلوب سید، به کار گرفتن کلمات فصیح، ساده، و به خدمت گرفتن مفاهیم متأثر از قرآن، احادیث و مفاهیم والای اسلامی و دینی است که وی با استفاده از شیوه های مختلف علم بیان و معانی و با پرهیز از هر گونه تکرار در لفظ و معنا، آن را بیان کرده است.

(۱۶۶)

بررسی رثای حسینی و فخر به اهل بیت علیهم السلام و توصیف مظاهر دینی

در دیوان شریف مرتضی

پرستو احمدی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمانشاه

استاد راهنما: جمشید باقرزاده

استاد مشاور: حمیدرضا عبدالمحمّدی

سال ۱۳۸۷

سید مرتضی، شخصیتی است که از لحاظ علمی و فقهی در عصر خود بی نظیر بوده است. وی از آغاز جوانی تا پایان عمر هشتاد ساله اش به سرودن شعر اشتغال داشته و طبیعی است که دیوان شعرش از نظر حجم و تعداد قصاید و ابیات، به شعر کسانی برسد

که تنها و تنها شعر می گفتند. ایشان طبعی روان داشته و به بدهات شعر می سروده و گاهی در مناسبت های خاص و در مدت زمانی نزدیک به هم، چند قصیده می گفته است. شعر او به اقتضای موقعیت دینی و اجتماعی اش، سنگین و مؤدبانه است و از وی انتظار هم نیست که همچون شاعران دیگر در پی نازک خیالی های شاعرانه و ادبی، به هر جا که باشد توسن خیال را بدواند و از خشم خدا و مردم پروا نکند. از این رو شعرش از بدگویی نسبت به ادیان و عادات و از هجوهای ناپسند و آزادی و بی قیدی در غزل سرایی، و مدح های مبالغه آمیز به دور



واحد کرمانشاه

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

بررسی رثای حسینی و فخر به اهل بیت علیهم السلام
و توصیف مظاهر دینی در دیوان شریف مرتضی

استاد راهنما

جمشید باقرزاده

استاد مشاور

حمیدرضا عبدالمحمّدی

دفتر چاپ

پرستو احمدی

۱۳۸۷

است. سید به خاطر بزرگواری، از هجو ناپسند دست شست و به خاطر دین، از وصف جام و باده چشم پوشید. با این توصیف، طبیعی است که از غزل‌سرایی پرهیز کند؛ مگر در حدی که با موقعیت یک شخصیت سیاسی - مذهبی متناسب باشد.

در شعر سید مرتضی، شراب، خم، پیاله، دُردنوشان و ساقیان راه نیافته و غنا، و آهنگ‌ها و ابزار موسیقی از راه گوش و زبان، سید را به سرودن و انداخته است. دخترکان، غلامان، شاهدان بزم، کاخ‌ها، باغ‌ها، بوستان‌ها، خوارکی‌های لذیذ، و عطرها و خوشبو، دل و دیده او را نربوده و «بغداد شعر سید مرتضی» چنان از این همه رایحه و منظره‌ها تهی است که گویی سید در بیابانی خشک و کویری سوخته می‌زیسته است. این چنین است که در دیوان بزرگ او، هیچ نشانی از تمدن عباسیان دیده نمی‌شود. با این که همه این موضوعات در دسترس سید بوده، لیکن بی‌شک پرواپیشگی، بزرگواری، روح بلند و موقعیت اجتماعی او، انگیزه پرهیز از ورود به این گونه مسائل است. او هرگز به توصیف دنیا و زیبایی‌های آن نمی‌پردازد، آن را نمی‌ستاید و زشتی‌های آن را نمی‌آراید.

با این همه، دیوان سید مرتضی، خالی از شعر توصیفی نیست. توصیف او از حج و راه این سفر مقدّس در یک قصیده بلند، از نظر بافت ظریف و سبک جالب و مفاهیم نو، بی‌سابقه است؛ تا حدّی که نه در شعر خود او و نه در سروده‌های دیگران در این باره، نظیری برای آن یافت نمی‌شود. او به توصیف این سفر و حال مسافران حجّ که با کوله‌باری از گناهان به خانه خدا می‌رسند و مناسک را انجام می‌دهند و در پایان، بار گناهان را بر زمین نهاده و بار رحمت و آمرزش برمی‌گیرند می‌پردازد. وی همچنین به بیان اعمال مستحب و سنت‌های طواف و عمره و لمس حجر الأسود و سعی صفا و مروه و قربانی و استغفار می‌پردازد و این که آن‌ها از خداوند، نزول رحمت را خواستند و آسمان خدا، ابر رحمت و رضوان بر آن‌ها گسترده. آن‌گاه به توصیف سرزمین مکه، پیش از موسم حجّ پرداخته و حالت یک‌رنگی و صفای زائران را ترسیم می‌کند. او سختی‌های این راه را به سختی‌های راه بهشت تشبیه کرده و به تسلای خاطر حجاج می‌پردازد و می‌گوید که ایمان و عمل، همین ناملایمات راه و سفر است و برترین کارها دشوارترین آن‌هاست؛ سپس کوه‌هایی را که در بین راه و در آن شب تار، سوار بر آن شتران لاغر، زیر پا گذاشته و شهر به شهر و وادی به وادی، به شوق خانه خدا راه

پیموده‌اند، توصیف می‌کند و شعر را با درودی بر «نجد» و یارانش پایان می‌دهد. و بدین‌گونه، حج را با بیانی شاعرانه و زیبا ترسیم می‌کند؛ آن‌سان که تو چه مستطیع باشی یا نه، می‌توانی آن صحنه‌های دل‌انگیز را تصوّر کنی!

شعر سیاسی سید، به طور کلی در تأیید حکومت آل بویه و خلافت عباسی است که در سایه آن خاندان بر پا بود. وی در مناسبت‌های مختلفی همچون روی کار آمدن خلیفه‌ای یا نصب پادشاهی از آل بویه یا هجوم سپاهیان بر شورشیان و یا پیروزی فرماندهی در یک درگیری، این حمایت را عملی می‌ساخت.

نویسنده پس از جست‌وجو در دیوان سید مرتضی و با توجه به اهمیت موضوع، رشای حسینی و فخر اهل بیت و مظاهر دینی در دیوان اشعار شریف مرتضی را موضوع پایان‌نامه خود قرار داده است.

شعر سید سنگین و موقر است. از این رو شعر او به دور از بدگویی نسبت به ادیان و هجوهای ناپسند و آزادی و بی‌قیدی در غزل‌سرایی و مدح‌های مبالغه‌آمیز است. از موضوعات شعری ایشان رشای حسینی و فخر به اهل بیت علیهم‌السلام است. او در مرثیه‌هایش مانند گذشتگان، بر دیار آن‌ها می‌ایستد و می‌گرید و می‌گریاند و به مدح امام حسین علیه‌السلام و اصحاب باوفای ایشان می‌پردازد و از آن‌ها امید شفاعت دارد و برای قبور آن‌ها استسقاء می‌کند و به آن‌ها سلام و درود می‌فرستد و مانند امام زمانش از این که نتوانسته امام حسین را یاری کند، ناراحت است و در ماتم آن‌ها به جای اشک، خون گریه می‌کند و از فرط غصه می‌خواهد پرده قلبش را پاره کند و بنی امیه را لعن و نفرین می‌کند و عذاب الهی و خشم خداوند را برای آن‌ها حتمی می‌داند و انتقام را به مهدی موعود علیه‌السلام واگذر می‌کند.

سید در فخریاتش، به اهل بیت علیهم‌السلام افتخار می‌کند و بنی عباس را تحقیر و آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد که به فخر گذشته‌شان اکتفا نکنند و اگر می‌توانند مانند اجدادشان باشند و به بیراهه نروند.

همچنین در فخریاتش، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افتخار می‌کند که معجزه او قرآن است، و به امام علی علیه‌السلام افتخار می‌کند که در لیلۃ‌المبیت در بستر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خفت و خطر را به جان خرید تا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مصون بماند. نیز به فداکاری و بخشش امام علی علیه‌السلام و خانواده‌اش در ایام

البیض افتخار می‌کند؛ همان فداکاری و بخششی که خداوند در آیه ۸ از سوره مبارکه انسان به آن اشاره می‌کند. همچنین فخر او به شکستن قلعه خیبر به دستان مبارک حضرت علی علیه السلام و جنگاوری‌ها و شجاعت‌های ایشان در معارک دیگر است.

سید همچنین به برخی مظاهر دینی چون دعا، شکر، توسل و توکل و... می‌پردازد. او با خداوند نجوا می‌کند و به خاطر الطافی که از جانب خداوند متوجه او شده، شکرگذاری می‌کند و در همه امور، توکلش به خداوند است.

ایشان با توسل شدن به اهل بیت، حاجات خود را از خداوند می‌خواهد و طلب مغفرت می‌کند. او به مناسبت اعیادی چون عید قربان و عید فطر و عید غدیر نیز شعر سروده است.

وی از مرگ به عنوان راه حق و راه گریزناپذیر یاد می‌کند و توصیفش از حج و راه این سفر مقدس در یک قصیده بلند، بسیار جالب و دارای مفاهیمی نو و زیباست.

[شعر] این شاعر گران‌مایه در رثاء و فخر نسبت به سایر اشعارش قوی‌تر بوده و البته در رثاء، بسیار موفق‌تر است.

(۱۶۷)

بررسی غزلیات شریف مرتضی

ناجیه کاشانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد

تهران مرکزی

استاد راهنما: دکتر سیمین ولوی

استاد مشاور: دکتر ملیحه السادات فردانی

سال ۱۳۸۲

نویسنده درباره چگونگی انتخاب این موضوع

نوشته است: «من موضوع غزلیات [سید

مرتضی] را انتخاب کردم تا بفهمم [این] شاعر

از موضوع غزل چه بهره‌ای برده و تأثیر آن در

دوران خود او و پس از وی چگونه بوده است.

وقتی مشغول این موضوع جذاب و زیبا بودم،

غزلیات شریف مرتضی، تمام فکر و احساسم را درگیر خود کرده بود. پایان نامه من شامل

پیامدهای هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و زبانی غزلیات وی و ارزش

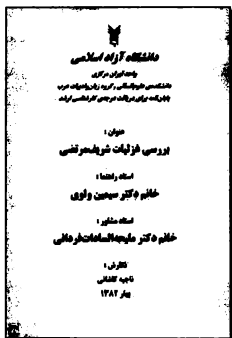
شعر اوست. همچنین نحوه آمیختگی بین شعر و سیاست را بررسی کرده است.»

همچنین نویسنده، این پژوهش را با عنایت به این موضوع که جامعه ادبی، از شخصیت

غنی سید مرتضی، شناخت درخور توجّهی ندارد و شخصیت وی تحت الشعاع و در سایه

برادر فرزانه اش شریف رضی قرار گرفته است، انتخاب کرده است.

این پایان نامه - که از مقدمه و دو فصل تدوین شده است- با استفاده از روش



کتاب‌خانه‌ای و نیز تهیه بعضی منابع مورد نیاز، سامان یافته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سید مرتضی، به‌جز شخصیت بارز مذهبی‌اش، یک شخصیت بسیار برجسته ادبی، سیاسی و فرهنگی نیز محسوب می‌گردد. در بررسی غزلیات سید مرتضی، این نکته به روشنی مشاهده می‌شود که ایشان، از عشقی ناب و عرفانی در غزل‌های خود استفاده نموده است و او بدون این رویکرد، هیچ‌گاه به این مهم نایل نمی‌شد.

(۱۶۸)

بررسی کنایه و انواع آن در «امالی» شریف مرتضی

فاطمه جمشیدی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان ادبیات عربی

دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد

استاد راهنما: دکتر وصال میمندی

استاد مشاور: دکتر محمدعلی سلمانی مروست

سال ۱۳۹۰

یکی از مهم ترین آثار سید مرتضی که به خوبی نشان از آگاهی گسترده او در شاخه های مختلف علم دارد، کتاب غرر الفرائد و درر القلائد است که به الامالی شهرت یافته است. نویسنده در این کتاب، علاوه بر توجه به شاخه های مختلف علوم دینی، همچون تفسیر، حدیث و...، اهتمام

ویژه ای نیز به فنون ادبی و از آن میان، علم بلاغت و به خصوص فن «کنایه» داشته است. این فن، به عنوان یکی از چهار فن اساسی علم بیان - که هر فردی علی رغم سن، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و سایر شرایط، از دیرباز آن را در مکالمات و مکاتبات خود به کار برده - از کژتابی و ظرافتی مثل روانی برخوردار است و در طول زمان، تغییرات عمده ای را به خود دیده است.

از بارزترین این تغییرات می توان به اطلاق نام های گوناگون بر این فن و گونه های آن اشاره کرد که اگرچه تسمیه کنایه و اقسام آن به نام های کنونی، همچون دیگر فنون ادبی، تا حدود زیادی متأثر از تعریف وضعی آن ها توسط زبان شناسان است، اما نباید از نظر دور

دانشگاه یزد

دانشکده زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت دریافت درجه ی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

بررسی کنایه و انواع آن در امالی شریف مرتضی

استاد راهنما: دکتر وصال میمندی

استاد مشاور: دکتر محمدعلی سلمانی مروست

پژوهش و نگارش:

فاطمه جمشیدی

پسند ماه ۱۳۹۰

داریم که گذر زمان نیز به نوبه خود، تغییراتی را بر عناوین گونه های کنایی عارض کرده است؛ به گونه ای که در اغلب کتاب های بلاغی، نمونه های مختلف این فنّ به یکدیگر آمیخته شده؛ بدین صورت که گاه یک عبارت کنایی که از دیدگاه ادیب یا بلاغت پژوه، مثالی برای «واردات» است، در نظر دیگری، نمونه ای برای «تعریض»، «تلویح»، «رمز» و یا سایر اقسام کنایه محسوب می شود.

ناگفته نماند که استفاده از فنّ کنایه برای اهداف و مقاصد گوناگون نیز از مهم ترین تحولاتی است که در طول زمان بر این فنّ بیانی عارض شد و خود بسیار متأثر از دیدگاه شخصی هر یک از ادیبان و بلاغت پژوهان است که با توجّه به برداشت آن ها از عبارات کنایی، این فنّ را برای اغراض خاصی به کار برده اند.

علاوه بر تحولاتی که بر نام این فنّ بیانی «کنایه» و اقسام آن عارض شد، تغییراتی نیز در کاربرد آن رخ داد؛ به این صورت که ابتدا کنایه به عنوان یک فنّ لغوی مطرح بود و با گذر زمان، کاربرد ادبی و اصطلاحی یافت.

در زمینه نقش گذر زمان در ارتقای سطح کاربرد کنایه از یک فنّ لغوی به اصطلاحی ادبی و بلاغی، باید گفت که در نخستین ادوار تاریخ ادبیات که زبان نیز روزگار طفولیت خود را سپری می کرد، فنّ کنایه - که امروزه به عنوان یکی از اسالیب بیانی شناخته شده، کاربردهای متنوعی یافته است - تنها برای ایراد مقصود، آن هم به گونه ای که بر همگان آشکار نباشد، رایج بود و بیشتر جنبه لغوی داشت. این امر خود بیانگر عدم توجّه ویژه به «کنایه» در آن روزگاران است.

در دوره های بعد، که مقارن با اواسط عصر عباسی و دوران حیات اندیشمندانی چون عبدالقادر جرجانی است، به دنبال رشد فکری، افزایش و پیچیدگی روابط فرهنگی با دیگر ملل، آغاز حرکت نقل و ترجمه و در ورای همه این عوامل، میل و گرایش به پیشرفت، فنّ کنایه دایره کاربرد گسترده تری یافت و رفته رفته به عنوان یک شیوه بیانی قاعده مند در حوزه علم بلاغت، دارای تعریف و تقسیم بندی های مختلف شد.

علاوه بر این موارد، نباید تلاش های ادیبان، زبان شناسان و نویسندگان نخستین ادوار ادبی را در این روند تکاملی نادیده گرفت؛ چرا که در اغلب نوآوری هایی که در این فنّ رخ

داد، دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ادیبان پیشین از جمله ابو عبیده، جاحظ و میرد - که در آثار خود، بیش‌تر به بررسی لغوی زبان می‌پرداختند - خود نقطه آغازی برای دیگر مراحل کاربرد کنایه بوده است و شاید غلبه کاربرد لغوی بر این فنّ در آثار افراد نام‌برده، ریشه در این پدیده دارد که این افراد در آغازین سال‌های عصر عباسی می‌زیستند که در آن زمان توجه به کاربرد و قابلیت‌های فنون بیانی چندان مطرح نبود؛ اما هر چه پیش‌تر می‌رویم، این فنّ صبغه ادبی و بلاغی بیشتری به خود می‌گیرد و در آثار ادیبانی چون ابن رشیق، ابن زکریا و...، به وجه ادبی خود نزدیک‌تر شده و سرانجام در اواسط دوره عباسی - که هنوز حمله مغولان، موج بی‌توجهی به زبان و ادبیات را گسترش نداده بود - «کنایه» به عنوان یک اسلوب کاملاً بلاغی، بیش از پیش، محور اهتمام عبدالقادر جرجانی و همتایان وی قرار گرفت.

اما با بررسی عبارات کنایی موجود در امالی شریف مرتضی از جنبه‌های مختلف این فنّ، از جمله اقسام و کاربردهای آن، می‌توان گفت هرچند که صاحب امالی در پاره‌ای موارد برای توجیه شاگردان خود در زمینه تأویل و تفسیر آیات، احادیث و آیات طرح‌شده در جلسات درسی، از متون ادبی نیز بهره می‌برد، اما نمی‌توان این امر را دلیلی بر معرفی وی به عنوان یک بلاغت‌پژوه دانست، بلکه تنها می‌توان آن را حمل بر بهره و ذوق ادبی وی کرد که در مقایسه با سایر شخصیت‌های دینی، نوعی وجه تمایز به شمار می‌رود.

کاملاً واضح است که به دلیل غلبه صبغه دینی بر شخصیت شریف مرتضی، آراء و نظرات او با دیدگاه‌های مفسران، هم‌سویی بیشتری دارد؛ اما می‌توان عباراتی را که در تحلیل آن‌ها به صراحت از الفاظی چون «کنایه عن»، «الکنایه عن»، «کَنَی عنه» و «یُکَنَی عنه» استفاده کرده است، دلیلی بر اثبات صبغه ادبی شخصیت وی دانست و این امر زمینه را برای آشکار ساختن دیدگاه‌های شریف مرتضی در زمینه فنّ کنایه، اقسام و کاربردهای آن فراهم کرد که مهم‌ترین این دست‌آوردها به قرار ذیل است:

با بررسی نظرات صاحب امالی و تحلیل‌های وی پیرامون عبارات کنایی موجود در این کتاب، چنین به نظر می‌رسد که وی از دیدگاه‌های بلاغی گوناگونی که در زمینه کاربرد «کنایه» مطرح شد، آگاهی داشته است؛ چرا که نمود سه مرحله یادشده در روند تکاملی کاربرد «کنایه» را به وضوح در تحلیل‌های وی می‌توان یافت؛ برای نمونه در عباراتی که

مرجع ضمیر و مشارّ الیه را به عنوان «مکتی عنه» معرفی کرده و نیز آن جا که کاربرد حروف جر به جای یکدیگر را در زمره کاربرد کنایی آن‌ها به شمار آورده است، تقریب دیدگاه وی با ابو عبیده به خوبی آشکار می‌شود.

همچنین تأمل در سایر عبارات کنایی بررسی شده در این کتاب و تحلیل عمیق سیّد در این موارد، حاکی از آن است که گویا وی به نقش واسطه‌ها در رسیدن به معنای کنایی نیز نظر داشته است؛ چرا که در پاره‌ای موارد، از جمله آیه شریف «فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي افْوَهِهِمْ» و یا «نَفْسٌ تَرْضَعُ الْغَنَمَ» و همچنین ترکیب «ضَعِيفُ الْعَصَا»، برای بیان مقصود اصلی (کنایی) عبارت، به تحلیل و تفسیرهایی پرداخته است که به خوبی می‌توان از خلال آن‌ها، علاوه بر اهتمام وی به کاربرد «کنایه» به عنوان یک فنّ ادبی و بلاغی مطلق، آگاهی او را از نقش واسطه‌ها در رسیدن به معنای مورد نظر یک عبارت کنایی درک کرد.

همچنین در مواردی که برای تبیین بیشتر مفهوم کنایی یک عبارت، ابیاتی را که مشتمل بر تشبیه تمثیلی هستند ذکر می‌کند، می‌توان توجّه وی را به «تمثیل» به عنوان یکی از اقسام کنایه که پس از تدوین علم بلاغت، در زمره گونه‌های این فنّ قرار گرفت، مشاهده کرد.

از دیگر دلایل صحّه نهادن بر بهره ادبی صاحب اُمالی در تشخیص و تحلیل کنایات، می‌توان اسناد وی به ترکیب «بَيْضُ الْوُجُوهِ» را مثال زد که وی در تفسیر این ترکیب، آن را کنایه از صفت آبرومندی و دوری از رذایل اخلاقی می‌داند. این نمونه به همراه نظر وی در مورد ترکیب «ضَعِيفُ الْعَصَا» که آن را کنایه از صفت خوش‌برخوردی با حیوان و ترحم بر آن می‌داند، بیانگر التفات وی به نخستین قسم کنایه بر اساس مطلوب و مقصود، یعنی «کنایه از صفت» است که در تفسیر این ترکیب، با خطیب قزوینی هم عقیده است.

و نیز شاید بتوان گفت که قصد سیّد از گزینش ابیاتی که در آن‌ها دو فنّ بیانی همچون «تشبیه» و «کنایه» به هم آمیخته شده است، این باشد که در عباراتی که در «وجه شبه»، «مشبّه» یا «مشبّه‌به» تا حدودی برای مخاطب آشکار است، شاعر یا نویسنده بر آن است که «وجه شبه» را به صورت کنایی در «مشبّه» تأکید کند و در مواردی که «مشبّه» یا «مشبّه‌به» برای مخاطب ناآشنا باشد و وی رابطه یکی از آن‌ها را با دیگری نداند، هدف گوینده یا نویسنده آن است که به صورت کنایه‌وار، آن رکن ناشناخته را متّصف به «وجه شبه» گرداند.

به طور کلی می‌توان دیدگاه‌های شریف مرتضی در زمینه فنّ «کنایه» را این گونه بیان کرد که وی در تفسیر و تأویل آیات، احادیث و اشعار مذکور در کتاب اُمالی، بیشتر به کاربرد این فنّ توجه داشته و تقریباً در تمامی موارد، به تقسیم‌بندی‌های مختلف این فنّ بر اساس معیارهایی که بلاغت‌پژوهان در تألیفات خود به آن‌ها توجه داشته‌اند، بی‌اهتمام بوده و تنها نمونه‌های طرح‌شده را از لحاظ مفهوم کنایی آن‌ها بررسی کرده و از این رو بیشتر عباراتی را که «کنایه مرّبه» محسوب می‌شوند، ذکر کرده است.

این پژوهش در هفت فصل تدوین شده است: فصل اول، در بیان کلیات و مبادی تحقیق است، و در فصل دوم، شرح حالی از «شریف مرتضی» صاحب کتاب اُمالی ارائه شده است. در فصل سوم، به بیان کلیاتی از علم بلاغت و شاخه‌های مختلف آن پرداخته شده تا زمینه را برای ورود به فصل چهارم که دربردارنده تعریف و تقسیم‌بندی‌های فنّ «کنایه» است و نیز فصل پنجم که شامل بررسی کاربردهای گوناگون این فنّ به عنوان محور این پژوهش است، فراهم کند. از آن جا که این پژوهش به دنبال بررسی «کنایه» در اُمالی شریف مرتضی بوده است، عبارات کنایی این کتاب نیز در دو فصل ششم و هفتم مورد بررسی قرار گرفته و در هر فصل بر پایه تقسیم‌بندی‌هایی که در فصول پیشین ذکر شده، به بیان و تحلیل کنایاتی که مطابق با مراحل کاربردی این فنّ است، پرداخته می‌شود.

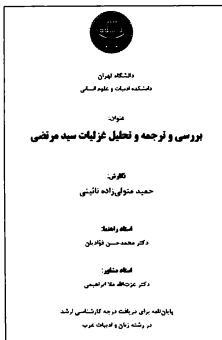
هدف از این پژوهش نیز بیان ناگفته‌هایی در باب کنایه، اقسام و کاربردهای گوناگون آن است تا سیر تکاملی این فنّ بیانی در طول تاریخ بلاغت عربی آشکار شود. در کنار آن، برجسته‌سازی صبغه ادبی شخصیت شریف مرتضی که همگان وی را به عنوان یک شخصیت دینی و مذهبی می‌شناسند، از دیگر اهداف این پژوهش است.

بررسی و ترجمه و تحلیل غزلیات سید مرتضی

حمید متولی‌زاده نائینی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
استاد راهنما: دکتر محمدحسین فؤادیان
استاد مشاور: دکتر عزت‌الله ملّاابراهیمی

سال ۱۳۹۱



شعر سید مرتضی آینه تمام‌نمای روزگار اوست. وی شاعری توانا و زبان‌آور بود، ولی در شعر به شهرت و آوازه برادرش سید رضی نرسید. غزل در دیوان سید مرتضی به دو شکل وجود دارد: یکی در مطلع قصاید و دیگری به طور مستقل، و مجموع این دو، حدود ۱۱۰ قصیده کوتاه و بلند و ۷۸۳ بیت از دیوان او را تشکیل می‌دهد. اینک با

توجه به جایگاه سید در جرگه ادبیای قرن چهارم و اهمیت غزلیات در بین موضوعات ادبی، این پژوهش بر آن شده است که غزلیات سید مرتضی را مورد بررسی قرار داده و به جامعه ادبی کشور معرفی نماید.

سید مرتضی در زمینه ادبیات، آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشته که شاید کمتر کسی به این آثار واقف باشد. در زیر به آثار ادبی وی اشاره می‌گردد:

۱. شرح قصیده سید حمیری: سید مرتضی این قصیده را برای فرزندش شرح کرده است. وی در این کتاب، ضمن بررسی سیره و فضایل امام علی (علیه السلام) به شرح لغوی و ادبی

واژه‌های قصیده پرداخته است و به تناسب، حکایت‌های ادبی و تاریخی نیز آورده است.

۲. غرر الفوائد و درر القلائد: تقریباً همه فهرست‌های کهن، این کتاب را به همین نام ذکر کرده‌اند؛ اما منابع جدید، نام اُمالی المرتضی را بر آن نهاده‌اند. این کتاب کلید شناخت شخصیت تفسیری و ادبی سید مرتضی و مرجعی ارزشمند برای تحقیق درباره متون شعری به حساب می‌آید و شامل مطالبی است که سید آن‌ها را املاء کرده است. این اثر، مشتمل بر فنون ارزنده ادب، نحو و لغت و امثال آن‌هاست و دلالت بر فضل و وسعت اطلاع وی دارد.

۳. الشَّهاب فی الشَّیْب و الشَّباب: سید این کتاب را بنا به گفته خود در ضمن کتاب، در سال ۴۱۹ هجری تألیف کرده است. او در این کتاب، بهترین اشعار سروده شده درباره پیری و جوانی را، همراه با مقایسه میان مفاهیم و نقد آن‌ها، جمع‌آوری کرده است که از آن می‌توان در تبیین شیوه‌های نقد در دوران سید مرتضی و روش وی در نقد استفاده کرد.

۴. طیف الخیال: این کتاب نیز رویکردی همانند کتاب الشَّهاب دارد. سید در این کتاب، اشعاری از خودش، ابو تمام، بهتری و برادرش سید رضی در زمینه خیال و تخیل، جمع‌آوری کرده و آن‌ها را مقایسه کرده است.

۵. دیوان الشریف المرتضی: دیوان سید در نزد شعرشناسان مشهور است، و برخی مورخان اشعار آن را تا بیست هزار بیت می‌دانند. رشید الصفار در سال ۱۹۵۸ با تکیه بر نسخه‌های خطی و مؤلفات سید مرتضی و کتاب‌های ادبی، به تحقیق و شرح دیوان سید مرتضی پرداخته است؛ اما جدیدترین چاپ این دیوان، توسط محمّد التونجی صورت گرفته است.

سید مرتضی با آن که مرجعیت تامّه شیعه را داشت، دارای غزلیات سرشار از ذوق و لطافت نیز بوده است.

از آن جا که مهم‌ترین ویژگی غزل شریف مرتضی برخورداری از عفت است، لذا پیش از پرداختن به مباحث اصلی پایان‌نامه، درباره غزل عذری و عشق عذری و ویژگی‌های آن، تعریف مختصری می‌آوریم.

غزل عذری، غزل شاعرانی است که در شعر خود، عشق پاک و عقیقانه افلاطونی را تجلّی کرده‌اند و به دلیل انتساب شاعرانش به قبیله عذره، به غزل عذری شهرت یافته است.

عشق عُذری، عشقی است که عاشق و معشوق علاوه بر دلباختگی عمیق نسبت به یکدیگر باید پایبند اصولی نیز باشند؛ از جمله عَفَت پیشه کردن در راه عشق، کتمان سرّ عشق و سرانجام فداشدن به خاطر عشق.

این عشق جسمی در پاکی و زهدآمیز بودن، به عشق عرفانی نزدیک است و خصیصه ممتاز آن، نامرادی و حرمان است؛ زیرا اقتضای این عشق، ناکام از جهان رفتن و از درد عشق، بی وصال مردن است. عاشق و معشوق عذری بی اختیار و [به صورت] تقدیری عاشق می‌شوند و رهایی از این حلقه بر آن دو ممکن نیست. نکته بسیار مهم دیگر در عشق عذری، رازداری و سرپوشی است. عاشق و معشوق باید راز عشقشان را از همه پنهان نگه دارند و اگر در این حالت بمیرند، به سبب کتمان راز عشق، طبق این حدیث شریف به درجه شهادت می‌رسند: «مَنْ عَشِقَ وَ عَفَّ وَ کَتَمَ فَمَاتَ، مَاتَ شَهِیداً».

برخی از ویژگی‌های غزل عذری عبارت‌اند از: عَفَت پیشه کردن، صداقت، تصویر حالت امید و ناامیدی، دوام و پایداری در عشق، هیجان عاطفه و احساسات عاشق و محرومیت او از وصال، زیارت معشوقه، بودن وعده قبلی و قناعت و رضایت عاشق به نگاهی گذرا و توجهی کوتاه از جانب او.

سید مرتضی در بیشتر اهداف و مفاهیمی که شعر عرب به آن پرداخته، شعر گفته و به عنوان فردی آگاه و شعرشناس، از آن‌ها نکته گرفته است.

گویا وی اظهار عواطف رقیق آمیخته با ستایش مهرویان را منافی مقام و منزلت اجتماعی خود نمی‌داند. به تعبیر ساده‌تر، او به هنگام سرودن این غزل‌ها، فقط شاعر است و بس؛ آن هم شاعری سراپا لطف که وقتی در گوشه‌ای از دلش محبت جای می‌گیرد و زیبایی به جان و قلبش راه پیدا می‌کند، زبانش راه خود را به سوی توصیف آن عشق و محبت گم می‌کند؛ در حالی که دلش از دست آن احساس‌های مربوط به کارهای سیاسی و آن خطرات مربوط به رهاوردهای علمی و فکری ناراحت است و این دو زمینه (سیاست و علم) برای گشایش زبان در فضای عشق و محبت مجالی باقی نمی‌گذارند که وی احساسات عاشقانه را چنان با تکلف و ساختگی بسراید که گویی حالات خودش و سخن دلش باشد. از طرف دیگر وی همواره عَفَت کلام، پرواپیشگی و رعایت حدّ و مرز دین و

وقار را کرده است و کسی که بر حالات درونی خود پرده می‌پوشاند، طبیعی است که دلدادگی را پنهان کند و ذوقش میان عاشقی و عاشق‌نمایی گم شود و احساساتش در میان این و آن در نوسان باشد. عفت و پاکدامنی، بیان امید و ناامیدی، بخل معشوقه در وصال و عدم توانایی در نسیان محبوب، مضامینی‌اند که جایگاه بارزی در دیوان سید مرتضی به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که میزان پردازش سید به این مضامین بیش از دیگر مضامین بوده و در مقابل، دوام و پایداری در عشق در جایگاه آخر قرار دارد. نگارنده بر حسب اهمیت هر یک از مضامین، به شرح و توضیح آن پرداخته است.

شریف مرتضی عفت را از یاد نمی‌برد و مانند دیگر شاعران عذری از اصول آن تجاوز نمی‌کند و حتی آن هنگام که خود را با معشوق تنها می‌بیند، خدا را ناظر بر اعمال خود می‌داند و تقوا پیشه می‌کند و دامن خود را به گناه آلوده نمی‌سازد.

وی در غزلیات خویش امیدی به وصال محبوب ندارد و این ناامیدی به وضوح در اشعارش به چشم می‌خورد، ولی خود را به طور مطلق تسلیم آن نمی‌کند و به طرق مختلف، امید خویش را برای دیدار محبوب بیان می‌کند. گاه او را ندا می‌دهد و خلف وعده‌های وی را عیب نمی‌شمارد؛ زیرا به نظر وی خلف وعده‌های محبوب به مانند پلی است که او را به آرزوهایش می‌رساند.

معروف است که محبوب در طریق وصال، بخیل است و عاشق را همیشه منتظر می‌گذارد؛ اما این بخل در عشق عذری بسیار بیشتر و شدیدتر است؛ چرا که محبوب عفیف است و سنت‌های قبیله اجازه نمی‌دهد که عاشق به دیدار محبوب آید. عاشق این سنت‌ها را می‌داند؛ اما علی‌رغم آن، از محبوب می‌خواهد که بخل نورزد و عاشق را نوید وصال دهد؛ زیرا در غیر این صورت آن قدر صبر می‌کند تا سرانجام به وصال نائل آید. محبوب وعده وصال می‌دهد؛ اما وفا نمی‌کند و معذرت هم نمی‌خواهد؛ زیرا دیگر به عدم وفای به عهد عادت کرده است.

شکی نیست که عاشق باید سختی‌های زیادی را متحمل شود تا به وصال محبوب برسد. حال ببینیم شریف مرتضی چه سختی‌هایی را دیده است. اول این که همچون دیگر عاشقان حقیقی، اشک تنها سلاح اوست. او تمام عمر خویش اشک‌ریزان است. آن گاه که

محبوب، عاشق خود را رها کند و عاشق زمان و مکانی را می بیند که آخرین دیدار با وی را به یاد و خاطره اش باز می گرداند، به ایباتی بر می خوریم که در آن حسرت و اندوه شاعر آشکارا بیان می شود.

عشق شریف مرتضی بسیار صادقانه و برآمده از قلبی سلیم است و این صداقت، در سراسر غزل وی نمایان است. او می گوید: اگر کوچکترین امیدی به وصال محبوب در خود می دید، حاضر بود تمام جوانی خود را تقدیم کند تا بهای آن باشد.

محبوب در غزلیات شریف مرتضی، در عین حال که به عواطف و احساسات عاشق توجهی نمی کند و همچنان به هجران ادامه می دهد، ناگهان در خفاء بر او ظاهر می شود و خود را از چشمان رقیبان و نگهبانان پنهان می کند. سید به صراحت اعلام می کند که توان صبر در راه عشق را ندارد؛ زیرا عاشقان حقیقی قادر به آن نیستند و از دیگران هم می خواهد انتظار صبر و بردباری از وی در هجران دوست نداشته باشند.

شریف مرتضی هیچ فرصتی را برای بیان احساسات عمیق خود از دست نمی دهد. غزلیات وی آکنده از این احساسات ناب است. او به دلیل ترس از سخن چنان، معشوق خود را رها می کند و لکن اذعان می دارد که ترک او مانند ترک زندگی است و بعد از او طمعی در این زندگی و ماندن در آن نیست.

شریف مرتضی در غزلیات خود، اشتیاقش به محبوب را صادقانه و با کلماتی ساده و روان بیان می کند. او یک عاشق عذری است و عشق او پاک است و عفیف، و عجیب نیست که بیان وی نیز در ابراز شوق به محبوب، ساده و عفیفانه باشد. او عشق خود را عشقی مسلّم می داند و هیچ چیز جز یاد محبوب او را به طرب و انمی دارد.

شریف مرتضی در غزلیات، خود را قادر به وصف جمال محبوب نمی داند و به این ناتوانی اعتراف می کند. در نظر وی، محبوب آن قدر زیبایی دارد که او نمی داند کدام یک را وصف کند.

از بررسی مضامین غزلیات دیوان سید مرتضی معلوم شد که وی دلباخته ای عفیف است که در شعر خود پای بند به اصول عشق عذری از جمله عفت پیشه کردن در راه عشق، صداقت، صبر و بردباری و... بوده و به هیچ وجه از مرز حیا و عفت خارج نشده است.

از بررسی مضامین غزلیات عذری سید، مشخص گردید که میزان پردازش شاعر به عفت و پاکدامنی و بیان امید و ناامیدی و بخل معشوقه در وصال و تحمل سختی‌های عشق بیش از دیگر مضامین در اشعار و غزلیات وی بوده است و در مقابل، دوام و پایداری در عشق، عدم توانایی در وصف محبوب و بیان احساسات عمیق شاعر و عدم صبر و بردباری در عشق از جایگاه پایین‌تری نسبت به دیگر مضامین برخوردار بوده است.

این پایان‌نامه در پنج فصل سامان یافته است. نویسنده پس از بیان مقدمه تحقیق، فصل اول را به بررسی زندگی و آثار علمی و ادبی اختصاص داده است. فصل دوم درباره مفهوم‌شناسی غزل است، و در فصل سوم، به غزل سید مرتضی پرداخته است. در فصل چهارم، مضامین غزلیات را بررسی کرده و در فصل آخر، به ترجمه و شرح آن‌ها پرداخته است.

(۱۷۰)

البلاغة القرآنية في «أمالی المرتضى»

لیث قابل عبید الوائلی

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه

استاد راهنما: دکتر مشکور کاظم العوادی

سال ۱۹۹۹م

مقصود از علوم بلاغی، مجموعه قواعدی است که به کمک بخشی از آن‌ها، حالات هماهنگی سخن عربی با مقتضای حال شناخته می‌شود (علم معانی)، و به یاری بخشی دیگر، ارائه معنایی واحد به شیوه‌های مختلف بیانی با درجه وضوح متفاوت، آموخته می‌شود (علم بیان)، و سرانجام با توجه به بخش سوم این دانش‌ها (علم بدیع)، شیوه‌ها و امتیازاتی از سخن،

روشن می‌گردد که موجب زیبایی و خرمی آن می‌گردد و به آن، جامه ارزش مندی، رونق و لطافت پوشاند.

در میان مباحث علوم قرآن، موضوع اعجاز، ارتباط تنگاتنگی با علوم بلاغی دارد؛ زیرا در بین وجوه مختلف اعجاز قرآن، اعجاز بیانی یا فصاحت و بلاغت، مهم‌ترین وجه اعجاز این کتاب الهی محسوب می‌شود و مباحث علوم بلاغی، در جهت تبیین و تحلیل شگفتی‌های بیانی قرآن، نقشی انکارناپذیر دارد.



از سوی دیگر، صرف نظر از سخنان هر یک از دانشمندان قرآن‌پژوه در وجوه اعجاز، تردیدی نیست که هرگز وجه اعجاز بلاغی قرآن مورد نزاع و جدل قرار نگرفته است و یگانه موضوع مورد نزاع در میان فرقه‌های مختلف اسلامی در این خصوص، آن است که آیا بلاغت قرآن، تنها وجه اعجاز آن است یا در کنار این وجه، وجوه اعجاز دیگری نیز وجود دارد؟ به تصریح خطابی، اعجاز بیانی، وجه اعجازی است که بیشتر دانشمندان اهل تحقیق آن را اختیار کرده‌اند؛ چنان که برحسب سیر تاریخی طرح اعجاز قرآن نیز، می‌توان نخستین وجه اعجازی مطرح میان مسلمانان را همین اعجاز بیانی دانست؛ چرا که عرب، با ذوق سالم فطری خویش و درک عرفی از فصاحت و بلاغت، به شگفتی اعجاز بلاغی قرآن پی می‌برد و همین، یکی از عوامل عمده گرایش افراد لجوج و سرکش معاند برای شنیدن آیات وحی و لذت از آن بوده است.

با گذشت زمان و انتشار اسلام در اقصی نقاط عالم و توسعه این دین در میان غیر عرب‌ها، درک فطری اعجاز، رنگ باخت و در نتیجه، موضوع اعجاز از مرحله ذوق فطری به مرحله دریافت علمی تغییر جهت داد و درک آن برای چنان افرادی، نیازمند آگاهی از لغت و ادبیات عرب و نیز احاطه به اسلوب‌های بیانی عربی گردید. با این همه باز هم مهم‌ترین وجه اعجازی قرآن، همان اعجاز بیانی باقی ماند. شاید به جهت همین ارتباط وثیق میان اعجاز بیانی و علوم بلاغی بوده که پیشینیان، دو علم معانی و بیان را «علم دلائل الاعجاز» می‌نامیدند.

سید مرتضی هر چند به بلاغت قرآن معترف است، اما وجه اعجاز آن را «صرفه» می‌داند، نه اعجاز بیانی. با این حال، بحث از بلاغت قرآن، چه آن را اعجاز بدانیم و چه وجه اعجاز را در مطلب دیگری نهفته بدانیم، به خودی خود قابل تأمل است. این پایان‌نامه به بلاغت قرآن در آمالی شریف مرتضی پرداخته و وجوه بلاغی آن را از این کتاب استخراج کرده و به بند الفاظ و سطور کشیده است.

ترجمه کتاب «الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى»

مریم ارجمندخواه

پایان نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان

عربی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

تهران

استاد راهنما: دکتر جواد اصغری

استاد مشاور: دکتر عدنان طهماسبی

سال ۱۳۹۲

قرآن کریم معجزه رسول اکرم ﷺ از دیرباز

مورد توجه پژوهشگران حوزه های مختلف

علمی بوده است و هر پژوهشگری آن را در

حد توانایی علمی خود از لحاظ نحوی،

بلاغی، لغوی و تفسیری مورد بررسی قرار

داده است و در هر دوره ای با شکوفایی علم و تغییر نگرش ها، محققین به دستاوردهای جدیدی در این باره رسیده اند و چون قرآن از طرف خداوند است، در هر لحظه و زمانه ای می توان معجزه ای جدید از آن کشف کرد که در عصرهای قبل، به آن دست نیافته اند.

این پایان نامه، ترجمه رساله دکتری آقای حامد کاظم عباس از دانشگاه مستنصریه، تحت عنوان «الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى» است. ایشان در این پژوهش، تمام اهتمام خود را صرف مطالعه مسائل بحث دلالت، به خصوص دلالت قرآنی از دیدگاه سید مرتضی کرده است و با توجه به کمبود منابع مربوط به آثار سید و دیدگاه های او و فقدان



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی

عنوان

ترجمه کتاب الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى

استاد راهنما:

دکتر جواد اصغری

استاد مشاور:

دکتر عدنان طهماسبی

چاپ اول:

مهر ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰

کتب او، تلاش بسیاری برای کتابت این رساله مبذول داشته است.

در حقیقت این پایان‌نامه پژوهشی درباره اندیشه‌های اصولی و تفسیری سید مرتضی علم الهدی و نوآوری‌ها و آرای ویژه او در این رابطه است؛ زیرا سید مرتضی بنیان‌گذار علم اصول فقه شیعه بوده و از شاگردان شیخ مفید و شیخ صدوق به شمار می‌آید. نویسنده نیز به دلیل عدم توجه سایر محققان به آثار و مباحث دلالی سید مرتضی، این موضوع را به عنوان رساله دکتری خود برگزیده است تا تلاشی باشد در جهت نشان دادن اندیشه‌ها و آثار سید مرتضی.

نویسنده، پایان‌نامه خود را به پنج فصل و یک خاتمه تقسیم کرده است. وی ابتدا به بررسی زندگی‌نامه سید مرتضی، آثار، استادان و شاگردان او می‌پردازد و درصدد است تا توصیف جامعی از حیات این عالم والا مقام ارائه دهد.

مترجم در ترجمه این اثر، مشکلاتی داشته است که موارد زیر از آن جمله است:

- جملاتی که از کتب سید مرتضی استخراج شده بود، زبان متن آن مربوط به دوره قرن چهارم و متفاوت با عصر حاضر بود. لذا ترجمه آن به زبان روان و ساده کمی دشوار بود.

- اصطلاح‌یابی فارسی در مورد کلماتی که مربوط به علم اصول بودند، نیازمند تلاش در این علم و یافتن اصطلاحات فارسی متناسب با کلمات عربی بود؛ مانند کلمه رمز، که با توجه به سیاق متن در برخی موارد، «دال» و در بعضی مکان‌ها، «نماد» ترجمه شده است و یا کلمه «مرمز» که ترجمه «مدلول» برگزیده شده و یا کلمه «اشاره» که به معانی «نشانه»، «علامت»، «دالت» و «دال» آمده است. «الدلالة الایحاییه» به همان صورت، دالت ایحایی و «الدلالة المجردة» به معنای دالت انتزاعی ترجمه شده است.

شاید بتوان از موارد جالب در این ترجمه، به تنوع معانی کلمه «اللغة» و مشتقات آن اشاره نمود که با توجه به سیاق و اقتضای ترجمه به صورت لغت، زبان، گویش و لهجه، لغوی و... آمده است که مترجم درصدد بوده این کلمه را در مورد زمان گذشته، به صورت «لغوی» یا «لغت»، و در مورد زمان معاصر، به «زبان» یا «زبانی» ترجمه نماید؛ به عنوان مثال: «علم اللغوی» به علوم زبانی، «علم اللغة الحديث» به زبان‌شناسی معاصر، «أصحاب اللغة» به علاقه‌مندان به زبان، و «علماء اللغة» هم با توجه به سیاق زمان گذشته

به صورت «لغویون»، و در زمان حال به صورت «زبان‌شناسان» ترجمه شده است. مترجم این اثر درصدد بوده تا ساده‌نویسی را در کار خود برگزیند؛ زیرا ساده‌نویسی روشی وحیانی است که خداوند در سوره قمر آیه ۷۱ می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ؛ قرآن را به شیوه‌ای ساده بیان کردیم...﴾؛ اما چون این اثر علمی است، در برخی جملات و موارد، وفاداری به متن در اولویت قرار گرفته و همین امر گاهی سبب پیچیدگی جملات شده است.

(۱۷۲)

ترجمه و تحلیل ادبی و محتوایی مراثی حسینی در دیوان شریف مرتضی

محمّد اسمعیل زاده

رساله دکتری زبان و ادبیات عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

تهران

استاد راهنما: دکتر محمود شکیب

استاد مشاور: دکتر سید ابراهیم دیباجی

سال ۱۳۸۷



نویسنده پس از ذکر زیست‌نامه سید مرتضی، به شعر او می‌پردازد و بر این باور است که شعر سید مرتضی، آینه تمام‌نمای روزگارش است؛ زیرا به اندازه کافی ثروتمند بود و نیازی به تملّق‌گویی و

سرودن اشعار متکسّبه نداشت. وی شاعری توانا و زبان‌آور بود؛ ولی در شعر به شهرت و آوازه برادرش سید رضی نرسید و شاید تلاش حاسدان و دشمنانش یکی از علل آن باشد.

بررسی مضامین مراثی حسینی سید مرتضی اهمیت خاصی دارد؛ چرا که با پرداختن به آن معلوم خواهد شد که وی کدامین واقعیات تاریخی را یادآور شده و چگونه بر امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفایش گریسته و چه عبرت‌هایی را فراوری خوانندگان اشعار خویش قرار داده است.

سید مرتضی انسانی وفادار و با احساس و دوراندیش بود و «رثاء» یکی از صادق‌ترین و بهترین انواع شعر در دیوان وی است. او در سوگ خویشاوندان و دوستان و خلفا و وزیران و دولت‌مردان و وابستگان آنان، حدود ۷۸ قصیده در ۲۸۸۲ بیت سروده است. سید مرتضی

به عنوان فقیه و متکلم و شاعر شیعه چنان که گفتیم با چهارده قصیده کوتاه و بلند مستقل، جمعاً در ۶۹۶ بیت برای جدش حضرت امام حسین (علیه السلام) مرثیه سروده است. او در این مرثیة حسینی که به طور معمول، آن‌ها را در روز عاشورا می‌سروده، از مبانای فکری شیعه و از آرمان‌های آن دفاع کرده و تشیع مخلصانه خود را به نمایش گذاشته است. ویژگی‌های بارز مرثیة حسینی سید مرتضی عبارت‌اند از:

- تنوع بحور عروضی؛ به طوری که چهار قصیده در بحر طویل، سه قصیده در بحر سریع، دو قصیده در بحر رمل، یک قصیده در بحر بسیط، یک قصیده در بحر وافر، یک قصیده در بحر خفیف و دو قصیده در بحر کامل دارد. سید مرتضی از اوزان شعری هماهنگ با موضوعات قصاید استفاده کرده است.

- استفاده از واژگان، تعبیرات، تشبیهات، استعارات و کنایات ساده و مانوس قرآنی.
- استفاده از آیات قرآن و احادیث مأثوره جهت اثبات حقانیت اهل البیت (علیهم السلام) به‌ویژه امام حسین (علیه السلام). شایان ذکر است که استفاده از قرآن و حدیث در اشعار سید، اغلب به شکل اقتباس، تلمیح و تضمین مفاهیم بوده است. برای مثال در بیت:

تَقُولُونَ لِي صَبْرًا جَمِيلًا وَ لَيْسَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا حَسْرَةٌ وَ تَلَهْفُ
شاعر مضمون آیه پنجم سورة مبارکه معارج «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» را اقتباس کرده است.
در بیت:

فَإِنْ تَرَاهُمْ فِي الْقَاعِ نَشْرًا فَشَمَلْهُمْ بِجَنَابِ عَدَنِ جَامِعِ مَتَأَلَّفِ
تلمیح به سخن معروف امام حسین (علیه السلام) (هیهات مِنَّا الذَّلَّةُ) صورت گرفته است. در بیت:

أَحْوَاضُهُمْ مَوْرُودَةٌ فَعَدَوْهُمْ يَحْلَأُ وَأَصْحَابُ الْوَلَايَةِ تَرْشَفُ
تلمیح به حدیث شریف نبوی «یا علی!... أنت و شیعتک تردونَ عَلَی الْحَوْضِ رَوَّاءَ مَرْوِیِّنَ مَبِیضَةَ وَجْهِهِمْ وَ إِنَّ أَعْدَاءَکَ یَرْدُونَ عَلَی الْحَوْضِ ظَمَاءٌ مُقْمَحِینَ» وجود دارد.
- کثرت استفاده از نام اشخاص، حیوانات، گیاهان، ابزار جنگی و مکان‌ها. برای نمونه

در مراثی از اعلام اشخاص به شمر، ابن سعد، زیاد، حرب، اُمّیه، داود، احمد، و از مکان‌ها به پدر، حنین، عرفات، عکاظ، زمزم، منی، کربلا، طیبه، فرات، انعم، اُم‌القری، خیبر و جمرات، و از حیوانات به ذنب، قشعم، لیث، حصان، ناقه، اجدل، عقاب، نسر، صقر، کمیت، ضیع، صلال و طاط، و از گیاهان و درختان به دوحه، نوار، علقم و ریحان، و از ابزار جنگی به قنا، رماح، سنان، سیف و درع اشاره کرده است.

- رعایت ادب کلامی و عدم استفاده از واژه‌های مستهجن یا رکیک و زننده برای هجو دشمنان.

بنا بر آنچه گفته شد، بررسی مضامین مراثی حسینی سید مرتضی به عنوان یکی از فقها و متکلمان برجسته شیعه امامیه، اهمیت خاصی دارد؛ چرا که با پرداختن به آن، معلوم خواهد شد که وی کدامین واقعیات تاریخی را یادآور شده و چگونه بر امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش گریسته و چه عبرت‌هایی را فرا روی خوانندگان اشعار خویش قرار داده است.

مضامین مراثی حسینی سید مرتضی و سیر و ترتیب آن‌ها چنین است:

۱. درنگ غم‌بار در منازل ویران آل‌ال بیت علیهم السلام: سید مرتضی به سنت شعر عربی وفادار بود. لذا به پیروی از شاعران بزرگ عرب در خرابه‌های منازل یاران که دست‌روزرگار، آن‌ها را به این روز انداخته و نیز در سرزمین طف با حسرت و گریه ناقه را نگه می‌دارد و از خرابه‌های خشک بر جای مانده، درباره ساکنان اهل نماز و روزه‌اش که در کنار رود فرات تشنه ذبح شدند، سؤال می‌کند و می‌گوید:

قِفْ بِالْأُفْرَاتِ الْمُقْفِرَاتِ	لَعِبْتَ بِهَا أَيْدِي الشَّاتِ
عَجَّ بِالْمَطَايَا النَّاجِلَاتِ	عَلَى الرُّسُومِ الْمَاجِلَاتِ
وَاسْأَلْ عَنِ الْقَتْلَى الْأَلَى	طَرَحُوا عَلَى شَطِّ الْفُرَاتِ

او در ابیات آغازین مرثیه‌ای دیگر، از دیدن منازل خالی از سکنه یاران، اندوهگین شده و اشتراک لاغرمیانی را که شب‌نوردی و سفرهای طولانی، پاهایشان را زخمی کرده است، نگه می‌دارد و چنین گریه سر می‌دهد:

أَمَا تَرَى الرَّبْعَ الَّذِي أَقْفَرَا عَرَاهُ مِنْ رَيْبِ الْبَلَى مَا عَرَا

وَقَفْتُ فِيهِ أَبْتَقَا ضَمْرًا شَذِبَ مِنْ أَوْصَالِهِنَّ السَّرَى

۲. بیان درد بی درمان و غم و اندوه سوزنده چون زبانه آتش و توصیف سیل اشک و گریه بی اختیار و گوش نسپردن به ملامت یا نصیحت کسانی که وی را به صبر و شکیبایی فرامی خواندند، در ابیاتی مانند:

تَقُولُونَ لِي: صَبْرًا جَمِيلًا وَ لَيْسَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا حَسْرَةٌ وَ تَلْهَفُ

و اشک، بی اختیار از ابر دیدگان فرو می ریزد، گویی می خواهد با باران مسابقه دهد:

فَلَيْ دَمْعُ تَبَارِي الْقَطَرِ وَ اكْفَ جَادَتْ وَ إِن لِّم أَقْلٍ يَأْذُمَعِي جُودِي
فَلَوْ نَهَيْتِ الدَّمْعَ عَنْ سَحْهِ وَ الدَّارَ وَ حَشَّ لِّم تَطْعَ أَمْرِي
وَ دَمْعٍ إِذَا حَبَسْتَهُ عَنْ سَبِيلِهِ يَعُودُ هَتُونًا فِي الْجُفُونِ طُولا

۳. اعلان عاشورا به عنوان روز سوگ و عزا و روزی که مصائب زیادی بر آل البيت (ع) فرود آورد.

۴. اشاره به سختی و گران باری مصیبت عاشورا برای شیعیان، دین اسلام، پیامبر اکرم (ص) و آل البيت (ع)؛ مصیبتی که مثل دیگر مصائب نیست و چنان اندوه بار و کمر شکن است که مصائب دیگر را از یاد می برد و انسان را زودتر پیر می کند، در ابیاتی مانند:

وَرَزَّ حَمَلَتِ الثَّقَلَ مِنْهُ كَأَنِّي مَدَى الدَّهْرِ لَمْ أَحْمِلْ سِوَاهُ ثَقِيلًا

۵. شکایت از روزگار که کام انسان را با فراق و دوری یاران و نیز مصائب، تلخ می سازد و گاهی به اشتباه، نااهلان را بر مسند قدرت می نشاند.

۶. بیان فضایل آل البيت به ویژه امام حسین (ع) و یاران باوفایش. هیچ مرثیه ای از مرثی حسین سید مرتضی از بیان فضایل آل البيت (ع) و ذکر فضایل امویان خالی نیست، ولی مقدار آن در هر قصیده فرق می کند. آل البيت (ع) در حیات دنیوی خود جز نیکی و مردم داری نشانختند و بخشش و احسان در نهاد و سرشتشان بود:

لَمْ يَعْرِفُوا غَيْرَ بَثِّ الْعَرَفِ بَيْنَهُمْ عَفْوًا وَ لَا طُعْبُوا إِلَّا عَلَى الْجُودِ

۷. بر شمردن اعمال زشت امویان مثل خیانت در حق آل البيت (ع).

۸. تفاخر به رسول خدا ﷺ. سید به کسانی که نمی‌دانند چه چیزی مایه فخر و مباهات آدمی است، می‌گوید: جامه‌های زربفت و پرنقش و نگار مایه فخر نیست، بلکه فخر ما به رسول الله ﷺ است که قرآن کریم بر او نازل شده و خانه‌اش محل رفت و آمد فرشتگان مقرب بود:

و ما فخرنا یا من یجهل الفخر لِفَتَى قَمِیص موشی أو رداء مَفُوف
و ما فخرنا إِلَّا الَّذی هَبَطَ بِهِ الـ ملانک أو ما قدحوی مِنْه مصحف

۹. ابراز دشمنی با امویان و آرزوی فرجام بد برای آنان در دنیا و آخرت.

۱۰. اشاره کنایی به اقدام عباسیان در غصب حق خلافت.

۱۱. نکوهش کوفیان به عهدشکنی و خیانت‌ورزی.

۱۲. به تصویر کشیدن گوشه‌هایی از رخداد‌های دردناک و جان‌سوز دشت نینوا که توسط امویان و کوفیان به وقوع پیوست.

۱۳. اشاره به برخی عادات عرب در سوگواری مثل برداشتن عمامه، مانند بیت زیر:

قَدْ قُلْتُ لِلْقَوْمِ: حَظُّوا مِنْ عَمَانِمِهِمْ تحَقَّقاً بِمَصَابِ السَّادَةِ الصَّیْدِ

۱۴. رد کردن وجود هر گونه قرابت میان علویان و امویان و عباسیان.

۱۵. تأکید بر دوستی آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام) و دفاع از آنان با مال و جان و زبان چون شمشیرش.

۱۶. آوردن امثال و حکم و اقتباسات و تلمیحات قرآنی و حدیثی. سید مرتضی در مراثی حسینی از تمثّل به امثال و حکم عربی و اقتباسات و تلمیحات قرآنی که موجب غنای سخن می‌شود، غافل نبوده است.

مراثی حسینی وی از ابیات حکمی هم خالی نیست. این گونه ابیات در عین حال که در ارتباط با ابیات پیش یا پس از خود آورده می‌شوند، استقلال هم دارند. وی در یکی از ابیات حکمی خویش می‌گوید: اگر عضوی از انسان فلج گردد، دیگر آن عضو به کار او نخواهد آمد و در حقیقت عضو او به شمار نمی‌آید؛ چنان که اگر صاحب پرنده‌ای، پرنده خود را پرواز دهد، دیگر پرنده‌ای ندارد:

و عضو الفتی إن شلّ لیس بعضوه
و لیس لربّ السربِ سرب منقر

۱۷. وصف ابرهای بارانزا و پرآذرخش در بیت:

مَقْعَعٌ تَخْجِلُ أَصْوَاتُهُ
أَصْوَاتُ لَيْثِ الْغَابَةِ الْمُزْرِمِ

۱۸. سید مرتضی در بسیاری از مراثی حسینی خود از یک سر پنهان و مکتوم سخن می گوید، ولی آن را به جهت ملاحظات فاش نمی سازد. به درستی نمی دانیم که آن راز چیست، ولی به نظر می رسد که وی برای حفظ وحدت میان مسلمانان و پرهیز از شعله ور شدن آتش اختلافات مذهبی، از بیان بسیاری از حقایق تاریخی چشم می پوشد.

۱۹. اشاره به مسأله شفاعت و پامردی آل البیت (ع).

۲۰. اشاره به موعود منتظر (ع) با عبارات کنایی مانند «ثَانِرٌ طَالَ مَطْلُهُ»، «و فی غَد» و «موعود». این موضوع یکی از ویژگی های بارز مراثی حسینی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. سید، گاهی از مدت طولانی انتظار و طول کشیدن ظهور آن موعود (ع) رنجیده خاطر شده و گاهی دشمنان را تهدید کرده و امیدوار است که سرانجام آن منتقمی که ظهورش به طول انجامیده، خواهد آمد و از دشمنان انتقام نهایی را خواهد گرفت.

۲۱. بیان جاودانه بودن امام حسین (ع) و مکتب سرخ او. سید در برخی ابیاتش بیان می کند که بر خلاف پندار باطل دشمنان که می پندارند امام حسین (ع) مُرد و در گور جای گرفت و با مرگ او همه چیز تمام شد، او فقط به دیدار خدایش رفته و زنده است.

۲۲. طلب باران برای قبور مطهر آل البیت (ع). سید به پیروی از سنت شعر عربی در رثا، برای قبور مطهر شهدا طلب باران می کند و سپس دست به ابتکار زده و گفته است که صاحبان این قبور در بهشت برین از آب بهشتی سیرابند و نیازی به آب این ابرهای پرباران ندارند؛ آنان عین رحمتند، پس چه سان برایشان طلب رحمت کنم؟

مراثی حسینی سید مرتضی به دور از هر گونه دشواری و پیچیدگی مخّل است و بنیانش از مقدمه، عرض و خاتمه خالی نیست. او قصیده را با درنگ در خرابه های منازل یاران یا سرزمین طف یا با سردادن گریه و یا اظهار اندوه فراوان آغاز می کند و با طلب باران برای قبور مطهر شهدا یا با طرح انتقام نهایی توسط موعود منتظر (ع) به پایان می برد و مدح و

حکمت و فخر و حماسه و وصف و فلسفه میان مقدمه و خاتمه یعنی عرض آورده می‌شود. از بررسی مراثی حسینی سید مرتضی معلوم می‌گردد که این مضامین و سیر و ترتیب آن‌ها به صورت عامدانه و هدفمند و هوشمند توسط وی در مراثی حسینی گنجانیده شده است و تنها مقدار ابیات هر مضمون از قصیده‌ای به قصیده دیگر فرق می‌کند. در مراثی حسینی وی از موضوعات خرافی، مانند داستان عروسی حضرت قاسم در کربلا، سربرهنه کردن حضرت زینب، صدور فتوی توسط قاضی شریح، داستان شیر و جسد امام حسین علیه السلام و از غلو ناپسند و مظلوم‌نمایی و اسطوره‌سازی جهت گریاندن و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب و از مسائل اختلاف‌برانگیز و وحدت‌شکن و از ایجاد تصاویر خلاف موازین شرعی خبری نیست. مراثی سید مرتضی در پی اثبات حقانیت اهل البیت علیهم السلام به‌ویژه امام حسین علیه السلام و ارائه تصویری واقعی یا نزدیک به واقعیت از داستان کربلاست و در عین حال، تصویرگر عاطفه و احساس وی نیز است و از نظر احتوا بر وقایع تاریخی، اثبات مستند حقانیت اهل البیت علیهم السلام و سیر عامدانه یک سری مضامین از سوی فقیه و متکلم مسلم شیعه، سندی بسیار باارزش در شعر عاشورایی و شیوه سرودن آن برشمرده می‌شود.

(۱۷۳)

تجلی مضامین «نهج البلاغة» در اشعار شریف مرتضی و مهیار دیلمی

مهمین قوی اندام

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عرب

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

حکیم سبزواری

استاد راهنما: دکتر حسن مجیدی

استاد مشاور: دکتر مصطفی مهدوی آرا

سال ۱۳۹۴

شاعران شیعه و حتی اهل سنت، فضایل

و مناقب حضرت علی (ع) را به زبان شعر

(چه عربی و چه فارسی) سروده و شعر خود

را به مدح آن حضرت آراسته اند. هر شیعه

متعهد، احساس وظیفه می کرده که از قدرت



و طبع شعری خود در مسیر ولایت بهره بگیرد.... این گونه سروده ها، هم مفاهیم اعتقادی تشیع را در عواطف شیعیان ریشه دارتر ساخته، و هم آن فضایل را که در روایات آمده، با زبان شعر، جذاب، فراگیر و ماندگار کرده است. از جمله این شاعران سید مرتضی و مهیار دیلمی است.

سید مرتضی علم الهدی، فقیه والامقام شیعه، استاد کلام، نابغه شعر، پیشوا در لغت، اسوه در تمام علوم عربی و مرجع در تفسیر قرآن است، و ابوالحسن مهیار بن مزویه دیلمی بغدادی، از مشهورترین شاعران شیعی و از بزرگ ترین عربی سرایان ایرانی نژاد است که

مسلمانی معتقد و پیرو اهل بیت رسول الله ﷺ بوده است و در این راه، آراء و عقایدش همان آراء و عقاید شریف رضی و سید مرتضی و خاندان علوی است. شعر او درباره مذهب، برهان و دلیل است.

در این پایان‌نامه، ضمن آشنایی بیشتر با شخصیت این دو شاعر و معرفی نهج البلاغه، نحوه تأثیرگذاری کلام حضرت علی علیه السلام در اشعار این دو شاعر به صورت مجزا و در موضوعات مختلف (اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و تاریخی) بیان می‌شود.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که مضامین نهج البلاغه در اشعار شریف مرتضی و مهیار دیلمی چگونه نمود یافته است؟ یا این که، چه چیزی باعث تأثیرپذیری این دو شاعر از نهج البلاغه شده است؟

با توجه به این که شریف مرتضی در خاندانی شیعی و محب اهل بیت علیهم السلام پرورش یافته، آشنایی کامل با روایات آن‌ها و معرفت نسبت به نهج البلاغه باعث شد تا اشعارش را با تأثیرپذیری از کلام حضرت علی علیه السلام ایراد کند.

مهیار دیلمی بعد از این که به دست شریف رضی مسلمان و شیعه شد، با توجه به آشنایی‌اش با کلام امیرالمؤمنین علیه السلام و تأثیرپذیری از آن، سعی کرد اشعارش را در مسیر خدمت به دین قرار دهد.

این پایان‌نامه، علاوه بر مقدمه، شامل سه فصل و یک نتیجه است. در فصل اول، ابتدا کتاب نهج البلاغه و شخصیت شریف مرتضی و مهیار دیلمی معرفی شده است و در ادامه سبک ادبی سید مرتضی و اشعار وصفی او و سبک و ویژگی شعر مهیار و نیز اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دو بررسی شده است.

فصل دوم، به تأثیر نهج البلاغه بر اشعار شریف مرتضی و در مضامین اعتقادی، اخلاقی و سیاسی و تاریخی اشعار اختصاص یافته است.

فصل سوم نیز همان مباحث را در شعر مهیار دیلمی پی گرفته است.

شریف مرتضی در اشعار و سروده‌های خود، از نهج البلاغه امام علی علیه السلام به اشکال مختلفی تأثیر پذیرفته است. این تأثیرپذیری از ظاهر کلام امام و بیشتر از مفهوم و معنای کلام آن حضرت بوده است.

(۱۷۴)

تعدد وجوه إعراب الآيات القرآنية في كتب الأمالي النحوية

عبدالله أحمد بن أحمد الشراعى

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده آموزش علوم انسانی دانشگاه بصره

استاد راهنما: سامی علی جبار

سال ۲۰۰۳م

دانشمندان علم اعراب، در توجیه اعراب

قرآن و با توجه به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های

اعراب قرآنی و نیز تنوع مستندات توجیه اعراب

قرآن، گونه‌ها و اشکال مختلفی از مستندات

توجیه را کشف و مبنای کار خود قرار داده‌اند.

جستجوهای صورت گرفته، نشان می‌دهد که این

توجیه، مبتنی بر یک یا چند مستند ذیل است:

۱. اقوال و اشعار عرب، ۲. نحو، ۳. صرف، ۴. بلاغت، ۵. لهجه‌های عربی، ۶. احکام

فقهی، ۷. حدیث نبوی، ۸. شأن نزول، ۹. رسم الخط مصاحف، ۱۰. تفسیر و معنا،

۱۱. قرائات.

بدهی است که اعراب از عناصر علم نحو و دستور زبان است و میان این دو دانش

رابطه‌ای عمیق و دوسویه است. در سنجش این دو دانش گفته شده است: اعراب، بررسی و

تحلیل اجزاء شکل‌دهنده جمله و کلام است، و نحو، دانستن قواعد تألیف و ترکیب کلام

است. با این حال، در گذشته گاه این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار می‌رفته است. در

حقیقت، علم نحو، راه‌آشنایی با اعراب است و به گفته ابوحیان، اعراب از علم نحو گرفته

رسالة ماجستير اللغة العربية

وآدابها

تعدد وجوه إعراب الآيات القرآنية

في كتب الأمالي النحوية

می‌شود. به همین دلیل او علم نحو را دومین علم مورد نیاز مفسّر دانسته است. سیوطی نیز دومین علم از پانزده علم مورد نیاز مفسّر را علم نحو دانسته و آن را زمینه‌ساز آشنایی با اعراب معرفی کرده است؛ زیرا نحو، درباره انواع اعراب بحث می‌کند و با تغییر اعراب کلمه، معنای آن در جمله دگرگون می‌شود. اعراب آیات قرآن کریم از مباحث مهم در دانش تفسیر است. به همین سبب، مفسران در تبیین و تفسیر آیات، از اعراب آیه سخن می‌گویند و حتی به دلیل اهمیت اعراب در فهم مراد آیه، کتب بسیاری در این باره نگاشته شده است؛ اما مطالعه این کتب نشان می‌دهد گاهی در بیان اعراب یک واژه، وجوه اعرابی مختلف یا عامل‌های گوناگونی برای کلمه ذکر شده است.

در این پژوهش به بررسی این گونه‌ها، همراه با بیان اهمیت هر کدام در فهم اعراب قرآن و ذکر نمونه‌هایی از توجیه‌های صورت گرفته بر این مباحث، در أمالی شریف مرتضی (۴۳۶ق)، أمالی ابن شجری (۵۴۲ق) و أمالی ابن حاجب (۶۴۶ق) پرداخته می‌شود.

أمالی ابن شجری در ۸۴ مجلس ارائه شده است. ایشان این کتاب را به سبک أمالی سید مرتضی نوشته است؛ بدین گونه که کتاب را به مجالسی تقسیم نموده و در هر مجلس، مسأله‌ای از مسائل نحو، صرف و یا مسأله‌ای برگرفته از آیات قرآن یا بیت شعری از شعرا را سرآغاز املائی خود قرار داده، سپس از این طریق، مباحث دیگری را در همان موضوع طرح می‌نماید.

مسائل طرح شده در أمالی ابن شجری را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: مسائلی که او خود عنوان نموده است؛ مسائلی که در پاسخ به پرسش‌های شاگردان ابراز کرده است؛ مسائلی که در پاسخ به پرسش‌هایی که از نواحی مختلف به وی رسیده، آمده است. جلد اول این کتاب، شامل مجلس ۱ تا ۳۵، جلد دوم آن شامل مجالس ۳۶ تا ۷۰، و جلد سوم نیز شامل مجالس ۷۱ تا ۸۴ است.

کتاب أمالی ابن حاجب، بیشتر در موضوعات نحوی و بررسی اشعار شاعران و شرح آن‌ها است. ابن حاجب از میان شاعران، بیشتر به اشعار متنبی پرداخته است. این اشعار خالی از تعقید معنوی نیست و درک و فهم آن‌ها نیاز به آشنایی با فرهنگ لغت‌ها و بررسی‌های نحوی و صرفی دارد.

(۱۷۵)

التناص القرآنی فی شعر الشریفین الرضی و المرتضی

باسم العیسی

پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش های

ادبی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

حلب

استاد راهنما: دکتر حسین بیوض

سال ۲۰۱۵ م

«بینامتنیت»^۱ به عنوان یک سبک ادبی در سال

۱۹۶۶م توسط ژولیا کریستوا، ناقد بلغاری پا به

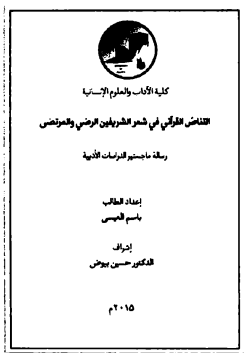
عرصه نقد ادبی گذاشت و با گسترش این

سبک، تفکر استقلال متن ها به پایان رسید؛

چرا که بر اساس بینامتنیت، هر متن جدیدی

زائیده متن های گذشته است. زمانی که

بینامتنیت به ادبیات عربی راه یافت، چشم های



بسیاری از ناقدان را به خود دوخت و مورد توجه بسیاری از آنان قرار گرفت. البته این سبک ادبی

در گذشته ادبیات عرب با نام های «سراقات»، «منافسات»، «اقتباسات»، «تضمینات»، «اشاره»،

«تلمیحات» و... رواج داشت. قرآن و متون دینی از جمله متونی اند که سید رضی و سید مرتضی

از آن بهره بسیار برده اند و قرآن کریم شاخص ترین این متون است که جنبه های بلاغی و ادبی آن

در کنار مفاهیم اخلاقی موجب شده تا جایگاه ویژه ای در شعر سید رضی و سید مرتضی بیابد.

در واقع این دو، زبان شعرشان را با قرآن زینت داده‌اند. از آن جا که قرآن کریم تأثیر به‌سزایی در نوشته‌ها و سروده‌های سید مرتضی و سید رضی داشته، در این پایان‌نامه سعی شده است این تأثیر با توجه به پدیده بینامتنیت مورد کندوکاو قرار گیرد. این کاوش در دو محور لفظی و معنایی صورت گرفته است.

توظيف الشعر العربي في تفسير و تأويل القرآن في تراث الشريف المرتضى

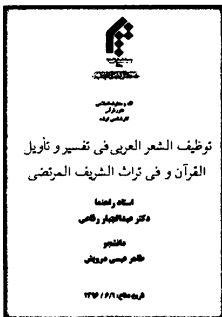
طاهر عيسى درويش

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی

جامعة المصطفى العالمية، جامعة آل البيت

استاد راهنما: دکتر عبدالجبار رفاعی

سال ۱۳۹۶



این پایان نامه شامل مقدمه و سه فصل است. در مقدمه ابتدا اهمیت تفسیر قرآن و نخستین تلاش های مسلمانان اولیه برای تفسیر قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در ادامه به برخی اصحاب پیامبر - که پیشگامان تفسیر قرآن بوده اند - پرداخته شده است. سپس از ضرورت تبخّر بالای مفسّر در علوم و ادب عربی - که

پیش نیاز تفسیر قرآن کریم است - سخن به میان آمده است.

فصل اول، مشتمل بر مباحث تمهیدی است که مهم ترین آن ها مفردات عنوان در لغت و اصطلاح، عصر شریف مرتضی و ویژگی های آن، زندگانی شریف مرتضی و مقام علمی و ادبی او، اساتید، شاگردان و آثار شریف مرتضی است.

در فصل دوم، برخی آیات به اتکای معانی مفردات لغوی تفسیر شده اند. در گفتاری، از بعضی آیات سخن به میان آمده که متضمن تکرار کلمات و عبارات بوده و علت این تکرار بیان شده است. در بخش دیگری، تفسیر بعضی آیات که دارای حذف و یا اختصارند، بر پایه روش عرب در حذف و اختصار در نثر و شعر ذکر شده و فرق میان آن ها بیان شده است.

حذف حروف و یا استبدال آن ها با حروف دیگر و مثال های تطبیقی برای حذف و

استبدال بر پایه شواهد شعری، مبحث دیگر این فصل است. شبهه حشو در قرآن و پاسخ آن و نیز بیان توجیه آیه‌ای که توهم زیادی لفظ در آن‌ها شده و جستار قرائات در قرآن کریم، موضوعات پایانی این فصل است.

موضوع فصل سوم، تأویل آیات قرآن است. سید مرتضی به شکلی مفصل و دقیق، تأویل آیات را بیان کرده است؛ اما اصحابش تأویل‌های او را نپذیرفته و بر آن اشکال کرده‌اند و سید اشکالات آن‌ها را نیز پاسخ داده است. بیان احتمالات معنای «بکاء السماء»، در آیه ﴿فَمَا يَكْتُرُ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ﴾، وجه توصیف دم به کذب در آیه ﴿وَ جَاؤُ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ﴾، تأویل آیه ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾ که آیا مراد، نفی برّ از عبادت است؟ و تأویل آیه ﴿وَ إِذْ زَاغَتْ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ...﴾، و... از این دست تأویل‌هایند.

(۱۷۷)

جایگاه شریف مرتضی علیه السلام در نقد ادبی سده پنجم هجری

محمد امین تقوی فردود

رساله دکتری زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

استاد راهنما: دکتر باقر قربانی زرین

استادان مشاور: دکتر علی صابری و دکتر

علی رضا باقر

سال ۱۳۹۳

سید مرتضی، آثار ارزشمندی در زمینه‌های

مختلف علمی و ادبی بر جای گذاشته است

و دانشمندان و ادیبان متعددی در شاخه‌های

مختلف علمی، آثار او را مورد بررسی و شرح

و تعلیق قرار داده‌اند. بنا بر جست‌وجوی

نگارنده رساله، در زمینه وجهه ادبی و نقدی



سید مرتضی، کتاب‌های ادب المرتضی از عبد الرزاق محیی الدین، المباحث النقدية فی أمالی المرتضی از محمود ولید خالص، الشریف المرتضی، حیات، ثقافته، أدبه و نقده از احمد محمد معتوق، و رساله کارشناسی ارشد «الخطاب النقدي عند الشریفین الرضی و المرتضی» از سعد حسنی، تألیف شده که هر کدام از آن‌ها کم و بیش تعدادی از رویکردهای نقدی سید مرتضی را به بحث و بررسی گذاشته‌اند.

رویکرد ادبی سید و آراء و نظریاتی که وی در زمینه نقد ادبی طرح نموده است، در آثار

برخی عالمان نقد ادبی و ادیبان پس از سید نمود دارد و به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های او تأثیر به‌سزایی در تکمیل نقد ادبی داشته است. با دقت نظر در آثار بر جای مانده از سید مرتضی، قدرت نقد ادبی او نمایان می‌گردد. این پژوهش با بررسی سطح نقد ادبی سده‌های آغازین ادبیات پژوهی، یعنی از دوره جاهلی تا قرن پنجم هجری از یک سو و بررسی آثار بر جای مانده از شریف مرتضی رحمه‌الله از سوی دیگر، و در گام سوم، شناسایی و استخراج نکات، پایه‌ها و مصادیق نقد ادبی آن در آثار او به بررسی دیدگاه‌های شریف مرتضی در نقد ادبی پرداخته و در نظر دارد جایگاه شریف مرتضی را در نقد ادبی سده پنجم هجری و پس از آن، و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری او در مباحث نقدی آن سده را مورد بررسی قرار دهد.

بنا بر آثاری که سید مرتضی از خود به یادگار گذاشته است و با مقایسه آن با دیگر آثار برجای‌مانده از ادیبان معاصر وی، مشخص می‌شود که او شیوه‌ای نو در تبیین لطایف و نقد ادبی آثار و اشعار شاعران در پیش گرفته است. بر این اساس، این پژوهش بر آن است تا با شناخت جایگاه سید مرتضی در نقد ادبی به عنوان یکی از سرشناس‌ترین عالمان و ادیبان شیعه در قرن پنجم، جایگاه نقد ادبی در آن سده و همچنین مقام علمی وی را نمایان تر کند.

در فصل نخست این رساله، ابتدا شخصیت سید مرتضی، محیط زندگی او و جایگاه علمی‌اش به اختصار مورد مطالعه قرار گرفته، و استادانی که وی از آن‌ها کسب دانش نموده و رویکردهای علمی، ادبی و اجتماعی که او در طی این سال‌ها در نهاد خویش پروده است، معرفی شده است. سپس جایگاه ادبی و علمی سید در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، بررسی شده و دیدگاه‌های دیگر دانشمندان درباره وی و آثاری که او از خود بر جای گذاشته است، طرح گردیده است. دوره عباسی، دوره طلایی ادبیات و علم بود و شاعران و فیلسوفان و دانشمندان ارزشمندی در آن دوره می‌زیستند. سید مرتضی نیز از جمله این ادیبان و دانشمندان بود و با بسیاری از آنان حشر و نشر داشت. لذا در لابه‌لای این فصل به نمونه‌هایی از همنشینی‌های او با آن‌ها نیز اشاره شده است. همچنین به منظور درک بهتر جایگاه او در این عصر، برخی ویژگی‌های این دوره نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل دوم، ادب و نقد ادبی و معانی لغوی و اصطلاحی آن به اختصار بررسی شده و مفاهیم مربوط به آن‌ها از آغاز عصر شکوفایی ادبیات، یعنی دوره جاهلی تا زمان سید مرتضی به

طور فشرده، مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین تاریخچه نقد ادبی و سیر پیدایش و پیشرفت آن در دوره جاهلی، دوره صدر اسلام، دوره اموی و دوره عباسی تا پایان قرن سوم هجری بررسی شده و به ویژگی‌های آن در هر دوره پرداخته شده است. در لابه‌لای مباحث مربوط به هر یک از عصرها، به پیشگامان نقد ادبی هر دوره و نظریه‌ها و آثارشان نیز اشاره شده است، تا تأثیرپذیری سید مرتضی از آرای ناقدان و سیر مطالعاتی او، به منظور تدوین آثار نقدی‌اش آشکارتر گردد.

سپس به تطور نقد ادبی در قرن چهارم و پنجم پرداخته شده است. نقد ادبی در این دوره، میراث مباحث نقدی قرون گذشته بود. بنا بر این، طبیعی است که شکل تکامل‌یافته و پخته مباحث قرون پیشین باشد. بر این اساس، نظریات نقدی صاحب‌نظران و سردمداران نقد ادبی این دوره و آثار ایشان نیز تبیین و بررسی شده است.

از آن جا که ادبیات این دوره، بسیار متأثر از آثار ابوتام و متنبی بوده، نقد ادبی این دوره درباره ویژگی‌های اشعار این دو شاعر و بررسی سرق‌ت ادبی هر یک از آن‌ها می‌چرخید. لذا در این فصل، آثار نقد ادبی که به طرفداری یا مخالفت با هر یک از آن دو، یا میانجی‌گری میان آن‌ها پرداخته نیز طرح شده و به ویژگی اصلی هر یک از آن‌ها اشاره رفته است. در ادامه از آن جا که مرحوم شریف مرتضی رحمه‌الله در کتاب‌های خود، از جمله طیف الخیال و الشهاب فی الشیب و الشبّاب، از کتاب موازنه آمدی بسیار بهره برده است، به بررسی جایگاه این کتاب و شیوه‌ای که آمدی در آن به کار گرفته، پرداخته شده و سپس نظریه اعجاز و ناقدانی که این وجهه از نقد ادبی را مورد توجّه قرار داده و تألیفاتی در این زمینه ارائه کرده‌اند، طرح شده است و در نهایت به نقد ادبی مغرب (قیروان و آندلس) و مهم‌ترین ناقدان آن در قرن پنجم اشاره رفته است.

در فصل سوم، از آثار علمی و ادبی سید مرتضی سخن رفته و از میان این آثار، به کتاب‌هایی که مباحث نقدی را در خود جای داده است، به صورت ویژه پرداخته شده است. نیز کتاب‌های دیگری از ادیبان زمان حاضر که سعی در نشان دادن چهره ادبی و نقدی سید داشته‌اند، معرفی شده‌اند. سپس وارد مهم‌ترین بخش این پژوهش شده و نقد ادبی در آثار سید مرتضی در سه محور اساسی نقد نظری، نقد کاربردی و فرانقد بررسی شده است.

در نقد نظری، شعر و چیستی آن و نقد و ویژگی‌های یک ناقد از دیدگاه سید مرتضی با تکیه بر آثار وی مطالعه شده و چهره نقدی او و رویکرد اخلاق‌مداری و انصافش در صدور احکام

نقدی درباره شاعران مختلف از مسلک‌های اعتقادی و ادبی متفاوت، برجسته شده است. سپس نحوه گزینش شعر توسط او و دیدگاهش در این زمینه، مورد مذاقه قرار گرفته است. در این میان برخی قضایای مهم نقدی از جمله لفظ و معنی، قدیم و جدید، سرقت شعری و... که سید در قالب نظریه‌پردازی به ارائه نظر درباره آن‌ها پرداخته و اختلاف نظر او با دیگر ناقدان یا اكمال نظر آنان بررسی شده است.

در بخش نقد کاربردی، به اصول و شیوه نقدی‌ای که سید مرتضی حین نقد آثار ادبی به کار می‌گرفته، اشاره رفته و مواردی که وی با ذکر علت نقدی به صدور حکم می‌پرداخته و نیز مواردی که بدون ذکر علت نقدی، حکم صادر می‌نموده، بررسی شده است. سپس برخی دیگر از قضایای نقدی که سید به صورت کاربردی بدان‌ها پرداخته، از جمله قضیه موازنه و مقایسه، مورد مذاقه قرار گرفته و از آن جا که آمدی صاحب کتاب موازنه، بزرگ‌ترین ناقد در حوزه موازنه به شمار می‌رود، به اختلاف نظرهایی که سید در صدور حکم با او داشته است، اشاره شده و علت این اختلاف نظر در لابه‌لای نقد او بیان شده است.

مؤلف در آخرین بخش از فصل پایانی رساله، به نقد نقد یا فرانقد پرداخته است. برای این منظور، ابتدا تعریف مختصری از فرانقد و اصول کلی آن ارائه کرده، سپس نظریه‌های نقدی موجود تا زمان سید مرتضی بررسی، و در نهایت، فرانقد در آثار او را مورد توجه قرار داده است. او در ذیل این بخش، نظریه‌های سرقت شعری، لفظ و معنی، نقد بلاغی، اسلوب مفاضله و موازنه را مورد بررسی قرار داده، و تلاش کرده تا جنبه نقد ادبی را در آثار سید مرتضی به قدر وسع خود بررسی کند و به اهداف مورد نظرش دست یابد.

عبارت‌هایی از نویسنده در بیان نتایج این پژوهش بدین شرح است: «سید مرتضی نظریات نقدی و فرانقدی خویش را در لابه‌لای آثار مختلف خویش و به‌ویژه در سه کتاب اُمالی، الشهاب و طیف الخیال طرح کرده است و به شبهات نقدی- ادبی بسیاری پاسخ گفته و اختلاف نظرهای خود را با ناقدان سرآمد عصر خویش ابراز داشته است.

سرقت شعری از مهم‌ترین مباحث نقدی عصر سید مرتضی بود و ناقدان مختلف در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند. او با دیدگاه منعطف‌تری به این قضیه پرداخته و اشتراک یا تقارب معنای شعری میان دو شاعر را سرقت ادبی به حساب نمی‌آورد. نیز در صدور حکم سرقت درباره

شعری از شاعران، از عبارات‌های نرمی بهره می‌برد و در رابطه با قضیه لفظ و معنا، هر دو را اساس یک اثر ادبی و مایه استحکام بلاغت آن اثر می‌داند و با این قضیه نیز به نرمی برخورد می‌کند و به اقتضای حال و بحث ادبی، گاهی اهمیت لفظ و گاهی اهمیت معنی را برجسته می‌سازد و در نقد بلاغی خویش به خاطر تسلطی که بر قواعد بلاغی داشته، به نظریات جدیدی چون تفاوت ایجاز و اختصار می‌پردازد و بلاغت را مساوی با وصفی صحیح از دو بعد مدح یا ذم معرفی می‌کند و درباره قضایای بلاغی چون تشبیه، استعاره، مجاز و پوشیده‌گویی، با استفاده از عبارات سهل و ممتنع و... اظهار نظر می‌کند. او به نقد زبانی آثار ادبی نیز پرداخته و در ذیل آن، نقد واژگان، نقد صرفی و نحوی و نیز نقد بلاغی خود را در رابطه با آن‌ها ارائه می‌دهد.

او موازنه را یکی از مهم‌ترین اصول نقد و فرائد ادبی می‌داند، تا جایی که دو اثر خویش را به این امر اختصاص داده است و در لابه‌لای موازنه‌های خود به اصول موازنه صحیح اشاره کرده و برآمدی (پشتاز موازنه) در موارد متعددی خرده می‌گیرد و استدلال‌هایی نیز در این زمینه ارائه می‌دهد و معنای باطنی ابیات و تسلط بر اسالیب کلام عرب را از مهم‌ترین پیش‌نیازهای موازنه معرفی می‌کند. او سوای گزینش و پسند برخی اشعار بر اساس معیارهای نقدی خود و شرح آن‌ها در کتاب‌های ادبی‌اش، دیدگاه‌ها و شیوه‌های نقدی ناقدان را مورد سنجش قرار می‌دهد و معتقد است که برای مفاضله بین آثار ادبی، باید معیارهای مشخصی توسط ناقدان ارائه شود.

از نظر او شعری که دارای ویژگی‌های بلاغی قابل قبول و تصویر هنری و معانی اخلاقی و جلوه‌های هنری باشد و با طبع مخاطبان سازگاری کند، بیشتر مورد پسند قرار می‌گیرد. بنا بر این، سید مرتضی ضمن این که دانشمند، متکلم و فقیه بود، یک ادیب و ناقد ادبی ماهر نیز بود و با پرداختن به بسیاری از مباحث نقدی- ادبی و اظهار نظر درباره آن‌ها و نیز با به نقد کشیدن آرای ناقدان و قضایای نقدی و نیز با تألیف کتاب‌هایی که به طور اختصاصی به نقد اجرایی پرداخته است، مهارت والای نقدی خویش را در کنار دیگر ناقدان، به منصه ظهور گذاشته است.

(۱۷۸)

الحجاج اللغوي في مؤلفات الشريف المرتضى

زهرة حميد عودة حسن

رسالة دكتري زبان و ادبيات عربی

دانشکده آموزش دانشگاه مستنصریه،

عراق

استاد راهنما: رضا هادی حسون العقیدی

سال ۲۰۱۶م

این رساله در مکتبه و دار مخطوطات عتبه

عباسیه نگهداری می شود و اطلاعات

بیشتری از آن در دسترس نیست.



کتابخانه

الحجاج اللغوي في مؤلفات الشريف المرتضى

رسالة دكتوراه اللغة العربية وآدابها

إعداد الطالبة

زهرة حميد عودة حسن

إشراف

رضا هادي حسون العقيد

م ۲۰۱۶

(۱۷۹)

الخطاب النقدي عند الشرفين الرضى و المرتضى

سعد داحس ناصر الحسنی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

دانشکده آموزش دانشگاه واسط، عراق

استاد راهنما: دکتر فاروق محمود الحبوبی

سال ۲۰۰۸م

این رساله مشتمل بر مقدمه، چهار فصل و خاتمه است.

مؤلف در فصل اول به مقایسه معیار نقدی سید مرتضی و سید رضی پرداخته، و در فصل دوم، ذیل عنوان «قضایا القرآن الکریم» دیدگاه‌های شرفین رضی و مرتضی را طرح نموده است. وی فصل سوم رساله خود را به



«مواقف نقدی و موازنات ادبی» اختصاص داده است. عنوان چهارمین فصل این رساله، «قضایای نقدی بزرگ و اختیارات ادبی» است. در خاتمه نیز نتایج و جمع‌بندی مباحث رساله آمده است.

گزارشی موجز از عناوین و مطالب مهم رساله به شرح زیر است:

در مقدمه طبق شیوه متداول در تألیف رساله و کتاب، نویسنده به طرح بحث و عناوین فصول و شیوه نگارش رساله اشاره می‌کند. وی قبل از ورود به مباحث اصلی رساله، ذیل عنوان «تمهید»، به جوانبی از سیره و منزلت ادبی سید رضی و سید مرتضی اشاره می‌کند. «ترجمه‌ای مختصر از حیات شرفین»، «عقیده شرفین»، «تألیفات شرفین» و «کتب و

رساله‌های تدوین‌شده در موضوع نقد ادبی شریفین»، مباحثی است که مؤلف در این بخش به آن‌ها پرداخته است.

در فصل اول، مؤلف به طرح سه مبحث پرداخته است:

۱. معیار لغوی، شامل صورت‌های اداء در نظام صوتی، صرفی و نحوی؛ ۲. معیار بلاغی، مشتمل بر فنون بلاغی (مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه و بدیع)؛ ۳. معیار فنی، شامل لغت فنی، صورت فنی، بناء فنی و ایقاع.

نویسنده رساله در مبحث اول این فصل، ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی «صوت» پرداخته و در ادامه بعد از بیان اهتمام قدما به این مسأله، به تعبیرات سید رضی و سید مرتضی درباره اصوات اشاره می‌کند و در ضمن بیان آن‌ها، توجه و اهتمام ایشان به مقوله اصوات را نتیجه می‌گیرد. حسن و قبح ذاتی برخی اصوات به استناد آیات و روایات، و تقبیح و تحسین اشعار در نظر قرار دادن صوت آن شعر، از مباحثی است که مؤلف به آن‌ها پرداخته است و نتیجه استقراء خود در کلمات سید رضی و سید مرتضی را بیان نموده است.

مبحث دوم این فصل، مربوط به معیارهای بلاغی در نقدهای ادبی شریفین است. در این مبحث که با تفصیل بیشتری طرح شده است، ابتدا به عناوین بلاغی در آثار شریفین پرداخته شده است. طبق استقراء مؤلف در آثار شریف رضی، اصطلاحات بلاغی همچون مجاز، استعاره، تشبیه و... با تعریف متداول امروزی برابر نبوده است...؛ اما در این مقوله سید مرتضی حلقه وصل بین بلاغیون متأخر و متقدم دانسته شده است، و علی‌رغم این که سید مرتضی تالیف مستقّلی در علوم بلاغی ندارد، اما مطالب بلاغی پراکنده‌ای که در کتاب‌های وی آمده، مرجعی برای شکل‌گیری برخی مصطلحات در زمان‌های بعد از وی شده است.

نویسنده در ادامه مباحث خود به بیان اقسام معیارهای بلاغی پرداخته است:

قسم اول، مجاز: مؤلف در تبیین این مبحث به نظریه‌های شریفین درباره مجاز پرداخته و در مباحث نقدی این دو عالم برجسته، موارد متعدّدی از این تعبیر را مثال زده است. طبق بیان مؤلف، سید رضی در این باره توضیحات مفصّلی در مواضع متعدّدی از آثارش ارائه داده است. همچنین سید مرتضی در باب حقیقت و مجاز، مبانی مهم و قابل

تأملی ارانه داده و به صورت نظری و عملی آن را تشریح و تبیین نموده است. مسأله دیگری که مؤلف، نظریات شریفین را پیرامون آن بیان نموده است، «وقوع یا عدم وقوع مجاز در قرآن» است که طبق نظریه شریفین، در قرآن مجازات متعددی وجود دارد. حکمت وقوع مجاز در قرآن از دیدگاه شریفین آخرین مطالب این مبحث است.

قسم دوم، تشبیه: مؤلف در این مبحث نیز به بیان آرای شریفین درباره تشبیه، شرایط صحت آن و مباحث پیرامون تشبیه پرداخته و با ذکر شاهد درباره موارد استفاده شریفین از تشبیه در کلمات خود یا نقد کلمات دیگران، این مبحث را به پایان برده است.

قسم سوم، استعاره: استعاره از فنون بلاغی مورد توجه و اهتمام شریفین بوده است. مؤلف، آرای سید رضی و سید مرتضی را درباره استعاره و تعریف آن از زبان ایشان و شواهدی از تعبیرات به کاررفته از کلمات آن دو در باب استعاره را بیان نموده است.

قسم چهارم، کنایه: در این قسم نیز مؤلف، ابتدا نظرات سید رضی در تبیین و توضیح کنایه را بیان کرده و سپس تعبیرات کنایه‌ای سید رضی در مورد برخی آیات و روایات را بیان نموده است. سید مرتضی نیز در موارد متعددی از این فن نام برده و طبق نظر مؤلف، او عنایت و توجه بیشتری به کنایه داشته است.

پنجم، بدیع: مؤلف ذیل این عنوان به دو قسم «مبالغه» و «التفات» اشاره می‌کند. مباحث این مبحث عبارت‌اند از بیان آرای علمای ادب در خصوص این دو فن بلاغی و بررسی اقوال؛ بهره‌برداری سید رضی و سید مرتضی از این دو فن و بررسی مواضعی که از این دو تعبیر استفاده کرده‌اند؛ نقاط اشتراک و تفاوت سید رضی و سید مرتضی و میزان اهتمام ایشان به این دو فن.

در مبحث سوم از فصل اول، یعنی معیار فنی، گفته شده که سید مرتضی و سید رضی در تفسیر و بررسی یک عبارت عربی (اعم از شعر و نثر)، معیارهای فنی را در کنار مسائل دیگری که قبلاً بیان شد، لحاظ می‌کرده‌اند. این معیارها در چهار بخش مورد توجه ایشان بوده است: اولین معیار فنی، توجه به لغات با دیدگاه فنی و رعایت اقتضای هر عبارت و تطابق لغت با شکل و مقتضای عبارت است. در این باره هر یک از شریفین، دیدگاه‌هایی دارند که مؤلف به آن‌ها پرداخته است.

دومین معیار، صورت فتنی عبارت است؛ یعنی شکل و صورت عبارت باید با معنای مراد سازگار باشد. در این زمینه نیز سید رضی و سید مرتضی در بیان و نقد و تفسیر عبارات عربی توجه و دقت بسیاری داشته‌اند و زوایای مسأله را به خوبی بررسی و تبیین نموده‌اند. معیار سوم، بنای فتنی است. این مسأله که از مباحث دقیق و ذوقی در کلام عرب است، همواره مورد توجه سید رضی و سید مرتضی بوده است و با اندک اختلافی که در تعریف این مسأله با همدیگر دارند، هر دو متفق‌اند که بنای فتنی از لوازم فصاحت و بلاغت کلام است. منظور از بنای فتنی این است که کلام، ورای لغات و شکل مناسب، باید مجموعاً و از تمام جوانب عناصر عبارتی، چه از لحاظ معنوی و چه موسیقایی و...، بر مناط صحیح باشد. چهارمین معیار، ایقاع است. مؤلف ابتدا به تعاریف ارائه‌شده از ایقاع پرداخته و گفته است: سید رضی و سید مرتضی در مواجهه با آیات قرآن و اشعار عرب به این مسأله توجه داشته‌اند و در مواردی از این تعبیر استفاده کرده‌اند. مؤلف در ادامه این مبحث به مهم‌ترین موارد ایقاع اشاره کرده است که عبارت‌اند از: «تکرار»، «ضرورت شعری»، «وزن و معنی» و «موسیقی قرآن».

مؤلف در هر یک از چهار عنوان یادشده به شیوه برخورد سید رضی و سید مرتضی و تحسین و تقبیح ایشان نسبت به این عناوین و البته بیان وجوه حسن موسیقی قرآن اشاره نموده و تعابیر به‌کاررفته در کلمات آن دورا در مسأله بیان نموده است. عنوان فصل دوم، «قضايا القرآن الکریم» است. مباحث این فصل عبارت‌اند از: اسلوب قرآن، اعجاز قرآن، محکم و متشابه و تأویل.

مؤلف در مبحث اسلوب قرآن، ابتدا به بیان توصیفات علمای ادب از قرآن کریم پرداخته و نظر سید رضی و سید مرتضی را نیز در این باره بیان نموده است. به نظر شریفین، قرآن کریم نه شعر است و نه نثر، بلکه متنی است متفاوت با تمام آنچه در گذشته بوده و در آینده خواهد آمد. هر یک از شریفین در باب اسلوب قرآن کریم چند تألیف ارزشمند نیز دارند که این مسأله بیانگر اهتمام و توجه ایشان به قرآن کریم و اسلوب بی‌نظیر آن است. مؤلف مبحث فوق را در چند بخش مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا مقایسه‌ای بین اسلوب قرآن کریم و اسالیب دیگر از کلام عرب پرداخته و نظرات شریفین را در این باره بیان

نموده است و در ادامه به پاسخ‌های سید رضی و سید مرتضی در دفع شبهه «تناقض در صیاغ و مضمون آیات قرآن» اشاره نموده است. او در بخش سوم، کلمات شریفین را در پاسخ به شبهه «اختلال در صیاغ قرآن» بیان نموده است.

طبق بیان مؤلف، در هر سه بخش یادشده، سید رضی و سید مرتضی با تعمقی که در الفاظ و معانی قرآن داشته‌اند، به خوبی از عهده بیان اسلوب قرآن و پاسخ به شبهاتی که در مورد اسلوب قرآن وارد شده است، برآمده‌اند.

نویسنده در دومین مبحث از فصل دوم، ابتدا به صورت جداگانه به بیان دیدگاه سید رضی و سید مرتضی در مورد اعجاز قرآن پرداخته است. نظر سید رضی در باب اعجاز قرآن، همان نظر مشهور است؛ اما سید مرتضی قائل به نظریه «صرفه» است که ابداع ابی اسحاق نظام بوده و قائلین دیگری نیز از بین علمای عامه و خاصه دارد. طبق این نظریه، علت این که مانند قرآن وجود ندارد. آن است که خداوند متعال همانندآوری قرآن را از مقدور بشر خارج کرده است و اگر خداوند موانع همانندآوری را از اراده بشر برمی‌داشت، احتمال همانندآوری برای قرآن وجود داشت. مؤلف مبحث فوق را با ادله سید مرتضی در باب «صرفه» در پیش می‌گیرد و مباحث و اشکالات موجود در مسأله را به همراه پاسخ‌های وی بیان می‌کند.

مؤلف در مبحث سوم از این فصل به موضوع «محکم و متشابه» پرداخته است. وی در این مبحث نیز مانند مباحث قبل، نظریات شریفین را در مسأله «محکم و متشابه» در قرآن کریم بیان نموده و نمونه‌هایی از تأویلاتی را که درباره برخی آیات متشابه ایراد کرده‌اند، ارائه و تبیین کرده است.

مبحث آخر از فصل دوم، «تأویل» در قرآن کریم است. در این مبحث به تأویلات سید رضی و سید مرتضی در تبیین معانی آیات و نیز شیوه‌های آن دو در مورد تأویل آیات قرآن و علت نیاز به تأویل آیات پرداخته شده است.

فصل سوم به مواضع نقد و موازنات ادبی اختصاص دارد. مؤلف این فصل را در چهار مبحث طرح نموده است که عبارت‌اند از:

مبحث اول، جایگاه اشعار: با توجه به التزام سید رضی و سید مرتضی به مقوله شعر و اهتمام ایشان در نقل اشعار، مؤلف در سه بخش به بیان جایگاه اشعار نزد شریفین پرداخته است. او در این باره، ابتدا به مقوله شعر پرداخته و روش مواجهه با اشعار را در ضمن تعابیر شریفین نسبت به اشعار بیان نموده است. وی در بخش دوم، به بیان دیدگاه شریفین در باب «جایگاه شعر در اسلام» پرداخته، و با تقسیم شعر به «قبح» و «ممدوح» به تعابیر ایشان در این مسأله نیز اشاره نموده است. سومین بخش این مبحث، «روایت و تحقیق شعر» است که مؤلف شیوه شریفین را در این مسأله بیان نموده و به برخی اختلافات تفسیری ایشان در نقل برخی اشعار و معانی آن‌ها اشاره نموده است.

مبحث دوم، دیدگاه شریفین نسبت به متنبی: از آن جا که متنبی جایگاه بسیار مهمی در میان علمای ادب عربی دارد و تأثیر به‌سزایی در علوم ادبی داشته است، مؤلف به صورت جداگانه مواضع سید رضی و سید مرتضی در مواجهه با اشعار وی را بیان کرده است. شاید برخی، سید رضی را از طرفداران متنبی، و سید مرتضی را از مخالفین شعر وی پندارند، حال آن که شریفین، عنایت ویژه‌ای به اشعار وی داشته‌اند و این اهتمام و توجه از تعابیر ایشان درباره اشعار وی و شیوه نقل اشعار او به خوبی معلوم می‌شود.

آنچه در مرام سید مرتضی در مواجهه با شعرای بزرگی همچون متنبی قابل توجه است، رعایت انصاف و قلم چرخاندن در بیان حقیقت است. سید مرتضی بدون تعصب، معانی شعر متنبی و وجوه بلاغی آن را بیان و بررسی نموده است. در مواردی از اشعار سید مرتضی، تأثر شکلی و گاه معنوی و لفظی از اشعار متنبی به چشم می‌خورد و این گواه دیگری بر عنایت سید به اشعار متنبی است.

مبحث سوم، مواضع نقدی منظوم: مؤلف در این مبحث به مواردی که شریفین نقدهایی در قالب شعر ایراد نموده‌اند، اشاره می‌کند و مهم‌ترین آن‌ها را با بیان شواهد و موارد آن بیان می‌کند.

نویسنده در آخرین بخش از فصل سوم به مبحث «موازنات ادبی» می‌پردازد. وی در این مبحث با استقراء در کلمات شریفین، مواردی را که آن دو درباره موازنات ادبی مطلبی

داشته‌اند، ذکر می‌کند و توجه به این مبحث را از خصوصیات بارز ادبی آن‌ها به شمار می‌آورد. بر اساس این پژوهش، سید رضی و سید مرتضی از متقدمین در این عرصه و فاضل در این حیطه بوده‌اند.

فصل چهارم، دربارهٔ قضایای نقدی و اختیارات ادبی است. مؤلف این فصل را در سه مبحث عنوان می‌کند:

مبحث اول، ثنائیات نقدی: مؤلف ابتدا به شیوهٔ قدمای علم ادب عربی اشاره می‌کند و بیان می‌کند که بیشتر کتب ادبی قدیم به مصادیق ثنائیات نقدی پرداخته‌اند. منظور از این بحث، مباحث اختلافی است که در مواردی مانند لفظ و معنی، طبع و صنعت، قدیم و حادث، وضوح و غموض، ابداع و سرقت، فصاحت و بلاغت و مانند این‌ها وجود دارد.

در هر یک از عناوین یادشده، سید رضی و سید مرتضی نیز تعبیری در تألیفاتشان دارند و جوانب قضیه را مورد بررسی قرار داده‌اند که مؤلف رساله به آن‌ها پرداخته و شواهد آن را بیان نموده است.

مبحث دوم، سرقت‌های شعری: در این مسأله مؤلف معتقد است که سید رضی و سید مرتضی تقریباً مواضع مشابهی داشته‌اند و با یک روش به مسأله پرداخته‌اند و خطابات نقدی شریفین متوجه این مسأله نیز بوده است. سید رضی و سید مرتضی این مسأله را با موشکافی و دقت مورد بررسی قرار داده‌اند و ملاکات و عواملی را که سبب حکم به سرقت ادبی می‌شوند، بیان نموده‌اند.

مبحث سوم، اختیارات ادبی: در این مبحث مؤلف ابتدا به بیان اختیارات شعری و تصنیفات سید رضی و سید مرتضی در شعر می‌پردازد و با ذکر تألیفات ایشان، از اهتمام آن دو به مبحث اختیار شعر حکایت می‌کند. وی در مبحث دیگری که ذیل این عنوان پیش کشیده، اختیارات منشور شریفین را طرح کرده است.

مهم‌ترین نثر سید رضی طبق بیان مؤلف، نهج البلاغه است که حاوی کلمات گهربار و پر معنای امیر المؤمنین علیه السلام است. سید مرتضی نیز اگرچه کتابی مستقل در نثر ندارد، اما به صورت پراکنده، منشورات ارزشمند و قابل توجهی در آثار ایشان به چشم می‌خورد که حاکی از درک عمیق وی نسبت به مباحث عربی و تشخیص و ارزش‌گذاری آن است.

در خاتمه، مؤلف به نتایج مباحث گذشته پرداخته است و خطاب نقدی شریفین را در یک جمع‌بندی کلی چنین عنوان نموده است:

۱. سید رضی و سید مرتضی معیارهای خاصی در برخورد با نصوص داشته‌اند که قابل توجه و تأمل است.

۲. شیوه شریفین و شرح و تطبیق خطاب نقدی آن دو در مباحث فصول گذشته مورد بیان و بررسی قرار گرفت.

۳. نگاه نقادانه شریفین، حتی در برخی مآثورات مسلم وجود داشته و او کمتر مغلوب جز غالب در یک مسأله شده است.

۴. برخی مباحث نقدی که در زمان سید مرتضی و سید رضی و حتی قبل از آن مرسوم و متداول بوده است، الآن نیز جزو مسائل داغ و مورد بحث است.

۵. در ضمن مباحث، اهتمام و توجه شریفین به قضایای قرآنی معلوم شد و نظریه سید مرتضی به نام «صرفه» نیز بیان شد.

۶. مواضع اختلافی و خاص شریفین در مسائل مختلف، ضمن مباحث فصول، مورد بیان و بررسی قرار گرفت.

۷. به اهداف برخی نقدهای شریفین که در قالب شعر بیان شده است، اشاره شد.

۸. از مجموع مباحث، معلوم شد که تبخّر شریفین در صناعت شعر، علاوه بر ایجاد برجستگی و فخامت در اشعار ایشان، در نقد و تأویل اشعار دیگران توسط شریفین نیز نمود دارد.

۹. انعکاس افکار و آرای اعتقادی و فکری شریفین در خطاب نقدی ایشان به وضوح قابل برداشت است.

۱۰. سید رضی و سید مرتضی در خطاب نقدی و اصول و اساس نقد ادبی، اشتراک داشته‌اند؛ اگرچه در بعضی آرای جزئی اختلاف‌هایی به چشم می‌خورد.

۱۱. نقد سید رضی و سید مرتضی در نوع خود بی‌نظیر است؛ چرا که شریفین با حرّیت و شجاعت از مواضع خود دفاع کردند و به نقد مخالفین پرداختند.

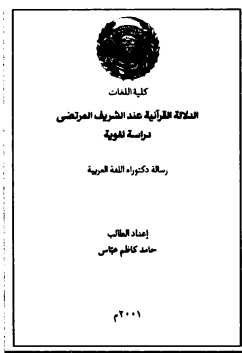
الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى؛ دراسة لغوية

حامد کاظم عباس

رساله دکتری زبان و ادبیات عرب

دانشکده زبان دانشگاه مستنصریه، عراق

سال ۲۰۰۱ م



این رساله، پژوهشی پیرامون اندیشه‌های اصولی و تفسیری سید مرتضی علم الهدی و نوآوری‌ها و آرای ویژه او در این رابطه است. سید مرتضی بنیان‌گذار علم اصول فقه شیعه بوده و از شاگردان شیخ مفید و شیخ صدوق به شمار می‌آید. بر این اساس و نیز به دلیل عدم توجه محققان به آثار و مباحث دلالی سید مرتضی، نویسنده این موضوع را به عنوان رساله دکتری خود برگزیده است تا تلاشی باشد در جهت نشان دادن اندیشه‌ها و آثار سید مرتضی.

این رساله از پنج فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. نویسنده ابتدا به بررسی زندگی سید مرتضی، آثار، استادان و شاگردان وی می‌پردازد و درصدد است تا توصیف جامعی از حیات این عالم والا مقام ارائه دهد.

وی سپس، به بررسی دلالت در لغت و زبان و اهمیت آن می‌پردازد و گذشته و حال علم دلالت و چگونگی پیشرفت آن را بیان می‌کند؛ زیرا به عقیده او دلالت از مهم‌ترین

مسائل لغوی و در رأس پژوهش‌های ادبی و لغوی است که زبان‌شناسان معاصر نیز به آن توجه داشته و نظریه‌های بسیاری در این مورد بیان کرده‌اند.

مؤلف در فصل دوم به بیان دلالت کلمه و تقسیم آن بر سه مبحث دلالت حقیقی، دلالت مجازی و دلالت سیاقی پرداخته است. در فصل سوم، دالّ و مدلول را به سه بخش مشترک لفظی، اضداد و مترادف‌ها تقسیم نموده و هر سه را تبیین کرده است. وی در فصل چهارم، دلالت نحوی را بیان کرده که در مورد روابط نحوی بین کلمات و جایگاه آن‌ها در قوانین زبان است و تقدیم و تأخیر، حذف و تقدیر و... را در بردارد.

در پایان به استناد دلالتی اشاره شده که به بیان چگونگی به کارگیری شاهد لغوی، شاهد شعری و تفسیر قرآن با قرآن می‌پردازد.

الدلالة النحوية في تفسير الشريف المرتضى، المسمّى بـ«نفائس التأويل»

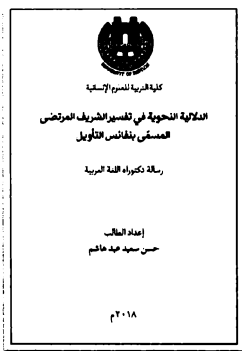
حسن سعيد عبد هاشم

رساله دکتري زبان عربي

دانشکده آموزش علوم انسانی دانشگاه

بابل، عراق

سال ۲۰۱۸م



سید مرتضی در تفسیر آیات قرآن، اغلب ابواب نحورا بحث کرده و گاهی آرای پیشینیان را تأیید می‌کند و گاهی نیز به مناقشه درباره آن می‌پردازد. شیوه او چنین است که آرای علمای قدیم لغت و نحورا پیش می‌کشد و مورد مناقشه قرار می‌دهد و شرح و تعلیقی بر آن می‌زند و اگر با رویکرد نحوی خود مطابق نبود، آن را رد می‌کند. او متمایل به مذهب نحوی خاصی نیست،

بلکه آنچه را که قصد شرحش را دارد، برمی‌گزیند و از آن استفاده می‌کند. او در لغت نیز چنین می‌کند؛ یعنی به صرف نقل، بسنده نمی‌کند، بلکه آرای خود را بیان می‌دارد یا اعتراضی برای آن ارائه می‌کند و به بحث و مناقشه می‌کشاند. او بعضی آرای علمای بزرگ مانند جاحظ و ابن قتیبة و ابن الأنباری را رد می‌کند.

(۱۸۲)

دیوان الشریف المرتضی؛ دراسة لغوية

حسن کرزاز جادر العامری

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی

دانشکده آموزش علوم انسانی (ابن رشد)

دانشگاه بغداد

سال ۲۰۰۸ م

این رساله در دو فصل سامان یافته است:
در فصل اول به مباحث صرفی در دیوان
شریف مرتضی پرداخته و ساختارهای
افعال و دیگر کلماتی که در این کتاب مورد
استفاده قرار گرفته، بررسی شده است، و
فصل دوم به مباحث نحوی این دیوان
اختصاص یافته است.



کلیه قریه ابن رشد للعلوم التجلیه

دیوان الشریف المرتضی

مارسة لغویة

رسالة ماجستير للغة العربیة

إعداد الطالب

حسن کرزاز جادر العامری

م ۲۰۰۸

(۱۸۳)

الرتاء عند الشریف المرتضى

حسن شوندى

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عرب

دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی

دانشگاه علامه طباطبائی

استاد راهنما: خضیر جعفر

استاد مشاور: سید محمد حسینی

سال ۱۳۷۸

هدف این پایان نامه، شناخت شخصیت ادبی

سید مرتضی و نیز بررسی افکار و نظرات

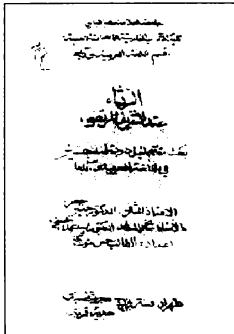
عقیدتی، مذهبی و اجتماعی اوست.

گردآوری اطلاعات این پژوهش با روش

فیش برداری از منابع موجود انجام شده است. دیوان شعر سید مرتضی یکی از مهم ترین

منابع تاریخی در مورد دوران حکومت آل بویه و شامل بیست هزار بیت است. با مطالعه این

اثر می توان به شخصیت علمی و ادبی سید مرتضی نیز پی برد.



(۱۸۴)

الثناء في شعر الشريف المرتضى: دراسة فنية

حمودي جبير حسن الياسري

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه

استاد راهنما: حاکم حبیب الکریطی

سال ۱۹۹۸م

از این پایان نامه، اطلاعاتی بیش از مطالب بالا در دسترس نیست. اطلاعات یادشده بر اساس داده های پایگاه «المستودع الرقمي العراقي للأطاريح و رسائل الجامعة» است:

<https://iqdr.iq/search?view=bfbdb1116bcbdb6ea33e3b066a002ba050>

6bcbdb6ea33e3b066a002ba050



كلية الآداب

الثناء في شعر الشريف المرتضى

دراسة فنية

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

حمودي جبير حسن الياسري

إشراف

الدكتور حاكم حبيب الکریطی

م ۱۹۹۸

(۱۸۵)

شرح مرآئی شریف مرتضی - بخش یکم

زهرآ قاسمی اصل

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قلاورجان

استاد راهنما: دکتر سید رضا سلیمانزاده

نجفی

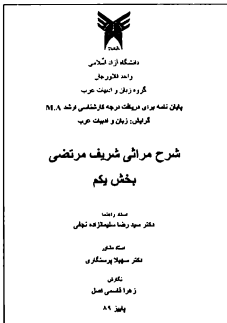
استاد مشاور: دکتر سهیلا پرستگاری

سال ۱۳۸۹

نام و آوازه شریف رضی را بسیار شنیده و حتی در باره اش چیزها خوانده ایم، ولی نام برادرش شریف مرتضی برای شماری اندک آشناست و چه بسا کسان بسیاری که با علوم اسلامی آشنایی کمتری دارند، نامش را هم نشنیده و از آوازه اش هیچ

نمی دانند، اگرچه به جرأت می توان گفت که اگر ارج و جایگاه او بیشتر و بلندتر از سید رضی نباشد، بی شک کمتر و پایین تر هم نیست، چنان که در کتاب دمیة القصر درباره این دو برادر آمده است: او و برادرش دو میوه در درخت سیادت و دو مهتاب در سپهر ریاستند و اگر ادب رضی همدوش دانش مرتضی آید، به سان درخشش بر تیغ شمشیر بران است.

شریف مرتضی مجموعه ای از فرهنگ ها و معارف اسلامی و عربی بود. او آثاری ممتاز در تفسیر، کلام، عقاید، فقه و اصول آن، ادب و شعر و دانش های دیگر رایج در روزگار خود داشت. اگرچه شریف مرتضی اشعار بسیاری دارد- تا جایی که در برخی کتب، شعر وی را بالغ بر بیست هزار بیت نوشته اند- و او از این ابزار فراوان برای دفاع از مذهب خود و نیز تبلیغ آن بهره



برده است، ولی بیشتر به عنوان یک دانشمند شناخته شده است تا یک شاعر. از او در کتب بسیاری نام برده شده و ستایش شده است، ولی بیشتر، سخن از دانش اوست و کمتر به شعرش پرداخته‌اند. نویسنده به همراه دو دانشجوی دیگر که گزارش پایان‌نامه‌های آنان در پی می‌آید، بر آند تا به سراغ این وجه کم‌بررسی‌شده سید مرتضی رفته و به شرح بخشی از آن، یعنی مرثیه‌های او بپردازند. آن‌ها امیدوارند این پژوهش‌ها گامی بلند در شناخت ادب شریف مرتضی باشد و چون ابیات بسیاری از سید در این زمینه شرح داده‌اند، برای پژوهشگران و به‌ویژه دانشجویان سودمند باشد.

هر یک از این پژوهش‌ها دربرگیرنده یک مقدمه و دو فصل است: مقدمه مشتمل بر کلیات پژوهش است. فصل نخست، درباره شریف مرتضی و حیات سیاسی و علمی وی است. و فصل دوم، دربرگیرنده شعر شریف مرتضی و نیز شرح مرثیاتی اوست. شریف مرتضی در کنار تألیفات بسیار در فقه، اصول، کلام، تفسیر، ادب و شعر، چهارده قصیده (۶۶۹ بیت) در هفت بحر طویل، سریع، کامل، وافر، خفیف، رمل و بسط در رثای جدش امام حسین علیه السلام دارد. او در این قصاید فکر شیعه و اضطراب حقیقی تشیع را به نظم کشیده است.

هر کدام از این پژوهش‌ها، بخشی از این مرثیاتی را شرح داده‌اند. روش آن‌ها، توصیفی-تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. با مراجعه به کتب ادبی و معاجم لغوی، به شرح قصائد منتخب پرداخته شده است. شرح هر بیت، شامل: حرکت‌گذاری کامل بیت، شرح واژه‌ها، ذکر نکات صرفی، نحوی و بلاغی در صورت لزوم و ترجمه بیت به زبان فارسی است.

اهداف تحقیق:

۱. شرح و بسط بخشی از مرثیاتی سید مرتضی؛
 ۲. ارائه مضامین ادبی و جلوه‌های بلاغی در این قصاید؛
 ۳. ارائه سیمای اهل بیت علیهم السلام در کلام سید مرتضی.
- این پژوهش برای دانشجویان و همه علاقه‌مندان به ادب عرب و اهل بیت علیهم السلام قابل استفاده است.

(۱۸۶)

شرح مرآتی شریف مرتضی - بخش دوم

سمیرا جهانگردی شهرضایی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد فلاورجان

استاد راهنما: دکتر سید رضا سلیمان زاده نجفی

استاد مشاور: دکتر سهیلا پرستگاری

سال ۱۳۸۹

معرفی این پایان نامه در مدخل قبلی (شماره

۱۸۵) گذشت.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد فلاورجان

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گروه زبان و ادبیات عرب

شرح مرآتی شریف مرتضی

بخش دوم

استاد راهنما:

دکتر سید رضا سلیمان زاده نجفی

استاد مشاور:

دکتر سهیلا پرستگاری

نقوش:

سمیرا جهانگردی شهرضایی

پاییز ۸۹

(۱۸۷)

شرح مراثی شریف مرتضی - بخش سوم

صدیقه باقری مهر

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد فلاورجان

استاد راهنما: دکتر سید رضا سلیمان زاده نجفی

استاد مشاور: دکتر سهیلا پرستگاری

سال ۱۳۸۹

معرفی این پایان نامه، در مدخل شماره ۱۸۵

گذشت.

در اینجا به تناسب موضوع پژوهش، بخشی

از ملاحظات عبدالرزاق در کتاب ادب المرتضی

من سیره و آثاره را درباره شعر سید مرتضی

نقل می کنیم:

نخست این که سید مرتضی بدیهه گویی پرشتاب و حاضر جواب بود؛ گاهی ارتجالاً شعر می گفت و گاهی در یک مناسبت و در یک زمان نزدیک، چند قصیده می گفت. آسانی در شعر سید و نبودن نیکوگویی در بیشتر آن با همین مسأله تفسیر می شود و بیت های سست و گسسته در قصیده هایش جای می گیرند و شعرش را به آن جا می رساند که سخنی نثرگونه است که نشانی از کوشش و درنگ در معانی و عبارات آن نیست.

دوم این که وی به حکم جایگاه دینی و اجتماعی اش، ملتزم شرم و خویشترداری می شود؛ پس انتظار نمی رود که او بر شیوه شاعران رود و در پسِ خواطر ادبی دل پسند - که در راه آن به خشم خدا و مردم اهمیت داده نمی شود - روان گردد. برای همین، شعرش از



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد فلاورجان

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد MA

تألیف: زبان و ادبیات عرب

بخش سوم

مهر

دکتر سید رضا سلیمان زاده نجفی

مهر

دکتر سهیلا پرستگاری

مهر

صدیقه باقری مهر

پایان

تعرض به ادیان و نقد عادت‌ها و آزادی در نکوهش و ناسزاگویی در هجا و گزافه‌گویی در ستایش تهی است و این چیزهایی است که برای بالا بردن هنر شعر از آن گریزی نیست؛ زیرا شعر، فراز نمی‌رود، مگر آن‌جا که از حرج و بند رها شود.

سوم این که شعر، برجسته‌ترین کار شریف مرتضی و برگزیده برای کوشش او نبود. او درگیری‌هایی ذهنی و اجتماعی‌ای داشت که سزا بود او را از شعر کنار زند؛ اما او دوستدار شعر و شیفتهٔ سرودن بود. به هر حال هنگامی که شعر به عنوان یک هنر یا یک صنعت، به جز با کوشیدن برای آن و نیست شدن در آن، بالا نمی‌رود، پس انتظار نداریم که شریف مرتضی شعرش را به جایی برساند که آنان که شعر حرفه‌شان بود و برای سرودنش از همه چیز بریدند، رساندند.

چهارم این که شریف در آسانی و فراخی به سر می‌برد و [لذا] شعرش افروخته نمی‌گردد، مگر آن‌جا که سوخت آن آشفته‌حالی و رنج‌ها باشد.

پنجم این که او از شعر خودش خوشش می‌آمد و به خوب و بد آن می‌بالید و ما معارضهٔ او با برخی شاعران سرشناس، مانند «متنبی» و «بحتری» و برادرش «رضی» و جز آنان را و سپس تلاش برای رسیدن به معانی ابن الرومی و ابوتمام در وصف پیری و جوانی و طیف خیال را از سوی او، با همین مسأله تفسیر می‌کنیم. اگر آن پسندیدگی شعرش نبود، ناهمگونی‌هایی میان شعر او و آنان از وی نهفته نمی‌ماند، آن‌گاه که او از بهترین مردان نقد و سنجش است.

ششم این که جایگاه اجتماعی شریف مرتضی، اهتمامی بسیار از سوی هم‌سده‌ای‌هایش روانهٔ شعرش کرد. برای همین، خلفای عباسی به او می‌بالیدند و شاهان آل‌بویه به او آرمند بودند و ادیبان معاصرش، تبادل نظر و هم‌ستایی با او را دوست داشتند و مورخان بسیار او را ستودند، آن‌گاه که دیگران برای آنچه در آن مناسبات گفتند، کمتر ستوده شدند.

و هفتم این که شریف در بیشتر اغراضی که شعر عربی بدان راه یافت، شعر سرود و همچون آگاهی آشنا به آنچه سرودند، به آن‌ها پرداخت. پس بیشتر معانی‌اش برگرفته از دیگران است و جز اندکی ابتکار و نوآوری در شعر او دیده نمی‌شود.

(۱۸۸)

الشريف المرتضى بين إبداع الشعري و النقد الأدبي

ربود سامر محمود

رسالة دكتورى ادبيات عربى

دانشگاه هاشمیه، اردن

استاد راهنما: دکتر خالد الحليوني

سال ۲۰۱۱م

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از

مطالب بالا در دسترس نیست.



المرتضى بين

الشريف المرتضى بين إبداع الشعري و النقد الأدبي

رسالة دكتوراه الأدب العربي

إعداد الطالب

ربود سامر محمود

إشراف

الدكتور خالد الحليوني

م ۲۰۱۱

(۱۸۹)

الشريف المرتضى ناقداً

محمّد اديب عبدالرازى اديرس

رساله دكتورى زبان و ادبيات عرب -

دانشكده دختران دانشگاه عين شمس،

مصر

استاد راهنما: دكتور حسن احمد البندارى و

دكتور عزّة محمّد بدوى الغنام

سال ۲۰۰۵م

تعريف نقد ادبى در نزد قدما با آنچه امروزه از

آن استنباط مى شود، متفاوت است. در نزد قدما

مراد از نقد معمولاً اين بوده است كه معايب

اثرى را بيان كنند و مثلاً در اين كه الفاظ آن چه

وضعى دارد، يا معنى آن برگرفته از اثر ديگرى

است و به طور كلى از فراز و فرود لفظ و معنى سخن بگويند. اين معنى از خود لغت نقد فهميده مى شود؛ زيرا نقد، جدا كردن سره از ناسره است.

اما در دوران جديد، مراد از نقد ادبى، نشان دادن معايب اثر نيست - هرچند ممكن است به اين امر هم اشاراتى داشته باشد - زيرا نقد ادبى به بررسى آثار درجه يك و مهم ادبى مى پردازد و در اين گونه آثار بيش از اين كه نقاط ضعف مهم باشد، نقاط قوت مطرح است. لذا منتقد ادبى مى كوشد با تجزيه و تحليل اثر ادبى مورد نظر، اولاً ساختار و معناى آن را براى خوانندگان روشن كند و ثانياً، قوانينى را كه باعث اعتلاى آن اثر ادبى شده است توضيح دهد. لذا نقد ادبى از يك سو، به كارگرفتن قوانين ادبى در توضيح اثر ادبى است و از سوى



جامعة عين شمس
كلية فنيات
قسم لغة عربية وادبها.

الشريف المرتضى ناقداً

دراسة مقدمة لنبيل درجة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها.

إعداد

محمد اديب عبد الراضى اديرس.

إشراف

إ.د. حسن أحمد البندارى - أستاذ هيلافة وثقافة الأديب
د/ عزّة محمد بدوى الغنام - أستاذة اللغة العربى كلساه
كلية فنيات - جامعة عين شمس. كلية فنيات - جامعة عين شمس.

١٤٢٦هـ - ٢٠٠٥م

دیگر، کشف آیین‌های تازه ممتازی است که در آن اثر مستتر است.

بدین ترتیب می‌توان به اهمیت نقد ادبی در گسترش ادبیات و متعلقات آن پی برد؛ زیرا با نقد ادبی اولاً، همواره ادبیات و علوم ادبی متحول و زنده می‌ماند. منتقد در بررسی آثار والا از آن بخش از ابزارهای ادبی استفاده می‌کند که کارآمد است و خود به خود برخی از ابزارهای علمی و فنی فرسوده از دور خارج می‌شوند و ثانیاً، با بررسی آثار والا، معاییر و ابزارهای جدیدی را کشف می‌کند و به ادبیات کشور خود ارزانی می‌دارد. خوانندگان به کمک منتقدان ادبی، معاییری به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی واقعی نهند و این باعث می‌شود که جریانات فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان ذوق و اندیشه و رأی و نبوغ، مقام شایسته خود را باز یابند.

نقد ادبی همیشه به معنی دیگرگونه خواندن اثر نیست؛ گاهی به معنی دقیق‌تر خواندن یا هوشیارانه‌تر مطالعه کردن اثر است. در مورد نثر نقد ادبی بد نیست که اشاره شود که باید ساده و روشن و علمی باشد.

نقد ادبی کاری خلاق است و گاه منتقد ادبی به اندازه صاحب اثر باید دارای ذوق و خلاقیت باشد، با این فرق که نویسنده و شاعر، ضرورتاً اهل فضل و به صورت خودآگاه آشنا به همه فوت و فن‌های علوم ادبی نیست؛ حال آن که منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد. از سوی دیگر، منتقد گاهی به عنوان واسطه‌ای بین نویسنده و خواننده عمل می‌کند و باعث می‌شود تا خواننده، متون تراز اول را به سبب برجستگی و تازگی‌شان - که معمولاً با ابهام و اشکال همراهند - فهم کند. معمولاً آثار ادبی والا را فرهیختگان می‌ستایند و عوام‌الناس به تبع ایشان به آن آثار و نویسندگانشان احترام می‌نهند؛ اما خود، دلیل ارزش آن‌ها را نمی‌دانند. منتقد در تجزیه و تحلیل‌های خود، علل برجستگی این آثار را برای مردم توضیح می‌دهد و در این صورت، گویی غیرمستقیم به مردم می‌فهماند که چه آثاری فاقد ارزشند. در نتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد، وضع نویسنده و شاعر و نشر و مطبوعات و جریانات فرهنگی معمولاً به‌سامان است؛ معمولاً حق به حق‌دار می‌رسد و منتقدان فرهنگی کمتر مجال سوء استفاده می‌یابند.

منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با نحله‌های مختلف نقد ادبی و علوم ادبی، باید فرد کتاب‌خوانده‌ای باشد و با بسیاری از دانش‌های دیگر چون سیاست و مذهب و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی، برخلاف آنچه امروزه می‌گویند، فقط به لحاظ ادبی بودن شهرت و قبول نمی‌یابند، بلکه هزار نکته باریک‌تر از مو این جاست.

نقد ادبی کلاً بر دو نوع است: ۱. نقد نظری؛ ۲. نقد عملی.

نقد نظری، مجموعه منسجمی از اصطلاحات و تعاریف و مقولات و طبقه‌بندی‌هایی است که می‌توان آن‌ها را در ملاحظات و مطالعات و تفاسیر مربوط به آثار ادبی به کار برد. همین‌طور محک‌ها و قواعدی را مطرح می‌کند که با استعانت از آن‌ها می‌توان آثار ادبی و نویسندگان آن را مورد قضاوت و ارزیابی قرار داد و به اصطلاح، ارزش‌گذاری کرد.

نقد عملی یا تجربی به بررسی تقریباً تفصیلی اثر خاصی می‌پردازد؛ یعنی استفاده عملی از قواعد و فنون ادبی برای شرح و توضیح و قضاوت اثری. در نقد عملی باید از اصول نظری نقد - که طبیعتاً بر تجزیه و تحلیل‌ها و ارزش‌گذاری منتقد، نظارت و حاکمیت دارند - به طور ضمنی و غیر صریح استفاده کرد؛ نه این که به صورت نقل قول، نقد را تحت الشعاع قرار دهند. به عبارت دیگر باید به صورت توصیه‌هایی، گاه به گاه و مناسب مقام، مورد رجوع و استفاده قرار بگیرند. در نقد ادبی بحث این است که «فلان اثر (شعر) تا چه حد خوب است؟ اما برای این که متوجه شویم فلان اثر (شعر) تا چه حد خوب است، باید مسائل مختلفی را مد نظر داشته باشیم. مثلاً باید نسبت به صحت متن آن مطمئن باشیم و بعد به مباحث زبان‌شناسی و تاریخی آن وارد شویم.

یکی از جنبه‌های مهم و اثرگذار در آثار شریف مرتضی، نقد ادبی او نسبت به آثار و اشعار گذشتگان و معاصران خود است. او در کتاب‌های خود به مناسبت، اشعار دیگران را نقل کرده و به وسیله ابزار نقد ادبی همچون مقارنه و موازنه به نقد آن‌ها پرداخته است.

نویسنده رساله در یک مقدمه و هفت فصل و یک خاتمه به بررسی این موضوع پرداخته است.

(۱۹۰)

الشريف المرتضى ناقداً

عبدالناصر هاشم الهيتي

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده آموزش دانشگاه الأنبار، عراق

سال ۲۰۰۱م

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از مطالب بالا

در دسترس نیست. اطلاعات یادشده بر

اساس داده های سامانه «دارالکتب و الوثائق»

است:

<http://www.iraqnla-iq.com/opac2>

[/fullrecr.php?nid=28121&hl=ara](http://fullrecr.php?nid=28121&hl=ara)



کتابخانه

الشريف المرتضى ناقداً

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

عبدالناصر هاشم الهيتي

۲۰۰۱م

(۱۹۱)

الشریف المرتضی و أدبه

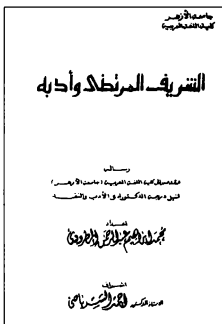
محمّد ابراهیم عبدالرحمن المطرودی

رساله دکتري نقد ادبی

دانشکده زبان عربی دانشگاه الأزهر، مصر

استاد راهنما: أحمد الشرباصی

سال ۱۹۷۹م



این رساله مشتمل بر چهار باب است. باب اول مربوط به سید مرتضی و عصر وی است و باب دوم شاخصه‌های نثر وی را مورد بررسی قرار داده است. در باب سوم، اغراض شعری سید را طرح نموده و برای هر غرضی یک فصل اختصاص داده است. در باب چهارم، شاعریت سید مرتضی و خصائص شعر وی بیان شده است.

باب اول مشتمل بر سه فصل است: زمانه سید مرتضی، زندگی سید مرتضی، و آثار و مصادر ادبی ایشان.

فصل اول، زمانه سید مرتضی: در این باب، نویسنده به بیان و بررسی حالات سیاسی سید و نیز حالات اجتماعی، فکری و ادبی وی پرداخته است. او در بخش اول این فصل پس از بیان مقدمه‌ای در اوضاع سیاسی قبل از سید تا زمان وی، تفکرات سیاسی - اسلامی و تطورات فکری از زمان پیامبر اکرم ﷺ تا زمان سید مرتضی را بررسی کرده است.

مؤلف معتقد است با بررسی آراء و نظرات سید روشن می‌شود که او تفکرات و نظرات سیاسی ویژه‌ای داشته است و این افکار در شعر و نثر وی بروز و ظهور پیدا کرده است.

نویسنده در تبیین حالات اجتماعی سید مرتضی، به ولایت عامه و خاصه او اشاره می‌کند و امارت حج ایشان و رسیدگی به مظالم را به عنوان شواهد حضور جدی و اثرگذار سید در اجتماع بیان می‌کند. پژوهشگر، حالات فکری سید مرتضی را در ضمن شیوه برخورد وی با آیات قرآن و احادیث نبوی و فقه و کلام اسلامی و علوم عربی بیان کرده است.

وی در آخرین بخش از فصل اول به بیان حالات ادبی سید مرتضی می‌پردازد و بعد از ذکر مقدمه‌ای در تبیین محل بحث و معنای ادب و همچنین ادبای معاصر سید و قبل از ایشان، به مسلک ادبی او و قوت ادبی‌اش اشاره می‌کند.

فصل دوم، زندگی و آثار سید مرتضی: نویسنده در این فصل از باب اول، به ده موضوع ذیل عنوان «حیات سید مرتضی» می‌پردازد.

در بخش نخست، به احوالات سید در کودکی و فضایی که او در آن رشد و پرورش یافته پرداخته است.

او در بخش دوم، دوره جوانی و پیری سید و نیز وقایعی را بیان نموده است که شخصیت علمی ایشان را شکل داده است.

در بخش سوم، به تربیت شاگردان و وفات سید اشاره نموده و او را شخصیتی موجه و مورد احترام نزد عامه و خاصه معرفی کرده است.

وی در چهارمین بخش، تحت عنوان «الأسرة الصغیرة»، به فرزندان سید و جایگاه علمی ایشان اشاره کرده است.

در بخش پنجم با عنوان «الأسرة الکبیرة»، به نسب سید مرتضی، و پدر و برادر ایشان اشاره نموده و برخی اشعار وی در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) و اجداد طاهرینش را مثال آورده است.

نویسنده در بخش ششم، به آثار فرزندان و آباء و اجداد سید مرتضی در شعر ایشان پرداخته و نمونه‌هایی از اشعار وی را که در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) و نسل خود او است، مثال آورده است.

وی در بخش هفتم از این فصل، به شخصیت سید و صفات جسمی و نفسی و اجتماعی ایشان پرداخته است و به این نکته توجه داده است که سید از تمام شرایط و استعدادهایش در راه طاعت و تعلیم و تعلم بهره جسته است.

نویسنده در بخش هشتم به استادان سید اشاره کرده است و در توصیف هر یک از آن‌ها، مطالبی ارائه نموده است.

در بخش نهم، به عقاید سید اشاره نموده و وی را شیعه امامی خالص معرفی کرده و در ردّ اعتزال ایشان، مطالبی ارائه نموده است. در این بخش و در تبیین مسلک علمی سید، از کلمات وی و اشعار او مثال‌هایی آورده است و با تجمیع آن‌ها، وی را مجتهد و شیعه امامی و متفکری بی‌مانند در عصر خود معرفی کرده است.

در بخش دهم، روابط سید را مورد بررسی قرار داده است. در این بخش ابتدا شیوه برخورد سید مرتضی با خلفای معاصرش را بیان نموده و اشعار او را که در مدح یا مرثیه آن‌ها سروده شده، بیان نموده است. در پایان به این نکته مهم اشاره کرده است که آنچه در اشعار سید به عنوان مدح خلفا دیده می‌شود، مدح چاپلوسانه و با توقع کسب درآمد نیست، بلکه ایشان آن اشعار را بنا به مصالحی و با ارائه برخی نصایح و انتقادات و سعی در تعالی خلفا به سوی عدالت سروده است. در ادامه بخش دهم، به دوستان سید اشاره نموده و انعکاسی از ارادت وی به آن‌ها و در مواردی حزن ایشان در فقدان برخی دوستان و نزدیکان ایشان را در اشعار وی نمونه آورده است.

آخرین بخش از فصل دوم این باب، شرح حالی از شاگردان سید است که برجسته‌ترین آن‌ها شیخ طوسی است.

فصل سوم، آثار و مصادر ادبی سید مرتضی: در این فصل نویسنده ابتدا به احاطه تام سید مرتضی به علوم ادبی و بلاغی اشاره نموده و مؤلفات ایشان را در چند بخش مورد بررسی قرار داده است.

وی ابتدا مؤلفات سید در تفسیر، حدیث، فقه و کلام اسلامی را بیان نموده که ۲۴ مورد است و نیز پنج مورد تألیف ادبی برای او ذکر می‌کند و سپس کتاب‌شناسی آثار ایشان را به اختصار بیان می‌کند. در ادامه ۷۱ مورد از مواردی را که علمای دیگر در کتاب‌هایشان به آثار سید اشاره و ارجاع داده‌اند، نام می‌برد و این مطلب را دلیلی بر مرجع بودن وی در بسیاری از علوم اسلامی اقامه می‌کند.

باب دوم رساله با عنوان «نثر ادبی سید مرتضی»، در دو فصل ارائه شده است:

نویسنده در فصل اول به موضوع نثر در کلمات سید مرتضی می‌پردازد. او در این فصل، آثار منشور سید مرتضی را به سه قسم انشائی، وصفی و ادبی در موضوعات غیر ادبی تقسیم کرده و برای هر یک، شواهدی از کلمات وی آورده است.

در فصل دوم این باب، خصائص نثر فنی سید مرتضی بیان شده است. مؤلف با بررسی آثار سید، ابتدا در یک قضاوت کلی می‌گوید که قلم سید چه در مسائل ادبی و چه در مسائل دینی و کلامی از فصاحت و غنای ادبی بالایی برخوردار است.

وی در ادامه به بررسی خصوصیات نثر در قرن چهارم هجری می‌پردازد و این قرن را دوره‌ای متفاوت از قرون گذشته معرفی می‌کند. او از حیث ادبی و شیوه‌های نگارش برای آن دوره، سه روش را ذکر می‌کند و آثار سید را ترکیبی از هر سه روش معرفی می‌کند.

وی اهم خصائص نثر ادبی سید را در شش بخش عنوان کرده است:

۱. به تصویر کشیدن مباحث و مسائل کلامی در قالب ادبی مناسب؛

۲. التزام به اسلوب نگارش علمی در نوشتن کتب فقهی یا اصولی.

۳. رسا بودن عبارات و پیوستگی نظرات در تبیین مسائل.

۴. دایره وسیع واژگان بلیغ در آثار.

۵. احاطه بر تعدّد معانی در یک لفظ و ایراد احتمالات مختلف در موارد متعدّد.

۶. ارائه علاج علمی در مباحث ادبی و ارائه اقوال متعدّد به همراه نتیجه علمی.

نویسنده در پایان این فصل، نمونه‌هایی از عبارات سید در مباحث متعدّد را مثال زده

است که هر یک حاکی از رعایت اقتضای موضوع در مطالب ارائه شده است.

باب سوم، در مورد اغراض شعر سید مرتضی است. در این باب مؤلف در هشت فصل مدح، فخر، رثاء، اخوانیات، غزل، وصف، زهد و وعظ و اعتبار، به بیان اغراض شعری سید پرداخته است. وی در هر فصل ابتدا تصویر محل بحث را ترسیم نموده و معانی لغوی و اصطلاحی موضوع را بررسی کرده است.

نویسنده در فصل اول، برخی اشعار مدحی سید را مثال آورده و آن‌ها را شامل نصایح و مطالب مفید و تقریباً عاری از غلو و چاپلوسی دانسته است.

وی در فصل دوم، ضمن ارائه اشعاری که سید مرتضی در معنای فخر سروده، به

میان‌روی ایشان در این معنا نیز اشاره نموده و زهد و تقوای ایشان را مانع از تفاخری که به معنای تکبر و برتری‌جویی است، دانسته است.

در فصل سوم، اشعار سید در رثای اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه سید الشهداء علیه‌السلام و برادر خود سید رضی و خلفای زمان را مثال آورده و این مرثی را توأم با عبرت‌ها و معانی پندآموز دانسته است.

در فصل چهارم، ضمن اشاره به جایگاه اجتماعی سید و حضور پررنگ او در جلسات علمی و غیره و نیز تعدّد دوستان سید و حضور دائمی آنان در مراحل مختلف زندگی وی و ارادت سید به برخی دوستان نزدیکش، به مواردی از اشعار ایشان در این زمینه اشاره می‌کند و آن‌ها را مشتمل بر اغراض متعدّدی همچون مدح، نکوهش، رثاء، نصیحت و دیگر اغراضی می‌داند که هدفمندی ایشان را در ایراد اشعار حکایت می‌کند.

مؤلف در فصل پنجم، با ذکر چند غزل از سید مرتضی، خواننده را به این نکته توجّه می‌دهد که سید، شاعر غزل‌سرا نبوده، اما به جهت جامعیت ایشان در ارائه معانی مختلف برای خطرات قلبی خود، در مواردی که محبتی به قلب ایشان وارد می‌شده، اشعاری در قالب غزل سروده است و اکثر موارد آن مربوط به رجال سیاسی و دینی بوده است.

وی در فصل ششم، اشعار توصیفی سید را بیان می‌کند و در سه بخش وصف عام، وصف طیف و خیال و وصف شیب و شباب به ذکر اشعار ایشان می‌پردازد و بیان می‌کند که در مورد اوّل بسیار کم در اشعار سید مدح وجود دارد، ولی دو قسم دیگر به وفور در اشعار ایشان موجود است.

در فصل هفتم، نویسنده اشاره می‌کند که سید در موضوع زهد، اشعار بسیار کمی سروده است و لکن کلمات ایشان، عاری از این موضوع نیست.

او در آخرین فصل از باب سوم رساله، به اهتمام سید به موعظه و عبرت‌گیری می‌پردازد و اشاره می‌کند که سید به این موضوع توجّهی جدّی داشته است.

مؤلف در باب چهارم رساله به شاعریّت سید و خصائص شعری وی اختصاص داده است. او در مقدمه‌ای، اشعار سید را بلیغ و روان و فاخر اللفظ و المعنی معرفی می‌کند و از بزرگان ادب عربی در وصف اشعار ایشان و شاعریّت وی مطالبی را نقل می‌کند.

وی در فصل اول این باب، اهم عوامل شاعریّت سید مرتضی را در هفت مورد بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. شخصیت سید؛ ۲. مدایح سید درباره خلفا و احترام متقابل آن‌ها به اشعار و شخصیت ایشان؛ ۳. فضای خانوادگی و جایگاه نسبی ایشان؛ ۴. زهد و کرم سید؛ ۵. مناصب و القاب سید؛ ۶. دوستان سید و محبت ایشان به آن‌ها؛ ۷. ارتزاق نکردن سید از شعر.

فصل دوم این باب به «خصائص فنی اشعار سید مرتضی» پرداخته است. مؤلف در این فصل، ابتدا به معجم شعری سید اشاره نموده و انواع مضامین شعری را که در دیوان شریف مرتضی وجود دارد توصیف و تشریح نموده است و در ادامه به برخی صناعات ادبی و بلاغی که سید در سرودن اشعار به کار گرفته است، اشاره نموده و مواردی را شاهد آورده است.

وی در بخش دوم این فصل، مبحث فنی در قصائد سید را پیش کشیده و در دو قسم «بناء فکری» و «بناء شکلی» به توضیح و تبیین قصائد ایشان پرداخته است.

در ادامه بحث، توصیفی از خصوصیات ادبی شعر سید مرتضی ارائه شده است و به بیان و بررسی «خصائص الفاظ و اسلوب» در شعر سید مرتضی و «خصوصیات صورت‌های ادبی» و «خصائص موسیقی شعر» ایشان پرداخته شده است.

نویسنده در هر یک از موارد فوق با ذکر شواهد شعری از دیوان شریف مرتضی و تفسیر الفاظ آن‌ها و بیان خصوصیات ادبی و موسیقایی اشعار سید مرتضی، عناوین فوق را تشریح و تبیین نموده است.

آخرین مبحث فصل دوم از باب چهارم، «آرای بعضی ناقدان درباره شعر سید مرتضی» است. در این مبحث عموماً علمای ادب، زبان به مدح سید گشوده و در فضل ادبی و علمی ایشان و غنای معنوی و مفهومی و نیز روان بودن اشعار ایشان، توصیفات را بیان نموده‌اند. آخرین مبحث رساله، مربوط به «مقایسه بین سید رضی و سید مرتضی» است.

مؤلف ابتدا به وجود مشابهت‌های بسیار بین سید رضی و سید مرتضی اشاره می‌کند و برای ایشان وجوهی از اختلاف و فرق را بیان می‌کند که از این قرارند:

۱. اختلاف علایق و امیال و صفات شخصی. طبق گزارش مؤلف، سید رضی به خلافت علاقه داشته است و این علاقه در اشعار وی منعکس شده است؛ اما سید مرتضی دأب زاهدانه در دنیا و مناصب دنیوی داشته است.

۲. در دیوان سید رضی، موارد متعددی غزل به چشم می خورد؛ اما سید مرتضی، از سرودن غزل حقیقی اجتناب ورزیده است.

۳. در شخصیت سید رضی، جنبه شاعری وی بر علمیتش ترجیح داده شده؛ اما در شخصیت سید مرتضی، علمیت ایشان بر شاعری وی ترجیح داشته است. البته در این که کدام در شعر قوی تر بوده اند، اختلاف است.

مؤلف با بیان برخی مشابهت های شعری سید رضی و سید مرتضی در مدایح ائمه و اجدادشان و برخی دیگر از اشعار این دو برادر که معانی نزدیک به هم دارند، تفاوت اشعار این دو برادر را نیز بیان می کند.

وی در مقایسه ای که بین شریفین در معانی و الفاظ و تصویرسازی انجام می دهد، با ذکر اشعار هر یک، به تمکّن سید مرتضی در لغت و قدرت ایشان در بیان مدح اشاره می کند؛ چه آن جا که مدح اهل بیت علیهم السلام است و چه در مواردی که به جهت مصلحت و تقیه، مدح خلفاست؛ اما اشعار سید رضی را به خاطر توقعی که نسبت به خلافت داشته و نیز اعتماد به نفس و شجاعت ایشان و نرسیدن وی از خلفای عباسی، خالی از مدایحی همچون مدایح سید مرتضی می داند.

مؤلف در جمع بندی مطالب خود چنین نوشته است:

۱. سید مرتضی را باید رجلی سیاسی، اجتماعی، زعیم دینی و دنیوی، زاهد، عالم و محقق، عمیق الفکر و ادیب و شاعری برجسته دانست.

۲. روح ایمان، زهد و تقوی و ارادت به اهل بیت علیهم السلام در تمام مضامین مکتوب ایشان اعم از شعر و نثر به چشم می خورد.

۳. چند بُعدی بودن شخصیت سید مرتضی تا آن جاست که او با وجود ملکات معنوی و روحانی اش، در مسائل روز، نظیر شیب و وصف الطیف نیز مکتوبات ارزشمندی دارد.

(۱۹۲)

الشريف المرتضى و جهوده النحوية و اللغوية

سعاد كريدی الكرعاوی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده آموزش دختران دانشگاه کوفه

سال ۱۹۹۴م

این پایان نامه در سه فصل سامان یافته است. فصل اول درباره آثار ادبی سید مرتضی است و در فصل دوم، به مباحثی ادبی ای پرداخته شده که سید از مکتب بصره یا کوفه و یا هر دو استفاده کرده است. فصل سوم نیز منفردات سید مرتضی در مباحث ادبی است.

نویسنده در پایان پژوهش خود به

نتایجی دست یافته که از جمله آن ها موارد زیر است:

شريف مرتضى در نحو از مذهب خاصى پيروي نمى كند؛ گاهى به كوفيان استناد مى كند و گاهى به بصريان. در واقع به سبب دانش سرشار خود در ادب عربى، به هر مذهبى كه درست تر باشد، استناد مى كند و در اثبات ديدگاه خود از آن بهره مى برد. او در موضوعات لغوى به آراى پيشينيان استناد مى كند. البته نه آن چنان كه همه ديدگاه آنان را صحيح بپندارد، بلكه صحيح را اخذ و در سقيم مناقشه مى كند.



وی در تلاش‌های لغوی و نحوی خود تلاش می‌کند قواعد را به خدمت نص درآورد؛ به‌ویژه نصوص قرآنی.

شریف مرتضی احاطه فراوانی بر تمام علوم عربی دارد و اگر در مسأله واحدی اظهار نظر می‌کند، بر تمامی اقوال مربوط به موضوع آن مسأله اشراف تام دارد.

او اگر مطلبی از کتابی یا کسی نقل می‌کند، در نقل خود نهایت دقت و امانت را به کار می‌برد؛ چنان که می‌توان یقین کرد که نظر عالم مورد بحث، جز آنچه نقل شده نیست.

در مباحث ادبی، بنای سید بر اختصار است و از درازنویسی پرهیز دارد.

در ادب عربی هیچ کتابی از خود بر جای نگذاشته؛ اما نظریاتش در کتاب‌های مختلفش طرح شده است.

به مسائل اعراب اهتمام فراوان دارد؛ زیرا فهم درست متن در گرو دقت در اعراب آن است.

(۱۹۳)

الشعر الاجتماعي عند الشريف المرتضى؛ دراسة تحليلية

على خليفة محمد جلول

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه دمیاط، مصر

استادان راهنما: احمد فهمی محمد

عیسی و محمد شمس عقاب

سال ۲۰۱۷م

پژوهشگرانی از گذشته تا حال به تحقیق

در باره آثار شریف مرتضی همت

گماشته اند؛ اما هیچ یک به مظاهر شعر

اجتماعی و خصائص فنی آن در شعر

شریف مرتضی توجه نکرده اند. از این رو

این پژوهش در نوع خود جدید به شمار

می آید. هدف این رساله، تحقیق درباره این موضوعات است: معرفی شاعر، عصر او و

محیط بالیدن وی؛ تأثیر زندگی اجتماعی بر موضوعات شاعرانه در دیوان سید و همچنین

تأثیر زندگی اجتماعی بر تصویر هنری و موسیقایی شعر او، و ساخت هنری شعر اجتماعی

در اشعار وی.

اهمیت این تحقیق به جهت نشان دادن ویژگی های شخصیت ادبی شریف مرتضی از نظر

اجتماعی و ملکه شاعرانه اوست؛ به ویژه که وی یکی از شعرای نامدار دوره عباسی بوده است.



كلية الآداب

الشعر الاجتماعي عند الشريف المرتضى

رسالة ماجستير اللغة العربية وأدبها

إعداد الطالب

على خليفة محمد جلول

إشراف

أحمد فهمي، محمد عيسى، ومحمد شمس عقاب

٢٠١٧م

در این پژوهش مشخص شده که شریف مرتضی، با وجود تمجید از برخی خلفا، پادشاهان، وزرا، رهبران و علما، مانند سایر شاعران زمان خود و پیش از آن ستایش را وسیله وابستگی نساخت. این امر به دلیل جایگاه علمی، شرافتی و سیاسی سید و انتساب وی به آل البيت علیهم السلام است.

(۱۹۴)

شعر الشریف المرتضی؛ دراسة فنیة

عبدالحفیظ مصطفی عبد الہادی

رساله دکتری

دانشکده دارالعلوم جیزه [وابسته به] دانشگاه

قاهره

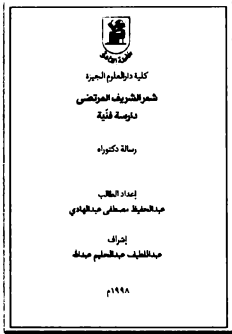
استاد راهنما: عبداللطیف عبدالحلیم عبدالله

سال ۱۹۹۸م

این رساله به اشعار شریف مرتضی و محورهای متعدد تجربه شاعرانه او که در صدر آن غزل است، پرداخته و در ادامه به بنای قصیده در اشعار سید اشاره کرده است. نویسنده به ساخت فنی در شعر سید مرتضی و پدیده‌های برجسته در شعر او - که به صورت بینامتنی است - و همچنین به زبان در شعرهای سید پرداخته است. بررسی استفاده

از اصطلاحات و میزان مناسب بودن آنها برای شعر از اهدافی است که در این نوشتار دنبال شده است.

تناوب بین حروف، استعمال جمع‌های نادر، ترادف و تخفیف لام ظل، مأخذ لغوی در شعر سید، استعمال لغات مهمل مانند «اکلونی البراغیث»، به کارگیری اشکال شعری، اوزان شعری، تکرار، تصریح، ترصیع، ورد الأعجاز علی الصدور، جناس، طباق، و توشیح، از مباحث طرح شده در این رساله است.



(۱۹۵)

شعر الشریف المرتضی؛ دراسة موضوعية فنية

جاسم حسین سلطان

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد

استاد راهنما: علی احمد الزبیدی

سال ۲۰۰۰م

از این پایان نامه افزون بر آنچه ذکر شد،

مطلبی در دسترس نبود و اطلاعات یادشده

بر اساس داده‌های پایگاه «المستودع الرقمی

العراقی للأطاریح و رسائل الجامعة» است:

<https://iqdr.iq/search?type=reg&field>

[=0&filter=S9072cd6511088257_S81](https://iqdr.iq/search?type=reg&field)

e52f7581a928e9



کلیه الآداب

شعر الشریف المرتضی

دراسة موضوعية فنية

رسالة ماجستير اللغة العربية

إعداد الطالب

جاسم حسین سلطان

إشراف

علی أحمد الزبیدی

م ۲۰۰۰

(۱۹۶)

الصورة الأدبية في شعر الشريف المرتضى

مشيرة محمّد شديد إبراهيم

رسالة دكتري زبان و ادبيات عربي

دانشكده ادبيات دانشگاه الأزهر، مصر

استاد راهنما: محمّد السعدى فرهود

سال ۱۹۹۲م

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از مطالب

بالا در دسترس نیست. اطلاعات یادشده

بر اساس داده های سامانه «الكشاف»

(قاعدة تسجيل الرسائل الجامعية) پایگاه

دارالمنظومة است:

<http://thesis.mandumah.com/Record/95082>

d/95082



كلية الآداب

الصورة الأدبية في شعر الشريف المرتضى

رسالة دكتوراه

إعداد الباحثة

مشيرة محمّد شديد إبراهيم

إشراف

محمّد السعدى فرهود

م ۱۹۹۲

(۱۹۷)

الصورة الفنية في ديوان الشريف المرتضى؛ دراسة نقدية

طاهرة بنت عبد الخالق بن علي اللواتية

پایان نامه کارشناسی ارشد نقد ادبی

دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی دانشگاه

سلطان قابوس، عمان

استاد راهنما: دکتر ولید محمود خالص

سال ۲۰۰۷م

الصورة الفنية في ديوان الشريف المرتضى
دراسة نقدية

إعداد
طاهرة بنت عبد الخالق بن علي اللواتية

رسالة مقدمة لاستكمال متطلبات الحصول على درجة الماجستير
في الآداب تخصص: اللغة الأمازيغية

قسم اللغة العربية
كلية الآداب والعلوم الاجتماعية
جامعة السلطان قابوس
مسقط، عمان

سنة ۲۰۰۷م

نویسنده در یک مقدمه و سه فصل، تحقیقی
تحلیلی و انتقادی در مورد مباحث فنی دیوان
شریف مرتضی انجام داده است. این شاعر در
دوره دوم عباسی زندگی می کرده است. دیوان او
از سه بخش تشکیل شده و حاوی حدود ۱۴

هزار بیت شعر است که توسط رشید الصفار در سال ۱۹۵۸ میلادی در دمشق به چاپ
رسیده است.

محقق، ابزارهای نقد قدیم از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل و بدیع را با ابزار
نقد جدید از قبیل: الگوهای تصویری نمادین، تشخیصی، واقع گرایانه، روان شناختی و
انتزاعی، ویژگی های تصویر و خصوصیات عمومی و خصوصی، ترکیب کرده است؛
ویژگی هایی که وابستگی سید مرتضی را به دیگر شاعران نشان می دهد و شباهت بین شعر او
و شعر برادرش را می نمایاند. همچنین نشان می دهد که خاستگاه و مبانی عقیدتی سید، در
شعرهای او تأثیر گذاشته است.

صورة الإمام الحسين عليه السلام في شعر الشريفين الرضی و المرتضی

حسین نفیص فرج

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

جامعة المصطفی العالمية - شعبه تهران

استاد راهنما: محمّد علی آذرشب

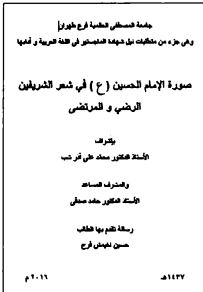
استاد مشاور: دکتر حامد صدقی

سال ۱۳۸۴

عاشورا حماسه‌ای بی نظیر در تاریخ بشری است که تداعی گر نام بزرگ پرچم دار آزادی، آزادگی و ظلم ستیزی، حسین بن علی علیه السلام است؛ شخصیتی محوری و بی بدیل که جان های مشتاق و آزادی خواه را از هر زبان و ملّتی، مجذوب خود ساخته و با جاری

شدن بر زبان اهل ذوق و ادب، جاودانگی آن ها را رقم زده است. بی شک هر کسی به چشم خاکی خود این شخصیت الهی را می بیند، به عقل محدود خود آن را درک می کند و به زبان قاصر و در حد بضاعت خود آن را توصیف می کند؛ اما در نوع نگاه اهل ادب به عاشورا و شخصیت های حماسه آفرین آن، عوامل متعدّدی از جمله شرایط سیاسی، اجتماعی و... مؤثر است.

این پایان نامه به بررسی سیمای امام حسین علیه السلام در اشعار دو شاعر بزرگ، سید رضی و سید مرتضی می پردازد. از این رو بررسی زاویه نگاه آنان به عاشورا، حماسه عاشورا و حضور سالار شهیدان علیه السلام در کربلا، عاطفه غالب بر اشعار، فضایل و ابعاد گوناگون شخصیت امام علیه السلام و بررسی ویژگی های مشترک اشعار عاشورایی در ترسیم سیمای امام علیه السلام، از جمله دستاوردهای این پژوهش است.



علل التعبير في تراث الشريف المرتضى

مرتضى حسن صالح

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده آموزش پایه دانشگاه کوفه

سال ۲۰۱۸ م

این پایان نامه از مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است. مقدمه شامل کلیات پژوهش است و این مباحث را شامل می شود: دلیل انتخاب موضوع، اهداف و مشکلات پژوهش، پیشینه پژوهش، منابع تحقیق، روش بحث، معرفی شخصیت شریف مرتضی و عصرش، و بیان مبانی ادبی و فکری او.

فصل اول، تحت عنوان «دلالة المفردة»، شامل سه بحث دلالت معجمی، دلالت سیاقی و دلالت صرفی است.

موضوع فصل دوم، «عدول» است و دربرگیرنده عدول در حروف، عدول در اسماء و عدول در افعال است.

در فصل سوم، از اسلوب های نحوی بحث شده و اسلوب های شرط، نهی، تقدیم و تأخیر، تعجب، نفی، تکرار، تأکید، استثناء و استفهام، تحقیق و تحلیل شده اند. «ظواهر دلالتی»، موضوع فصل آخر پایان نامه است. تضاد و مشترک لفظی، از مصادیق ظواهر دلالتی برشمرده شده است.

نویسنده در پایان نوشتار خود به نتیجه گیری پرداخته است. او معتقد است که مبانی



كلية التربية الأساسية

علل التعبير في تراث الشريف المرتضى

رسالة ماجستير

إعداد الطالب
مرتضى حسن صالح

۲۰۱۸ م

فکری و اعتقادی شریف مرتضی، اثر روشنی بر فهم او از متون قرآنی و نبوی داشته و وی بر اساس باورهای خود دست به تأویل زده است.

شریف مرتضی در تأویل آیاتی که ظاهر آن‌ها با مبانی عقلی و عقیدتی او سازگار نبوده، به مجاز پناه برده است؛ مانند آن‌جا که بحث معصیت پیامبران مطرح است.

شریف مرتضی در تأویل‌های ادبی خود به هیچ کدام از دو مدرسه ادبی بصره و کوفه تعلق خاطر ندارد و هیچ کدام را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد. هرچند او از قائلان به وقوع ترادف در زبان عربی است، اما وقوع آن را در قرآن نفی می‌کند و نمی‌پذیرد و معتقد است آن‌جا که شائبه وقوع ترادف وجود دارد، در واقع ترادفی در کار نیست، بلکه فروق لغوی دقیق وجود دارد.

شریف مرتضی شدیداً علاقه‌مند است که برای اقناع دیگران، به کتاب‌های لغت عربی و اشعار قدیم عربی مراجعه کند و ادله‌ای ارائه دهد که شکی در درستی آن‌ها نباشد.

(۲۰۰)

الغرض الشعري بين تصوّرات الناقد و واقع الشعر؛ مقارنة بين آراء قدامة بن جعفر
في نماذجه السّنة لأغراض الشعر و بين ما وجد من هذه الأغراض
في شعر المتنبيّ و الشريف المرتضى و أبي العلاء المعريّ



أريج بنت عبدالله بن عبدالعزیز القنيعير
پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی
دانشکده ادبیات دانشگاه ملک سعود،
عربستان

استاد راهنما: سعاد بنت عبدالعزیز المانع
سال ۱۴۲۱ق

نویسنده در این پایان نامه به مقایسه بین
نظرات قدامة بن جعفر در مورد شش وجه
وی برای اهداف شعر و آنچه از این اهداف
در شعر متنبي، شریف مرتضى و ابوالعلاء
معزى یافت شده، پرداخته است.

ابوالفرج قدامة بن جعفر بن قدامة بن

زیاد الکاتب البغدادی، ادیب قرن چهارم، از یک خاندان مسیحی آرامی نژاد مقیم بصره و
مقرّب درگاه عباسیان بود. به گفته ابن ندیم، وی به دست المكتفی بالله اسلام آورد و یکی از
فصحا و فلاسفه فاضل بود که در علم منطق انگشت نما بود. وی بعد از مسلمان شدن، به
مقامات والای دولتی دست یافت و در اواخر زندگانی، منصب «صاحب البریدی» یافت.

در میان شیوه های مرسوم نقد ادبی در فرهنگ ایرانی اسلامی، نقد منطقی یکی از
مهم ترین و دامنه دارترین شیوه های نقد ادبی بوده است. بنیان گذار این شیوه، قدامة بن جعفر

است که با نوشتن کتاب نقد الشعر خود باعث پیدایش بحث‌هایی درازدامن و پیچیده در حیطه فهم و تحلیل اثر ادبی شد. در واقع، با طرح این رویکرد، دو مسأله مهم در نقد و ادب مسلمین به میان آمد: نخست بررسی میزان دخالت و تأثیر عقل در آفرینش و تحلیل اثر ادبی، و دیگر، میزان نفوذ و تأثیر فلسفه یونانی به‌ویژه ارسطو و بالأخص کتاب بوطیقا و ریطوریکای او بر نقد و ادب مسلمین. قدامه با تأسیس یک نظام نقّادی خردمحور، برای نخستین بار به اصول و مؤلفه‌های نقّادی، نظم و انسجام بخشید و بر اساس موازین فلسفی و منطقی، ملاک‌هایی عام و استوار را پی انداخت.

ظهور قدامه بن جعفر و آثار او، به‌ویژه کتاب نقد الشعر را می‌توان به مثابه فصلی تازه در سیر تحوّل نقد و ادب اسلامی- عربی دانست. شخصیت قدامه، هم از جهت سلطه اعجاب‌انگیزی که بر زمینه‌های مختلف علوم و فنون ادبی و بلاغی داشته، چندان که گاه نمونه‌ی اعلای این فنّ به شمار می‌آمده، و هم به خاطر نوع نگاه و دیدگاه‌های ژرف و نوینی که درباره شعر و شیوه‌های ادبی پی انداخته، قابل تأمل و تحقیق است. در کل، حدود هفده اثر به قدامه نسبت می‌دهند که از این تعداد، پنج رساله و کتاب مستقیماً مرتبط با ادبیات و نقد ادبی است.

قدامه در آغاز کتاب نقد الشعر خویش، زمینه‌های عام نقد شعر را در نزد گذشتگان پیش می‌کشد و بی‌درنگ گوشزد می‌نماید که سنخ و جنس نگاه وی به شعر از رنگی دیگر است که تا به حال احدی از آن‌ها سخن نگفته است.

شعرشناسی، شاخه‌های مختلفی دارد که تمامی آن‌ها را می‌توان در چند شاخه اصلی جا داد: ۱. شناخت عروض و وزن شعر؛ ۲. شناخت قافیه و پایانه‌های شعر؛ ۳. شناخت اشعار غریب و واژه‌های آن؛ ۴. شناخت معانی شعر و درک و مقصود آن؛ ۵. معیارهای شناخت شعر بد از خوب.

درباره شاخه‌های چهارگانه نخست، کتاب فراوان نوشته‌اند و سخن را به آخر رسانده‌اند؛ اما کسی در باب معیارهای شناخت شعر خوب از بد، کتابی ننوشته است؛ درحالی که در این زمینه است که مردمان به گمان می‌افتند و اندک شماری می‌توانند راه درست را دریابند. انگیزه اصلی قدامه در تألیف کتاب نقد الشعر همین

بوده که مردمان در این باره کتابی ننوشته بودند.

در واقع از دیدگاه قدامه، مهم‌ترین بخش نقد ادبی - که تدوین ملاکی برای شناخت شعر نیک از بد بود- در پرده غفلت مانده بود و غالب آثار، درباره قسمت‌هایی بود که همگان از طریق ذوق و عمل، می‌توانستند تا حدودی آن‌ها را دریابند.

قدامه با تألیف نقد الشعر، مجموعه میراث نقد شعر جهان اسلامی تا عهد خود را به صورتی مضبوط و منضبط درآورد و نقد منطقی یا علمی شعر را پی انداخت. به همین جهت، بسیاری او را پدر نقد منطقی می‌خوانند و جایگاه ویژه‌ای در نقد ادبی به او می‌بخشند؛ چون تمام کتاب او را می‌توان کوششی دانست برای قاعده‌مندسازی نگاه‌های ذوقی و پراکنده به شعر و نقد و تحلیل آن.

در این رساله، آراء و معیارهای قدامه بن جعفر در نقد شعر با آنچه در اشعار منتبّی، شریف مرتضی و ابوالعلاء معری آمده، مقایسه شده است. در باب اول، نقد شعر از دیدگاه قدامه آمده است و در باب دوم، مقایسه یادشده صورت پذیرفته است.

(۲۰۱)

الغزل في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة موضوعية و فنية

عبدالرزاق منيب

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره

استاد راهنما: یوسف خلیف

سال ۱۹۸۷م

غزل از قدیمی ترین و رایج ترین فنون شعری نزد اعراب است؛ زیرا با فطرت انسان و تجارب ذاتی او در ارتباط است؛ چرا که عشق قلب را به هیجان می آورد. غزل تنها تعبیر از تجربه گذشته انسان نیست، بلکه گذشته و حال آدمی را دربرمی گیرد و در آینده او تأثیر خواهد گذاشت. در ادبیات عربی در دوره های متعدد، غزل جایگاه

عظیمی را به خود اختصاص داده و بیشتر شعرا، در این نوع ادب، شعر سروده و به زبان و زیبایی اندام و اخلاق او تغنی جسته اند و به توصیف عواطف و هیجانات درونی خود به بهترین شکل پرداخته اند.

بی شک نجواها و نغمه های خیال انگیز قاموس دلدادگی - که در لفافه غزل در پیکره شعر و ادب عربی راه یافت و توجه و اقبال روزافزون شاعران را به این گونه شعری در پی داشت - به شدت تحت تأثیر چکامه های دلکش و دلریای چهره های نامدار عرصه ادب جاهلی در آغاز سروده هایشان بود. آنان با جهت بخشیدن به امواج خروشان و پرتلاطم



كلية الآداب

الغزل في شعر الشريف المرتضى
دراسة موضوعية وفنية

رسالة ماجستير اللغة العربية

إعداد الطالب
عبدالرزاق منيب

إشراف
يوسف خليف

١٩٨٧م

ساحل بیکران احساسات و عواطف، پایه‌های قالب غزل را پی‌ریزی کردند و زمینه تغییر و تحول را در نگرش ادبی شاعران دوره‌های بعد فراهم نمودند.

یکی از شاعرانی که از این قالب شعری غفلت نکرده و برخی احساساتش را در غزلیات خود بروز داده، سید مرتضی است. غزلیات او به قدری دل‌ریا و پرمحتواست که هیچ پژوهشگر ادب عربی نمی‌تواند به شعر عهد عباسی بپردازد، ولی از این غزلیات چشم ببوشد.

این تحقیق به دو باب تقسیم می‌شود که اولین آن‌ها، پژوهش موضوعی، و دومی، پژوهش فنی است. قبل از این دو باب، در مقدمه به مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران شریف مرتضی اشاره می‌شود که تأثیر مستقیمی بر زندگی و شعر شریف مرتضی داشته است.

در بخش اول، تحلیل متون این نصوص به شکلی است که از روش عینی - که از آمار استفاده شده است - برای به دست آوردن سابقه کامل شاعرانه در یک شعر بهره می‌برد. سپس آموزه‌های شریف مرتضی در غزل از نظر می‌گذرد. بررسی تصویر شاعرانه در غزل و انواع غزل‌های سروده شده توسط شریف مرتضی از دیگر مباحث این بخش است.

بخش دوم پایان‌نامه در مورد مباحث فنی غزلیات است.

(۲۰۲)

الفخر و الحماسة فی شعر الشریف المرتضی: دراسة تحليلية

بتول احمد سليم

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده آموزش دختران دانشگاه بغداد

استاد راهنما: دکتر عاصم عبد دواح

سال ۲۰۰۲م

جامعة بغداد
كلية التربية للبنات
الفخر و الحماسة فی شعر الشریف المرتضی
دراسة تحليلية

رسالة ماجستير

بتول احمد سليم

اشراف: أ.م.د. عاصم عبد دواح

۲۰۰۲م

شريف مرتضى يکى از فرزندانگان اهل بيت
اطهار^{عليهم السلام} است که او را در صدر شاعران قرن
پنجم هجرى قمرى قلمداد مى کنند و به دليل
ارزش هاى جاودانه انساني او در شعر و همچنين
جايگاه سياسى، اجتماعى و مذهبى وى، مورد
توجه محققان قرار گرفته است. شخصيت و شعر

او براى تحقيق بسيار مناسب است، به خصوص فخر و حماسه او که محققان قبلاً در يک
مطالعه علمى مستقل به آن توجه نکرده اند. در شعر او نمونه ها و صورت هاى بى نظيرى از
فخر و حماسه ديده مى شود که شايسته مطالعه جدى اند.

فصل اول اين تحقيق به بررسى فخر و حماسه در بُعد سياسى، اجتماعى و مذهبى و
تأثير آن بر شخصيت و شعر شاعر اختصاص دارد.

در فصل دوم، فخر و حماسه در شعر شريف مرتضى بررسى شده و رابطه آن با اشعار
مدحى و رثائى و غزل و وصف توضيح داده شده است.

فصل سوم - که مکمل دو فصل قبلى است - با هدف شناسايى خصوصيات شعري
سيّد مرتضى، به مطالعه فنى شعر فخر و حماسه او اختصاص داده شده و زبان شعري وى را

مورد مطالعه قرار داده است. این فصل شامل برخی شرایط جمله (مانند تقدیم و تأخیر، فصل و وصل، حذف و ذکر، حصر و قصر، و اعتراض) نیز است.

این که شاعر، وقایع زمان خود و چالش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی را از سرگذرانده، به گشودن نبوغ و شعرهای بی‌نظیر وی کمک کرده است. شعر او بیانگر وجود و تجربیات اوست و پژواکی از واقعیتی است که در آن زندگی می‌کرد.

افتخار شاعر به سبب جایگاه دینی‌اش در فقه و کلام، فخری دینی است، علاوه بر فخر شاعری.

اشعار رثایی او بر شوق حماسی غلبه دارد. او برای همه کسانی که با آن‌ها ارتباط داشته، مرثیه سروده است. مرثی‌های وی سرشار از عاطفه است؛ همان گونه که قصاید وی دارای مضامین بلند دینی است.

تحقیقات نشان داده که شاعر از هجو ناپسند خودداری کرده و اشعار او از هر چیزی که به آموزه‌های دین اسلام آسیب برساند، عاری است و در شعرهای خود به عتاب و سرزنش اکتفا کرده و هیچ دشمنی و کینه‌ای از مردم نداشته است.

فَنَ الرِّثَاءِ فِي شِعْرِ الشَّرِيفِ الْمُرْتَضَى؛ دراسة فَنِيَّة

زهراء علی جواد

پایان نامه کارشناسی زبان و ادبیات عرب

دانشکده آموزش ابن رشد دانشگاه بغداد

استاد راهنما: دکتر نسرين ستار جبار

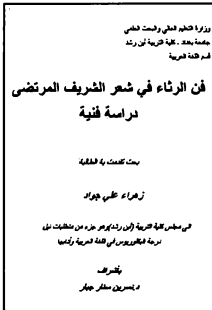
این تحقیق با هدف بررسی هنر مرثیه سرایی از دوران قبل از اسلام تا عصر شریف مرتضی، ابتدا به زندگی شریف مرتضی و شخصیت هایی که وی به رئای آن ها مبادرت ورزیده، پرداخته و بدین منظور از کتاب های مرتبط با این موضوع استفاده کرده است.

این تحقیق به سه فصل اصلی تقسیم شده است: فصل اول به زندگی، تبار و آثار شریف

مرتضی می پردازد. فصل دوم، درباره مرثیه نزد عرب است و انواع مرثیه ها و همچنین ظرافت های شعری مرثی شریف مرتضی را دربر گرفته است. موضوع فصل سوم، پژوهش فنی درباره هنر مرثیه سرایی است و به موضوع الفاظ، ترکیب و صورت های شعری می پردازد.

نویسنده در خاتمه به نتایج تحقیقات و یافته های خود اشاره کرده است.

رثاء غرض مهمی در شعر شریف مرتضی بوده و او در این باره شیوه گذشتگان را در پیش گرفته است. شهرت شعر شریف مرتضی بیشتر به خاطر مرثیه هایی است که در شهادت اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام حسین علیه السلام سروده است. او شعرهای فراوانی در رثای ایشان گفته است. مقام شعری او را در قصاید طولانی وی می توان دید.



(۲۰۴)

فَن الرثاء عند الشريف المرتضى؛ دراسة فنية و نقدية

محمّد عبدالله محمّد طه

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده زبان عربی دانشگاه اسلامی

أم درمان، سودان

استاد راهنما: محمّد بابکر البدوی دشین

سال ۱۴۱۸ق

«رثاء» در لغت به معنای گریه کردن برای

شخص، ذکر مصیبت او، خوبی ها و

محاسنش است که گاه به صورت شعر

منظوم خوانده می شود. تذکره نویسان

بسیاری، اولین مرثیه را شعر حضرت آدم

ابوالبشر در رثای فرزندش هابیل می دانند.

مرثیه در دوره های مختلف تاریخی به

چهار موضوع تقسیم می شود: ۱. مرثیه عزیزان، ۲. مرثیه های وطنی، ۳. مرثیه مشاهیر،

۴. مرثیه های مذهبی.

سرودن مرثیه در بین اصحاب رسول خدا ﷺ و بسیاری از تابعین، موضوعی رایج و

پذیرفته شده بود. افرادی چون جعفر بن ابی طالب، عبدالله بن عبدالرحمن، سعد بن معاذ و

حمزه سید الشهداء، سروده هایی به عنوان «رثا» در برخی مصائب داشته اند.

ابن هشام می نویسد: بعد از حادثه اُحد، شعرای فراوانی برای حمزه سید الشهداء مرثیه

سرودند؛ حسان بن ثابت، کعب بن مالک، عبدالله بن رواحه و ضرار بن خطّاب از جمله

آن هاند.



كلية اللغة العربية

فَن الرثاء عند الشريف المرتضى

دراسة فنية و نقدية

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

محمّد عبدالله محمّد طه

إشراف

محمّد بابكر البدوي دشين

١٤١٨ هـ

ابن مسعود می‌گوید: رسول خدا در شهادت حضرت حمزه به شدت گریه کرد تا جایی که بی‌هوش شد و سپس فرمود: «ای عموی رسول خدا، ای شیر خدا، حمزه! یا فاعل الخیرات، حمزه! یا کاشف الکربات! یا مانع عن وجه رسول الله».

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز پس از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله، چنین فرمود: «من تا بوده‌ام با صبر و شکیبایی انس داشته‌ام؛ اما از آن هنگام که از تو دور شدم، می‌بینم که صبر و بردباری هم مرا ترک گفته است».

رثاء به مثابه یکی از اغراض شعری، عرصه وسیعی در فرهنگ شعری دارد. بخشی از اشعار شریف مرتضی را نیز مراثی او به خود اختصاص داده است. وی مراثی فراوانی در سوگ اهل بیت علیهم السلام و بستگان و دوستان خود سروده است. این پایان‌نامه در چهار فصل به مراثی شریف مرتضی می‌پردازد:

فصل اول درباره زندگی شریف مرتضی و شاعر بودن اوست.

موضوع فصل دوم درباره رثاء در عهد عباسی است و نمونه‌هایی از مراثی این دوره ذکر شده است.

فصل سوم درباره مراثی سید مرتضی است و شامل مرثیه برای دوستان، امرا و حاکمان عباسی و بویه و وزرایشان، اقارب و بستگان و مراثی در مصیبت جدش امام حسین علیه السلام است.

فصل چهارم درباره مباحث فنی مراثی سید مرتضی است.

الفن الشعری بین الشریفین الرضی و المرتضی؛ عرض و تحلیل و موازنه

محمد محمد موسی ابوجیل

رساله دکترى ادبیات نقد ادبی

دانشکده زبان عربی دانشگاه الأزهر، مصر

استاد راهنما: عبدالله محمود حسن

محروس

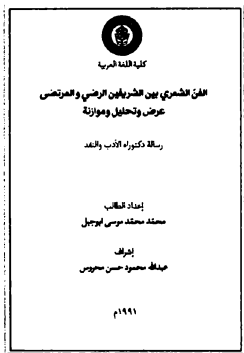
سال ۱۹۹۱م

این پژوهش به اشعار سید رضی و سید مرتضی پرداخته و ضمن مقایسه و تحلیل آن‌ها، به زمینه‌های سُریش آن‌ها نیز چشم داشته است.

نویسنده در مقدمه اشاره کرده که آن‌ها نسبت علوی داشتند و از برجسته‌ترین

خانواده‌های ادبی، علمی و اجتماعی عصر خود به شمار می‌رفتند. او آن‌ها و شاگردانشان را معرفی کرده و سید مرتضی را دارای منزلت اجتماعی مهمی دانسته است. همچنین از رابطه ایشان با ابو العلالی مغری سخن گفته و برخی شایعات نقل شده را بی‌اساس خوانده است. وابستگی آن‌ها به مذهب شیعه دوازده امامی علاوه بر این که مشهور است، از سروده‌هایشان نیز پیداست.

نویسنده، تأثیر شریفین را در تجدید حیات ادبی و علمی جامعه نشان داده است. در فصل دوم رساله، از مضامین شاعرانه اختصاصی شریف رضی سخن به میان آمده و



از دل‌تنگی او از بغداد و اندیشه وی در مورد پناه بردن به مصر، به علاوه از برخی مضامین مشترک آن‌ها نظیر رثاء، سوگواری، مدح، تبریک، شکر، فخر، وصف، تشویق، عتاب و هجو، نمونه‌هایی ذکر کرده و تحلیل نموده است.

(۲۰۶)

قصيدة الرثاء عند الشريفيين الرضي و المرتضى؛ دراسة و نقد و موازنة

محمد عارف محمود حسين

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده زبان عربی دانشگاه الأزهر، مصر

استاد راهنما: طه مصطفى ابو كريشة و

عبد المنعم احمد يونس

سال ۲۰۰۰م

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از مطالب

بالا در دسترس نیست. اطلاعات یادشده بر

اساس داده های سامانه «الكشاف» (قاعدة

تسجيل الرسائل الجامعية) پایگاه

دارالمنظومه است:

<http://thesis.mandumah.com/Record/>

87834



كلية اللغة العربية

**قصيدة الرثاء عند الشريفيين الرضي و المرتضى
دراسة و نقد و موازنة**

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

محمد عارف محمود حسين

إشراف

طه مصطفى أبو كريشة و عبد المنعم أحمد يونس

٢٠٠٠م

(۲۰۷)

القضايا النحوية و الصرفية في «أمالى السيد المرتضى»

القضايا النحوية والصرفية
في أمالي السيد المرتضى

این رساله در فهرست رساله‌های «المعهد
العالی للدراسات الإسلامية» به تاریخ
۱۹۹۶/۳/۳۱م ثبت شده و اطلاعات بیشتری
از آن در دست نیست:

<http://www.iiss-egypt.org/age755.htm>

(۲۰۸)

القيم الخلقية في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة موضوعية فنية

عبدالكريم جديع نعمة النفاخ

پایان نامه کارشناسی ارشد

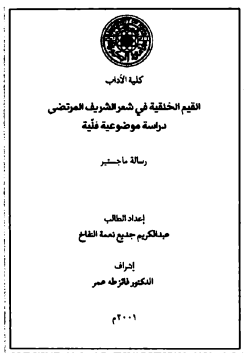
دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه

استاد راهنما: دکتر فائز طه عمر

سال ۲۰۰۶م

یکی از مسائلی که بحث و گفت‌وگوی زیادی درباره آن وجود دارد، رابطه بین اخلاق و شعر است. این امر از اختلاف بین نقاد و محققین ادبیات در فهم این رابطه و هدف هر یک از آن دو سرچشمه می‌گیرد؛ چون اخلاق، مقیاس و معیار است و شعر، عاطفه و خیال. هدف اخلاق، تهذیب و هدف شعر، تعلیم است؛ اما با این وجود در نهایت امر به هم می‌رسند و آن مدح خوبی‌ها و ذم بدی‌هاست. شاعر واقعی کسی است که در شعرش خوبی‌ها را ستایش می‌کند و بدی‌ها را نکوهش می‌کند.

از همین رو، نویسنده شریف مرتضی را که یکی از شاعران بزرگ عصر طلایی عباسی در تاریخ ادبیات عرب است، انتخاب نموده تا شعرهای او را از نو بخواند؛ خوانشی که دیدگاه اخلاقی وی و چگونگی به تصویر کشیدن آن در قصایدش را روشن می‌کند تا معیارهای نظری و فنی آن شاعر بزرگ را در اشعار اخلاقی‌اش به دست بیاورد. بعد از آن تلاش کرده میزان و سطح تقلید و تجدید سید در موضوعات اخلاقی را از جهت محتوا



و شکل مشخص نماید. او در این رساله به نتایجی رسیده، از جمله این که شریف مرتضی به ارزش‌های اخلاقی مانند بخشش، عطا، شجاعت، صبر و... که از زمان جاهلیت مورد توجه بوده، پرداخته و تلاش کرده تا آن‌ها را با افکار قوی و معانی بکرش زینت ببخشد. شاعر از توصیف و تصویرپردازی و نمادگرایی برای بیان این ارزش‌های اخلاقی استفاده نموده است و تصویرها و نمادهایش را از جهان هستی، طبیعت و فرهنگ عربی و اسلامی گرفته است. با این وجود، مقلد باقی نمانده است، بلکه اندیشه‌اش را عمیق‌تر و خیالش را گسترده‌تر و تصاویر شعری‌اش را بهتر نموده است؛ همچنان که ویژگی‌های فنی شعری وی گویای این امر است.

این پایان‌نامه که در سال ۲۰۱۶ توسط انتشارات تموز دمشق به چاپ رسیده است، دارای سه فصل با عناوین زیر است: فصل اول: ارزش‌های اخلاقی پسندیده؛ فصل دوم: صفات اخلاقی ناپسند؛ فصل سوم: مطالعات نظری و فنی.

(۲۰۹)

لغة الشعر عند الشريف المرتضى

احمد سالم عبيد الشمري

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه

استاد راهنما: دکتر حافظ کوزی المنصوری

سال ۲۰۱۲م



دوره عباسی بهترین دوران تاریخ ادبیات عرب است. شعر عربی در این عصر به دلیل عوامل زیادی به اوج بالندگی خود رسید. شاید یکی از این عوامل، امتزاج فرهنگی باشد که پایتخت فرهنگ (بغداد) را دربر گرفت و منجر به ظهور شاعران برجسته و بزرگی شد که شریف مرتضی یکی از آنهاست.

او افزون بر جایگاه سیاسی، اجتماعی و دینی، به سبب ارزش های جاوید انسانی در شعرش، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. پژوهشگران بسیاری به بررسی جوانب خاص زندگی و شعر او پرداخته اند؛ اما پژوهش مستقل دانشگاهی درباره زبان شعری وی انجام نشده است. از این رو تصمیم نویسنده بر آن قرار گرفته که در این باره به تحقیق بپردازد.

مهم ترین دلایل نویسنده برای شروع این پژوهش عبارت اند از:

۱. پیوند و نزدیکی شاعر با اهل البيت (علیهم السلام)؛

۲. اهمیت زبان شعری در مطالعات نقد ادبی، به عنوان وسیله ای برای بیان تجربه

شاعرانه شاعر، فارغ از موضوع آن.

به سبب اقتضانات بحث، این پژوهش در یک مقدمه و سه فصل سامان یافته است. مقدمه از طرفی به زندگی شاعر و عصر او و نیز اهداف و تعلیمات شعری وی می‌پردازد، و از طرف دیگر به مفهوم زبان شعر نیز اشاره می‌کند.

فصل اول به الفاظی پرداخته که در بیشتر اشعار شاعر در زمینه‌های مختلف معنایی به کار رفته و اصلی‌ترین وسیله‌ای است که شاعر شعرش را با آن‌ها بنا کرده است.

فصل دوم که تحت عنوان «الصیغة» آمده است، در مورد برجسته‌ترین روش‌های زبانی و بلاغی است که به شاعر در تدوین اشعار خود کمک می‌کند و نیز از چگونگی تدوین جمله شعری سخن می‌گوید.

فصل سوم، در مورد سطح موسیقایی داخلی و خارجی شعر سید مرتضی است که در قالب وزن و قافیه خود را نشان می‌دهد. سپس در بخش نتیجه‌گیری، مهم‌ترین نتایج تحقیق آمده است که برخی مواد آن به شرح زیر است:

۱. محیط، گنجینه زبانی و استعداد در شخصیت شاعر، تأثیر به‌سزایی داشته است. همچنین قرآن کریم و شعر کهن نیز در شعر او تأثیر زیادی داشته است و هوشمندی او از آمیختن مفاهیم قرآنی عناصر شاعرانه در شعرش روشن می‌شود.

۲. زبان شعر به اصطلاحاتی بستگی دارد که پایه‌های شعر را تشکیل می‌دهد؛ مانند اصطلاحات اسلامی، اصطلاحات جنگی، ضمائر، اصطلاحات زمانی و مکانی. این اصطلاحات واضح و دور از ابهام است.

۳. شاعر مشتاق بوده که از اسامی و مشکلات مرتبط با آن‌ها دوری کند و این به گسترش استفاده از ضمائر، کمک کرده است...

۴. او برای بیان افکار و احساسات خود و همچنین تجربه شاعرانه خود از طریق انواع تصویرسازی از واقعیت‌های ملموس که تصاویر دیگر را تحت الشعاع قرار داده، استفاده نموده است.

۵. شاعر از اوزان متداول پیروی کرده است.

۶. شاعر برای بیان تجربیات شاعرانه خود از قافیه‌های متداول پیروی کرده است. پژوهشگر در تحقیق خود به کتبی که در موضوع لغت شعر است، مراجعه کرده که از جمله آن‌ها کتاب لغة الشعر العربی الحديث، مقوماتها الفنيّة و طاقاتها الإبداعية، اثر دکتر سعید الورقی، کتاب اللغة الشعرية في الخطاب النقدي العربي، اثر محمدرضا مبارک و نیز رسائل دانشگاهی مرتبط با زبان شعر است.

المباحث اللغوية في تفسير «نفائس التأويل»

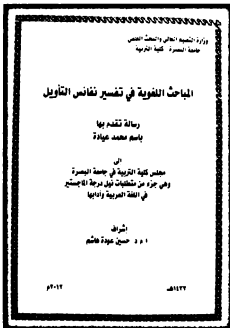
باسم محمد عيادة

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده آموزش دانشگاه بصره

استاد راهنما: دکتر حسین عودة هاشم

سال ۲۰۱۲ م



تفسير الشريف المرتضى مسمى به «نفائس التأويل»، از جمله تفاسیر عربی است. این کتاب در سال ۱۴۳۱ق در لبنان، در سه جلد منتشر شده است. این اثر، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های سید مرتضی در موضوعات تفسیر، اصول، فقه، کلام و عقاید است که توسط سید مجتبی احمد موسوی، از آثار مختلف سید مرتضی جمع‌آوری شده و به رشته تحریر درآمده است.

کتاب، مشتمل بر دو بخش است: بخش اول، توضیحاتی است که در آن، مطالب گوناگونی در علم اصول و کلام، معرفی کتاب و شرح زندگی سید مرتضی آمده است؛ بخش دوم، شامل آرای تفسیری سید است.

کتاب، در سه جلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، شامل توضیحات کتاب و تفسیر سورة حمد و سورة بقره است؛ جلد دوم، مشتمل بر تفسیر سورة آل عمران تا آخر سورة رعد است؛ و جلد سوم، شامل تفسیر سورة ابراهیم تا آخر قرآن کریم است. کتاب، با مطلبی تحت عنوان «تعریف کتاب» آغاز می‌شود. در این قسمت، گفته شده

که می‌توان آثار علمی به‌جامانده از سید مرتضی را در موضوعات زیر دسته‌بندی نمود: «تفسیر موضوعی قرآن»، «فقه الخلاف»، «اصول فقه»، «علم کلام»، «علوم ادبیه» و مسائل متفرقه.

قسمت بعد، «منهجنا» است. در این قسمت محقق، ذیل عنوان «المقالة الأولى»، روش کار خود در جمع‌آوری و تنظیم آرای تفسیری سید را در ضمن دوازده فقره توضیح داده است. همچنین به ذکر آثاری از سید که مطالب و مباحث این کتاب از آن‌ها اخذ شده، پرداخته است.

در این پایان‌نامه مباحث ادبی این تفسیر در سه فصل بررسی شده است. نویسنده قبل از شروع فصول پایان‌نامه، در مقدمه‌ای به معرفی سید مرتضی و آثارش پرداخته است. فصل اول، مباحث صرفی است که در مبحث نخست آن به توضیح «اماله»، «ابدال» و «ادغام» پرداخته و نمونه‌ای از آن‌ها را در تفسیر یادشده نشان داده است و در مبحث بعد، از ساختار کلمات سخن به میان آورده است.

فصل دوم پایان‌نامه، مباحث نحوی است و دیدگاه سید مرتضی را با نمونه‌هایی از تفسیر درباره مباحث نحوی نقل کرده است.

«مشتک لفظی»، «اضداد»، «ترادف» و «حقیقت و دلالت حقیقیه» مباحثی‌اند که در فصل سوم، تحت عنوان «المستوی الدلالی» به آن‌ها پرداخته شده است.

(۲۱۱)

المديح في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة فنية

أمل جاسم عبدالرضا الجبوري

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه

استاد راهنما: دکتر رحیم خریبط

سال ۲۰۰۹م

از این پایان نامه، اطلاعاتی بیش از مطالب

بالا در دسترس نیست. اطلاعات یادشده بر

اساس داده های پایگاه «دار الکتب و الوثائق»

عراق به نشانی زیر است:

<http://www.iraqnl-a-iq.com/opac2>

[/fullrecr.php?nid=16675&hl=ara](http://fullrecr.php?nid=16675&hl=ara)

مشخصات این پژوهش در پایگاه

اطلاعاتی «الباحث العلمي» نیز آمده است:

<http://k-tb.com/these/drasat76713>



مضامین شیعی در شعر شریف رضی و شریف مرتضی

محسن شبستانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی

کرمانشاه

استاد راهنما: یحیی معروف

استاد مشاور: جهانگیر امیری

سال ۱۳۸۲



دانشگاه رازی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

رساله دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

عنوان:

مضامین شیعی در شعر

هریضه رضی و هریضه مرتضی

نگارش: محسن شبستانی

استاد راهنما: دکتر یحیی معروف

استاد مشاور: دکتر جهانگیر امیری

شماره ۱۳۸۲

با ظهور اسلام، شعر دینی وارد مرحله جدیدی شد و در خدمت دین اسلام قرار گرفت و به سندی برای ثبت وقایع تاریخی و مدایح بزرگان و ائمه تبدیل گشت. این شعر با رشد و گسترش ادب عربی، در سایر سرزمین‌ها گسترش یافت و در مغرب و مشرق جهان

اسلام، همراه با سایر موضوعات در دیوان‌ها و کتب ادبی ثبت گردید. بخشی از شعر دینی، شامل اشعار شیعی است که به اندیشه‌ها و اعتقادات شیعه و دفاع از آن می‌پردازد. واقعه غدیر خم، دفاع از حقانیت امام علی (ع) برای جانشینی پیامبر (ص) و واقعه عاشورا، از مهم‌ترین مضامین شعر شیعی است.

خاندان شریف مرتضی و شریف رضی، از برجسته‌ترین چهره‌های اواخر دوره عباسی بوده‌اند که با خدمات ارزنده خود در زمینه‌های مختلف ادبی، علمی، فقهی و... نام خود را برای همیشه در تاریخ جاودان نموده‌اند. این خاندان نه تنها خود از مریدان و محبان

اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند، بلکه به شیوه‌های گوناگون نیز به توجیه و تبیین سیره انمه هدی پرداخته‌اند. این دو شاعر متعهد در تمام طول عمر، خود را عاشق و حامی اهل بیت علیهم‌السلام دانسته و در راه اعتلای فرهنگ اسلام و احقاق حقوق مسلم ایشان به مجاهدت پرداخته‌اند؛ مجاهدتی که در قالب‌های مختلف بیانی، مانند مدح، رثاء، هجاء، استفهام و وصف جلوه نموده و با استمداد از هوش و استعداد خدادادی در زمان خود پرچمداران راستین مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند. بهره‌گیری از پرتو علم عالم مشهوری چون شیخ مفید و معاصر بودنشان با شاعر بلندآوازه‌ای چون منتبّی، آنان را ادیبانی چیره‌دست بار آورده است.

بدون شک موضوعات مهمی چون حقانیت مکتب شیعه، اعتقاد به ظهور منجی عالم بشریت، منتظر عقوبت دشمنان ماندن و آرزوی گرفتن انتقام خون انمه علیهم‌السلام - که هر کدام به نوعی مورد ظلم و بیداد قرار گرفته‌اند - از برجسته‌ترین موضوعات شعر آن‌هاست.

از دیگر مواردی که در دیوان این دو شاعر، نوازشگر چشمان خواننده است، موضوعاتی مانند مدح پدر، مدح بزرگان دربار، تهنیت‌ها و تبریک‌های دوستانه، فخر به خود و غزل است. شعر شریفین که در معنا و لفظ، شعری متین و محکم است، می‌تواند یکی از بهترین نمایندگان شعر عربی اصیل به حساب آید. از آن جا که اشعار این دو بزرگوار از عاطفه‌ای صادق بهره‌مند است، به راحتی نبض احساسات خواننده را در قبضه اختیار خود می‌گیرد و استحکام و شیوایی الفاظ که با سادگی و زیبایی عجین گشته، اشعارشان را دل‌چسب و گوارا نموده است.

گرچه در دوره عباسی، تلاش گسترده‌ای برای نوآوری در قالب و محتوای اشعار پدید آمد، اما شعر این دو همچنان بر اساس اسلوب قدیم پیش رفت تا جایی که گاهی بوی صحرا و بیابان و صدای گریه شاعر هنگام وقوف بر اطلال و دمن محبوب، فضای شعرشان را فرا می‌گیرد.

در این تحقیق سعی شده است جلوه‌هایی از ادبیات متعهد شیعی به تصویر کشیده شود و با آوردن شواهدی از منطق و استدلال شعری این دو برادر به اهداف خود نایل گردد.

در این پایان‌نامه، نویسنده پس از بررسی اوضاع فرهنگی و سیاسی عصر عباسی، سیر تحولات زندگی سید مرتضی و سید رضی را مفصلاً مورد بررسی قرار داده و سعی کرده

ویژگی‌های شکلی و محتوایی شعر شیعی را برشمرد. به عقیده وی، یکی از ابزارهایی که شیعه برای اثبات حقانیت و پیشبرد اهداف والای خود به کار گرفته، سلاح «شعر» است که دستاوردهای بسیاری برای شیعیان به همراه داشته است و در این مسیر، شعرای بزرگی همچون فرزдық، سید جمیری، دعبل خزاعی، کمیت بن زید اسدی و شریف رضی درخشیده‌اند.

مهم‌ترین مضامینی که در اشعار شیعی تجلی یافته است، عبارت‌اند از اظهار عشق و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و دعوت به آن، امید به نجات و رستگاری در قیامت به واسطه دوستی با ایشان، بازتاب رویداد غدیر، رثای امام حسین علیه‌السلام و گریه و اندوه بر مصیبت‌های ایشان، مدح اهل بیت علیهم‌السلام و بیان فضیلت‌ها و منقبت‌های بی‌نظیر آنان، هجو و نکوهش دشمنان ایشان و

مضامین والای عاشورایی در شعر شریف رضی و شریف مرتضی نمود برجسته‌ای دارد که نویسنده در این زمینه به مضامینی از قبیل شهادت، کربلا، شرافت و بزرگی، مقام و منزلت امام حسین علیه‌السلام اشاره کرده است. هنرنمایی شریفین در کاربرد مضامین فردی چون تشنگی، اسارت، مظلومیت، تنهایی و بی‌یاوری، مجد و عظمت، صبر و استقامت، شجاعت و دلاوری، و مضامین اجتماعی چون هدایت‌گری، حزن و اندوه و ایشار و فداکاری است.

(۲۱۳)

مقایسه اشعار الشریفین الرثائیة

مهین صفریان دارانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد

اسلامی - واحد تهران مرکزی

استاد راهنما: دکتر علی رضا باقر

استاد مشاور: دکتر باقر قربانی زرین

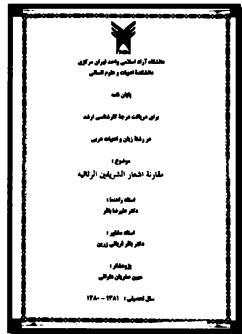
سال ۱۳۸۱

واقعه عاشورا، حماسه ای بی نظیر در تاریخ

بشری است که نام آن یادآور آزادگی و

ظلم ستیزی امام حسین (ع) است. در ادوار

مختلف، شاعران شیعه در رثای امام



حسین (ع) اشعار عربی فراوانی سروده اند. شریف مرتضی و شریف رضی، فقیهان والامقام

شیعه، از جمله افرادی اند که بیشتر اشعار رثایی خود را به آن حضرت اختصاص داده اند.

شعر شریف مرتضی در رثای امام حسین (ع) خالی از تکلف و آکنده از عاطفه صادقانه

و عشق ناب او به اهل بیت (ع) است. از سوی دیگر، از بهترین و زیباترین انواع شعر در

دیوان شریف رضی، مرثی اوست. این مرثی بر سه قسم است: مرثی خویشاوندان و

دوستان، مرثی پادشاهان و بزرگان، و مرثی شهدای کربلا. مرثی او در شهادت حسین بن

علی (ع) پنج قصیده طولانی است که در آن ها از عظمت و کرامت شهادت آن امام سخن

می‌گوید و قاتلان او را به انتقام تهدید می‌کند. سخن او در مراثی امام حسین علیه السلام اندوه‌بار و در عین حال حکیمانه است.

این پایان‌نامه با هدف بررسی روحیات و طبع شعری شریف مرتضی و شریف رضی و استخراج موضوعات موجود در قصایدی که در رشای جدشان امام حسین علیه السلام سروده‌اند، نگاشته شده است.

پایان‌نامه به عربی نوشته شده است و علاوه بر مقدمه، شامل چهار باب است و در پایان، خلاصه‌ای از مباحث به فارسی آورده شده است. عناوین باب‌های چهارگانه این پژوهش، به ترتیب چنین‌اند: «عصر الشریفین المرتضی و الرضی»، «حیة الشریفین المرتضی و الرضی»، «فنّ الرثاء» و «مقارنة اشعار الشریفین الرثائیة».

النحوفی «أمالی الشریف المرتضی»

ابراهیم بن محمد أبو عباة

پایان نامه کارشناسی ارشد نحو

دانشکده زبان عربی دانشگاه اسلامی محمد

بن سعود

استاد راهنما: دکتر محمد بدوی المختون

سال ۱۴۰۱م

این پایان نامه در چهار فصل و به شرح زیر
سامان یافته است:

فصل اول، به خانواده، استادان، شاگردان،

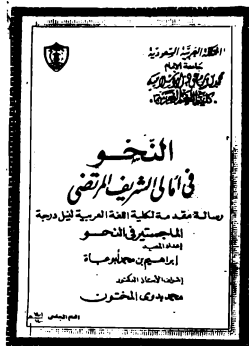
آثار و عقاید مذهبی سید مرتضی و نیز
رخدادهای عصر او پرداخته است.

فصل دوم، درباره معنای «أمالی» است.

أمالی جمع املاء است و در اصطلاح، کتابی

را گویند که استاد تقریر کند و شاگردان بنویسند. عالمان و استادان قدیم در محل درس
جلوس می کردند و شاگردان در اطراف آنان با قلم و کاغذ می نشستند و آن چه را استادان،
تقریر (املاء) می کردند، می نوشتند. حاصل این نوشته ها را «أمالی» می گفتند. این شیوه
فقیهان و محدثان و دیگر اهل ادب و علم بوده است. به این ترتیب کتاب های بسیاری در
قالب أمالی تألیف شده است؛ از جمله آن ها أمالی های ابن درید، ابن حاجب، ابن حجر،
ابن الشجری و ابن عساکر از اهل تسنن است.

فصل سوم که پرحجم ترین بخش رساله است و سه چهارم آن را دربر گرفته است،
مباحث نحوی را در خود جای داده است. نویسنده به جمع آوری مباحث نحوی متفرق از
کتاب أمالی اقدام کرده است.



وسائل السبک و الحبک فی دیوان الشریف المرتضی؛ دراسة نصیة

عمرو محمد یسری عبدالفتاح

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه طنطا

استاد راهنما: دکتر محمود سلیمان یاقوت

سال ۲۰۱۱م



موضوع این تحقیق، مطالعه متنی پیوندهای لفظی و معنوی در دیوان شریف مرتضی است و به بررسی و کاربرد روش های دستوری ارتباط معنایی در متون به طور عام و شعر شریف مرتضی به طور خاص می پردازد. محقق، رویکرد عمده ای در زمینه ارتباط لفظی

و معنایی در دیوان شریف مرتضی اتخاذ کرده است. این رویکردی است که با مطالعه دقیق زبان از طریق توصیف دقیق و تجزیه و تحلیل نظم اصوات آن، بناهای صرفی و ترکیب های نحوی و ارتباط معنایی با توجه به روابط درون متنی، حاصل شده است.

تحقیقات زبان شناسی به تازگی، به ضرورت حرکت به سوی مرزهای جمله در بررسی قواعد گفتاری برای تجزیه و تحلیل متون در همه ابعاد و ضرورت ترکیب ملاحظات کلامی و نحوی با ملاحظات اعتبارات معنایی مقامی در دریافت اشکال بیان و اصطلاحات آن ها رسیده است. همین امر باعث شده است تا موانعی که بین دستور زبان، بلاغت، علوم انتقادی و شعر وجود دارد، از بین برود. برای گسترش زمینه پژوهش های زبان شناسی و

پشتیبانی از زبان‌شناسی کاربردی به طور خاص، هیچ انگیزه‌ای وجود ندارد، به جز غنی‌سازی توجه و شناخت بسیاری از موضوعات که با مراجعه به آن امکان‌پذیر است.

این پژوهش در یک مقدمه و چهار فصل سامان یافته است. نویسنده در مقدمه، موضوع تحقیق را تعریف کرده و دلایل انتخاب موضوع، مطالعات قبلی، اهداف و انگیزه‌های تحقیق، مواد و منابع تحقیق، روش و مراحل تحقیق و محتوای تحقیق را توضیح داده است.

وی در فصل اول، زبان‌شناسی متنی و وسایل سبک و حیک را در هفت مبحث و به شرح زیر بررسی کرده است:

مبحث اول، در باب پیدایش پژوهش متنی و پیشرفت آن است. تحقیق این پیدایش به سه مرحله تقسیم شده و هر مرحله خصوصیتی دارد که آن را از دیگر مراحل متمایز کرده است.

مبحث دوم به مفهوم متن و زبان‌شناسی متن پرداخته است. نویسنده در این باره، دیدگاه‌هایی را از متقدمان و متأخران مفهوم متن ارائه داده و سپس اصطلاح زبان‌شناسی متن را تعریف کرده است.

مبحث سوم، وظایف زبان‌شناسی متن را برشمرده است. در این مبحث، برای زبان‌شناسی متن ده کارکرد ذکر شده است.

در مبحث چهارم، در تبیین استانداردهای متنی، به هفت معیار متنی پرداخته شده است که عبارت‌اند از: سبک، حیک، قصد، قبول، اعلامی، مقامی و تناص.

مبحث پنجم، معنی سبک و حیک در میراث عربی را بررسی کرده است. در این مبحث، تصاویر و نمونه‌هایی از روش‌ها و شیوه‌های متنی در میان متقدمان بلاغت، منتقدین، نحات، زبان‌شناسان و مترجمان ارائه شده است.

مبحث ششم، معنی سبک و حیک در پژوهش‌های زبان‌شناسی معاصر را تبیین کرده است. در این مبحث به دیدگاه زبان‌شناسان معاصر، مانند هالیدی، رقیه حسن، روبرت دی بوجراند، سعد مصلوح، محمد حماسه عبداللطیف، و صبحی ابراهیم الفقی، درباره سبک و حیک اشاره شده است.

در مبحث هفتم، کارکردهای لفظی و معنوی وسایل سبک و حیک ارائه شده است.

فصل دوم پژوهش، وسایل سبک نحوی در دیوان شریف مرتضی را در پنج مبحث بیان کرده است:

مبحث اول، «احاله» است که شامل جنبه‌های نظری و عملی است. این مبحث شامل احاله داخلی و خارجی است و عناصر آن، عبارت‌اند از: احاله ضمیری، اشاری، موصولی، مقارنه‌ای و اسماء ظاهر.

موضوع مبحث دوم، «استبدال» است و جنبه‌های نظری و عملی آن را شامل می‌شود. استبدال، شامل جایگزینی اسمی، فعلی و عبارتی است.

مبحث سوم، «حذف» است. این مبحث نیز شامل جنبه‌های نظری و عملی در چندین نوع، مانند حذف عنصر لفظی، عنصر اسمی، عنصر فعلی، عنصر جمله‌ای و عنصر بیانی است.

مبحث چهارم، در باب «اتصال» است که شامل پیوندهای کلامی و معنوی است.

مبحث پنجم نیز موضوع «تحدید» را بررسی کرده است.

فصل سوم به روش‌های به کارگیری واژگان در دیوان شریف مرتضی پرداخته است که شامل تکرار و همراهی واژگانی است.

فصل چهارم، معنی حَبک در دیوان شریف مرتضی را ارائه داده است.

(۲۱۶)

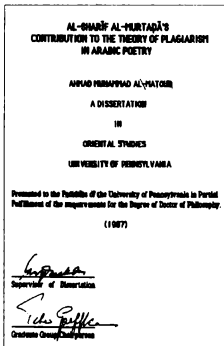
**Al-Sharif Al-Murtada's Contribution To The Theory Of
Plagiarism In Arabic Poetry (Yemen)**

احمد محمد المعتوق

رساله دکتری

دانشگاه پنسیلوانیا

سال ۱۹۸۷م



این پایان نامه، پژوهشی درباره سهم شریف مرتضی در مبحث سرقت ادبی در شعر عربی است. موضوع سرقت ادبی در شعر عرب از دیرباز مطرح بوده است. این پژوهش ابتدا به دلیل اهمیت دیدگاه‌ها و نقش شریف مرتضی در مسأله سرقت ادبی و شکل‌گیری یک مفهوم منسجم سرقت ادبی در نقد عربی می‌پردازد. شریف مرتضی چاره‌جویی درباره سرقت ادبی را

در چارچوب کلی آن در نقد ادبیات عرب مورد بررسی قرار داده و اهمیت آن را نشان داده است و آن را به عنوان یک موضوع مهم، قلمداد کرده است. او تئوری‌های مطرح در مورد این موضوع را گسترش داده و گاه‌شماری مرتبط با نظریه‌های قبلی ارائه داده است.

در این تحقیق به مطالعه تحلیلی و تطبیقی نظریه سید مرتضی در باب سرقت ادبی پرداخته شده و ایده‌های برجسته وی در این باره معرفی شده، و ارزش و جایگاه آن در بین ایده‌های دیگر منتقدان عرب نشان داده شده است.

این تحقیق علاوه بر آن که نشان‌دهنده سهم سید مرتضی در توسعه نظری مسأله سرقت

ادبی است، مشخص می کند که وی در این باره، دارای یک دیدگاه اصیل و ارزشمند است که از نظر منتقدین اولیه و معاصر، در ذات و اهداف خود متمایز است. این مطالعه اهمیت دیدگاه وی را در روند ارزیابی بخش اعظمی از تولیدات شاعرانه عرب نشان می دهد. سید مرتضی چندین نظریه مهم در مورد موضوعات مربوط به سرقت ادبی در شعر ارائه کرده است، مانند مضامین مشترک و مسأله تشابه در تولید شاعرانه، ایجاد ایده های نوآورانه در رابطه با سرقت ناخواسته ادبی، ساختار داخلی موضوع، شعر، نسل و اصالت.

بسیاری از اندیشه های شریف مرتضی شبیه به نظر برخی منتقدین برجسته اروپایی است. این پایان نامه در واقع یک منتقد مهم عرب را معرفی می کند که کار و دستاوردهای مهم آن تاکنون ناشناخته مانده است. اهمیت سهم وی در بحث سرقت ادبی و یافتن حلقه مفقودی که بین دیدگاه های وی و پژوهش های گذشته در مورد این موضوع در ادبیات عرب وجود دارد، از رسالت های این پژوهش است.

تعریف های متعددی از سرقت شعری ارائه شده است و چنان که مشخص است، ناقد با روی آوردن به این قضیه، معمولاً سعی دارد با بررسی اشعار شاعران، معنای بدیع را کشف کند و شاعری را که از معنای شعر شاعران دیگر تقلید کرده است، برجسته سازد. ابن رشیق قیروانی نیز به این مسأله توجه ویژه داشته و معتقد است که هیچ شاعری نمی تواند ادعا کند که از این قضیه به سلامت عبور کرده و مرتکب آن نشده است.

شیوه سید مرتضی چنین است که معنای شعری را اخذ می کند و آن را مورد پیگیری و بررسی قرار می دهد تا به اولین کسی که این معنا را استفاده کرده است برسد و آن گاه به معانی دیگری که شاعر در شعر خویش بدان افزوده است، می پردازد. سید مرتضی چنین رویکردی را سرقت شعری نمی داند، بلکه به عقیده او، یک معنای خاص میان شاعران، شایع بوده است که هر شاعری آن را برمی گزیند و در غرضی که خود می خواهد به نظم می کشد.

چنان که گذشت، سید مرتضی اصطلاح «سرقت» یا «إغارة»، «سلب»، «اصطراف»، «اهتمام» و... را که در کتب نقدی رواج داشت، در کنار سرقت شعری قرار نداده و به کلماتی چون «أخذ»، «نظر» و... بسنده کرده است و در مواردی که در اصطلاح عموم،

سرقت محسوب می‌شود، از عبارت «أو من هذا المعنى، قول الشاعر»، یا «و مثله قول فلان»، یا «یشاکل ذلک قول فلان» استفاده می‌کند. مثلاً سید، ابیاتی از «خنساء» در مدح برادر و پدرش می‌آورد و سپس می‌گوید: «گویی خنساء در این معنا، به شعر زهیر در وصف گورخر، نظری افکنده بوده است». آن گاه ابیات زهیر را می‌آورد و سپس بیان می‌کند: «چنین به نظر می‌رسد که کمیت معنای شعرش دربارهٔ مخلد بن یزید بن مهلب را از خنساء اخذ کرده است». سید پس از ذکر چند بیت از کمیت، اظهار می‌دارد که معنی ابیات مؤمل بن أمیله شبیه به این معنای شعری کمیت است. به همین ترتیب، بدون استفاده از واژه منفی «سرقت»، با واژگانی چون «نظر»، «أخذ»، «یشبه» و...، تأثیر و تأثر شاعران در معنا از یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. در جای دیگر سید مرتضی، بیتی از صالح بن عبدالقدوس آورده و می‌گوید: «گمان می‌کنم که ابن جهم در وصف حبس، این قسمت از شعر صالح را ملاحظه کرده است».

سید در بررسی‌های نقدی خود، اولین کسی را که معنای خاصی را ابداع کرده است، برجسته می‌سازد؛ در نتیجه تلاش می‌کند که اولین مبتکر یک معنا را که شاعران دیگر آن را به صورت متداول در اشعار خود به کار برده‌اند، بیابد. بنا بر این به قول محمود ولید خالص، سید با این کار خود، اولاً نقدش را دربارهٔ هر شاعری به درستی اجرا می‌کند، و ثانیاً تغییرپذیری یک معنا را از ابتدای پیدایش، در گذر زمان به دست شاعران بررسی کرده و تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بر آن در طول زمان به دست شاعران مختلف، مورد بررسی قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد این امر، همان سرقت مستحب یا سرقت نیکو در مقابل سرقت مستهجن یا سرقت مذموم باشد که برخی ناقدان، آن را طرح کرده‌اند. در سرقت نیکو، شاعری که معنایی را از دیگری اخذ کرده است، چیزهایی به آن معنا می‌افزاید که قبلاً نبوده و یا اگر طولانی بوده، آن را مختصر می‌کند، یا اگر پیچیده بوده، آن را بسط می‌دهد، یا اگر مبهم بوده، آن را توضیح می‌دهد، یا اگر پیش پا افتاده و زشت بوده، آن را با کلامی نیکو بیان می‌دارد، یا اگر سنگین یا جابه‌جا بوده، وزن آن را درست می‌کند.

سید مرتضی گاهی معنای خاصی را در نظر گرفته و پس از ذکر نمونه‌های شعری از

شاعران مختلف، اظهار می‌دارد که من خود نیز در این زمینه اشعاری سروده‌ام. واضح است که سید نیز همچون جرجانی و ابوهلال عسکری چنین رویکردی را سرقت محسوب نمی‌کند؛ زیرا این معانی، معانی‌ای رایج و عمومی‌اند که شاعران متعددی بدان پرداخته‌اند؛ هرچند که سید مرتضی گاهی برخی معانی را طرح کرده و اذعان می‌دارد که پیش از من هیچ کس این معنا را به کار نبرده است.

بخش هفتم

پایان نامه های تاریخی و اجتماعی

اوضاع مدارس شیعی در چهار قرن اول هجری

فهیمة خواجه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران

دوره اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد

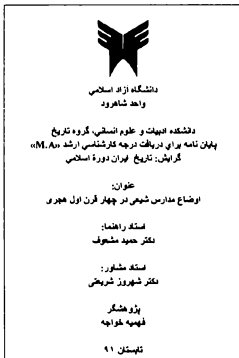
اسلامی - واحد شاهرود

استاد راهنما: دکتر حمید مشعوف

استاد مشاور: دکتر شهروز شریعتی

سال ۱۳۹۱

شیعیان بنا به وضعیت خاص خود که از جانب حکومت‌های وقت مورد تعقیب و شکنجه و قتل قرار می‌گرفتند، نوع خاصی از آموزش‌ها را به وجود آوردند. این آموزه‌ها با استفاده از الگوی تبلیغات و تکیه‌ها، توسط



افراد باسواد انجام می‌گرفت و شامل قرآن، فقه، حدیث، تفسیر، رجال و کلام می‌شد. به جز چند مدرسه محدود در بغداد و ری و مازندران - که تعداد آن‌ها انگشت‌شمار بوده است - سایر مدارس، بیشتر جنبه غیررسمی و مخفیانه داشته‌اند. فِرَق شیعه مثل زیدیان و اسماعیلیان نیز از همین الگو پیروی کردند. در این راستا و در محدوده حکومت‌های شیعی مثل علویان طبرستان و آل بویه، فعالیت‌های آموزشی، گسترش بیشتری داشته است و منجر به تربیت افرادی چون سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن بابویه شده بود. این‌ها نیز به نوبه خود شاگردان دیگری تربیت کردند. نتیجه این گونه برخورد با مسأله آموزش،

سبب ناپایدار ماندن عقاید شیعی و گسترش علوم مربوط به آن‌ها و مورد نظرشان گردید. برای این منظور، در همه بخش‌های این پایان‌نامه، از تلاش‌های درسی و آموزشی امامان شیعه، سپس پیروان آنان صحبت به میان آمده است. همچنین تداوم آموزش در دوره علویان ایرانی، نظیر طاهریان، سامانیان، صفاریان و آل زیار نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

این پایان‌نامه چهار فصل دارد که عناوین آن به شرح زیر است:

فصل اول: «کلیات».

فصل دوم: «شیعه و مفاهیم بنیادین». خود این فصل در دو بخش تدوین شده است:

بخش اول: شیعه در لغت؛ بخش دوم: حکومت‌های سیاسی امویان و عباسیان.

فصل سوم: «امامان شیعه، آموزش‌های مکتبی». این فصل نیز در پنج بخش تنظیم شده

است: بخش اول: درآمدی بر آموزش‌های شیعی در سه قرن اول هجری؛ بخش دوم: فقیهان

و تأسیس مدارس فقه و آموزش مجتهدان؛ بخش سوم: آموزش‌های شیعی زیدیه؛ بخش

چهارم: آموزه‌های زیدیه؛ بخش پنجم: اسماعیلیان و گسترش آموزش‌های باطنی شیعه.

فصل چهارم در دو بخش، «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در چهار قرن

اول هجری» را بررسی کرده است: بخش اول: تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

علویان طبرستان و مازندران؛ بخش دوم: دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل.

(۲۱۸)

زمینه‌های رشد و نضج شیعه از قرن چهارم تا ششم هجری

عبّاس مصّلائی پور یزدی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و

تبلیغ

دانشکده تبلیغ و معارف اسلامی دانشگاه

امام صادق (ع)

استاد راهنما: محمّدجواد مشکور

استاد مشاور: یعقوب آژند و علی اصغر

حلبی

سال ۱۳۶۹

این پایان‌نامه دارای پنج فصل است. در فصل

اول ضمن اشاره به حدیث تفرقه، اصل و بنیاد

فرقه‌های اسلامی را بررسی کرده و بیان

داشته است که یکی از فرقه‌های اسلامی که

خود، اصلی بنیادی برای دیگر انشعاب‌ها است، مذهب شیعه است. سپس معنای لغوی و

اصطلاحی شیعه و نیز زمان ظهور پیروان حضرت علی (ع) به عنوان شیعه را بررسی کرده

است و مفهوم «رفض» و «روافض» را تا حدی روشن ساخته است. در پایان این فصل، به

مهم‌ترین فرقه‌های شیعه که غلاة، زیدیه، کیسانیه و امامیه است، نظر افکنده شده است.

در فصل دوم، به دولت آل بویه به عنوان یکی از دولت‌های مستقل شیعه در قرن چهارم

و پنجم هجری پرداخته شده است. در آغاز این فصل، نگاهی کلی بر آل بویه شده و با

بررسی مذهب آن دودمان - که شیعه اثنی عشریه یا شیعه زیدیه بوده‌اند - شیعه جعفری بودن

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده تبلیغ و معارف اسلامی

زمینه‌های رشد و نضج شیعه در قرن چهارم تا ششم هجری

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: آقای دکتر محمدجواد مشکور

اساتید مشاور

۱- آقای دکتر یعقوب آژند ۲- آقای دکتر علی اصغر حلبی

نگارش از: عباس مصّلائی پور یزدی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته

رشته معارف اسلامی و تبلیغ

اردیبهشت ۱۳۶۹

آن‌ها با قرآنی رجحان نهاده شده است. در ادامه، چگونگی برخورد آل‌بویه با خلفای عباسی و علت اساسی این گونه برخورد، مورد مذاقه قرار گرفته است.

مهم‌ترین قسمت فصل دوم، بحث شعارهای شیعه در دوران آل‌بویه است که در آن اقدامات سلاطین آل‌بویه در خصوص حمایت از مذهب شیعه و برگزاری شعائر شیعی توضیح داده شده است. نویسنده در ادامه این بحث، بزرگان شیعه در دوران آل‌بویه و به‌ویژه نقشی را که هر کدام در گسترش تشیع داشته‌اند، مورد بررسی قرار داده است. این شخصیت‌ها که به ترتیب سال وفاتشان مرتب شده‌اند، عبارت‌اند از: شیخ کلینی، شیخ صدوق، صاحب بن عباد، سید رضی، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی.

در فصل سوم، پاره‌ای اقدامات و فعالیت‌های فاطمیان در خصوص حمایت از تشیع و شعار آن توضیح داده شده است و در ادامه، مهم‌ترین مراکز فرهنگی در دوران فاطمیان بررسی گردیده است. در پایان این فصل، از آن‌جا که فرقه دروژه در حقیقت نشأت گرفته از فاطمیان است، به چگونگی تشکیل و عقاید این فرقه اشاره شده است.

در فصل چهارم، اسماعیلیان در ایران، به عنوان یکی دیگر از دولت‌های مستقل شیعی که در اواخر قرن پنجم هجری و طول قرن ششم هجری مطرح بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مؤلف در آغاز این فصل، به شرح حال مؤسس دولت اسماعیلیه در ایران، یعنی حسن صباح پرداخته است و به دنبال آن نزاریان و مراتب دعوت آنان را بررسی کرده و بالاخره دولت نزاریه در ایران را به تفصیل به بحث گذاشته است.

در فصل پنجم، حمدانیان، یکی دیگر از دولت‌های شیعی که در قرن چهارم هجری مطرح بوده‌اند بررسی شده است. نویسنده در آغاز نگاهی کلی بر بنی‌حمدان داشته است و در آن به نسب آن‌ها و دو شاخه کلی حمدانیان و بالاخره مذهب آن‌ها پرداخته است. از آن‌جا که مشهورترین پادشاه حمدانیان، سیف‌الدوله بوده است، مؤلف، زندگانی او را مورد بررسی قرار داده و در پایان، مشاهیر علم و ادب در عهد حمدانیان را برشمرده است.

وضعیت شیعیان بغداد در دوران سید مرتضی علیه السلام

احسان ترکمان

پایان نامه کارشناسی ارشد

پژوهشکده علوم اسلامی پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه

استاد راهنما: رمضان محمدی

استاد مشاور: ناصر باقری بیدهندی

سال ۱۳۹۵

در این پژوهش به زمانه سید مرتضی - که یکی از مقاطع تاریخی شیعه است - و محل زندگی او - که از مهم ترین مکان های جغرافیایی اجتماع شیعیان محسوب می شود - پرداخته شده است.

دوران حیات سید مرتضی از نظر سیاسی،

جغرافیایی، اجتماعی و نیز سایر ابعاد، یکی از پربارترین مقاطع تاریخی شیعه نسبت به قبل و بعد آن به شمار می رود و بدین جهات، مؤلفه های پیشرفت و عقبرفت اجتماع شیعیان در این دوره، قابلیت بررسی و نیز الگوبرداری دارد. لذا برای پژوهش وضعیت شیعیان بغداد در دوران سید مرتضی، شرح حال و ابعاد شخصیتی این زعیم شیعه ذکر شده است و به همراه آن، تحصیلات، شاگردان، منزلت و جامعیت علمی وی، آثار و جایگاه او در بغداد و... آمده است. همچنین بغداد و پیشینه تاریخی آن و محلات آن به واسطه ارتباط جغرافیایی مستقیم با موضوع، مورد بررسی قرار گرفته و همین طور از محل های استقرار و اجتماع شیعیان در بغداد و محلات مخصوص آن ها، عوامل نفوذ و گسترش تشیع در بغداد



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پایان نامه کارشناسی ارشد

میران

وضعیت شیعیان بغداد در دوران سید مرتضی (ره)

پژوهشگر:

احسان ترکمان

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین استاد رمضان محمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین استاد ناصر باقری بیدهندی

۱۳۹۵

به همراه موقعیت و نقش اجتماعی سید مرتضی در جامعه شیعی بغداد و تأثیرات آن در این گسترش یاد شده است.

تبیین اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی شیعیان بغداد و شرایط علمی و فرهنگی آن در دوران سید مرتضی و بررسی ارتباط شیعیان با مذاهب دیگر از جمله آگاهی‌هایی است که در این پژوهش، برای پاسخ به چگونگی وضعیت شیعیان بغداد در این دوره ارائه شده است. از آن جا که زمان رهبری و زعامت سید مرتضی بر جامعه شیعی، به خصوص شیعیان بغداد، از نزدیک‌ترین ادوار رهبری فقیهان شیعه نسبت به زمان غیبت صغری امام عصر علیه السلام است، چگونگی سیر سازماندهی و رهبری شیعیان، علی‌الخصوص در بغداد از شروع دوره غیبت صغری تا زمان حیات سید مرتضی و نیز ادامه این سیر پس از ایشان، مورد بررسی قرار گرفته و برای بررسی این سیر به نقش‌های خاص تاریخی زعماء و رهبران شیعه چون وکالت، نیابت و مرجعیت پرداخته شده است.

نویسنده در جمع‌بندی مباحث به این نتیجه رسیده است که دوران حیات سید مرتضی از آغازین سال‌های حیات جامعه شیعی با مرکزیت بغداد است که بدون حضور امام یا نائب خاص امام علیه السلام بر این جامعه سپری می‌شود و از طرفی، به دلیل روی کار آمدن آل بویه، فرصتی مناسب نسبت به ادوار قبلی برای شیعه از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نیز اعتقادی فراهم شده بود. بنا بر این، بررسی این مقطع تاریخی، عبرت‌ها و درس‌های فراوانی برای شیعیان ادوار بعدی خواهد داشت.

تأثیر شخصیت بزرگ سید مرتضی و نیز بزرگان دیگر شیعه در این دوره تاریخی بر پیشبرد شیعه - چه در بغداد و چه در سایر نقاط شیعه‌نشین و حتی برای کل جامعه اسلامی آن زمان - قابل توجه و تأمل است.

همین طور مصادف شدن دوران حیات سید با قدرت‌گیری شیعه در عرصه سیاسی، خود صحنه‌های بسیار مهمی را برای بررسی علل رشد و شکوفایی در بعضی ابعاد جامعه شیعی بغداد و نیز سایر مناطق شیعه‌نشین به منصه ظهور می‌رساند و نیز با پیدایی چنین اتفاقاتی در مرکزیت شیعه آن دوران می‌توان به بسیاری از مؤلفه‌های تضعیف و تکامل شیعه دست پیدا کرد که همواره این مؤلفه‌ها در ادوار بعدی نیز قابل عبرت‌گیری، تکرار و به

کارگیری از هر دو سوی ضعیف و قدرت است.

در طول حیات سید مرتضی، بغداد، مرکز مهم اجتماع شیعیان به حساب می‌آمد که به همین لحاظ می‌توان سایر اجتماعات کوچک‌تر شیعه را تابعی از اتفاقات و جریان‌ات جاری در بغداد آن دوره دانست؛ چرا که بغداد در آن دوره از هر جهت برای تمامی جهان اسلام تعیین‌کننده بوده و علاوه بر اهمیت سیاسی، دارای ابعاد اهمیت دینی و معنوی برای شیعیان نیز بوده است؛ زیرا هم در دوران غیبت صغری امام عصر علیه السلام، هر چهار نائب خاص حضرت در بغداد سکنی گزیدند، و هم پس از نواب خاص حضرت، محدثان و فقیهان از مناطق گوناگون به بغداد هجرت کردند.

سیر شکل‌گیری و تحوّل وضعیت سازمان‌دهی امور دینی و معنوی شیعیان به‌خصوص در بغداد از زمان غیبت صغری تا زمان سید مرتضی و پس از ایشان، با توجّه به فقدان نواب خاص امام زمان علیه السلام بدین صورت بوده است:

۱. وکالت از امام علیه السلام برای انجام بعضی امور؛

۲. نهاد نیابت از امام علیه السلام؛

۳. نقابت؛

۴. نهاد مرجعیت و نیابت عام فقیه جامع الشرایط.

(۲۲۰)

إسهامات الشريف المرتضى في تطور العلوم الإسلامية

کوکب حسین عزیز

پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلامی

دانشکده ادبیات دانشگاه ذی قار، عراق

استاد راهنما: دکتر محسن راشد طریم الغزی

سال ۲۰۱۴م

این رساله دارای یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه است. نویسنده در فصل اول در سه مبحث به معرفی شخصیت شریف مرتضی و جایگاه علمی، اجتماعی و سیاسی او پرداخته است. در مبحث اول، زندگی نامه شریف مرتضی را آورده و در مباحث دوم و سوم، از جایگاه علمی و اجتماعی شریف مرتضی سخن گفته است؛ همچنین مناصبی را که او عهده دار



شده، برشمرده و از رابطه ایشان با خلفای عباسی و حاکمان آل بویه مطالبی بیان کرده است. مؤلف، فصل دوم را به تلاش های شریف مرتضی در علوم قرآن اختصاص داده و در سه مبحث، فعالیت های قرآنی و تفسیری او را معرفی کرده است. موضوع فصل سوم، سهم شریف مرتضی در پیشرفت علوم حدیث است. روش حدیثی او و مجالس حدیثی اش و نیز تأویل های وی در این فصل تبیین شده است. فقه و اصول فقه، عنوان فصل چهارم پایان نامه است. معرفی آثار فقهی و اصولی سید مرتضی و بیان ویژگی های این آثار از مباحث این فصل است. فصل پنجم هم درباره تلاش های کلامی شریف مرتضی است.

(۲۲۱)

**بررسی تغییرات اندیشه اجتماعی فقهای امامیه
با تأکید بر آرای شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی**

محمدرضا قائمی‌نیک

رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی نظری-فرهنگی

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

استاد راهنما: دکتر حمید پارسانیا

استادان مشاور: دکتر عبدالحسین کلانتری و

دکتر محسن الویری

سال ۱۳۹۵

دانش و اندیشه فقهی، خواه فردی و خواه جمعی
- که آموختن مقداری از آن بر هر فرد مسلمان
واجب و ضروری است- حداقل دو عنصر و
ویژگی دارد: اولاً معطوف به عمل است؛ ثانیاً
منابع و مبانی الهیاتی ثابت و مصون از خطا دارد.

برای تحقیق در تاریخ این نوع از دانش، مطابق با این دو ویژگی، از روش‌شناسی بنیادین
استفاده می‌شود. در این روش‌شناسی، هر نظریه، یک وجه منطقی ثابت و مرتبط با
نفس الامر دارد و یک وجه متغیر تاریخی که معمولاً عناصر آن در حوزه فرهنگ حضور به
هم رسانده است. به همین دلیل، شناخت ارتباط این عوامل با نظریات علمی، به منزله
شناخت رابطه نظریه با فرهنگ است.

نظریات جامعه‌شناسی مدرن جمعی، هرچند به توضیح «کنش و عمل» جمعی انسان
مدرن می‌پردازند، اما به دلیل ماهیت غیر دینی (سکولار) نمی‌توانند در توضیح اندیشه فقهی
و تغییرات آن کارآمد باشند. همچنین فلسفه عملی یونانی، از جمله ارسطو، شامل دانش



فقهی نبوده است و نمی‌توان از آن در توضیح این دانش که معطوف به عمل مسلمین است، بهره برد.

ابونصر فارابی، دو دانش فقه و کلام را در ذیل حکمت عملی تعریف می‌کند و حکمت عملی را تابع منطق حکمت نظری قرار می‌دهد. از این رو نویسنده کوشیده است تا مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، روش‌شناسی بنیادین را با تکیه بر حکمت نظری فارابی توضیح دهد. مطابق با مبانی فارابی و همچنین تقسیم‌بندی او از علوم، اندیشه فقه‌های سده سوم تا پنجم هجری، از جمله شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی، یک وجه ثابت و هسته مرکزی دارد که شامل متن قرآن و سیره و احادیث معصومین است و وجه متغیر آن، در تعامل با علم کلام تعریف می‌شود.

بنا بر این برای بررسی تغییرات اندیشه اجتماعی فقه‌های مذکور، دانش کلام و مهم‌ترین مسأله کلامی مد نظر آن‌ها، یعنی عصمت امامان معصوم و غیبت آخرین آن‌ها بررسی شده است. کلام شیخ صدوق به شکل نقلی و کلام شیخ مفید و سید مرتضی با رویکرد عقلانی، در تعامل با کلام معتزله و اشاعره و با تکیه بر قاعده لطف به مسأله مذکور پرداخته‌اند و نظریه اجتماعی-سیاسی «ولایت فقیه» را صورت‌بندی کرده‌اند.

سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید، هر دو در عصر غیبت، قائل به ولایت فقیه در امور دینی بوده و به تناسب آن، مجموعه‌ای از دانش‌ها را جهت استنباط احکام شرعی تدوین کرده‌اند.

دانش فقهی، معطوف به عمل مسلمانان مکلف بوده و بنا بر این در حوزه حکمت عملی می‌گنجد. بر هر مسلمان مکلفی واجب است برای هر گونه عمل فردی یا جمعی، عمومی یا تخصصی، حدی از این دانش را فرا بگیرد. از سوی دیگر، مبنا و منبع این نوع از دانش، تعالیم فراتاریخی و فرا بشری بوده و بنا بر این نوعی دانش الهیاتی محسوب می‌شود.

این دانش به دلیل اتصال با مبانی و منابع ماورای تاریخ، واجد اصلی ثابت بوده و از سوی دیگر مانند بسیاری از دانش‌های دیگر، تحولات و تطورات تاریخی داشته و پژوهش در آن، نیازمند اتخاذ روش‌شناسی متناسب با منطق آن است.

در این رساله از روش‌شناسی بنیادین استفاده شده است و مبانی انسان‌شناسی،

هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن، با بهره‌گیری از فلسفه ابونصر فارابی توجیه شده است. بر اساس این روش‌شناسی، هر نظریه فقهی برای شکل‌گیری و تکوین تاریخی خود از برخی مبانی معرفتی و نیز زمینه‌های غیر معرفتی بهره می‌برد. مبانی معرفتی با آن که با شیوه‌های منطقی در تکوین تاریخی نظریات دخیل‌اند، ارتباطات منطقی نفس‌الامری و فراتاریخی نیز با نظریه دارند؛ اما مبادی وجودی معرفتی و غیر معرفتی، عواملی‌اند که در حوزه فرهنگ و تاریخ حضور به هم رسانده‌اند و به همین دلیل، شناخت ارتباط این عوامل با نظریات علمی، به منزله شناخت رابطه نظریه با فرهنگ است. این روش‌شناسی کمک کرده تا نویسندگان با تکیه بر هسته مرکزی فراتاریخی - که مختص فقه شیعه است و در قرآن و نصوص به ارث رسیده و آن معصومین‌اند - تغییرات آرای فقها را که در حوزه فرهنگ و تعامل با دیگر دانش‌ها حضور به هم رسانده‌اند، توضیح دهد.

مهم‌ترین دانش تأثیرگذار در آرای فقه‌های سده سوم تا پنجم هجری، دانش کلام بوده است و مهم‌ترین مسأله شیعیان در این دوره، عصمت امامان معصوم علیهم‌السلام پس از پیامبر و غیبت دوازدهمین امام بوده است. از این رو، تغییرات اندیشه فقه‌های این دوره، وابسته به تفسیر آن‌ها از این مسأله حیاتی بوده است. فقه‌های مورد نظر با حفظ تقید به هسته مرکزی فقه شیعه در اثر تعامل با گروه‌های کلامی و فقهی این دوره، نظیر معتزله، اشاعره، و فقه شافعی و حنبلی، اندیشه‌های اجتماعی مختلفی ارائه داده‌اند. به علاوه، فارابی در ذیل علم مدنی (حکمت عملی)، دو دانش فقه و کلام را قرار می‌دهد و از این جهت مختصات دانش اجتماعی این دوره را ترسیم می‌کند.

با نظر به این مقدمات، در پایان فصل سوم رساله کوشیده شده است تا تعریفی اجمالی از اندیشه اجتماعی فقه ارائه شود. تمایز میان فرد و جامعه در دوره مدرن در یک تطوّر تاریخی رخ داده است. در این دوره تاریخی، فیلسوفانی بر علمیت سوژه فردی تأکید داشته‌اند و امور فرافردی را به حوزه امور اجتماعی یا اخلاقی یا دینی تحویل می‌بردند.

با شکل‌گیری جامعه‌شناسی، مخصوصاً در شکل کامل آن در آرای دورکیم، این امر فرافردی - که معمولاً با حوزه امور ماورایی یا دینی شناخته می‌شد - ذیل قواعد جامعه‌شناسی، به عنوان یک علم مدرن قرار گرفت. بنا بر این، تقابل فرد و جامعه در واقع

تقابل امر فردی و امر دینی بوده و این تقابل در حوزه الهیات است. شهید مطهری نیز در کتاب جامعه و تاریخ با درک درست از این مسأله در پاسخ به جبرگرایی ساختار دورکیم، راه حل تقابل فرد و جامعه را با استفاده از یک موضوع کلامی در حوزه علم الهی و اختیار فردی توضیح داده است و آن، راه حل شیعی برای مسأله جبر و اختیار است.

این راه حل، نشان می‌دهد که در واقع متفکرین مسلمان که در دوره ماقبل مدرن، تفکر می‌کرده‌اند و راه حل «لا جبر و لا تفویض» را ارائه داده‌اند، واجد نوعی اندیشه اجتماعی بوده و همین راه حل را برگزیده‌اند.

در فصل چهارم رساله، جریان‌های فکری که بر شکل‌گیری اندیشه شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی تأثیر داشته‌اند بررسی شده است. همچنین دو محدث برجسته شیعی و صاحب دو کتاب از کتب اربعه شیعی، یعنی شیخ صدوق و شیخ کلینی که آثار آن‌ها هسته مرکزی تفکر شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی را فراهم کرده، بررسی شده است.

در فصل بعد، آرای شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی با توجه به چارچوب روشی مختار بررسی شده است. با توجه به آن که مطابق با روش‌شناسی نویسنده، اندیشه اجتماعی در این دوره تاریخی با تکیه بر دو دانش کلام و فقه شکل گرفته، روش کلامی، آراء و موضوعات کلامی و اندیشه‌های فقهی و اجتماعی این دو فقیه بررسی شده است. روش کلامی شیخ مفید با تأثیر از نگاه او به جایگاه عقل و رابطه آن با سمع، کاملاً سازگار با روش‌شناسی بنیادین است. هرچند شیخ مفید ابتدا شاگرد معتزلیان و نوبختیان بوده، اما هسته مرکزی تفکر او را قرآن و احادیث منقول از پیامبر و امامان معصوم - که عمده‌تأ از طریق محدثین قمی به او رسیده است - شکل می‌دهد. با این حال او بر خلاف شیخ صدوق، بزرگ محدثین قمی، تفسیری کاملاً عقلانی از این هسته مرکزی ارائه می‌دهد و آثار او با منهج و روشی کاملاً کلامی نوشته شده‌اند. او پس از طرح دیدگاهش درباره توحید و عدل، نبوت و امامت را از طریق قاعده لطف اثبات می‌کند.

قاعده لطف به شیخ مفید امکان‌های گسترده‌ای می‌دهد که از آن جمله اثبات امامت، عصمت و علم امام، تبیین غیبت امام دوازدهم، تبیین شناخت فراحسی و گسترده ساختن دایره اجتهاد در فقه شیعی است. این شناخت‌های فراحسی، توسط متفکرین شیعه در

دوره های بعدی بسط و گسترش می یابد و فقه شیعه را در تعامل با دانش هایی نظیر کلام، عرفان و حتی علوم طبیعی، فربه می سازد. از این میان، توضیح و تبیین شیخ مفید از تکالیف عملی و نظری شیعیان در عصر غیبت امام معصوم بر اساس قاعده لطف و پیوند آن با مفهوم اصلح است. معتزلیان، مفهوم اصلح را ذیل عدل الهی تعریف می کردند؛ اما شیخ مفید با تصرف در آن، آن را ذیل قاعده لطف تعریف می کند و با پیوند آن با امامت، مفهوم مصلحت عمومی را مطرح می سازد و نتیجه می گیرد که بنا بر حکمت الهی، ضرورت دارد که خدا امام را برای صلاح عموم آشکار کند؛ اما تشخیص این مصلحت عمومی تنها در حیطه علم الهی است.

خلاصه فصل پایانی رساله چنین است: سید مرتضی علم الهدی با گسترده ساختن دایره عقل، مسأله تکالیف شیعیان را از نظریه وجوب نظر تبیین می کند. اولین تکلیف، شناخت خداست؛ اما این شناخت همانند دیگر شناخت ها، کاملاً عقلانی و استدلالی است. با این حال، سید مرتضی علم الهدی با طرح نظریه وجوب نظر، علم را مقوله ای ارزشمند و ناشی از اعتقاد می داند و با مقید کردن جهت نظر به یکی از نشانه های الهی، به لحاظ روش شناسی در مکتب کلامی شیخ مفید قرار می گیرد. استدلال ایشان درباره امامت، هرچند با تکیه بر قاعده لطف صورت گرفته، اما کاملاً به شکل استدلالی بیان می شود. ایشان با طرح سه استدلال، به وجوب و ضرورت عقلی امام معصوم در همه زمان ها می رسد.

مرتضی در برهان اول، از ضرورت رئیس مقتدر، عادل، مبسوط البد و معصوم از خطا، در برهان دوم از نیاز به مفسر احکام شرعی مکتوب در قرآن، و در برهان سوم از ضرورت وجود امام معصوم برای حفظ شریعت، به نیاز به امام معصوم در همه زمان ها می رسد. او در برهانی دیگر، با توجه به ضرورت عصمت از خطا در هر سه برهان قبلی و با توجه به ویژگی خاص صفت عصمت، به ضرورت تصریح نص بر امام معصوم در همه زمان ها استدلال می کند. سید مرتضی علم الهدی پس از طرح این استدلال ها، نشان می دهد که با توجه به ضرورت عقلی وجود امام معصوم برای همه زمان ها، بایستی در عصر غیبت نیز امامی وجود داشته باشد و او در این عصر، از نظرها غایب است. سپس توضیح می دهد که

محرومیت انسان‌ها از امام در عصر غیبت، از جانب خداوند نیست؛ چون خداوند با خلق و نصب امام، قصوری ندارد. همچنین قصور از طرف امام نیز با پذیرش مسئولیت برطرف شده است. بنا بر این، غیبت او تنها ناشی از قصور و کوتاهی خود شیعیان است.

ایشان علم به زمان ظهور را به دلیل عصمت امام غایب، تنها در حیطه علم معصوم از خطا - که نزد خداوند است - می‌دانند. از این رو او با طرح اندیشه نه جبر و نه تقویض، شیعیان را در برگزیدن راه تبعیت از فرمان‌های امام و از میان بردن ساختارهای مانع از ظهور او یا در پیش گرفتن راه قصور و گناه، مختار قرار می‌دهد. از نظر سید مرتضی علم الهدی در غیاب سلطان عادل - که همان امام معصوم است - ما در ذیل حکومت سلطان جائز قرار داریم. یکی از تکالیف واجب بر شیعیان در عصر غیبت، این است که اگر امکان اجرای حدود الهی برای ایشان ممکن می‌شود، با سلطان جائز همکاری کنند. در این صورت اگر منفعت شخصی در میان نباشد، این همکاری واجب است و هرچند شخص همکار با سلطان جائز، حکمش را از سلطان می‌گیرد، اما در باطن، از جانب امام، اجازه اعمال ولایت و اجرای احکام را دارد. بنا بر این سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید، هر دو در عصر غیبت قائل به ولایت فقیه در امور دینی بوده‌اند و به تناسب آن، مجموعه‌ای از دانش‌ها را جهت استنباط احکام شرعی تدوین کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها علم اصول فقه است.

فرد و دولت در اندیشه شیخ مفید و سید مرتضی

سید عباس صالحی

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم

استاد راهنما: آیه الله یحیی انصاری

شیرازی

استاد مشاور: محمدحسین حشمت پور

سال ۱۳۷۸

این پژوهش از پیش درآمد و سه فصل تشکیل شده است. مؤلف برای روشن تر شدن بحث، قبل از ورود به بحث های اصلی، به تفاوت های ارائه شده میان فلسفه سیاسی با اندیشه سیاسی، و کلام سیاسی با فلسفه سیاسی، و فقه سیاسی با فلسفه سیاسی و در آخر، فقه سیاسی با

کلام سیاسی اشاره می کند. وی در این حوزه از فارابی به عنوان فیلسوف سیاسی و از شیخ مفید به عنوان متکلم سیاسی و از ماوردی به عنوان فقیه سیاسی یاد می کند و نمونه هایی از نظریات ایشان را مورد بررسی قرار می دهد. در پایان مقدمه، نویسنده به مقوله فرد و دولت در اندیشه سیاسی اسلام نگاهی گذرا افکنده و به این نکته اشاره می کند که این رابطه در عصر مدرنیته، بر پایه «فردگرایی فلسفی» استوار است؛ اما در اندیشه سیاسی اسلام، فرد مسلمان هیچ حقوقی مستقل از شریعت ندارد.

مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم
پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

فرد و دولت در اندیشه شیخ مفید و سید مرتضی

استاد راهنما
آیه الله یحیی انصاری شیرازی

استاد مشاور
محمدحسین حشمت پور

دانشجو
سید عباس صالحی

مؤلف در فصل اول با عنوان «شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری» به توصیف پیشرفت‌های شیعیان در دو قرن چهارم و پنجم پرداخته و طبق برخی گزاره‌های تاریخی، معتقد است که در قرن چهارم، بخش مهمی از جمعیت بغداد را شیعیان تشکیل می‌دادند و حتی قبل از حاکمیت آل بویه، شیعیان در مرکز خلافت عباسی هم از نفوذ و موقعیت خوبی برخوردار بودند. وی در این بخش به ذکر شهرها و محلاتی که شیعه در این دو قرن توانست به غلبه و مقبولیت چشم‌گیری دست پیدا کند، می‌پردازد و مناطقی همچون کوفه در قرن چهارم و بصره در قرن پنجم را به عنوان پایگاه و مراکز شیعی ذکر می‌کند. در ایران شهرهایی همچون گرگان، مازندران، قم و ری را به عنوان مراکز شیعی معرفی می‌کند و خراسان را در آن دوره خالی از مراکز چشم‌گیر شیعی می‌پندارد.

عنوان دیگری که ذیل آن، مباحث تاریخی قرن چهارم و پنجم ذکر شده، حکومت‌های شیعی آن دوره است. در این مبحث، مؤلف به دوران حکومت علویان در نیمه دوم قرن سوم و شکست از دولت سامانی و به دست‌گیری مجدد حکومت در سال ۳۰۱ توسط داعی ناصرالحق «جدّ مادری سید مرتضی» و فراز و نشیب‌هایی که شیعیان در این دوران متحمل شده‌اند می‌پردازد و بحث‌هایی پیرامون گرایش‌های مذهبی علویان ارائه می‌نماید. دولت حمدانی، دولت مقتدر فاطمی و دولت آل بویه از موارد دیگر حکومت شیعی دوران مذکور در کلام مؤلف است.

«نهضت فرهنگی شیعه» آخرین عنوان از مباحث فصل اول است. مؤلف در این بحث، قرن چهارم و پنجم را عهد باروری و شکوفایی فرهنگ شیعی می‌داند. نگارش کتب اربعه در حدیث، ظهور شخصیت‌های رجالی نامور، پویا شدن مسائل و مباحث فقهی، رشد و تکامل مباحث اصولی توسط علمای شیعه، همچون شیخ مفید و سید مرتضی، رونق گرفتن مناظرات و مباحثات کلامی و ظهور ادبا و شعرا شیعی در قرن چهارم و پنجم، از مطالب این بخش‌اند.

عنوان فصل دوم، «دیدگاه‌های کلامی-فقهی شیخ مفید در رابطه فرد و دولت» است. نویسنده در این فصل بعد از ذکر مختصری از زندگی شیخ مفید و تلاش‌های بی‌وقفه وی در تربیت شاگردان برجسته و پاسداری وی از حریم تشیع در ایام پربرکت زندگی این عالم

شیعی و تألیفات سودمندی که حدود ۱۲۰۰ اثر در علوم مختلف است، عنوان می‌کند: «گرایش اصلی شیخ مفید، کلام و فقه است و در راستای این دو گرایش، مؤسس مکتبی شد که در نکات متعددی با مکتب شیعی قم اختلاف دیدگاه داشت؛ از جمله این که مکتب فقیهان قم در فقه و اجتهاد، ناقل نص بوده و شیخ مفید و بعد از ایشان سید مرتضی و شیخ طوسی، مؤسس و مروج مکتب اجتهاد فقهی هستند به نص بوده‌اند.

نکته دیگر این که شیخ مفید به استناد روش ائمه در استدلالات عقلی و ترغیب ایشان به مناظره نسبت به برخی افراد، بر خلاف مکتب قم - که استدلالات عقلی را تنها در توضیح سخنان ائمه جاز می‌دانند - پافرازر نهاده و این محدودیت را برنمی‌تابد و در این حوزه مکتب بغداد، عقل‌گراست.

نکته سوم، اعتبار حجّت خبر واحد در مکتب قم و عدم اعتبار آن در مکتب بغداد است و نکته پایانی مذکور در این بخش، اختلافات موضوعی این دو مکتب در برخی مسائل چون عالم دّر و... است».

نویسنده در ادامه بحث، دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیخ مفید را در دو گفتار مجزاً بررسی کرده است. او در گفتار اول ابتدا به توضیح این نکته می‌پردازد که شیخ مفید رابطه بین فرد و دولت را بر بستر «امامت شیعی» توضیح و تبیین می‌کند و پیرامون امامت، مباحثی را طرح می‌سازد که این رابطه را تفسیر می‌کند؛ از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد که اولاً به اعتقاد شیخ مفید، امامت منصبی دوگانه و ریاست عامه امور دنیوی و اخروی افراد است. نکته دوم این که ریاست دنیوی امام در مدینه شیعی، ریاست عامه است. نکته سوم این که امام در امت اسلامی، ریاست نیابتی دارد نه ریاست استقلالی، و جانشین و خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و از این طریق ولایت دارد. مؤلف در ادامه، کلام شیخ مفید در طریقه کشف نیابت امام را نقل می‌نماید که تنها به نص است و در نصوص به اسامی دوازده امام به مضامین متعدّد اشاره و تصریح شده است.

نکته چهارمی که مؤلف به آن اشاره می‌کند این است که به اعتقاد شیخ مفید، زمین هیچ گاه خالی از امام و حجّت نیست و بر اساس این اعتقاد، شیعه امامیه معتقد است که امام دوازدهم، امام زنده و غایب و منجی جهان بشریت است.

در نکته پنجم، از عصمت، آگاهی به تمام معارف دینی و پشتازی در اعمال صالح به عنوان سه شرط و ویژگی که امام باید آن‌ها را دارا باشد در کلام شیخ مفید یاد شده است.

همچنین مؤلف به این مسأله می‌پردازد که به اعتقاد شیخ مفید، در زمان حیات چند امام معصوم (مثل دوران امام علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام) تنها یکی از آن‌ها امام بوده و با وفات هر یک از آن‌ها، مقام امامت به دیگری منتقل می‌شده است.

مبحث دیگری که مؤلف در آن ورود نموده، «بیعت و آرای مردم» و تأثیر آن در حکومت امام است. در این مبحث، کلماتی از شیخ مفید نقل نموده و از آن‌ها نتیجه گرفته است که بیعت و آرای مردم، بنیاد مشروعیت «امامت» را نمی‌سازد.

«جایگاه اکثریت در مشروعیت‌بخشی به حکومت»، عنوان مبحث دیگری از گفتار اول فصل دوم است که نویسنده ذیل آن به بررسی تحلیلی مسائل تاریخی ایام حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته است و از مطالب شیخ مفید در این زمینه نتیجه گرفته است که نگاه وی به مسأله رابطه فرد و دولت بر مبنای انتخاب نیست و فرد هیچ نقشی در نصب امام ندارد و در نظام امامت، فرد مسلمان و شیعه وظیفه‌اش فقط اطاعت و انجام تکلیف است.

مؤلف در ادامه، گفتاری مختصر در زمینه «نافرمانی و مخالفت با حکومت» ارائه می‌دهد و این امر را در کلمات شیخ مفید، مستلزم عذاب آخری می‌داند؛ ولی معتقد است امام مختار است که طبق صلاحدید با متخلفان برخورد کند یا در مواردی چشم‌پوشی نماید.

نویسنده در ادامه مباحث مرتبط با حوزه امامت، به مسائل پیرامون کارگزاران دولت و خصلت‌های آن‌ها می‌پردازد و بر اساس دیدگاه شیخ مفید، آگاهی کافی به محدوده ولایت و سرپرستی و برتری نسبت به مرنوسین خود را تنها شروط لازم در کارگزار می‌داند و عصمت و انتخاب بر مبنای نصّ را نفی می‌کند. وی سپس به ملاک داوری‌های حکمران اسلامی در دیدگاه شیخ مفید اشاره می‌کند و می‌گوید: امام، هم می‌تواند به مقتضای علم خود عمل کند و هم بر اساس شهادت.

«تکلیف شیعه در غیبت دولت معصوم»، آخرین مبحث از نظرات کلامی شیخ مفید درباره رابطه فرد و دولت است. نویسنده، کلمات مرحوم شیخ را در این رابطه بر بستر پاسخ ایشان به شبهه‌ای درباره حکمت غیبت و وظایف اثباتی شیعه در عصر غیبت نقل می‌نماید.

«دیدگاه فقهی شیخ مفید»، در گفتار دوم از فصل دوم طرح شده است. در این بخش ابتدا مؤلف واژه‌های پر کاربرد از قبیل امام، سلطان، خلیفه و فقه در کلمات شیخ مفید را نقل می‌کند و برای آن‌ها از کلام وی، مسئولیت‌ها و امتیازاتی نقل می‌نماید، سپس به مسأله ارتباط با حکومت‌های جانر می‌پردازد و پذیرش کارگزاری و مسئولیت اداری از سوی شیعیان در حکومت جور را منوط به تلاش برای یاری شیعیان و پرداخت خمس در آمد خود می‌داند.

مسأله دیگری که مؤلف در این بخش مورد بررسی قرار داده است، نظر عجیب شیخ مفید در رابطه با حقوق مالی از قبیل خمس و زکات در عصر غیبت است. وی بر این باور است که در عصر غیبت امام لازم است خمس و زکات را به خلیفه امام به عنوان امانت تحویل داد و این زنجیره تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت. مؤلف پس از نقد این نظریه، علت اصلی این نظریه را در نظر نگرفتن احتمال طولانی شدن غیبت در باور شیخ مفید و هم‌نظران وی در این مسأله دانسته است.

وی در ادامه به اختیارات حکومت در کلام شیخ مفید اشاره می‌کند و آنچه در این بحث مورد توجه است، اختیاراتی است که شیخ مفید برای سلطان در قصاص و أخذ دیه قائل است و اجرای مستقیم حد و قصاص را بدون اجازه حکومت، امری غیر قانونی و خلاف شرع می‌داند. نویسنده در این رابطه و در باب تشریح اختیارات حاکم، به ذکر مواردی می‌پردازد که حاکم را به عنوان مجری قانون معرفی نموده است. همچنین به ذکر نمونه‌هایی پرداخته که شیخ مفید اجرای آن‌ها را تنها به دست امام، مشروع توصیف نموده است.

فصل سوم رساله به دیدگاه‌های کلامی - فقهی سید مرتضی در زمینه فرد و دولت اختصاص دارد. مؤلف در آغاز این فصل، بعد از ذکر مختصری از زندگی سید مرتضی، ابتدا به بررسی دیدگاه کلامی وی در مسأله مذکور می‌پردازد و عنوان می‌کند که سید معتقد است: جامعه بدون رئیس نمی‌تواند باشد. لازم است جامعه رهبری داشته باشد که خود رعیت رهبری دیگر نباشد.

ویژگی‌های امام، شیوه اداره دولت - همچنان که در نظرات شیخ مفید مورد بررسی قرار گرفت که آیا با علم عادی است یا علم غیب - و ستیز با دولت معصوم علیه السلام، عناوین دیگری است

که مؤلف در این بخش، نظرات سید مرتضی را در ضمن آن‌ها مورد بررسی قرار داده است.

سید مرتضی در ویژگی‌های امام، اعلیت، برتری شخصیتی و روحانی، رعیت امام دیگر نبودن و عصمت را معتبر و لازم دانسته است. همچنین همچون استاد خود شیخ مفید، در مقوله شیوه امام در اداره دولت بر این باور است که امام در همه زمینه‌ها، از جمله پزشکی و حرفه‌ها لازم نیست آگاهی نسبی یا کافی داشته باشد. ایشان ستیزکنندگان با دولت معصوم را نیز نه فقط فاسق، بلکه کافر می‌داند.

مؤلف پس از ذکر نظرات کلامی سید در رابطه با موضوع، به ذکر نظرات فقهی ایشان می‌پردازد. اهم مباحث مؤلف در باب نظرات فقهی سید مرتضی از قرار زیر است:

۱. کارگزاری حکومت جانر: سید مرتضی پذیرش کارگزاری حکومت عادل را جایز و در مواردی واجب می‌داند. در حکومت جانر نیز، در مواردی مانند احقاق حق و امر به معروف و... واجب می‌داند، و در صورتی که نپذیرفتن آن مستلزم قتل نفس خود یا دیگران بشود، داخل در حکم اکراه می‌داند. در مواردی که پذیرفتن ولایت در احقاق حق و دفع ضررهای اندک مؤثر است، پذیرش را مباح دانسته و در غیر این موارد حرام دانسته است. سید مرتضی برای اثبات جواز ولایت جانر، نمونه‌هایی از قرآن و روایات ذکر کرده و به شبهات طرح شده در این زمینه پاسخ گفته است.

۲. برخورد با کارگزاران حکومت جانر: این بحث را سید مرتضی در دو محور مورد بررسی قرار می‌دهد: محور نخست این که وظیفه شیعیان در قبال والیان شیعه در حکومت جور چیست؟ و محور دیگر این که چگونه می‌شود تشخیص داد که والی شیعه هدفش دنیوی بوده یا آخروی و احقاق حق؟

در برخی از فروض دو محور فوق، مرحوم سید فتوا به لزوم اطاعت از والی داده و برای مسأله، شقوقی ارائه داده است.

۳. افزایش قیمت‌ها: سید مرتضی در مقابله با تفکری که حاکمان عباسی در این زمینه رواج می‌دادند و تورم را بر اساس تقدیر الهی توضیح می‌دادند، تورم ناشی از عوامل فراانسانی مانند مرگ و میر و... و عوامل انسانی می‌داند و با این بیان به سخنان حکام جور که بر اساس جبرگرایی بنا شده بود، پاسخ گفته است.

۴. دارائی های حکومت های جور: سید این دارایی ها را به حرام و غصبی، شرعی و حلال و حرام مخلوط به حلال تقسیم می کند و در دسته اول و سوم، پذیرش هدایا و جایزه و... را از حکام جایز نمی داند؛ اما دسته دوم را حلال و جایز می شمرد.

۵. وظایف و حقوق ویژه حاکم عادل در جامعه دینی: مرحوم سید، اولویت «سلطان حق» در نماز جماعت در هر زمان و مکان و همچنین اجازه قصاص در بعضی موارد را از اولویت های حاکم شمرده است.

۶. مالیات های شرعی: سید مرتضی در باب زکات، با تعبیر «رُوی» اظهار داشته است که در زمان غیبت می شود زکات را تقدیم فقها نمود. او در جای دیگر در بحث زکات فطره به تصریح اظهار می کند که مکلف خودش می تواند آن را به دست فقیر برساند و لازم نیست تحویل حاکم بدهد.

۷. داوری های حکومت: در آخرین بخش پایان نامه، مؤلف به نظرات فقهی سید در رابطه با داوری های حاکم اسلامی و منصوبان او می پردازد. وی اشاره می کند که سید مرتضی در این مسأله دعوی اجماع می کند که امامیه معتقدند: امام می تواند در تمامی حقوق و حدود - اعم از حق الله و حق الناس - بر اساس علم شخصی، قضاوت کند. نویسنده در پایان، جواب سید از خدشه در اجماع و در معرض اتهام قرار گرفتن معصوم در صورت حکم نمودن بر اساس علم شخصی را پیش کشیده است.

المراة في شعر الشريفين المرتضى و الرضى؛ دراسة موضوعية و فنية موازنة

نجلاء حسني، ابراهيم عبدالجواد

رسالة دكتري زبان و ادبيات عربي،

دانشکده آموزش دانشگاه عین شمس، مصر

استادان راھنما: عبداللطیف عبدالحمیم عبداللہ،

نادية عبدالرحمن محمد و سالم عبدالخير عباد

سال ۲۰۱۳م

این پژوهش در دو باب سامان یافته است: باب

اَوَّل، «پژوهش موضوعی» و باب دوم، «پژوهش

فَنّی» است. پیش از این دو باب، مقدمه و تمهیدی

آمده و در پایان خاتمه‌ای ارائه شده است.

فهرست‌های فتی، کتاب‌نامه و فهرست

موضوعات، پایان بخش رساله‌اند.

مقدمه شامل سبب انتخاب موضوع، اهمیت آن، پیشینه پژوهش، مشکلات پژوهش،

مهم‌ترین مصادر پژوهش، روش پژوهش و محتوای پژوهش است.

بخش تمهیدی، دربرگیرنده زندگی شریف مرتضی و شریف رضی و مختصری درباره

فَنِّ موازنه است.

اما باب اول که عنوانش «پژوهش موضوعی» است، در دو فصل تنظیم شده است:

فصل اول، زن و حیات اجتماعی در شعر شریف مرتضی و شریف رضی است. واژه

زن، دربرگیرنده مفاهیمی چون مادر، همسر، دختر، خواهر و سایر نزدیکان مؤنث است.

فصل دوم، به مفهوم معشوق در شعر شریف مرتضی و شریف رضی می‌پردازد و شامل



صفات معنوی و حسی محبوب، زنی زن و آراستگی او، عفت شریف مرتضی و شریف رضی، حجازیات، شیب و شباب و... است.

عنوان باب دوم، «پژوهش فنی» است که مطالب آن در چهار فصل گرد آمده است: فصل اول درباره ساختار شعر است.

بحث فصل دوم، صورتگری فنی است. تعریف صورتگری فنی و اهمیت آن، مقدمه این قسمت از تحقیق بوده و شامل مصادر تصویری است که در طبیعت، شراب، جنگ و زندگی اجتماعی و زن طرح شده‌اند و مقومات تصویر بیانی (التشبيه، الاستعارة، الكناية) و... است.

موضوع فصل سوم، ترکیب لغوی است که در آن معجم شعری، ساختار داستانی، گفت‌وگو، تکرار لفظی و تناص بیان شده است.

فصل چهارم، مبحث موسیقی شعری است و در آن ابتدا از موسیقی خارجی که وزن و قافیه است سخن به میان آمده و سپس به موسیقی داخلی اشاره شده و مفاهیم تصریع، رد العجز علی الصدر، الجناس، الطباق، و حسن التقسیم، در شعر شریف مرتضی و شریف رضی را توضیح داده است.

بخش پایانی این پژوهش، خاتمه‌ای است که در آن مهم‌ترین نتایج پژوهش ارائه شده است.

بخش هشتم

پایان نامه‌های کتابشناسی، زندگی‌نامه و نقد

(۲۲۴)

امالی الشریف المرتضی: دراسة فی المنهج و النقد و التأویل

ثائر عبدالزهره لازم

رسالة دکتري زبان و ادبیات عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه بصره

استادان راهنما: دکتر مزهر عبد السودانی

و ماجد عبدالحمید الکعبی

سال ۲۰۰۹م

سید مرتضی و الامالی او، دو نام بسیار آشنا در گستره میراث غنی فرهنگ و ادب و معرفت شیعی است؛ چونان که هر یک نام دیگری را به یاد می آورد. کتاب گران سنگ غرر الفوائد و درر القلائد، مشهور به امالی الشریف المرتضی، اثری پرآوازه است که گوهرهای نابی از دانش اسلامی و معارف



رسالة دکتوره

إعداد الطالب
ثائر عبدالزهره لازم

إشراف
الدكتور مزهر عبدالسوداني و ماجد عبدالحميد الكعبی

۲۰۰۹م

شیعی را در خود جای داده است؛ از فایده های ژرف تفسیر تا نکته های بدیع بلاغت و بیان؛ از ناگفته های تازه تاریخ تا رازگشایی های شگرف تبیین حدیث و از ترسیم بی پیرایه آرای کلامی تا روایت اصیل متن های نغز ادبی که از آثار گذشتگان به روزگار او رسیده است. گواه ارجمندی این اثر، اهتمام بی نظیر شارحان و راویان و اقبال بی بدیل اهل ادب و چیره دستان میدان دانش و پژوهش به این کتاب است.

کتاب، از نظر ساختاری، مشتمل بر ۸۰ مجلس و بخشی تکمله است و از نظر محتوایی، دربرگیرنده موضوعات مختلف است.

این رساله در چهار فصل به امالی سید مرتضی پرداخته است.

نویسنده در فصل اول درباره شیوه نگارش کتاب سخن می‌گوید و منهج سید را تبیین می‌نماید. فصل دوم، به مباحث بلاغی کتاب امالی اختصاص دارد. موضوع فصل سوم، نقد ادبی است و روش‌های نقدی سید مرتضی در کتاب امالی را بررسی می‌کند. فصل آخر رساله درباره شیوه‌های تأویلی سید در این کتاب است.

گفتنی است این رساله در سال ۲۰۰۹م، توسط نشر دار الینابیع دمشق چاپ و روانه بازار شده است.

أمالی المرتضى: دراسة تحليلية مقارنة في تأويل آي القرآن

محمّد معتمد مرسى همام

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

عربی

دانشکده ادبیات دانشگاه اسکندریه، مصر

استاد راهنما: الشحات السید زغلول

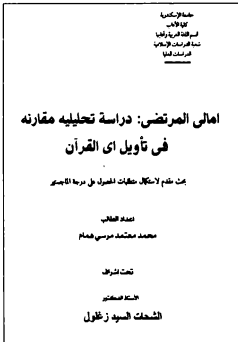
سال ۲۰۰۹م

این پژوهش به أمالی سید مرتضی به عنوان یک پژوهش تحلیلی-مقایسه‌ای در تفسیر قرآن پرداخته است. این پژوهش با مقدمه‌ای که شامل اهمیت موضوع، دلایل انتخاب و مطالعات قبلی است، آغاز شده، سپس به معرفی کتاب أمالی پرداخته و درباره ستایش علما از سید مرتضی سخن به میان آورده

است. این پژوهش، سید مرتضی را متکلم معرفی کرده و فصلی از مقدمه رساله را به عقاید او اختصاص داده است. حقیقت ارتباط بین تشیع و اعتزال و نیز عصر شریف مرتضی از دیگر مطالب مقدمه است.

در ادامه پژوهش، زندگی‌نامه شریف مرتضی ارائه شده است و از اسم، نسب، لقب، کنیه، عصر، معاصران و وفات او سخن به میان آمده است.

فصل دیگر پژوهش، مطالبی در تعریف «أمالی»، اهمیت أمالی، فرق بین «مجالس» و «أمالی»، امالی‌های پیش از أمالی مرتضی و بعد از او آمده است. نویسنده پس از مباحث



یادشده، به امالی سید مرتضی پرداخته و نسخ آن را معرفی کرده است.

عنوان بعدی این پژوهش، «فرهنگ و اندیشه نزد شریف مرتضی» است که از این رهگذر مؤلفات سید و دیدگاه دانشمندان درباره او طرح شده و از نظام اندیشه‌ای در عصر شریف مرتضی سخن گفته شده است.

نویسنده در پی این بوده که ارتباط بین تشیع و اعتزال را به اثبات برساند. از این رو به اصول اعتزال پرداخته و دیدگاه معتزله را درباره مفاهیم اعتقادی توحید، عدل الهی، معاد، نبوت و امامت بیان کرده و نتیجه گرفته که بین تشیع و اعتزال، رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

همچنین این پژوهش، به مسائل کلامی در تأویلات شریف مرتضی پرداخته است که شامل «امر به معروف و نهی از منکر»، «احباط»، «آجال» و «ارزاق» می‌گردد.

موضوع اساسی در این پژوهش، تحلیل مقارن در تأویل آیات قرآن نزد سید مرتضی است و بدین منظور، منهج او در تأویل، تفسیر در تأویل، تأویل مأثور، تأویل قرآن به قرآن، تأویل قرآن به حدیث و به آثار، سپس تأویل عقلی نزد سید مرتضی تبیین شده است. روش لغوی سید، روش بلاغی و بیانی او، تأویلات مرتضی و فرق اسلامی، از دیگر مباحث مطرح در این پژوهش است. تأویلات آیات قرآنی سید مرتضی و دیدگاه شیعه، اهل سنت و معتزله درباره آن‌ها و مهم‌ترین نتایج پژوهش، آخرین مبحث پایان‌نامه است.

(۲۲۶)

بررسی و معرفی کتاب «الانتصار» تألیف سید مرتضی

سید جواد علیزاده گنجی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

استاد راهنما: دکتر هرندی

استاد مشاور: دکتر ایزدی

سال ۱۳۷۵

از این پایان نامه اطلاعاتی بیش از مطالب
بالا در دسترس نیست. اطلاعات یادشده
بر اساس داده های پایگاه کتابخانه دانشگاه
آزاد اسلامی - واحد بابل است.

<http://lib.baboliau.ac.ir/simwebclt/Web>

[Access/SimWebPortal.dll/DExpRec](http://lib.baboliau.ac.ir/simwebclt/Web)



واحد بابل

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق

بررسی و معرفی کتاب «الانتصار» تألیف سید مرتضی

استاد راهنما

دکتر هرندی

استاد مشاور

دکتر ایزدی

دانشجو

سید جواد علیزاده گنجی

۱۳۷۵

(۲۲۷)

تحقیق کتاب «الشهاب فی الشیب و الشباب»

عبدالله عبداللطیف الحمر

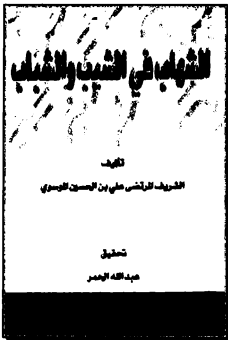
پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

دانشکده آموزش دانشگاه کویت

سال ۲۰۰۳م

در این پایان‌نامه، یکی از آثار شریف مرتضی تحقیق و عرضه شده است. نویسنده مباحث خود را در دو بخش عرضه کرده است: در بخش نخست به معرفی شریف مرتضی پرداخته و خاندان، استادان، شاگردان و آثار وی را شناسانده و سپس درباره کتاب الشهاب فی الشیب و الشباب و محتوای آن سخن گفته و روش مؤلف را در نگارش کتاب شرح داده است.

در بخش بعد، از روش خود در تحقیق کتاب سخن گفته و نسخ مورد استفاده خود را معرفی کرده است. در بخش اصلی پایان‌نامه هم، متن کتاب به صورت منقح عرضه شده است.



(۲۲۸)

ترجمه شرح حال شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی علیه السلام

جواد فریدونی

پایان نامه کارشناسی

دانشکده الهیات دانشگاه مشهد

استاد راهنما: زین الدین جعفر زاهدی

سال ۱۳۴۸

این پایان نامه به شماره رده بندی دیویی:

فب/ار ۱۱ خ ۲۹۷/۹۹ در ———— ازمان

کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان

قدس رضوی نگهداری می شود.

دانشگاه مشهد

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی

ترجمه شرح حال شیخ مفید، سید مرتضی

و شیخ طوسی علیه السلام

استاد راهنما

زین الدین جعفر زاهدی

دانشجو

جواد فریدونی

۱۳۴۸

(۲۲۹)

ترجمه و تحقیق کتاب «الذخیره فی علم الکلام» (از بحث نبوّات تا آخر)

حسین کاوه‌ای

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی
دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

تهران

استاد راهنما: قاسمعلی کوچنانی

استاد مشاور: دکتر زهرا مصطفوی

سال ۱۳۹۲

جایگاه و نقش شریف مرتضی در مذهب امامیه
بسیار برجسته است. او اگرچه زندگانی علمی
خود را با خواندن فقه آغاز نمود و همواره نیز به
عنوان فقیهی صاحب‌نظر و متبحر در مسائل فقهی

شناخته می‌شد و دو دهه پایانی عمر خود را در سال‌های ۴۱۳ تا ۴۳۶ ق، به عنوان مرجع
تقلید و مفتی اعظم و شیخ امامیه به پایان رساند، لیکن همواره و در تمام مراحل زندگی
علمی خود از علم کلام و مباحث کلامی دور نماند و بلکه با توجه و مقایسه میان نوشته‌ها و
رساله‌های کلامی او با کتاب‌های فقهی می‌توان گفت که همواره جنبه کلامی ایشان بر
جنبه‌های فقه‌ای وی چیرگی داشته است.

سید دنباله‌روی مبتکر از مکتب شیخ خود در کلام و فقه و اصول بود، از این رو به
پروراندن مباحث عقلی که شیخ مفید بنیان‌گذار آن در مذهب امامیه (در مقابل روش اهل
حدیث حوزه قم) بود پرداخت. سید موقعیت اجتماعی و سیاسی و ثروت و مکتب فراوان
خانوادگی و شخصی خود را در راه توسعه اندیشه‌های عقل‌گرایانه خود به کار بست.



آشنایی با تفکّر و مثنی کلامی وی و آسان‌سازی استفاده از یک متن معتبر شیعی، از اهداف اصلی این تحقیق است. آشنایی با برخی آثار کلامی علم الهدی مانند الشافی فی الإمامة، الموضح عن جهة إعجاز القرآن (الصرفة)، تنزیه الأنبياء و الأئمة و الذخيرة فی علم الکلام، از اهداف فرعی این تحقیق است.

پایان‌نامه دارای چهار باب است و هر بابی چند فصل دارد:

باب اول در مورد نبوّت است. در فصل اول و فصل پنجم این باب، معنای «رسول» و «نبی» و این که انبیاء، قبل و بعد از نبوّت، مرتکب هیچ گناهی نمی‌شوند، طرح می‌شود. فصل دوم در مورد اخبار است. در این فصل، شریف مرتضی تعریف خاص خود از خبر را بیان می‌کند و تبیین می‌کند که از طریق اخبار می‌توان به علم رسید. در فصل سوم، دیدگاه یهود پیرامون امتناع نسخ را ابطال می‌کند و دیدگاه مشهور خود (نظریه صرفه) را طرح می‌کند.

باب دوم در مورد امامت است. در این باب وجوب امامت به طور مطلق، امامت امیرالمومنین علیه السلام و باقی امامان اثبات می‌شود.

در باب سوم مطالبی مثل احکام اهل آخرت، عذاب قبر و کافر و فاسق شمردن مرتکب گناه کبیره طرح می‌شود.

باب چهارم، شامل چهارده فصل است. مطالبی مانند امر به معروف و نهی از منکر، قراردادی یا توقیفی بودن زبان، و اسماء و صفاتی که بر خداوند جاری می‌گردد، در این باب آمده است.

سید مرتضی وجوب امر به معروف را مقید به واجبات می‌داند و معتقد است علت نهی از منکر، زشتی منکر نیست. وی همچنین برای نهی از منکر، شش شرط را لازم می‌داند. او جایز می‌داند که در برخی زمان‌ها، سرزمینی، نه دار اسلام باشد و نه دار کفر. سید درباره ریشه زبان‌ها می‌گوید: محال است ابتدای زبان از سوی خدای متعال توقیفی باشد. او نسبت دادن القاب محض به خداوند را عقلاً جایز نمی‌داند. وی اسم‌هایی مانند «منفرد»، «فرد»، «رانی»، «ماجد»، «سید به معنای مالک»، «لم یزل»، «ا قدم» و «اسبق» را بر خداوند حمل می‌کند و صفاتی همچون «فطن»، «فهم»، «متحقق»، «متیقن»، «طیب» و «دار» را از الله تعالی سلب می‌کند.

(۲۳۰)

تصحیح انتقادی کتاب «الذخيرة» سید مرتضی (از باب امامت)
و مقایسه مبانی فکری آن با کتاب «شرح الأصول الخمسة» قاضی عبدالجبار

محمد سبط طباطبائی یزدی

رساله دکتری رشته مذاهب کلامی

دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و

مذاهب

استاد راهنما: دکتر حامد ناجی اصفهانی

استادان مشاور: دکتر مهدی فرمانیان و دکتر

محمد رسول ملکی

سال ۱۳۹۵

تدوین علم کلام در مذهب امامیه، مرهون

تلاش‌های شخصیت‌های بزرگی است که در

طی سده‌های گذشته، همت خود را مصروف

این امر خطیر کرده‌اند. در این میان شخصیت سید مرتضی علم الهدی جایگاه ویژه و ممتازی را به خود اختصاص داده است. سید مرتضی حلقه واسط نام‌آوران از مکتب تشیع، همچون شیخ مفید و شیخ طوسی است و می‌توان او را در کنار استادش شیخ مفید، دو رکن اساسی مکتب کلامی بغداد به حساب آورد. کتاب الذخیره یا به صورت دقیق‌تر ذخیره العالم و بصيرة المتعلم، یکی از آثاری است که هنوز قدر و منزلتش در بین ما شناخته شده نیست. سید مرتضی در این کتاب به مهم‌ترین موضوعات کلامی پرداخته و در پرتو‌گرایش عقل‌گرایانه خود به تبیین آن‌ها پرداخته است.

متأسفانه علی‌رغم اهمیت فراوان الذخیره، تاکنون تصحیح انتقادی شایسته‌ای از آن



تصحیح انتقادی کتاب الذخیره سید مرتضی (از باب امامت)

و مقایسه مبانی فکری آن با کتاب شرح الأصول الخمسة قاضی عبدالجبار

استاد راهنما:

دکتر حامد ناجی اصفهانی

استادان مشاور:

دکتر مهدی فرمانیان و دکتر محمد رسول ملکی

دکتر سید مرتضی میر تقی

سال ۱۳۹۵

ارائه نشده است. اکنون در این رساله با دست‌یابی به نسخه کهنی از این کتاب - که کمتر از سی سال از پسِ درگذشت مؤلف آن به نگارش درآمده است - به همراه سه نسخه دیگر آن، تصحیحی جدید از این متن انجام شده است. نویسنده درباره نسخه‌هایی که این تصحیح را بر اساس آن‌ها انجام داده، چنین گفته است:

«از کتاب الذخیره شریف مرتضی با همه اهمیت آن، متأسفانه جز چند نسخه انگشت‌شمار، نسخه‌های بیشتری باقی نمانده است. برای تصحیح متن کتاب الذخیره از چهار نسخه استفاده شده است که یکی از آن‌ها نسخه‌ای کهن و ارزشمند [است]، و دیگر نسخه‌ها اگرچه از لحاظ تاریخ کتابت متأخر هستند، ولی کامل‌ترند و نواقص نسخه کهن را جبران می‌کنند. این نسخه‌ها عبارت‌اند از:

۱. نسخه کتابخانه سن پترزبورگ به شماره ۱۱۱؛ نسخه کهنی که به تاریخ ۴۷۲ هجری قمری کتابت آن به پایان رسیده است؛ یعنی کمتر از سه دهه [پس] از درگذشت مؤلف کتاب. این نسخه متعلق به مجموعه‌ای است که در تملک آبراهام فرکوویچ بوده است و اکنون در کتابخانه سن پترزبورگ نگهداری می‌شود (مجموعه دوم فرکوویچ، نسخه‌های عربی). منابع جمع‌آوری شده در این مجموعه را آبراهام فرکوویچ (۱۷۸۷ - ۱۸۷۴م) از عالمان قرائیمی روسی در طی سفرش به سرزمین‌های سوریه، فلسطین و مصر، بین سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۶۵م - که او در آن جا به‌ویژه از کنیسه‌های یهودیان قرائیمی دیدار کرده بود - جمع‌آوری کرده است. بر پژوهندگان معتزله و مکتب اعتزال، اهمیت این مجموعه پوشیده نیست. مشخصات نسخه چنین است: نسخه خطی فرکوویچ ۱۱ در ۱۴۵ سانتی متر، با ۱۵۴ برگ ۱۶ تا ۱۸ سطر، نسخه‌ای است کهن و بسیار فرسوده که در کناره‌ها و میانه اوراق، پارگی و افتادگی دارد و ترمیم شده است. کاغذ آن نخودی و مرگب آن قهوه‌ای تیره است. متن و عناوین به خط نسخ کهن، بدون رکابه، کتابت شده است و در انتهای بندها جای خالی برای رسم نشانه گذاشته شده است. بسیاری از کلمات آن بدون نقطه نگاشته شده‌اند و سفیدی مانع از قرائت متن در آن فراوان دیده می‌شود.

این نسخه در شهر فسطاط مصر به تاریخ رجب سال ۴۷۲ به دست علی بن سلیمان کتابت شده است و عنوان آن، آن گونه که در انجام آن (برگ ۱۵۴ الف) آمده است،

ذخیره العالم و بصیرة المتعلم نام دارد: کتاب ذخیره العالم و بصیرة المتعلم املاء الشریف المرتضی الجلیل المرتضی - رضی الله عنه - و فرغ من نسخه لنفسه عالی بن سلیمان بفسطاط مصر فی شهر رجب ۴۷۲ و الحمد لله علی نعمانه و هو حسبی و به أستعین وحده".

بنا به گفته آندریچ جاگولویچ بوریسف - که در سال ۱۹۳۵م، توصیفی از این نسخه خطی به دست داده است - کاتب، قرانی مشهور قرن پنجم هجری ابو الحسن علی بن سلیمان المقدسی بوده است که نویسنده آثاری چند، از جمله شرحی بر «سفر پیدایش» است. خانم زاینه اشمیتکه بعد از نقل این مطلب، با استناد به مقاله دیگری از بوریسف اشاره می‌کند که جز این اثر، علی بن سلیمان بسیاری از آثار معتزله را استنساخ کرده است و خود بر چندین اثر از معتزله نخستین شرح نگاشته است. این نسخه روسی، نسخه‌ای مشوش است و اوراق آن مرتب نیست و معلوم است که بعدها این اوراق بدون در نظر گرفتن نظم و ترتیب لازم در کنار هم چیده [شده و] ترمیم گردیده و سپس تجلید شده است. این نسخه اگرچه در حد خود بسیار ارزشمند و مغتنم است، اما متأسفانه کامل نیست و تنها حدود نیمی از کتاب الذخیره را دربردارد. پس از مقابله آن با نسخه‌های دیگر کتاب - که همگی متأخر هستند - تفاوت آشکاری در عبارت کتاب مشخص گردید و گاه در پاره‌ای موارد، دو سه سطر جا افتادگی از نسخه‌های دیگر را تکمیل می‌کند. در مواردی هم قریب به سه صفحه، افزون بر دیگر نسخه‌ها و ویراست چاپ شده فعلی از کتاب الذخیره دارد. برای نمونه، برگ ۶۲ الف تا ۶۴ب؛ همچنین از برگ ۱۲۶ تا ۱۴۰ الف، عباراتی آمده است که در الذخیره چاپی و نسخه‌های متأخر نیامده است. مطلب دیگر در خصوص نسخه کهن سن پترزبورگ، آن است که در کتابت آن، خطاها و اشتباهات نسبتاً قابل توجهی راه یافته است؛ از آن جا که مدار اصلی تصحیح متن بر این نسخه نهاده شده است، از این نسخه در پاورقی کتاب به "اصل" تعبیر کرده‌ایم.

۲. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۴۹۰۵. این نسخه در اصل نسخه کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مقدس بوده است که به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، منتقل گردیده است. نسخه‌ای است از قرن نهم هجری، مورخ ۸۹۲ قمری که از

روی نسخه‌ای به تاریخ ۵۰۵ قمری کتابت شده است. این نسخه به خط نستعلیق و در ۱۵۴ برگ توسط علی بن کمال الدین علی استرآبادی نگاشته شده است و در جلد دوم فهرست کتابخانه مذکور، صفحه ۲۱۹ معرفی گردیده است. اغلاط و واژه‌های تغییر یافته و ناصحیح در این نسخه کم نیست و به جهت خوردگی اوراق و آسیب دیدگی موضعی از آن، قرائت کلمه‌ها به سختی صورت می‌گیرد و نیازمند دقت و تأمل است. از این نسخه در تصحیح خود و در پاورقی کتاب به نسخه "ه" یاد کرده‌ایم.

۳. نسخه کتابخانه غرب همدان (آخوند) به شماره ۴۶۳۵. این نسخه که از ابتدا و انتها افتادگی دارد و به خط نسخ خوب و بر کاغذ اصفهانی نگاشته شده است، چند برگگی از ابتدای کتاب الذخیره را ندارد و احتمال می‌رود نسخه قرن یازدهمی باشد. اگرچه خط آن قدری واضح است، اما واژه‌های حذف شده و ساقط شده در آن فراوان است. گویا کاتب نسخه در کتابت آن شتابزدگی به خرج داده است. گاهی نیز یک یا چند سطر از آن ساقط شده است. این نسخه در کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه غرب همدان (ص ۱۲۵، شماره ۴۰۳) توسط دکتر جواد مقصود معرفی گردیده است. از این نسخه در تصحیح خود به نسخه "ح" در پاورقی‌ها اشاره کرده‌ایم.

نکته قابل توجهی که باید این جا متذکر شوم، این است که این دو نسخه اخیر، نواقص و خطاهای متعددی دارند و با توجه به اشتراکشان در خطاها و ابهامات، ظن قوی بر آن است که هر دو نسخه از روی اصل واحدی استنساخ شده‌اند.

۴. نسخه کتابخانه مرعشی به شماره ۶۷۳۸. نسخه‌ای است متعلق به قرن یازدهم هجری که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود و در جلد هفدهم فهرست نسخه‌های خطی آن در ص ۲۸۹ معرفی گردیده است. این نسخه در ۱۶۹ برگ و کامل است و با خط نسخ و به صورت خوانا نگاشته شده است. عناوین آن شنگرف، صفحه‌ها مجداول به زر و مشکی، و روی برگ اول آن وقفنامه کتاب به تاریخ رجب ۱۱۰۳ قمری دیده می‌شود.

در پایان بخش معرفی نسخه‌های کتاب، این نکته را شایان توجه می‌دانم که متن الذخیره، همچون دیگر آثار کلامی شریف مرتضی و نیز دیگر آثار کلامی متکلمان امامی

مکتب بغداد، از پیچیدگی خاصی برخوردار است و در موارد متعددی فهم منظور نظر مؤلف به راحتی امکان‌پذیر نیست. از این رو نباید آن را با متون کلامی متأخر، همانند دانست. لذا گاه حتی بعد از مقابله متن آن با نسخه‌های مختلف و نزدیک شدن به نصی که می‌توان گفت از آن مؤلف است، باز معنای روشن و روانی که بتوان به طور قاطع، آن را به قائلش نسبت داد، به دست نمی‌آید.

برای ارائه تصحیحی شایسته از متن کتاب ارزشمند الذخیره، فرایند زیر طی شده است:

۱. ابتدا از میان نسخه‌های موجود کتاب، بهترین نسخه‌ها برای تصحیح، انتخاب و سپس تهیه گردیده است. شایان ذکر است که به جز سه نسخه ایرانی که محل نگهداری آن‌ها در داخل کشور است، دست‌یابی به نسخه روسی و کهن کتاب بسیار مشکل بود و مدتی به طول انجامید.

۲. مقابله دقیق این کتاب بر اساس تمامی نسخه‌ها. البته این کار به جهت حجم زیاد کتاب از طرفی و دشواری قرائت دو نسخه کتابخانه سن پترزبورگ - که عمدتاً دارای مشکلات فراوانی بود - و نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی - که در مواضع فراوانی کلمات [آن] از بین رفته و بعضی موارد ناخوانا بود - وقت فراوانی از مصحح را به خود اختصاص داد و به جهت صعوبت عمل، کار تصحیح با کندی به پیش می‌رفت.

۳. تثبیت عبارت صحیح بعد از مقابله نسخه‌ها با یکدیگر. [برای این کار] اگرچه نسخه کهن روسی را اصل و مبنای تصحیح خود قرار دادیم، اما در مواردی خطای نسخه اصل، محرز بود. لذا از ضبط نسخه‌های متأخر بهره گرفته شد.

۴. در مواردی که عبارت در همه نسخه‌ها مبهم بود و به نظر نادرست می‌آمد، به «متون هم‌خانواده» کتاب الذخیره مراجعه شده است. متون هم‌خانواده، متونی هستند که چنانچه در کنار یکدیگر لحاظ شوند، حکم یک خانواده را پیدا می‌کنند؛ متونی که از شباهت‌های بی‌شمار ساختاری و محتوایی برخوردارند. در خصوص مکتب کلامی بغداد، شیخ مفید و سید مرتضی را باید بنیانگذاران این مکتب فکری، و تألیفات آنان را از منابع اصلی آن به شمار آورد که بعدها پیروان آنان همان مطالب و مسائل را با اندکی تغییر در نوشته‌های خود تکرار کرده‌اند؛ از شیخ طوسی (م ۴۶۰) شاگرد سید مرتضی گرفته تا ابوالصلاح حلبی (م

(۴۴۷)، ابن زهره حلبی (م ۵۸۵)، سدید الدین حمصی رازی (م اوایل قرن هفتم هجری)، محقق حلی (م ۶۷۶) و بسیاری دیگر که همگی را می‌توان از پیروان این مکتب کلامی به شمار آورد. ما نیز در رفع ابهام عبارات مشکل، ابتدا به دیگر تألیفات سید مرتضی مراجعه کرده و در مرحله بعد، از متون نام‌برده بهره گرفته‌ایم. به عنوان نمونه آثاری چون الشافی فی الإمامة و الملخص فی أصول الدین از سید مرتضی مؤلف کتاب، و کتاب المغنی فی ابواب التوحید و العدال از قاضی عبدالجبار معتزلی، تمهید الأصول و الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد و تلخیص الشافی از شیخ طوسی، کتاب المنقذ من التقليد تألیف سدید الدین حمصی رازی، استفاده شده است.

۵. در پاره‌ای موارد، لغات و واژه‌های دشوار در پاورقی بر مبنای منابع اصلی لغت تخریج و توضیح داده شده است.

۶. همچنین بعضی از شخصیت‌های کلامی که از آن‌ها نقل قول شده و کمتر شناخته شده هستند، از منابع تراجم، شرح حال مختصری از آنان درج شده است.

۷. ارجاعات درون‌متنی اگرچه فراوان بوده‌اند، مورد توجه واقع شده و به منابع مربوطه ارجاع داده شده است.

در بخش دیگر این رساله، مهم‌ترین آرای کلامی سید مرتضی در کتاب الذخیره با آرای کلامی قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب شرح الأصول الخمسة مقایسه شده است. اهمیت مقایسه آرای این دو متکلم توانای هم‌عصر، با توجه به انتساب سید مرتضی به مکتب اعتزال از یک‌سو و کسب فیض وی از محضر قاضی عبدالجبار، از سویی دیگر دو چندان می‌شود. در نتیجه نشان داده شده است که حتی با توجه به جایگاه ویژه عقل در منظومه فکری هر دوی آنان، و اشتراک نظر آنان در پاره‌ای از اصول کلامی، اختلاف نظر آنان با یکدیگر در حدی هست که می‌توان تعلق سید مرتضی را به مکتب معتزله مردود دانست و بر این امر صحه گذاشت که او متکلم امامی زبردستی است که در عین رویکرد عقل‌گرایانه‌اش - که مهم‌ترین شاخصه مکتب اعتزال است - به دنبال تدوین و تبیین مکتب کلامی امامیه به صورتی مستقل بوده است».

فصول رساله بدین قرار است:

فصل اول: کلیات تحقیق.

فصل دوم: سید مرتضی و کتاب الذخیره. در این فصل این مطالب به چشم می‌خورد: معرفی سید مرتضی علم الهدی، نوآوری‌های سید مرتضی، اهمیت کتاب الذخیره فی علم الکلام، ضرورت تصحیح مجدد کتاب الذخیره، معرفی نسخه‌های خطی الذخیره، شیوه تصحیح متن و کارهای انجام‌شده در راستای تصحیح الذخیره، ساختار کتاب الذخیره، مقایسه‌ای میان باب امامت الذخیره با کتاب الشافی فی الإمامة.

فصل سوم: مقایسه‌ی آرای کلامی سید مرتضی در الذخیره با دیدگاه‌های قاضی عبدالجبار در شرح الأصول الخمسة. رنوس مطالب این فصل بدین شرح است: منزلت کلامی سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و جایگاه او در علم کلام، جایگاه کتاب شرح الأصول الخمسة در علم کلام معتزلی، تأثیرگذاری سید مرتضی و قاضی عبدالجبار بر متأخرین، نقاط اشتراک کلامی سید مرتضی و قاضی عبدالجبار معتزلی، نقاط اختلاف کلامی سید مرتضی و قاضی عبدالجبار معتزلی، تحلیل خاستگاه اشتراکات و افتراقات در آرای کلامی شریف مرتضی و قاضی عبدالجبار.

فصل چهارم: متن کتاب الذخیره.

(۲۳۱)

رسائل الشریف المرتضی؛ دراسة اسلوبية

سعاد بدیع مطیر

رساله دکتری زبان و ادبیات عربی

دانشکده آموزش دانشگاه مستنصریه، عراق

استاد راهنما: دکتر احمد حاجم محمد

سال ۲۰۱۴م

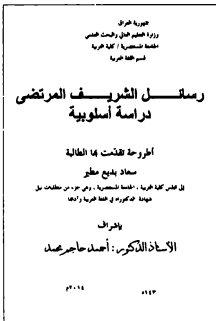
زبان یک نویسنده، دریچه‌ای به دنیای واقعی او، دیدگاه‌های او و ذهن و فکر اوست. نوشتار، نه تنها وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم است، بلکه سبک آن می‌تواند زبان رسای احساسات نویسنده‌اش باشد.

در این رساله سعی شده روش رسائل سید مرتضی، آن ابرمنتقد ادبی، منطقدان، زبان‌شناس

و واژه‌شناس، تجزیه و تحلیل شود. رسائل معروف او که در چهار جلد منتشر شده‌اند، نشان‌دهنده دانش گسترده اویند که در بسیاری از زمینه‌ها، سرآمد نوشته‌هایی در موضوع خود به‌شمار می‌روند.

خواندن دقیق رسائل وی، مهارت زبانی زیبا و همچنین بهره‌گیری‌های ماهرانه روش‌های بلاغی و سبکی را نشان می‌دهد. این امر باعث می‌شود که با این کتاب‌ها، نه به عنوان نوشته‌های فقهی یا کلامی و...، بلکه به عنوان منابع و مراجعی برای نقد ادبی، شعر و بلاغت برخورد گردد.

بیشتر این رساله‌ها، مضامین مربوط به موضوعات مذهبی مانند انواع و اقسام عبادت،



یا استدلال‌های خاصی برای دفاع از عقاید و اعتقادات دینی نویسنده را در خود جای داده‌اند. برخی از آن‌ها تفسیرهایی از آیات قرآن کریم و سنت نبوی و همچنین نقد و تفسیر شعر برخی شاعران اصلی زمان خود را ارائه داده‌اند.

این پژوهش در سه فصل سامان یافته است:

فصل اول با عنوان «المستوی الصوتی»، دارای سه مبحث اسلوب تکرار، اسلوب سجع و اسلوب جناس است.

عنوان فصل دوم، «المستوی التركیبی» است و در آن از اسلوب‌های استفهام، شرط، تقدیم و تأخیر، التفات، وصل، نفی و حذف، سخن به میان آمده است.

«المستوی الدلالی» که موضوع فصل سوم است، شامل دلالت تضاد، دلالت مشابهت (التشبیه)، دلالت استبدال (استعاره) و دلالت مجاورت (کنایه) می‌گردد. در خاتمه نیز نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش ارائه شده است.

(۲۳۲)

شرح احوال، افکار و آثار سید مرتضی علم الهدی

محمدرضا حاتمی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات عربی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران

مرکزی

استاد راهنما: محمود شکیب

سال ۱۳۶۹

از این پایان نامه، جز آنچه ذکر شد،

اطلاعات بیشتری در دسترس نیست.

مطالب یادشده به نقل از فهرست

پایان نامه های رشته عربی در پایگاه

«ایران پژوهش» است:

<http://www.iranpajohesh.com>



واحد تهران مرکزی

پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب

شرح حال، افکار و آثار سید مرتضی علم الهدی

استاد راهنما

محمود شکیب

دانشجو

محمدرضا حاتمی

۱۳۶۹

(۲۳۳)

الشريف المرتضى

محسن تیموری

پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قم

استاد راهنما: فیروز حریری

استاد مشاور: محمدعلی آذرشب

سال ۱۳۷۱

از این پایان نامه جز آنچه ذکر شد، اطلاعات

بیشتری در دسترس نیست. مطالب یادشده

به نقل از فهرست پایان نامه های رشته عربی

در پایگاه «ایران پژوهش» است:

<http://www.iranpajohesh.com>



واحد قم

پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب

الشريف المرتضى

استاد راهنما

فیروز حریری

استاد مشاور

محمدعلی آذرشب

دانشجو

محسن تیموری

۱۳۷۱

(۲۳۴)

الشيب و الشباب فى الشعر العربى حَتَّى نهاية القرن الرابع الهجرى مع تحقيق
كتاب «الشهاب فى الشيب و الشباب» للشريف المرتضى

عبد السلام محمّد عبد السلام

رسالة دكتورى ادبيات عربى

دانشكده دارالعلوم دانشگاه قاهره

استاد راهنما: الطاهر مكى

سال ۱۹۸۳م

اين پژوهش از مقدمه، تمهيد و چند فصل
تشكيل يافته است. مقدمه شامل اهميت و
سبب انتخاب موضوع و اهداف پژوهش
است و سپس پيشينه پژوهش به دنبال آن
آمده است. روش پژوهش و پس از آن
تقسيم مباحث، از ديگر مطالب اين بخش
است. در بخش تمهيد به صورت مختصر
به مبحث شيب و شباب در شعر عربى تا

پايان قرن چهارم هجرى پرداخته شده، و بيان روش تحقيق كتاب الشهاب فى الشيب
و الشباب شريف مرتضى، ديگر موضوع بخش تمهيد است. سرآغاز فصول چندگانه رساله،
گفتارى مفصل درباره مبحث شيب و شباب در شعر عربى تا پايان قرن چهارم هجرى
است و پس از آن، متن تصحيح شده كتاب الشهاب فى الشيب و الشباب شريف مرتضى
آمده است. خاتمه پژوهش شامل مهم ترين نتايج تحقيق و توصيه هاى از سوى نويسنده
رساله است.



کتاب الشهاب فی الشبب و الشباب در سال ۴۱۹ هجری تألیف شده است. مؤلف در آن، موضوع پیری و جوانی را محور کار خود قرار می‌دهد و اشعار پنج تن از شاعران را در این زمینه ذکر می‌کند. آن پنج شاعر، عبارت‌اند از: ابن رومی، ابوتمام، بحرّی، سید رضی و خود سید مرتضی. او این پنج شاعر را با هم مقایسه می‌کند، آن هم با محوریت موضوع پیری (الشبب) و جوانی (الشباب). این موازنه، قائم بر اساس نقد و بیان زیبایی‌ها و زشتی‌های شعرشان است. البته در میان شروح و تعلیقات خویش، اشعار دیگری را از شاعران قدیم و هم‌عصر خویش نیز می‌آورد. او در این کتاب، موارد بسیاری از اقوال آمدی در کتاب الموازنة وی را آورده و بدان استشهد کرده است و شاید خواسته است با این کار از آمدی تقلید کرده باشد، علاوه بر این که این کتاب رنگ و بوی ادبی و نقدی دارد.

سید مرتضی بنا بر عادت خود، به برخی مسائل لغوی مانند توضیح معانی برخی مفردات و راه‌هایی که این معانی، آن‌ها را طی کرده تا در ورای این مفردات قرار گیرد، مانند مشترک لفظی و اضداد و ترادف، پرداخته است. به نظر می‌رسد که این کتاب برگرفته یا اقتباسی از کتاب اُمالی سید مرتضی باشد؛ زیرا در ضمن آن، اشارات و ارجاعاتی به کتاب اُمالی نیز شده است؛ طوری که چنین می‌نماید فصلی از کتاب اُمالی، ولی به صورت گسترده و متمرکز بر موضوع خاص پیری و جوانی باشد.

همان‌طور که اشاره شد، سید در این کتاب، سوای شاعران مذکور، از شاعران معاصر خود نیز اشعاری آورده است؛ زیرا به تصریح خود وی در مقدمه کتابش، مفهوم پیری و جوانی و اغراق در وصف آن و زیاده‌روی در معانی و مفاهیم آن، در شعر شعرای قدیم ظهور چندانی نداشته است و در صورت وجود هم اندک بوده است؛ در حالی که شاعران معاصر سید مرتضی در آن غور کرده و معانی گسترده و پنهانش را در ادبیات عربی استخراج کرده‌اند.

سید در واقع در این کتاب، بنا بر معیارها و مقیاس‌های خاصی، به ارزش‌گذاری معانی شعری در وصف پیری و جوانی می‌پردازد و اشتراکات شاعران را در به کارگیری معانی، جدا می‌کند و مفاهیم و معانی خاصی را که شاعران در مدح یا مذمت پیری و جوانی به صورت تصاویرِ بیانی و سبک‌های تعبیری استفاده کرده‌اند، برجسته می‌سازد تا به تصریح خود او،

خواننده بتواند بین گزیده‌های شعری و گل‌چین‌های سید مرتضی، مقارنه و موازنه برقرار کند و گزینه کافی و کامل را برگزیند.

اما این که کتابی بتواند به صورت متمرکز و با سبک و سیاقی خاص به موضوعی بگر و جدید همچون «وصف پیری و جوانی» پردازد، در واقع تا آن زمان وجود نداشته و سید مرتضی با تألیف این کتاب، نوآوری خاصی در ادبیات عربی زمان خود داشته است.

می‌توان این کتاب را به عنوان منبع و مصدري مهم در نقد کاربردی شعر به شمار آورد؛ چرا که این کتاب مشابه کتاب الموازنة آمدی و العمدة ابن رشيق قیروانی است و سبک و سیاق آن، متأثر از آمدی و کتاب موازنة اوست. او میان اشعار، موازنه معلّل (توأم با ذکر علت حکم صادره) برقرار می‌کند و متن شعری را بر حسب معنا یا تصویر یا لفظ و یا ترکیب، با استدلال‌های خاصی بر دیگری برتری می‌دهد، و چنین موازنه‌ای است که ثابت می‌کند یک ادیب، به درجه ناقدی رسیده است. تفاوت موازنه آمدی با موازنه سید مرتضی در کتاب الشهاب این است که آمدی میان دو شاعر بزرگ عصر عباسی (ابوتمام و بحرّی) و درباره بیشتر اشعارشان در موضوعات مختلف و معانی و اغراض متعدّد، موازنه برقرار کرده است، حال آن که سید مرتضی میان متون شعری متعدّدی که درباره موضوعی خاص و غرضی خاص و واحد صحبت کرده‌اند، موازنه برقرار می‌کند و آن وصف پیری و جوانی است. او تصاویر، معانی، عبارات و ترکیب‌های شعری مرتبط با این موضوع و غرض را به بحث می‌گذارد.

چنان که گذشت، طریقه فهم و تطبیق سید مرتضی و ارزیابی او از شعر و سبک ادراک معانی او بسیار متفاوت‌تر از طریقه و سبک آمدی است؛ چرا که گاهی سید مرتضی در ضمن شروح و تعلیقات خویش، آرای آمدی را درباره دو شاعر می‌آورد و با دقت بسیار و بر محور موضوعی خاص به مناقشه و ایرادگیری از او می‌پردازد.

سید مرتضی گاهی آمدی را در شرح شعری از دو شاعر، مؤاخذه می‌کند و با استدلال‌های عقلی و با دقتی خاص به تصحیح این اشکالات و توجیه آن می‌پردازد، در حالی که در جای دیگری با رویکرد آمدی موافق است و کاستی‌های آن را با شرح کامل می‌کند. لذا اهمیت دیگر این کتاب از این جنبه است که به عنوان سرچشمه‌ای برای کشف

آرای دو ناقد یعنی آمدی و سید مرتضی، در بسیاری از قضایای نقدی محسوب می‌شود و طریقه هر یک را در تحلیل و مقارنه و تفسیر ادبی مشخص می‌کند و زمینه نقد یا فرانقد را در میان آرای دو ناقد فراهم می‌آورد و افزون بر آن، شخصیت نقدی سید مرتضی در این کتاب به عنوان ناقدی ماهر و منحصر به فرد و مسلط به لغت و لوازم ادبی، برای مخاطبان مشخص می‌گردد.

(۲۳۵)

طيف الخيال بين البحري و الشريف المرتضى

على محمد عيسى

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی

دانشگاه عمر مختار، لیبی

سال ۲۰۱۰م

پایگاه اطلاع رسانی «منتديات تخاطب» در

قسمت ۱۸ از موضوع «أطروحات

الماجستير فى اللغة العربية و الدراسات

الإسلامية من الجامعات الليبية» اطلاعات

یادشده را ذکر کرده است:

<https://takhatub.ahlamontada.com/t8>

81-topic



طيف الخيال بين البحري و الشريف المرتضى

رسالة ماجستير اللغة العربية

إعداد الطالب
علي محمد عيسى

م ۲۰۱۰

(۲۳۶)

طیف الخيال عند الشريف المرتضى بين النظرية و التطبيق

على جبر

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه هاشمیه، اردن

استاد راهنما: محمد خليل الخلايله

سال ۲۰۱۳م

این پایان نامه در پایگاه اطلاع رسانی دار
المنظومة (الرواد فی قواعد المعلومات
العربية) که ویژه رساله ها و مقالات پژوهشی
جهان عرب است، بارگذاری شده، ولی
دسترسی به محتوای آن برای ما فراهم نشد:

<http://search.mandumah.com/Record>

/749727



الاسلامیة

طیف الخيال عند الشريف المرتضى

بین النظرية و التطبيق

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

علي جبر

إشراف

محمد خليل الخلايله

م ۲۰۱۳

(۲۳۷)

طیف الخيال للشريف المرتضى؛ دراسة ادبية تحليلية نقدية

بابکر عبدالرحمن الشیخ شمعون

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان عربی، گرایش

ادبیات و نقد

دانشکده زبان عربی دانشگاه اسلامی اُم درمان،

سودان

استاد راهنما: دکتر فاروق الطیب البشیر

سال ۲۰۰۵م

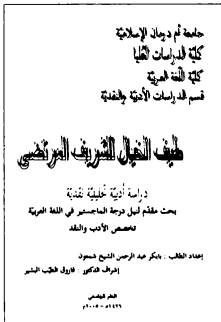
کتاب طیف الخيال به تصریح خود سید مرتضی

در مقدمه اش، بعد از کتاب الشهاب فی الشیب و

الشباب تألیف شده است. شیوة سید مرتضی در

این کتاب همان شیوة کتاب الشهاب است که در

آن شعر طائنین (ابوتمام و بحتری) و شعر برادرش



سید رضی و شعر خودش را با موضوع طیف (= خیال و رؤیا) می آورد که تعداد ابیات خودش بر دیگران برتری دارد و سپس تعدادی از ابیات برادرش سید رضی را می آورد و سپس تعدادی از ابیات بحتری و دیگر شاعران را. به اذعان سید در مقدمه خویش بر این کتاب، ابو تمام، ابیات اندکی در این موضوع دارد، لکن بحتری بسیار زیبا و فراوان به این موضوع پرداخته است. او از دیوان شعری ابو تمام و بحتری اشعاری را با این موضوع، استخراج کرده و سپس از دیوان خود و دیوان شعری برادرش سید رضی اشعاری نقل کرده است و از معانی و مقاصد آن ها سخن به میان آورده و نظایر شعری دیگر را مطرح و معانی پوشیده و پنهان اشعار را آشکار ساخته است. او سعی می کند میان این اشعار، موازنه برقرار کند و خود به

این شیوه اذعان دارد. این کتاب نیز همانند کتاب الشهاب، برگرفته و اقتباسی از کتاب آمالی سید مرتضی است و با همان سبک و شیوه، ولی گسترده‌تر و بر اساس موضوع خاص تخیل و خیال‌پردازی، تألیف شده است و شیوه و منهج این کتاب دقیقاً مانند شیوه الشهاب است؛ تنها موضوع و محور معانی آن‌ها با هم متفاوت است. او در جای جای این کتاب، آرای آمدی را آورده و به نقد و بررسی آن همانند شیوه‌ای که در الشهاب پیش گرفته بود، می‌پردازد.

می‌توان ادعا کرد که کتاب طیف الخیال، نیز مانند کتاب الشهاب، مملو از گزیده‌ها و شواهد شعری است که در تحقیق و پژوهش دیوان اشعار شاعران مختلف می‌توان از آن بهره برد. این کتاب، مباحث فراوانی در زمینه لغت، صرف و بلاغت دارد که در خلال تعلیقات، تفسیر و شرح سید مرتضی بر آیات قرآن و اشعار شاعران، گنجانده شده است و علاوه بر این‌ها، افکار و آرای بالارزش نقدی او در این کتاب آمده است. لذا این کتاب از بهترین کتاب‌های نقد ادبی در میراث ادب عربی به شمار می‌رود و از دیگر کتاب‌های همانند خود والاتر است؛ زیرا مؤلف آن یک ناقد متبحر است و احساس دقیق و فهم عمیق و قوت بیان شعری او باعث شده است تا دیگر اشعار را با نگاهی شاعرانه و احساسی بنگرد، نه با نگاه یک زبان‌دان و معیارهای لغوی؛ و همین امر باعث شده است تا خطاهای دیگر ناقدان را در شرح و نقد شعر دریابد و به تصحیح آن اشتباهات اقدام کند. در نتیجه، این کتاب نیز علاوه بر این که منبع نقد نظری و کاربردی و ادبی است، آرا و نظریات و قضایای نقدی و بلاغی مرتبط با بحث را در خود جای داده است و اختلاف نظرها و نگرش‌ها و آراء و افکار موافق و مخالف دو ناقد در این کتاب جمع آمده‌اند.

این پژوهش دارای یک مقدمه، سه فصل و یک خاتمه است. در فصل اول، همچون بسیاری از رساله‌هایی که تا کنون معرفی شده‌اند، به معرفی سید مرتضی و عصر و آثارش پرداخته شده است. فصل دوم رساله، درباره متونی است که سید در این کتاب آورده است که شامل متون و اشعار جاهلی، نصوص صدر اسلام، متون عصر اموی و نمونه‌هایی از نصوص عصر عباسی است.

فصل سوم، درباره آرای ادبی، نقدی و موازنه‌ای سید مرتضی است.

(٢٣٨)

غرر الفوائد و درر القلائد؛ دراسة منهجية

سعد وحيد عيسى

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده ادبیات دانشگاه بصره

استاد راهنما: دکتر شجاع مسلم العانی

سال ۱۹۹۳م

به این پایان نامه دست نیافتیم و اطلاعات

یادشده به نقل از رسائل الآداب ۱۹۹۳م

پایگاه رسمی «جامعة البصرة» به نشانی زیر

است:

<http://www.uobasrah.edu.iq/index.php/20>

17-12-05-07-19-21/10243-956445-7.html



كلية الآداب

غرر الفوائد و درر القلائد

دراسة منهجية

رسالة ماجستير

إعداد الطالب

سعد وحيد عيسى

إشراف

الدكتور شجاع مسلم العاني

١٩٩٣م

(۲۳۹)

منهج التأويل في «أمالی المرتضى»

انتظار خضير بوهان القريشي

پایان نامه کارشناسی ارشد شریعت و علوم
اسلامی

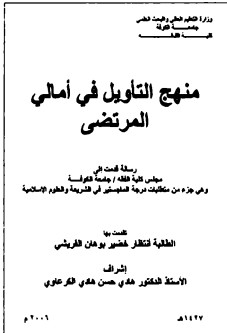
دانشکده فقه دانشگاه کوفه

استاد راهنما: دکتر هادی حسن هادی

الکرعاوی

سال ۲۰۰۶م

این پژوهش پس از مقدمه، در سه فصل و یک
خاتمه تدوین شده است. نویسنده در مقدمه،
مفردات موضوع پژوهش را لغتاً و اصطلاحاً
بررسی نموده است و سپس به زندگی، شخصیت
و کتاب‌های سید مرتضی پرداخته است.



وی در فصل اول، به بیان و بررسی «مصادر تأویل در أمالی مرتضی» پرداخته است و
فصل دوم را به «خصوصیت‌های نصّ قرآنی و پیوستگی نصوص با تأویل» اختصاص داده
است. در فصل سوم، به سه عنوان پرداخته شده است: مباحث لغوی و نحوی، مباحث
بلاغی و نقدی و مباحث عقائدی. نویسنده در خاتمه به جمع‌بندی و نتیجه مباحث فصول
کتاب پرداخته است.

مؤلف قبل از ورود به مباحث اصلی در فصل اول، أمالی سید را در یک نگاه کلی چنین
توصیف می‌کند: «أمالی سید مرتضی که بیشتر مباحث آن مربوط به تفسیر و تأویل قرآن
کریم است، در رتبه دوم و سوم، احادیث نبوی و احادیث ائمه اطهار [را شامل] است.

شیوه‌ای که سید در تأویل آن‌ها اتخاذ نموده است، متفاوت با اکثر مفسرین تا آن زمان بوده است و آن این که ایشان ظواهر آیات و روایات را، آن جا که مخالف احکام قطعی عقلی بوده است به شیوه‌ای صحیح و معنای مطابق عرف و عقل تأویل می‌برده است.

مؤلف در ادامه، مصادر تأویل در اُمالی سید را بررسی کرده است. اولین مصدر، «قرآن کریم» است که مؤلف به آن اشاره کرده و بیان نموده که مهم‌ترین شیوه‌ای که سید مرتضی در تأویل آیات قرآن از آن‌ها بهره برده، آیات قرآن کریم است و ایشان با استفاده از تفسیر آیه به آیه، برخی از آیات را به تأویل برده است.

دومین منبع و مصدری که مؤلف برای تأویل در اُمالی سید از آن بهره جسته است، «سنت مطهره» است. وی با بیان این که پیامبر هیچ گاه سخن لغو و بیهوده نفرموده‌اند و از روی هوای نفس سخن نگفته‌اند، اشاره می‌کند که سید از سنت پیامبر و اهل بیت ایشان در تبیین و تأویل آیات بهره جسته است.

وی با بیان این که حمل برخی آیات بر معنای ظاهری، مستلزم ایجاد تناقض بین برخی آیات می‌شود و از طرفی آیه دیگری هم در تفسیر و تبیین آن آیه نداریم، به این نکته اشاره می‌کند که سنتی که مقطوع الصدور است، در این جا بهترین گزینه برای تأویل و تفسیر قرآن است و الا بسیاری از آیات در اغماض و ابهام باقی می‌ماندند.

مصدر سوم در تأویل آیات قرآن که در اُمالی مورد استفاده سید مرتضی قرار گرفته، «عقل» است. در تأیید جواز استفاده از عقل، مؤلف ابتدا به آیاتی از قرآن که درباره لزوم تدبیر در آیات قرآن و ارزش دهی به قوه عقل نازل شده است اشاره می‌کند. همچنین به روایاتی که از آن‌ها برداشت می‌شود که عقل به عنوان محبت و مقیاس در اختیار ماست، استشهد می‌کند و نمونه‌هایی از اُمالی سید مرتضی را در تأویل آیات با حکم عقل مثال می‌زند.

سومین مصدر تأویل که مؤلف به آن پرداخته و نمونه‌هایی نیز مثال زده، «لغت» است. سید مرتضی با دانش بی‌نظیر لغوی و ادبی، در تفسیر و تأویل آیات قرآن و بیان معنای مقصود در آیات، به شواهد ادبی از کلام عرب و بیان معانی لغوی هر کلمه پرداخته است و در تأویل آیات و مباحث دیگری که در اُمالی حول مسائل مختلف طرح نموده، از دانش

لغوی خود بسیار بهره برده است. مؤلف این بخش را در دو قسم شعر و نثر پی گرفته است. به جهت عنایت و توجه سید به شعر و استشهاد به آن، مؤلف شعر را با تفصیل بیشتری طرح نموده و مثال‌های متعددی برای این روش سید در تأویل آیات و مطالب اُمالی آورده است. وی به اهتمام سید به شعر و استفاده از اشعار در تبیین شواهد مثالی اشاره نموده و حفظیات بسیار سید در شعر، به همراه ذوق و دانش ادبی عمیق ایشان را، از دلایل استفاده و استیفای این شیوه نزد وی برشمرده است.

پنجمین مصدر تأویل در اُمالی، «قرائات» است. در این بخش مؤلف توضیحاتی پیرامون قرائات قرآن و علت پدید آمدن قرائات متعدد و این که سید مرتضی به خوبی از آن‌ها آگاه بوده، بیان می‌کند و در مواردی در کتاب اُمالی به قرائات متعدد در تبیین آیات اشاره می‌کند. در آخرین بخش از این فصل، مؤلف ذیل عنوان «مصادر أُخری»، آنچه در اُمالی به عنوان مصدر بر آن تکیه شده را در دو بخش «أخذ از اساتید» و «أخذ از مصادر» بیان می‌کند. در قسمت اول، شیوخ و بزرگانی را که سید از آن‌ها به عنوان مصدر استفاده کرده و به آن‌ها اعتماد نموده، ذکر کرده است. ابوعلی نحوی، مرزبانی، علی بن عیسی رمانی، ابن جنیقا و چند تن دیگر از بزرگان ادب عربی، اشخاصی‌اند که سید در موارد متعدد، مطالبی را از آن‌ها در تبیین معانی آیات و روایات نقل نموده است.

مؤلف در بخش دوم، ذیل عنوان «أخذ از مصادر»، به بیان سه قسم «مصادر تفسیری»، «مصادر لغت» و «مصادر نحوی» می‌پردازد. مصادر تفسیری که سید مرتضی به آن‌ها استشهاد نموده است، عبارت‌اند از: معانی القرآن فراء، مجاز القرآن اُبی عبیده، معانی القرآن اخفش اوسط، غریب الحديث ابن سلام، اعراب القرآن زجاج، و تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه. مؤلف از هر یک از مصادر فوق تنها به ذکر یک نمونه از مواردی که مرحوم سید در اُمالی به کلام آن‌ها استشهاد کرده، بسنده می‌کند.

مصادر لغوی که سید مرتضی به آن‌ها ارجاع داده نیز عبارت‌اند از: العین، النوادر فی اللغة، تهذیب الألفاظ، البیان و التبین، عیون الأخبار، الکامل، المجالس و الفصیح، کتاب الاشتقاق، الصّحاح و مقایس اللغة. مؤلف برای هر کدام از موارد ده‌گانه بالا، یک شاهد بیان کرده است. وی در بیان مصادر نحوی که سید به آن‌ها استشهاد نموده، به دو کتاب الکتاب سیبویه و سرّ

صناعة الإعراب ابن جتنی اشاره نموده و برای هر یک شاهی از اُمالی آورده است. ممکن است موارد دیگری از مصادر نحوی در رساله این محقق موجود باشد؛ اما آنچه به دست ما رسیده، تنها همین دو مورد در آن موجود است.

فصل دوم پایان‌نامه، در باب خصائص نصّ قرآنی و علاقه آن‌ها به تأویل است. مؤلف در ابتدای این فصل به علت لزوم تأویل برخی آیات قرآن اشاره می‌کند و وجود آیات متشابه در قرآن کریم را در حالی که لازم است برای هدایت و رسیدن به کمال حقیقی در آیات قرآن تدبیر کنیم به مقتضای آیات آن عمل کنیم، یادآور می‌شود. وی در سه بخش به موضوع «محکم و متشابه قرآن» می‌پردازد:

ابتدا به معنای محکم و متشابه از حیث لغوی و اصطلاحی می‌پردازد و اقوال موجود در این باره بین علمای ادب و تفسیر را ذکر می‌کند و در ادامه، از سید مرتضی و مشایخ ایشان در تأویل معانی آیات مطالبی را نقل می‌نماید.

عنوان دوم که مؤلف ذیل عنوان محکم و متشابه در قرآن به بررسی آن پرداخته، «تأویل متشابه» است. وی بیان می‌کند که یکی از مسائل اختلافی، امکان تأویل متشابهات قرآن است. برخی معتقدند امکان ایصال حقیقت برای غیر خداوند وجود ندارد و برخی آن را ممکن می‌دانند. منشأ این اختلاف، اختلاف در عاطفه یا استینافیه بودن او در آیه «و الراسخون فی العلم...» است. اگر او را عاطفه بگیریم، «راسخون» در حکم ماقبل داخل شده و تأویل متشابه را می‌دانند و اگر آن را استینافیه بدانیم، تنها خداوند متعال از تأویل متشابهات قرآن آگاه است.

عنوان سوم این مبحث «حکمت وجود متشابه در قرآن» است. در این مسأله مؤلف اقوال عاظمه و خاصه را در رابطه با مسأله بررسی می‌کند و در ادامه به نظر سید مرتضی در این مسأله اشاره می‌کند. وی دائرة تأویل را در نظر سید مرتضی وسیع‌تر از دیگران دانسته است؛ چرا که مرحوم سید در این مسأله برای عقل نیز منزلی رفیع قائل است؛ در حالی که برخی، مسأله را از محدوده تعبّد فراتر نبرده‌اند.

مبحث دوم از فصل دوم «ظاهر و باطن قرآن» است. طبق بیان پیامبر اکرم ﷺ، قرآن دارای ظاهر و باطن است. مؤلف با بیان این حدیث و اشاره به معنای ظاهر و باطن در لغت و

اصطلاح، به ضرورت تأویل آیات در تبیین معانی باطنی آیات اشاره می‌کند و این مبحث را به پایان می‌برد.

مؤلف در مبحث سوم از فصل دوم، به «معیارهای تأویل و ضوابط آن» اشاره می‌کند. وی ابتدا به اقوال موجود در رابطه با هم معنا بودن یا متفاوت بودن معنای «تفسیر» و «تأویل» می‌پردازد و در پایان مبحث، نظرات در مسأله مذکور را در هفت بند زیر جمع‌بندی می‌کند:

۱. تفسیر و تأویل به یک معناست. این مسلک ابو عبیده و برخی از علمای دیگر است.
۲. تفسیر مهم‌تر از تأویل است. تفسیر بیشتر در الفاظ است و تأویل بیشتر در معانی.
۳. تفسیر در جایی است که به معنای مراد یقین داریم و تأویل در جایی است که قطعی نیست.

۴. تفسیر، بیان وضع لغت است؛ اما تأویل بیان باطن لفظ.
۵. تفسیر، مختص روایت است و تأویل مختص به درایت است.
۶. تأویل به معنای نقل ظاهر لفظ از وضع اصلی آن است، البته با استناد به دلیلی که اگر آن دلیل نباشد از ظاهر عدول نمی‌کنیم.

۷. تفسیر، با تبعیت و سماع بیان می‌شود و تأویل، با استنباط و نظر.

مؤلف، ملاکات و ضوابط تأویل را نیز در پنج بند تشریح می‌کند:

۱. این که تأویل موافق روح نصّ باشد.
۲. مستند به دلیل استوار باشد، نه این که صرف رأی و نظر مؤول باشد.
۳. تطابق معنای مؤول با دیگر آیات و تقدّم قرآن در تأویل قرآن بر سنت.
۴. اطلاع کامل مؤول از معانی لغات؛ حتی در آن جا که یک آیه با معنای آیه دیگر به تأویل برده می‌شود، لازم است تأویل‌برنده از تمام رموز علم عربی مطلع باشد.
۵. اعتبارسنجی روایات نبوی و معصومین قبل از مقایسه با قرآن.

مبحث چهارم فصل دوم، «ضرورت تأویل و نیاز به آن» است. از آن جا که در هر زبانی، علی‌الخصوص زبان عربی، الفاظ، معانی مختلفی دارند و در مواضع مختلف، هر لفظی ممکن است یک یا چند معنای متعدّد داشته باشد و این مسأله در مورد آیات قرآن نیز صادق

است - چنانچه تفاسیر متعددی در بیان معانی هر آیه از مفسّرین ارائه شده است - لذا ناچاریم برای وصال به حقیقت آیات قرآن و فهمیدن معنای مراد از هر آیه، به تأویل آیات متوسّل شویم و وجود مجازهای قرآنی، خود دلیل محکمی است بر این ضرورت و آلا در موارد زیادی معنای آیات در صورتی که به شیوه تحت‌اللفظی ترجمه شود، لازمه‌اش کفر یا کذب و مفاسد دیگر است.

مباحث فصل سوم پایان‌نامه که عمدتاً مباحث موردی و لغوی و بلاغی است در جمع‌بندی خاتمه مطرح می‌شود.

نویسنده، جمع‌بندی و نتیجه مباحث پژوهش را در چندین محور عنوان می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه بیان می‌شود:

۱. با دقت در آثار سیّد مرتضی در می‌یابیم که ایشان در تمام علوم اسلامی تبخّر داشته است.

۲. سیّد مرتضی از اولین کسانی است که به صورت استدلالی و عقلی مباحث اسلامی را مطرح نمود.

۳. سیّد مرتضی هیچ‌گاه به تأویل ابتدایی و بدون دلیل دست نزده و تنها زمانی که دلیل قطعی و یا ضرورتی باشد، به تأویل آیه یا مطلبی اقدام کرده است.

۴. مباحث اعتقادی، مهم‌ترین دغدغه سیّد در طول زندگی ایشان بوده است. این اهتمام در آمالی ایشان نیز به وضوح دیده می‌شود.

۵. سیّد مرتضی در سراسر تألیفاتش با یک اسلوب ادبی مناسب، مطالب را ارائه کرده است؛ چه آن‌جا که مطالب ادبی بوده، و چه موارد دیگر تفسیری، فقهی، کلامی و

۶. سیّد در مواردی که از خود قرآن کریم توضیح و تفسیری برای آیات مشکله وجود نداشته باشد، اقدام به تأویل آیات با استفاده از روایت پیامبر و معصومین علیهم‌السلام نموده است.

۷. سیّد مرتضی درباره حقیقت تشابهات قرآن، تفسیری دارد که مختص ایشان است و طبق آن تفسیر، تشابه به معنای تشابه مراد و مدلول است، نه به معنی مغموض و غیر معلوم.

۸. به نظر سیّد، تأویل مختص تشابهات نیست و در محکّمات نیز گاهی جاری می‌شود.

همچنین در متشابهات نیز آیات قرآن تفاوت ظاهری با هم ندارند، بلکه معنای مراد آن‌ها برای عامه مردم قابل درک نیست و این مطلب در مورد محکمت‌ها نیز صادق است.

۹. سید با آن که در عصری زندگی می‌کرده که علوم ادبی و بلاغی به شکل امروزی نبوده است، اما ایشان به خوبی از عهده بیان معانی لغوی و بلاغی در آیات قرآن و روایات پیامبر و معصومین برآمده است.

۱۰. با بررسی شیوه سید در تفسیر آیات، می‌بینیم که وی برای وصول به معنای صحیح آیه از عناصر زیادی بهره جسته است؛ ابتدا با آگاهی کاملی که از آیات قرآن داشته، با تفسیر آیه به آیه، اقدام به تأویل نموده و بعد از آن با احادیث و نیز اشعار و امثال عرب. جامعیت ایشان در علوم مختلف دلیلی شده بر غنای مطالب ایشان در امالی و دیگر تألیفات وی.

۱۱. از بارزترین خصوصیات علمی سید مرتضی، نقاد بودن ایشان است. با بررسی امالی و شیوه برخورد ایشان با اشعار و امثال عرب و نیز مباحث پیرامون تفسیر، به این نکته پی می‌بریم. ۱۲. در اکثر مباحث امالی، سید مرتضی اقوال در مسأله را بیان می‌کند و قول مختار و صحیح‌تر را انتخاب می‌کند و در مواردی تنها قول قریب به واقع را بیان می‌کند.

۱۳. در مواردی که ایشان به نظریه‌ها می‌پردازد، آن‌ها را با ادله عقلی مورد بررسی قرار می‌دهد و صرف تعبد به یک مطلب، نظریه‌ای را که مخالف ادله عقلی است، نمی‌پذیرد.

(۲۴۰)

منهج الشريف المرتضى و موارده في كتاب «الأمالی»

سعید نعیم جابر

رسالة دکتري

مؤسسه تاريخ عربی و ميراث علمی

استاد راهنما: دکتر وجدان فريق عناد

العارضی

سال ۲۰۰۶م

از این رساله اطلاعات بیشتری یافت نشد و آنچه ذکر شده، بر اساس کارنامگی است که با عنوان «روافد علمية و ابداعات فكرية» دکتر وجدان فريق عناد در پایگاه اطلاع رسانی مرکز احیاء التراث العلمی العربی دانشگاه بغداد به نشانی زیر درج شده است:



<http://rashc.uobaghdad.edu.iq/?p=242>

همچنین استاد راهنمای مذکور در کتابنامه مقاله‌ای که با عنوان «اثر مؤلفات الشريف المرتضى في تطوّر الحركة الفكرية في القرن الرابع الهجري؛ دراسة تاريخية» نوشته و در مجله التراث العلمی العربی فصلیة، شماره ۶۳، سال ۲۰۱۸م چاپ شده، از این رساله نام برده است.

(۲۴۱)

النقد التفسيري عند الشريف المرتضى

احسان محمد حمزة جواد الغرابي

پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده فقه دانشگاه کوفه

سال ۲۰۱۶م

در پایگاه اطلاع رسانی «دار المنظومة»

(الرواد فی قواعد المعلومات العربية) که

ویژه رساله ها و مقالات پژوهشی جهان

عرب است، این رساله معرفی شده، ولی

اطلاعات بیشتری به دست نداده است.

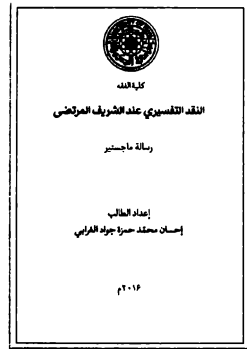
<http://thesis.mandumah.com/Record/>

320632

همچنین صفحه فیسبوک دانشکده

آموزش دانشگاه کوفه، خبر برگزاری جلسه

دفاعیه پایان نامه یادشده را درج کرده است:



<https://www.facebook.com/edu.iq/posts/728479137329476#>

(۲۴۲)

نقد و بررسی پنج مجلس اوّل «أمالی المرتضی» (غرر الفوائد و درر القلائد)

برائعلی چگینی

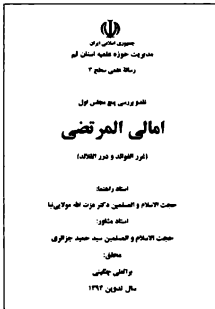
رساله سطح ۳

حوزه علمیه قم

استاد راهنما: عزّت الله مولایی نیا

استاد مشاور: سید حمید جزائری

سال ۱۳۹۴



أمالی سید مرتضی علم الهدی جزو کتب معتبر در ادبیات و تفسیر است و از نگاه فریقین یکی از کتاب‌های عمده در حوزه ادب اسلامی به شمار می‌آید. پیرامون این کتاب تاکنون بررسی جامع و علمی نشده است؛ اما تحقیقی کوتاه توسط محمّد ابوالفضل ابراهیم، و شرح شواهد آن توسط

جوهری در هفت جلد، همچنین پایان‌نامه‌های زیادی در سطح ارشد و دکتری در داخل و خارج از کشور روی آن صورت گرفته است. این کتاب از بهترین منابع برای پاسخگویی به شبهات در اعصار مختلف از جمله عصر حاضر است. در این رساله به بررسی پنج مجلس اوّل أمالی با رویکرد ادبی، تفسیری، روایی، کلامی و... پرداخته شده است و سعی شده حتی‌المقدور از مستندات ارائه‌شده و از متن آن چیزی کاسته نشود.

(۲۴۳)

**The Climax Of Speculative Theology In Būyid Shī'ism: The
Contribution Of Al-Sharīf Al-Murtaḍā**

حسین علی عبدالساتر

رساله دکتری مطالعات دینی

دانشگاه ییل، امریکا

استاد راهنما: گرهارد بورینگ

سال ۲۰۱۳ م

THE CLIMAX OF SPECULATIVE THEOLOGY IN BŪYID SHĪ'ISM:
THE CONTRIBUTION OF AL-SHARĪF AL-MURTAḌĀ

A Dissertation
Presented to the Faculty of the Graduate School
of
Yale University
in Candidacy for the Degree of
Doctor of Philosophy

by
Hussein Ali Abdulatter

Dissertation Director: Gerhard H. Böwering
May 2013

این رساله برای شناختن تجزیه و تحلیل و
تلاش‌های کلامی و فقهی شریف مرتضی به
رشته تحریر درآمده است و هدف آن دستیابی
به درکی دقیق از اندیشه او و ارزیابی میراث او در
چارچوب امامیه است؛ به‌ویژه روابط طولانی وی
با دانشمندان معتزلی و اثرپذیری از آموزه‌های
آنها.

در این اثر، زمینه اندیشورانه کلامی مرتضی نیز در برابر دورنمای تغییرات اجتماعی و
سیاسی که به نفع شیعه امامی تمام شد، ارائه می‌شود؛ در حالی که مقام مرتضی به عنوان
یک شخصیت سیاسی بلندپایه، برای به ثمر نشاندن این تحولات، جایگاهی رفیع به وی
می‌بخشد.

این رساله به یک مقدمه، شش فصل و یک نتیجه‌گیری تقسیم شده است:
مقدمه، موضوعاتی را ارائه می‌دهد که سؤالات اصلی پایان‌نامه را تشکیل می‌دهند.
فصل اول، شرح حال تفصیلی و جامع شریف مرتضی را دربر دارد و به محیط

اجتماعی و رویدادهای تاریخی عصر وی و نیز به بررسی آثار او می‌پردازد.

فصل دوم درباره مبانی کلامی سید است. نویسنده در این فصل به مسأله ارتباط میان اندیشه کلامی تشیع امامی و مکتب اعتزال به طور مبسوط پرداخته است. وی ابتدا به دو دیدگاه اصلی در این زمینه، یعنی نظریه اخذ و اقتباس دیدگاه‌های معتزله از سوی متکلمان امامی، و در مقابل آن، نظریه استقلال عقاید امامیه از کلام معتزله با وجود مشابهت‌های عقیدتی بنیادین میان آن دو اشاره کرده است. به گفته وی، حامیان نظریه استقلال کلام شیعه از معتزله، یا احادیث ائمه علیهم‌السلام را به عنوان بنیادهای نظری دیدگاه‌های شیعه در باب اصول اعتقادی لحاظ می‌کنند - که با وجود آن‌ها نیازی به استمداد از منابع خارجی همچون کلام معتزله نبوده است - یا بر استقلال فکری متکلمان نخستین امامی که جریان کلام نخستین امامیه با آن‌ها آغاز شد، تکیه می‌نمایند.

به نظر نویسنده، اساساً توصیف یک «ارتباط» به «تأثیر»، آن گاه که به حد «وابستگی اندیشه‌ها» برسد، با دشواری‌هایی مواجه است. برخی از این مشکلات، ناشی از ملاحظات روش‌شناسانه است؛ به این معنا که هیچ قواعد دقیقی برای اثبات واقعیت «تأثیر» به نحو قطعی نمی‌توان در نظر گرفت. افزون بر این، برای اثبات یک «اثرگذاری» یا «تأثیرپذیری»، به طور معمول، وجود شواهد خارجی و داخلی ضروری است؛ یعنی هم باید تحولات زمانی و تقارن‌های محلی را بررسی نمود تا امکان تعامل میان سنت‌ها و نویسندگان مختلف را تأیید کرد، و هم باید مشابهت‌های مفهومی و همانندی‌های متنی را مورد مطالعه قرار داد تا احتمال شباهت‌های صرفاً اتفاقی را از میان برد.

نویسنده به مقایسه دیدگاه‌های شریف مرتضی از یک سو با شیخ مفید و شیخ طوسی، و از سوی دیگر با آرای قاضی عبدالجبار معتزلی پرداخته است و نقاط اشتراک و اختلاف عقیدتی میان آن‌ها را در چهار بخش برشمرده است: ۱. نقاط اشتراک عقیدتی میان همه آن‌ها؛ ۲. نقاط اشتراک عقیدتی میان مفید و مرتضی و طوسی که قاضی عبدالجبار بدان‌ها معتقد نیست؛ ۳. نقاط اشتراک عقیدتی میان مرتضی و قاضی عبدالجبار که شیخ مفید آن‌ها را نپذیرفته است؛ ۴. عقایدی (مثل نظریه صرفه) که فقط مرتضی قبول دارد و مفید و طوسی و قاضی بدان‌ها معتقد نیستند.

او سپس نتیجه می‌گیرد که در زمینه عقاید امامی، شریف مرتضی تا حد زیادی اصطلاحات و اندیشه‌های متکلمان عقل‌گرای پیش از خود را حفظ کرده است، ولی آن‌ها را به گونه‌ای متفاوت از پیشینیان به کار برده است. به نظر عبدالساتر، آثار سید مرتضی در خصوص کلام معتزلی، نوعی دیگر از اثرپذیری را نشان می‌دهند. شریف مرتضی از استدلال‌های معتزلیان بصری که از منظر وی به نتایج نادرستی می‌انجامد، پیروی نکرده است. او همچنین گاه ناگزیر شده در برخی دیدگاه‌های معتزله، اصلاحات و تغییراتی را ایجاد کند تا آن‌ها را با عقاید تثبیت‌شده امامیه سازگار و موافق سازد. در نهایت، به نظر می‌رسد که از نگاه عبدالساتر، شریف مرتضی صورت کلام اعتزالی را پذیرفته است، ولی با محتوای آن چندان موافق نیست یا این که پس از اعمال اصطلاحاتی در اندیشه‌های معتزلی، آن‌ها را قبول کرده است.

در فصل سوم، دیدگاه سید مرتضی در مورد نظریات اخلاقی و عدالت الهی بررسی شده است. ارزش اعمال، پیامدهای احتمالی آن‌ها، لطف خداوند نسبت به انسان‌ها و... از مباحث این فصل است.

موضوع فصل چهارم، امامت از دیدگاه سید است. ضرورت وجود امام، شرایط امام، چگونگی نصب امام و مباحثی از این دست در این فصل طرح شده است.

فصل پنجم به نبوت، ضرورت نبوت و ابزار تأیید ادعاهای نبوی اختصاص یافته است. بحث از اعجاز انبیاء و اعجاز قرآن و نبوت پیامبر اسلام از دیگر مطالب این فصل است.

فصل ششم درباره دیدگاه‌های فقهی سید مرتضی است. منابع فقه از نظر سید، جنبه‌های متمایز فقه وی در برابر مواضع دیگر معاصرانش و نیز رابطه میان فقه و اخلاق، از مباحث این فصل است.

فهرست مطالب

ادامه بخش سوم: پایان نامه های کلامی

۱۰۱. مبانی هدایت و ضلالت از دیدگاه سید مرتضی علم الهدی علیه السلام و فخر الدین رازی، ۵
۱۰۲. مجرد و مادی بودن نفس از منظر سید مرتضی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی ۱۱
۱۰۳. مسأله الإمامة فی مذهب الشیعة؛ دراسة مقارنة فی نظریة الإمامة عند..... ۱۴
۱۰۴. نقد و تحلیل های سید مرتضی در کتاب «الشافی» بر قاضی عبدالجبار در..... ۱۵
۱۰۵. معجزه از دیدگاه سه مکتب کلامی ناظر بر آرای عبدالجبار معتزلی، شهرستانی و..... ۲۱
۱۰۶. معرفت اضطراری در اندیشه های نخستین اسلامی تا قرن پنجم..... ۲۶
۱۰۷. معصومانه یا خطا پذیر بودن علم امام از دیدگاه متکلمین مکتب بغداد..... ۳۳
۱۰۸. معادشناسی از دیدگاه شیخ صدوق و سید مرتضی..... ۳۶
۱۰۹. مقایسه آرای سید مرتضی و علامه طباطبایی در باب عصمت انبیاء..... ۴۰
۱۱۰. نقد و بررسی پاسخ های سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و فخر رازی به برخی از ۴۸
۱۱۱. مقایسه اندیشه های کلامی شیعی در مدرسه های بغداد و حله..... ۵۰
۱۱۲. مقایسه عقل کلامی و فلسفی در بحث مبدأشناسی از منظر سید مرتضی، قاضی ۵۴
۱۱۳. نظریة الإمامة عند الشریف المرتضی؛ دراسة مقارنة..... ۶۰
۱۱۴. مفهوم العصمة؛ دراسة مقارنة بین ما کتبه السید المرتضی و العلامة الحلی..... ۶۳
۱۱۵. نقد و بررسی اندیشه تأثیرپذیری متکلمان امامیه قرن چهارم و پنجم از معتزله در عدل الهی ۶۶
۱۱۶. نقد و بررسی تبیین عقلانی ضرورت امامت عامه، از دیدگاه فیلسوفان و..... ۷۰
۱۱۷. نقد و بررسی دیدگاه وهابیت در رابطه با مرز کفر و ایمان از دیدگاه متکلمین امامیه..... ۷۶
۱۱۸. نقش عقل در فهم و تبیین آموزه های دینی؛ بررسی تطبیقی [دیدگاه]..... ۸۰

بخش چهارم: پایان نامه های فقهی

۱۱۹. پیدایش و تطوّر مصلحت در فقه سیاسی شیعه تا پایان قرن ششم..... ۸۷
۱۲۰. ترجمه و شرح و تحقیق باب طهارت [از کتاب] «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی ۹۰

۱۲۱. ترجمه، شرح و تحقیق باب طهارت [از کتاب] «الناصريات» سید مرتضی علم الهدی..... ۹۱
۱۲۲. ترجمه، شرح و تحقیق بخش حجّ، زکات، صیام، طلاق و نکاح از..... ۹۲
۱۲۳. ترجمه، شرح و تحقیق کتاب بیع، ربا، صرف و کتاب شفعه از [کتاب] «الانتصار»..... ۹۳
۱۲۴. ترجمه، شرح و تحقیق کتاب الصیام از کتاب «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی..... ۹۴
۱۲۵. ترجمه، شرح و تعلیق مبحث قضا و شهادت از کتاب «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی..... ۹۶
۱۲۶. ترجمه فصل طلاق تا ابتدای فصل عدّه از کتاب «انتصار» تألیف مرحوم سید مرتضی..... ۹۸
۱۲۷. ترجمه قسمتی از کتاب «جمل العلم والعمل»..... ۹۹
۱۲۸. ترجمه کتاب حدود «انتصار» سید مرتضی علم الهدی..... ۱۰۰
۱۲۹. ترجمه کتاب الصلاة «مسائل الناصريات» سید مرتضی (به زبان اردو)..... ۱۰۱
۱۳۰. ترجمه و بررسی مسائل البیع از کتاب «الانتصار» سید مرتضی..... ۱۰۲
۱۳۱. ترجمه و تحقیق باب زکات از کتاب «الانتصار» سید مرتضی..... ۱۰۳
۱۳۲. ترجمه و تحقیق بخش حدود و دیات کتاب «الانتصار» سید مرتضی..... ۱۰۴
۱۳۳. ترجمه و تحقیق فصل قضا و شهادت از کتاب «الانتصار» سید مرتضی..... ۱۰۵
۱۳۴. ترجمه و تحقیق کتاب «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی؛ مسائل الصيد و..... ۱۰۶
۱۳۵. ترجمه و تحقیق کتاب حج از «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی..... ۱۰۸
۱۳۶. ترجمه و تحقیق مباحث حدود، قصاص و دیات از کتاب «انتصار» سید مرتضی..... ۱۰۹
۱۳۷. ترجمه و تحقیق مباحث نکاح و طلاق از کتاب «الانتصار»..... ۱۱۱
۱۳۸. ترجمه و تحقیق مبحث ارث از کتاب «الانتصار»..... ۱۱۳
۱۳۹. ترجمه و تحقیق مسائل بخش نماز از کتاب «الانتصار» سید مرتضی علم الهدی..... ۱۱۴
۱۴۰. ترجمه و تحقیق مسائل نکاح از کتاب «انتصار» سید مرتضی..... ۱۱۵
۱۴۱. ترجمه، شرح و تحقیق کتاب‌های بیع، شفعه، رهن، غصب، دیات، ایمان، قضا و..... ۱۱۶
۱۴۲. ترجمه و تفسیر باب موارد و فرائض کتاب «انتصار»، تألیف مرحوم سید مرتضی..... ۱۱۸
۱۴۳. شرح و تحقیق مسائل حدود، قصاص و دیات از کتاب «الانتصار» تألیف سید مرتضی..... ۱۱۹
۱۴۴. مکتب‌شناسی فقهی شیخ مفید و سید مرتضی..... ۱۲۱
۱۴۵. مفردات امامیه در حقوق کیفری اسلام: ترجمه و تحقیق کتاب حدود، ۱۲۳
۱۴۶. منهج اجتهادی سید مرتضی علم الهدی..... ۱۲۵
۱۴۷. المنهج الاجتهادی عند المفید و المرتضی رحمتهما..... ۱۲۶

بخش پنجم: پایان نامه‌های اصولی

۱۴۸. ترجمه و تحقیق مباحثی از کتاب «دروس فی علم الأصول» سید محمّد باقر صدر..... ۱۳۱
۱۴۹. تحلیل زبان‌شناختی آرای سید مرتضی در مباحث الفاظ علم اصول..... ۱۳۲
۱۵۰. تطبیق نظرات اصولی سید مرتضی و شیخ طوسی..... ۱۳۹
۱۵۱. خبر الآحاد عند الشریف المرتضی؛ دراسة نقدیة..... ۱۴۵
۱۵۲. شرح حال سید مرتضی علم الهدی و بیان و تحقیق درباره حقیقت و مجاز «الذریعة»..... ۱۴۸
۱۵۳. الشریف المرتضی و دلیل الإجماع فی عملیة الاستنباط الفقہی؛ دراسة عرض و تحلیل..... ۱۵۰
۱۵۴. مطالعه تطبیقی حجت خبر واحد از دیدگاه سید مرتضی و شیخ انصاری..... ۱۵۱

بخش ششم: پایان نامه‌های ادبی

۱۵۵. آلیات التأویل فی أمالی المرتضی؛ دراسة نقدیة..... ۱۵۹
۱۵۶. الاتجاهات النقدیة والأدبیة فی أمالی القرن الخامس الهجری؛ المرزوقی و..... ۱۶۲
۱۵۷. أثر الشریف المرتضی فی الدراسات البانیة..... ۱۶۵
۱۵۸. أدب المرتضی من سیرته و آثاره..... ۱۶۶
۱۵۹. أسالیب النحو العربی فی أمالی السید المرتضی..... ۱۷۱
۱۶۰. الأسالیب ذات الوظائف الدلالیة المساعدة فی دیوان الشریف المرتضی دراسة نحویة دلالیة..... ۱۷۲
۱۶۱. أسلویة التركیب فی شعر الشریف المرتضی..... ۱۷۴
۱۶۲. البحث اللغوی فی كتب الأمالی..... ۱۷۹
۱۶۳. البحث النحوی فی تفسیر الشریف المرتضی؛ دراسة وصفیة تحلیلیة..... ۱۸۱
۱۶۴. بررسی آرای نقدی سید مرتضی علم الهدی..... ۱۸۲
۱۶۵. بررسی حکمت در دیوان سید مرتضی - بخش اول (الف تا صاد)..... ۱۸۴
۱۶۶. بررسی رثای حسینی و فخر به اهل بیت (علیهم السلام) و توصیف مظاهر دینی در دیوان..... ۱۸۸
۱۶۷. بررسی غزلیات شریف مرتضی..... ۱۹۲
۱۶۸. بررسی کتابه و انواع آن در «أمالی» شریف مرتضی..... ۱۹۴
۱۶۹. بررسی و ترجمه و تحلیل غزلیات سید مرتضی..... ۱۹۹
۱۷۰. البلاغة القرآنیة فی «أمالی المرتضی»..... ۲۰۵
۱۷۱. ترجمه کتاب «الدلالة القرآنیة عند الشریف المرتضی»..... ۲۰۷
۱۷۲. ترجمه و تحلیل ادبی و محتوایی مراثی حسینی در دیوان شریف مرتضی..... ۲۱۰

۱۷۳. تجلی مضامین «نهج البلاغة» در اشعار شریف مرتضی و مهیار دیلمی..... ۲۱۷
۱۷۴. تعدّد وجوه إعراب الآيات القرآنية في كتب الأمالی النحویة..... ۲۱۹
۱۷۵. التناصّ القرآنی فی شعر الشریفین الرضی و المرتضی..... ۲۲۱
۱۷۶. توظیف الشعر العربی فی تفسیر و تأویل القرآن فی تراث الشریف المرتضی..... ۲۲۳
۱۷۷. جایگاه شریف مرتضی رحمته الله در نقد ادبی سده پنجم هجری..... ۲۲۵
۱۷۸. الحجاج اللغوی فی مؤلفات الشریف المرتضی..... ۲۳۰
۱۷۹. الخطاب النقدي عند الشریفین الرضی و المرتضی..... ۲۳۱
۱۸۰. الدلالة القرآنية عند الشریف المرتضی؛ دراسة لغویة..... ۲۳۹
۱۸۱. الدلالة النحویة فی تفسیر الشریف المرتضی، المسمّی بـ«نفاث التأویل»..... ۲۴۱
۱۸۲. دیوان الشریف المرتضی؛ دراسة لغویة..... ۲۴۲
۱۸۳. الرثاء عند الشریف المرتضی..... ۲۴۳
۱۸۴. الرثاء فی شعر الشریف المرتضی؛ دراسة فنیة..... ۲۴۴
۱۸۵. شرح مرآئی شریف مرتضی، بخش یکم..... ۲۴۵
۱۸۶. شرح مرآئی شریف مرتضی، بخش دوم..... ۲۴۷
۱۸۷. شرح مرآئی شریف مرتضی، بخش سوم..... ۲۴۸
۱۸۸. الشریف المرتضی بین إبداع الشعری و النقد الأدبی..... ۲۵۰
۱۸۹. الشریف المرتضی ناقد..... ۲۵۱
۱۹۰. الشریف المرتضی ناقد..... ۲۵۴
۱۹۱. الشریف المرتضی و أدبه..... ۲۵۵
۱۹۲. الشریف المرتضی و جهوده النحویة و اللغویة..... ۲۶۲
۱۹۳. الشعر الاجتماعي عند الشریف المرتضی؛ دراسة تحليلیة..... ۲۶۴
۱۹۴. شعر الشریف المرتضی؛ دراسة فنیة..... ۲۶۶
۱۹۵. شعر الشریف المرتضی؛ دراسة موضوعیة فنیة..... ۲۶۷
۱۹۶. الصورة الأدبیة فی شعر الشریف المرتضی..... ۲۶۸
۱۹۷. الصورة الفنیة فی دیوان الشریف المرتضی؛ دراسة نقدیة..... ۲۶۹
۱۹۸. صورة الإمام الحسین عليه السلام فی شعر الشریفین الرضی و المرتضی..... ۲۷۰

۱۹۹.	علل التعبير في تراث الشريف المرتضى.....	۲۷۱
۲۰۰.	الغرض الشعري بين تصوّرات الناقد و واقع الشعر؛ مقارنة بين آراء قدامة بن جعفر.....	۲۷۳
۲۰۱.	الغزل في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة موضوعية و فنية.....	۲۷۶
۲۰۲.	الفخر و الحماسة في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة تحليلية.....	۲۷۸
۲۰۳.	فنّ الرثاء في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة فنية.....	۲۸۰
۲۰۴.	فنّ الرثاء عند الشريف المرتضى؛ دراسة فنية و نقدية.....	۲۸۱
۲۰۵.	الفنّ الشعري بين الشريفين الرضي و المرتضى؛ عرض و تحليل و موازنة.....	۲۸۳
۲۰۶.	قصيدة الرثاء عند الشريفين الرضي و المرتضى؛ دراسة و نقد و موازنة.....	۲۸۵
۲۰۷.	القضايا النحوية و الصرفية في «أمالى السيّد المرتضى».....	۲۸۶
۲۰۸.	القيم الخلقية في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة موضوعية فنية.....	۲۸۷
۲۰۹.	لغة الشعر عند الشريف المرتضى.....	۲۸۹
۲۱۰.	المباحث اللغوية في تفسير «نفاث التاويل».....	۲۹۲
۲۱۱.	المديح في شعر الشريف المرتضى؛ دراسة فنية.....	۲۹۴
۲۱۲.	مضامين شيعي در شعر شريف رضى و شريف مرتضى.....	۲۹۵
۲۱۳.	مقارنة اشعار الشريفين الرثائية.....	۲۹۸
۲۱۴.	النحو في «أمالى الشريف المرتضى».....	۳۰۰
۲۱۵.	وسائل السبك و الحجب في ديوان الشريف المرتضى؛ دراسة نصية.....	۳۰۱
216.	Al-Sharif Al-Murtada's Contribution To The Theory Of Plagiarism In Arabic Poetry (Yemen).....	۳۰۴

بخش هفتم: پایان نامه های تاریخی و اجتماعی

۲۱۷.	اوضاع مدارس شیعی در چهار قرن اول هجری.....	۳۱۱
۲۱۸.	زمینه های رشد و نضج شیعه از قرن چهارم تا ششم هجری.....	۳۱۳
۲۱۹.	وضعیت شیعیان بغداد در دوران سیّد مرتضى.....	۳۱۵
۲۲۰.	إسهامات الشريف المرتضى في تطوّر العلوم الإسلامية.....	۳۱۸
۲۲۱.	بررسی تغییرات اندیشه اجتماعی فقهای امامیه با تأکید بر آرای شیخ مفید و.....	۳۱۹
۲۲۲.	فرد و دولت در اندیشه شیخ مفید و سیّد مرتضى.....	۳۲۵
۲۲۳.	المرأة في شعر الشريفين المرتضى و الرضى؛ دراسة موضوعية و فنية موازنة.....	۳۳۲

بخش هشتم: پایان‌نامه‌های کتابشناسی، زندگی‌نامه و نقد

۲۲۴. آمالی الشریف المرتضی: دراسة فى المنهج والنقد والتأویل ۳۳۷
۲۲۵. آمالی المرتضی: دراسة تحليلية مقارنة فى تأویل آی القرآن ۳۳۹
۲۲۶. بررسی و معرفی کتاب «الانتصار» تألیف سید مرتضی ۳۴۱
۲۲۷. تحقیق کتاب «الشهاب فى الشیب و الشباب» ۳۴۲
۲۲۸. ترجمه شرح حال شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی رحمتهما الله ۳۴۳
۲۲۹. ترجمه و تحقیق کتاب «الذخيرة فى علم الکلام» (از بحث نبوات تا آخر) ۳۴۴
۲۳۰. تصحیح انتقادی کتاب «الذخيرة» سید مرتضی (از باب امامت) و مقایسه مبانی فکری ۳۴۶
۲۳۱. رسائل الشریف المرتضی؛ دراسة اسلوبية ۳۵۳
۲۳۲. شرح احوال، افکار و آثار سید مرتضی علم الهدی ۳۵۵
۲۳۳. الشریف المرتضی ۳۵۶
۲۳۴. الشیب و الشباب فى الشعر العربی حتى نهاية القرن الرابع الهجرى مع تحقیق ۳۵۷
۲۳۵. طیف الخیال بین البحرى و الشریف المرتضی ۳۶۱
۲۳۶. طیف الخیال عند الشریف المرتضی بین النظرية و التطبيق ۳۶۲
۲۳۷. طیف الخیال للشریف المرتضی؛ دراسة ادبية تحليلية نقدية ۳۶۳
۲۳۸. غرر الفوائد و درر القلائد؛ دراسة منهجية ۳۶۵
۲۳۹. منهج التأویل فى «أمالی المرتضی» ۳۶۶
۲۴۰. منهج الشریف المرتضی و موارد فى کتاب «الأمالی» ۳۷۳
۲۴۱. النقد التفسیری عند الشریف المرتضی ۳۷۴
۲۴۲. نقد و بررسی پنج مجلس اول «أمالی المرتضی» (غرر الفوائد و درر القلائد) ۳۷۵
243. The Climax Of Speculative Theology In Būyid Shī'ism: The Contribution Of Al - Sharif Al-Murtaḍā ۳۷۶